

بنام خدا

مقدمه

فرهنگ نویسی، آنهم به دوزبان، کاری دشوار و دقیق است. دشواری کار هنگامی بیشتر می شود که موضوع آن نظیر موضوع فرهنگ حاضر با نظام های حقوقی متفاوتی ارتباط داشته باشد که از هم بسیار دوراند و از منشاءهای کاملاً متفاوت نشأت گرفته اند. با وجود این در دسترس نبودن یک فرهنگ حقوقی فارسی به انگلیسی و نیاز مبرم به آن، به ما جرئت داد چنین وظیفه ای را علی رغم ناتوانی خویش بر عهده گیریم. بالاخره گام نخست را کسی بایست برمی داشت. گامهای بعدی بدون تردید استوارتر و مطمئن تر خواهند بود.

این فرهنگ شامل معانی و توضیحات بیش از چهارده هزار اصطلاح حقوقی است که از متن قوانین ایران استخراج گردیده اند. به علاوه تا حد امکان به مواد مربوط نیز اشاره شده است تا استادان، دانشجویان حقوق و متخصصانی که علاقمند به تحقیق بیشتر در این زمینه اند از آن بهره گیرند.

از آنجا که علم حقوق ناظر بر کلیه شؤون زندگی انسان و در ارتباط تنگاتنگ با سایر علوم مانند علوم اداری، بانکداری، اقتصاد، بیمه، بازرگانی، پزشکی، علوم سیاسی، فقه، گمرک و مالیه است، لذا بسیاری از واژه های این علوم نیز در فرهنگ های حقوقی و از جمله در فرهنگ حقوقی حاضر دیده می شوند. هم چنین تعدادی از اصطلاحات نظام های حقوقی دیگر که جای واقعی آن ها در فرهنگ حقوقی انگلیسی - فارسی است (مثل معاون بعد از وقوع جرم، معاون قبل از وقوع جرم، معاون حین ارتکاب جرم؛ ملک تیول) و نیز کلماتی غیر فنی و معمولی که جای درست آن ها در فرهنگ های عمومی است (مثل نفی، فوق العاده...) بدلیل مرتبط بودن با اصطلاحات حقوقی (مانند نفی

فرهنگ حقوقی (فارسی - انگلیسی)

تألیف: مسعود الظفر صمیمی کیا - فروز آذر فر (هندی زاده)

ناشر: انتشارات تهران هستی

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: آذرماه ۱۳۷۳

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

چاپ: چاپ سحاب

صحافی: صحافی سروش

کلیه حقوق طبع و نشر و تجدید چاپ متعلق به مولفین است و هر گونه اقتباس و تکثیر بدون کسب اجازه از مولفین ممنوع است.

بلد، فوق العاده خارج از مرکز،...) و یا بدلیل کثرت استعمال آن‌ها در متون حقوقی، در این فرهنگ راه یافته‌اند.

مقایسه نهادهای حقوقی دو نظام حقوقی متفاوت (مانند مقایسه "trust" در کامن‌لا با «وقف» در حقوق ایران) به هیچ وجه کار آسانی نیست. در پاره‌ای موارد اساساً امکان ندارد که معنی یک اصطلاح بطور دقیق به زبان دیگر ترجمه شود. در بهترین حالت می‌توان معنی یا مفهوم نزدیک به معنی اصلی را ذکر کرد. بنابراین در چنین مواردی نزدیک‌ترین معنی ارائه گردیده یا اصطلاح به انگلیسی توضیح داده شده است.

پاره‌ای اوقات حفظ مفرد و جمع کلمات فارسی در معادل انگلیسی آنها دشوار بوده است. بنابراین ممکن است که یک کلمه فارسی مفرد در انگلیسی به جمع تبدیل شده باشد و بالعکس. اکثر اصطلاحات ترکیبی در بیشتر از یک محل ذکر شده است تا اگر اصطلاحی در محل خود در ذیل عنوان فرعی مربوط نداشت، بتوان آنرا در ذیل عنوان اصلی یا فرعی دیگری نیز جستجو کرد.

امید است که دانشجویان حقوق، حقوقدانان، مدیران تجارت، مترجمان و سایر استفاده‌کنندگان، این فرهنگ را با وجود کاستی‌هایی که دارد قابل استفاده و مفید یابند. با وجود نهایت کوششی که به عمل آمده است، هنوز نقایصی در فرهنگ حاضر وجود دارد و نمی‌توان ادعا کرد که یک اثر جامع یا خالی از اشتباه است. انتظار می‌رود اساتید فن و صاحب نظران با راهنمایی‌ها و تذکرات خود ما را در رفع این نقایص یاری فرمایند.

در پایان وظیفه خود میدانیم از کلیه دوستان دانشمندی که از ابتدا تا پایان این کار ما را به هر طریقی یاری، راهنمایی یا تشویق کرده‌اند و وقت گرانبهای خود را در اختیار ما قرار داده‌اند، بویژه از آقای دکتر عبدالحمید ابوالحمد، آقای منوچهر غیبی، آقای دکتر مجتبی کزازی، آقای دکتر جعفر نیایی و آقای اکبر هندی‌زاده صمیمانه تشکر نمائیم.

مسعود الظفر صمیمی‌کیا - فروز آذرفر (هندی‌زاده)

۷۱/۱۲/۱۸

توضیحات

۱- ذکر این نکته ضروری است که در تنظیم لغات و اصطلاحات مدخل اصلی با حروف درشت و در زیر آن ترکیبات وابسته با حروف ریزتر آمده است. مشتقات مربوط به مدخل اصلی خود هر یک واحد جداگانه‌ای را تشکیل داده‌اند. به عنوان مثال «اجاره» یک مدخل اصلی به‌شمار آمده و با حروف درشت به چاپ رسیده است. ترکیبات وابسته به آن مانند اجاره اشخاص؛ اجاره اشیا؛ ... با حروف ریزتر چاپ شده‌اند. مشتقات مربوط به مدخل اصلی مانند اجاره‌دار؛ اجاره‌داری؛ ... هر یک واحد جداگانه‌ای را تشکیل داده و با حروف درشت به چاپ رسیده‌اند. ترکیبات وابسته به آنها مانند اجاره‌داران مشترک و اجاره‌داری مشترک با حروف ریزتر، در زیر آن‌ها چاپ شده‌اند.

۲- در متون حقوقی مورد استناد برخی از لغات و اصطلاحات به صورت جمع و در پاره‌ای از موارد نیز در مفاهیمی متمایز از مفهوم مفرد آن بکار رفته است به همین دلیل در فرهنگ حاضر برخی از لغات و اصطلاحات را هم به صورت مفرد و هم به صورت جمع خواهید یافت.

۳- در بسیاری موارد برای لغات و اصطلاحات چندین معادل انگلیسی داده شده است. سعی بر آن بوده است که معادلهای به ترتیب اهمیت و کاربرد حقوقی آنها آورده شوند.

۴- در مواردی که یک مدخل فارسی دارای چندین معادل انگلیسی است و معادلهای در پاره‌ای از اجزاء مشترک هستند از تکرار جزء مشترک خودداری شده است. مانند:

ابلاغ کردن To serve person with warrant, writ, notice, process, attachment, etc.

که در معادل فوق از تکرار To serve person with برای ساختن معادلهای داده شده

خودداری شده است.

۵- در مواردی که یک لغت و یا اصطلاح دارای معانی متفاوت باشد، با شماره مشخص گردیده‌اند مانند: ۱- دفتر / اداره / محل کار ۲- دفتر / کتابچه ثبت.

۶- لغات و اصطلاحات عربی بدون توجه به صورت دستوری آنها و صرفاً بر مبنای حروف الفبا تنظیم شده‌اند.

۷- در مورد نام مؤسسات، نهادها، وزارتخانه‌ها، کانونها و غیره در ایران سعی بر آن بوده است معادلهای انتخاب شده توسط آن مؤسسات و نهادها و... ارائه گردد در غیر اینصورت معادل ساخته شده است.

۸- معادلهایی که انگلیسی نیستند و از ریشه‌های فارسی، لاتین، عربی و فرانسه گرفته شده‌اند با حروف بزرگ به چاپ رسیده‌اند (مانند QANAT, EX OFFICIO, SHARIA, - FORCE MAJEURE).

۹- املاء بعضی از کلمات گاهی به سبک انگلیسی و گاهی به سبک آمریکائی به هر دو صورت بکار رفته است (مانند labor, labour; defense, defence).

ترکیبات فعلی مدخل اصلی فقط در مواردی آورده شده است که در زبان انگلیسی صورت خاصی پیدا می‌کند مانند:

گواه آوردن To call someone to witness; to cite as an example

گواه خواستن / گرفتن To call to witness

فهرست اختصارات فارسی

آئین دادرسی کیفری	آدی
آئین دادرسی مدنی	آدم
جمع	ج
قانون اجرای احکام مدنی	قا ا م
قانون امور حسبی	قا ح
قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت	قا ا ت
قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران	ق ب ا ک
قانون تجارت	ق ت
قانون ثبت احوال	ق ث ا
قانون ثبت اسناد و املاک	ق ث ا ا
قانون ثبت شرکت‌ها	ق ث ش
قانون حدود و قصاص ^۱ *	ق ح ق
قانون راجع به مجازات اسلامی *	ق ر م ا
قانون زمین‌های شهری	ق ز ش
قانون کار	ق ک
قانون مدنی	ق م
قانون مجازات اسلامی (دیات)*	ق م ا
قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)*	ق م ا ت
قانون مجازات عمومی *	ق م ع
قانون مالیات‌های مستقیم	ق م م
ماده	م

* - مواد ارجاعی به قوانین مزبور مربوط به قانون‌های قبل از مصوبات مجمع تشخیص مصلحت هستند.

منابع

ابوالحمد، عبدالحمید؛ فرهنگ اصطلاحات حقوقی؛ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران؛
تهران ۱۳۵۳

جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق؛ انتشارات ابن سینا؛ ۱۳۴۶؛ تهران
حییم، س؛ فرهنگ فارسی - انگلیسی؛ انتشارات فرهنگ معاصر؛ ۱۳۶۳؛ تهران
دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۳۷؛ تهران
فرهنگ، منوچهر؛ فرهنگ علوم اقتصادی؛ چاپ چهارم؛ انتشارات آزاده؛ ۱۳۶۳؛ تهران
معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ چاپ دوم؛ انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۵۳؛ تهران

Baleyte, J-Kurgansky A. - Laroche. C- Spindler J.; Dictionnaire Juridique, Nouveau
Dictionnaire Th. A. Quemner - Francais - Anglais, Anglais - Francais; Editions De
Navarre, Paris 1977.

Ballentine, J.A.; Ballentine's Law Dictionary; Third Edition; 1969; California.

Black, Henry Campbell; Black's Law Dictionary; Fourth Edition; 1968; Minnesota;
Abridged Fifth Edition; 1983 Minnesota.

Burton, William C.; Legal Thesaurus; 1980, New York.

Gifa, Steven H.; Law Dictionary, 1984; New York.

Gordon, F.S. and Hemnes T.M.S. and Weinstien C.E.; The Legal World Book;
Second Edition; 1982; Boston.

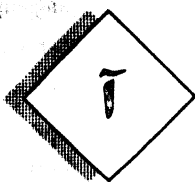
Webster, Merriam; Webster's New Collegiate Dictionary; 1979; Massachusetts.

فهرست اختصارات انگلیسی

abbreviation	abr.
Criminal Law	Cr. Law
especially	esp.
figurative(ly)	fig.
for example	e.g.
literal(ly)	lit
Obsolete	obs.
Opposed to; opposite	opp.
plural	pl.
popular(ly)	pop.
Salamollah Aleyhim (peace be upon him)	S.A.
someone	s.o.
that is	i.e.

ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

آ
ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س



territorial or coastal waters	آبهای ساحلی	procedural law; procedure; pleading and practice	آیین دادرسی
habitation; village; inhabited place	آبادی	commercial procedure	آیین دادرسی تجاری
prestige; honour; credit	آبرو / شرف (م ۲۰۴ ق م)	criminal procedure	آیین دادرسی کیفری
pregnant; expectant	آبستن	civil procedure	آیین دادرسی مدنی
to expect a baby	آبستن بودن	regulations; by-laws; rules; orders	آیین نامه
to conceive	آبستن شدن	decree stating measures for the enforcement of a law	آیین نامه اجرائی
to make pregnant; to impregnate	آبستن کردن	administrative by(e)-law	آیین نامه اداری
conception; pregnancy	آبستنی	general standing orders	آیین نامه داخلی
subscribing; subscription	آبونمان / اشتراک	customs regulations	آیین نامه گمرکی
subscriber	آبوننه / مشترک	a regulation	آیین نامه مستقل
apartheid; racial segregation	آپارتاید / تبعیض نژادی	promulgated by competent government authorities (not for the purpose of enforcing a definite act of Parliament)	
fire	آتش	water	آب
ceasefire	آتش بس	flowing or running water	آب جاری
arson	آتش زنی / ایجاد حریق عمدی	internal waters	آبهای داخلی
conflagration	آتش سوزی / حریق		
traces; effects; monuments; relics; consequences	آثار		

public tranquillity	آسایش عمومی	freedom of action	آزادی عمل
آسدان (انجمن ملل آسیای جنوب شرقی)		LAISSEZ FAIRE	آزادی عمل (در تجارت)
Association of South East Asian Nations (ASEAN)		individual liberty	آزادی فردی (بمعنی خاص)
peace; reconciliation	آشتی	liberty	آزادی قراردادها/ آزادی عقود
manifest; evident; open;	آشکار	of contract	
obvious		final release	آزادی قطعی
openly; frankly	آشکارا	freedom of information	آزادی کسب اطلاعات
riot; disturbance	آشوب		آزادی مالکیت خصوصی
agitator	آشوبگر	freedom of private ownership	آزادی ماهیگیری در آبهای متعلق به غیر
accredited	آکر دینه	piscary	
knowledge; information;	آگاهی	civil liberty	آزادی مدنی
awareness; consciousness		freedom of religion	آزادی مذهب
class consciousness	آگاهی طبقاتی	right of coinage	آزادی مسکوک
advertisement; notice;	آگهی	conditional	آزادی مشروط (م ۵۳ ق م ع)
announcement; circular; proclamation	آگهی الصانی (م ۱۴۴ ق ث ۱۱)	release	
notice pasted or put on the wall	آگهی انحصار وراثت/ آگهی حصر وراثت	freedom of the press;	آزادی مطبوعات
notice for decree of heirship		liberty of the press	آزادی موقت
notice to be pasted	آگهی پشت سفید	release on bail	
to advertise;	آگهی دادن	general liberties	آزادیهای عمومی
to announce; to publicize		individual liberties	آزادیهای فردی
آگهی دعوت (م ۷۴ ق ا ق ت)		torture; torment;	آزار (م ۴۹ ق ح ق)
notice of call		harm; injury; persecution; vexation	
official notice	آگهی رسمی	test; experiment	آزمایش
tender notice	آگهی مناقصه	diagnostic testing	آزمایش تشخیص طبی
to call for tenders	آگهی مناقصه دادن	nuclear test	آزمایش سلاح هسته‌ای
periodical notice	آگهی نوبتی	agency	آژانس / نمایندگی
tool; implement;	آلت / ابزار	International	آژانس بین‌المللی انرژی اتمی
instrument; apparatus		Atomic Energy Agency (IAEA)	
آلت اجرای مقاصد خود قراردادن		forwarding agency	آژانس حمل و نقل
to lead by the nose		ASCENSEUR; elevator; lift	آسانسور

to liberate		literary works	آثار ادبی
to disincarcerate;	آزاد کردن از زندان	ancient relics	آثار باستانی
to set at liberty; to free from prison		consequences	آثار بیع (م ۳۶۲ ق م)
to release on bail;	آزاد کردن به قید کفیل	of sale	
to bail out; to admit to bail			آثار تاریخی / بناهای تاریخی (م ۲۶ ق م)
freedom	۱- آزادی / رهایی	historical monuments	
liberty	۲- آزادی / اختیار	traces of	آثار - برم (م ۲۷ ق ح ق)
freedom of assembly;	آزادی اجتماعات	offense	
freedom of	آزادی اراده / استقلال اراده	judicial effects	آثار حقوقی
will; freedom of deliberate action		national monuments	آثار ملی / بناهای ملی
LAISSEZ FAIRE;	آزادی اقتصادی	ceremonies; rites; formalities;	آداب
government abstention from		civilities; etiquette; rules of decorum	
interference with individual action,		custom; usage; practice	آداب و رسوم
esp. in commerce		kidnapper	آدم ربا
freedom of associations	آزادی انجمن‌ها	kidnap	آدم ربانی
parole	آزادی به قول شرف	homicide; murderer;	آدم کش
freedom of speech;	آزادی بیان	assassin; killer; manslayer	
liberty of speech		murder; homicide	آدم کشی
liberty of a port	آزادی پهلوگیری	judgments; awards;	آراء / (ج. رأی)
liberty of the	آزادی پهلوگیری در تمام	verdicts; votes; opinions	
globe	دنيا (بیمه دریایی)	آراء قضایی / احکام قضایی	
liberty of trade;	آزادی تجارت و صنعت	judicial decisions	
freedom of free enterprise		unanimous vote	اتفاق آراء
probation	آزادی تحت مراقبت	استخراج آراء / شمارش آراء	
academic freedom	آزادی تحقیق	counting of votes	
freedom of	آزادی تعلیم و تربیت	majority of votes	اکثریت آراء
education		tie-vote	برابری آراء / تساوی آراء
freedom of the seas	آزادی دریاها	archives; records	آرشیو / بایگانی
political liberty	آزادی سیاسی	free; liberated	آزاد
right of free	آزادی شغل و پیشه	to obtain liberty;	آزاد شدن
enterprise; right of work		to be released	
natural liberty	آزادی طبیعی	to free; to set at liberty;	آزاد کردن
freedom of conscience	آزادی عقیده	to release; to lift the ban from;	



الف

of a decision or verdict

super power

instrument used for

administering retribution

making void; annulling;

cancellation

to make void;

to annul; to repeal; to revoke

retaining; reinstating

to retain; to preserve

service of process;

notification; communication

service of process

formal notice

constructive notice; constructive

service of process; substituted

service

to communicate; to notify;

to serve person with warrant, writ,

notice, process or attachment, etc

personal service of

process; actual notice

ابرقدرت

ابزار قصاص

ابطال

ابطال کردن

ابقاء

ابقاء کردن

ابلاغ

ابلاغ اوراق رسمی

ابلاغ رسمی

ابلاغ عادی/ابلاغ قانونی (م ۱۷۵ آدم)

coalescence; coalition;

entente

the Little Entente

to coalesce

(Fegh) permission;

license; right; capacity

(Fegh)

right of enjoyment

right of possession

permission of ownership

permission of

profits in exchange (for something)

AD LIB; improvisation

(Fegh) introducing new ideas

into religion; invention;

innovation; creation

to introduce a new

hypothesis on a problem of Fegh

release from an

obligation; quittance; discharge

the release

of a dead man from a debt

confirmation; upholding

ائتلاف

ائتلاف صغیر

ائتلاف کردن

اباحه

اباحه انتفاع

اباحه تصرف

اباحه تملک

اباحه منافع به عوض

ابتدا به ساکن

ابداع

ابداع احتمال

ابراء

ابراء ذمه میت از دین

ابرام

آینده

۴

آلت

authoritative; with a high hand آمرانه

training; instruction آموزش

آموزش حرفه‌ای (م ۵۰ ق ب اک)

vocational training

on-the-job آموزش حین خدمت

training

in-plant training آموزش حین کار

education آموزش و پرورش

anarchism آنارشیزم / هرج و مرج طلبی

anarchy آنارشی / هرج و مرج

anti-thesis آنتی‌تر

ANZUS; (پیمان امنیت اقیانوس کبیر)

treaty concluded in 1951 between

Australia, New Zealand and the

USA

brought; contribution; product آورده

contribution in kind آورده غیر نقدی

cash contribution آورده نقدی

(Fegh) verse; portent; sign; آیت

miracle

fallow land آیش

futurism آینده نگری

آلت دست کسی شدن

to become a stooge; to be a puppet

in one's hand

deadly or lethal weapon آلت قاتل

blunt and unsharp آلت کند و غیر برنده

instrument

pollution آلودگی

water pollution آلودگی آبها

pollution of the seas آلودگی دریاها

air pollution آلودگی هوا

depot آمادگاه / انبار

statistics; census آمار / احصائیه

inferential statistics آمار استنباطی

statistician; actuary آمارگر

commanding; آمر (م ۳۵۷ ق ت)

imperious; principal to a deal; actual

purchaser or vendor represented by

an agent

lawful superior آمر قانونی

dictator آمر مطلق

principal and agent آمر و مأمور / آمر و عامل

Union for Child Welfare

اتحادیه بین‌المللی زنان

International Alliance of Women

اتحادیه بین‌المللی سازمانهای پژوهش درباره جنگل

International Union of Forest

Research Organizations

اتحادیه بین‌المللی سازمانهای خانواده

International Union of Family

Organizations

اتحادیه بین‌المللی سازمانهای رسمی مسافرت

International Union of Official

Travel Organizations

اتحادیه بین‌المللی شیمی علمی و عملی

International Union of Pure and

Applied Chemistry

اتحادیه بین‌المللی علوم روانشناسی

International Union of Psychological

Sciences

اتحادیه بین‌المللی علوم زمین‌شناسی

International Union of Geological

Sciences

International Union of Nutritional Sciences

Union of Nutritional Sciences

اتحادیه بین‌المللی فضاانوردی

International Astronautical Union

International Union of Building

Societies and Savings Associations

اتحادیه بین‌المللی کشتی‌رانی داخلی

International Union for Inland

Navigation

Education

اتحادیه بین‌المللی انسانی و اخلاقی

International Humanist and Ethical

Union

International Union of Marine Insurance

Union of Marine Insurance

International Union of Aviation Insurance

Union of Aviation Insurance

اتحادیه بین‌المللی تعاونی

International Cooperative Alliance

International Union of Producers

and Distributors of Electrical Energy

اتحادیه بین‌المللی تولید و توزیع کنندگان نیروی برق

International Union of Producers

and Distributors of Electrical Energy

International Clearing Union

International Geographical Union

International Union of Socialist

Youth

Union of South Africa

Germanic Confederation

Western European Union

Central African Economic and

Customs Union

Union of International Associations

Inter-Parliamentary Union

International Union of Health

Union of Public Transport

International Union of Railways

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

coalition; confederation; association; alliance; federation

Alliance for Progress

اتحاد جهانی انجمن‌های مردان جوان

World Alliance of Young Men's Christian Associations

federation of states; union of states

personal union

Alliance of European Press Agencies

union of states

customs union

Triple Alliance

Holy Alliance

real union

union; association; syndicate

Union of South Africa

Germanic Confederation

Western European Union

Central African Economic and

Customs Union

Union of International Associations

Inter-Parliamentary Union

International Union of Health

Union of Public Transport

International Union of Railways

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

communication of ministerial orders

communicable instances of service

service sheet; summons

a child disowned by virtue of solemn imprecation

buildings

paternity

parents

of full blood

obscurity; uncertainty; ambiguity

ambiguity

an ambiguous provision is construed

most strongly against the person who

selected the language

on the father's side

أبي (سازمان کشورهای صادرکننده نفت)

Organization of Petroleum Exporting

Countries (OPEC)

chamber; room

subjects; nationals; citizens; followers

aliens; foreign nationals

union, forming a union;

concord; combination; coalescence;

Union of Public Transport

International Union of Railways

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

International Union of Child Welfare

contrary	اتفاق	alliance
to prove;	اتفاق آراء	unanimity of votes;
to establish; to substantiate;		unanimous vote
to demonstrate; to affirm	اتفاق دول	confederation of states
proof of ownership	اتفاق صغیر	the Little Entente
mixed evidence	اتفاق مثلث	Triple Entente
ONUS PROBANDI;	بر حسب اتفاق	by chance; per chance
burden of proof	اتلاف (م ۳۲۸ قم)	deliberate
in proof of;	destruction; wasting; losing;	
in order to prove	mis-spending; wastefulness	
demonstrable; provable	اتلاف کردن	to waste; to destroy;
effect; impression;	اتمام حجت	to spend extravagantly
vestige, trace, mark	اتوموبیل سازمانی	ultimatum; final notice
fingerprint;	اتهام	staff car
thumb impression	در معرض اتهام قراردادن	accusation; charge
effects or	مورد اتهام	to criminate; to incriminate
consequences of contracts	ایتان سوگند (م ۴۶۳ آدم)	count
(Fegh) a statement	اثاث البیت	to take an oath; to swear
quoted by the companions of	اثاثیه	household goods
Prophet Mohammed without relating	اثبات	or furniture
it to him	اثبات اثبات	furniture; equipment;
(Fegh) an archaic	اثبات اثبات	household furniture; fittings
word for crime or offense; a	اثبات اثبات	proving; substantiation;
prohibited act punishable by law	اثبات اثبات	confirmation; corroboration
(Fegh) believer	اثبات باز	open proof
in the twelve Imams	اثبات بسته	legal evidence
lease; rent;	اثبات دلیل بر مدعی است و نه بر منکر	
hire; letting on rent	اثبات شیبی نفی ماعدی نمی کند	the proof lies upon him who affirms,
hire of persons	اثبات شیبی نفی ماعدی نمی کند	not upon him who denies
LOCATIO REI;	اثبات شیبی نفی ماعدی نمی کند	
a letting of a thing	اثبات شیبی نفی ماعدی نمی کند	
hire of the	اثبات شیبی نفی ماعدی نمی کند	
services of an individual	اثبات شیبی نفی ماعدی نمی کند	establishing a fact does not negate the

اتحادیه جهانی سازمانهای حمایت از جوانان	اتحادیه بین المللی گاز
World Union of Organizations for the Safeguard of Youth	International Gas Union
اتحادیه جهانی معلمان کاتولیک	اتحادیه بین المللی مبارزه با سرطان
World Union of Catholic Teachers	International Union Against Cancer
اتحادیه سازمانهای بین المللی مهندسی	International Union Against Tuberculosis
Union of International Engineering Organizations	اتحادیه بین المللی محاورات دور
اتحادیه سخن پراکنی اروپا	International Telecommunications Union (ITU)
European Broadcasting Union	اتحادیه بین المللی مساعدت
Iran	International Relief Union
Municipal Association	اتحادیه بین المللی مسافرت
industrial union	International Touring Alliance
craft union	اتحادیه بین المللی مقامات محلی
Industrial Workers of the World Union	International Union of Local Authorities
labor union	اتحادیه بین المللی مهندسان معمار (آرشیستکانتا)
customs union	International Union of Architects
اتحادیه مالک مستقل آفریقایی	اتحادیه بین المللی مطبوعات کاتولیک
Union of Independent African States	International Catholic Press Union
Zimbabwe	اتحادیه پرداخت های اروپا
African National Union (ZANU)	European Payments Union
اتحادیه ملی جنوب غربی افریقا	monetary union
South West Africa National Union (SWANU)	European Free Trade Association (EFTA)
اتحادیه نمایندگانهای بین المللی	اتحادیه جهانی پست
Union of International Fairs	Universal Postal Union (UPU)
to adopt	اتحادیه جهانی دموکراتیک مسیحی
to make a decision;	Christian Democratic World Union
to adopt a resolution	اتحادیه جهانی سازمان زنان کاتولیک
to invoke	World Union of Catholic Women's Organization
something as proof or evidence; to take note of	

theology and law; becoming versed in theology; qualification for religious leadership	اجتهاد کردن	اجازه نامه اجرای حکم خارجی	written permission; charter
to practice religious jurisprudence; to be able to give opinion on religious law; to form an opinion on a point of religious law	بستن باب اجتهاد	اجبار به وفاء شرط	compulsion; coercion; constraint; duress; force
the closing of the door of IJTIHAD or individual legal reasoning	بدروازه اجتهاد رسیدن / مجتهد شدن	اجبار قانونی	fulfill the condition VIS LICITA;
to reach the stage of religious leadership; becoming qualified for religious guidance	اجداد (م ۱۲۳ ق م)	اجبار مادی	lawful force VIS (pl VIREs);
ancestors; forefathers; grandfathers	اجداد مرتبه اول	اجبار معنوی	actual coercion; physical coercion; physical necessity
ancestors of the first degree	اجرا	اجبار و ارعاب	implied or mental coercion VIS ET METUS;
enforcement; execution; performance	اجرای احکام	اجباری / قهری	force and fear compulsory;
execution or enforcement of judgments	اجرای اسناد رسمی	اجتماع	forced; mandatory gathering; assembly;
execution of official or notarial documents	اجرای تمهیدات	اجتماع امر و نهی	meeting; community; congregation (Fegh)
carrying out of obligations; performance of one's obligations	اجرای حکم	اجتماع امر و نهی	congregation of command and prohibitory injunctions
execution of judgment specific	اجرای عین تمهید	اجتماع حقوق (م ۵۷۱ ق م)	combination of rights
performance of an obligation	اجرای قسمت عمده تمهید	اجتماع محلی	community
substantial performance of an		به نحو اجتماع	collectively;
		in association with one another	social
		اجتماعی	socialization
		اجتماعی کردن	اجتهاد (م ۲ ق ۱ ج ۱۱)
		اجتماعی کردن	(Fegh)
		اجتماعی کردن	religious jurisprudence; exegesis of divine science or law on matters of

tenancy in common; tenancy by the entirety	اجاره بها	rental; rent; income; contractual rent	اجاره بها
revenue farmer; farmer	اجاره کار		اجاره بهایی که در صورت عدم استفاده از عین
farming	اجاره کاری	dead rent	مستأجره نیز باید پرداخت شود
a vulgar use	اجاره نامح	sublease	اجاره به شخص ثالث
of lease deed		back rent	اجاره پس افتاده
lease deed	اجاره نامه	hiring of animals	اجاره حیوانات
	اجاره نامه رسمی / سند اجاره رسمی	LOCATIO OPERIS;	اجاره خدمات
notarial lease agreement		hiring of services; the contract of hiring work, i.e., labor and services	
tenant	اجاره نشین / مستأجر	a vulgar usage meaning a lease agreement	اجاره خط
authorization; permission; leave; consent; permit	اجازه	to lease; to put out to lease; to let out; to farm out	اجاره دادن
search warrant	اجازه تفتیش	ground rent	اجاره عرصه
audience	اجازه حضور	to rent;	اجاره کردن
to take permission;	اجازه خواستن	to hire; to take on lease	
to take leave		charter	اجاره کشتی
to give permission(to);	اجازه دادن (به)	a lease agreement	اجاره معاطاتی
to permit; to allow; to authorize; to grant; to signify one's consent		where the offer and acceptance (or only the offer or acceptance) are/ is not in words	
moratorium	اجازه دیر پرداخت بدهی	back rent;	اجاره معوقه
implied consent;	اجازه ضمنی	rent in arrear(s)	
connivance		99-year lease	اجاره نود و نه ساله
LAISSEZ-PASSER;	اجازه عبور	charter	اجاره هواپیما
permit or document allowing holder to pass		tenanted by; on lease	در اجاره
TRANSIRE; transit-	اجازه عبور کالا	object of lease;	مورد اجاره
permit; custom- house permit for passage of goods		leasehold; subject of hire	
	اجاره عمران و آبادی اراضی مسکونی	tenant; farmer	اجاره دار / مستأجر
land development permission		joint tenants	اجاره داران مشترک
to obtain permission	اجاره گرفتن	leasehold; tenancy	اجاره داری
sanction of a court	اجازه محکمه	joint tenancy;	اجاره داری مشترک
permit;	اجازه نامه		

wasting in dream; nocturnal pollution	احتمال	(Fegh) quash of a consensus	خرق اجماع
probability;	احتمال	(Fegh) narration of a consensus	نقل اجماع
eventuality; contingency;	likelihood;	abridgment; conciseness;	اجمال
plausibility		brevity; compendium	اجمالاً
probable; possible;	احتمالی	briefly; in short;	
contingent; presumptive		summarily	
care; caution; diligence;	احتیاط	alien; foreigner; third party;	اجنبی
precaution; vigilance; watchfulness		(Fegh) someone who professes a religion other than Islam	
unit; individual	اتحاد	reward; remunerations;	اجور
one of the	احد شرکاء / احد شریکین	rentals	اجور معوقه / اجاره‌های پس‌افتاده
two partners		rentals in arrears	
one of the two	اجد طرفین	(Fegh) hireman; hiring;	اجیر
parties; each party		hired (worker); mercenary	
one of the	احد متعاملین (م ۳۶۳ ق م)	(Fegh) private employee	اجیر خاص
transacting parties		to hire; to employ	اجیر کردن
obtaining; holding;	اجراز	for wages	
attaining; establishing	اجراز توسط دادگاه یا قاضی	(Fegh) public employee	اجیر مشترک
judicial notice; finding or		transfer; assignment;	احاله
recognition (of a fact) by the judge	اجراز شرایط	turning over; turning; referring	
to fulfil or meet		to transfer; to make	احاله دادن
the conditions		reference (of a matter to some authority)	
to attain; to hold;	اجراز کردن	change	احاله دعوی (م ۲۰۵ آدک)
to establish		of venue; transfer of cause or a case to another court	
seisin	اجراز مالکیت زمین	argumentation	احتجاج
finding of facts	اجراز واقعیت	hoarding	احتکار
establishing of	اجراز هویت	to hoard (up);	احتکار کردن
the identity		to forestall (the market)	
to identify;	اجراز هویت کردن		
to establish one's identity			
in witness	در اجراز مراتب فوق		
whereof			

ingredients; parts;	اجزاء	obligation	
members		to execute;	اجرا کردن
fixed term or	اجل / مهلت	to carry out; to make effective; to perform; to enforce; to cause to take effect; to satisfy	
period; specified period; respite; due date		tax execution	اجرای مالیاتی
to set a date or term	اجل قرارداد	execution of sentence;	اجرای مجازات
maturity; expiry	انقضاء اجل	enforcement of punishment	
of due date			اجرای معوقه (م ۱۳۵ آدک)
(holding of a) session	اجلاس	provisional execution	
(parliamentary) session	اجلاس	unfulfilled	اجرا نشده
special session	اجلاس فوق‌العاده	execution writ;	اجرائیه / ورقه اجرائیه
(Fegh) consensus	اجماع	writ of execution; writ of enforcement; enforcement order	
(of juristic opinions)		writ of execution	اجرائیه ثبتی
(Fegh) simple	اجماع بسیط	issued by registry of deeds or notaries public	
consensus		writ of execution	اجرائیه دادگاه
(Fegh) conjectural	اجماع حدسی	issued by a court of law	
consensus		notarial writ	اجرائیه سند ذمعی
(Fegh) substantial	اجماع حسی	of attachment issued pursuant to a claim of debt	
consensus		writ of execution	ورقه اجرائیه
(Fegh)	اجماع دخولی / اجماع حسی	fee; wage(s); remuneration;	اجرت
admissory consensus		recompense; reward	
(Fegh) revelatory	اجماع کشفی		اجرت‌المثل (م ۵۰۸ آدک)
consensus		quantum meruit;	
(Fegh) benevolent	اجماع لطفی	fair equivalent remuneration; rental value; quit rent; compensation	
consensus			اجرت‌المسمى (م ۵۰۸ آدک)
(Fegh) compound	اجماع مرکب	specified rent; rent proper;	
consensus		assize rent; price agreed upon (by the two parties)	
(Fegh) inductive	اجماع محصل		
consensus			
(Fegh) narrated	اجماع مقول		
consensus			
(Fegh) acquisition	تحصیل اجماع		
of consensus			

boot	اختلاف قیمت دو دارایی در مبادله	intimidation	اخافه
	اختلاف نظر در دو سند یا دو ادعادر یک دعوی	informing; giving notice	اخبار
variance		news; (Fegh) traditions	آخبار
differences;	اختلافات (ج اختلاف)	(Fegh) The followers	آخیاری
variances; disputes		of a certain school of Islamic	
international disputes	اختلافات بین‌المللی	jurisprudence who limit the rea-	
legal disputes	اختلافات حقوقی	soning and argument of Fegh only to	
family disputes	اختلافات خانوادگی	Koran and narrations related to the	
political disputes	اختلافات سیاسی	Prophet	
disorder; derangement	اختلال	VIVA VOCE; اختیار / امتحان کردن	
mental	اختلال دماغ	oral examination	
derangement; imbecility; aberration;		board of هیئت اختیار/ هیات متحنه	
mental alienation		examiners	
mental disorder	اختلال روانی	invention	اختراع
mental	اختلال مشاعر/ اختلال دماغ	patent اختراع ثبت شده (م ۲۴۹ ق م ع)	
derangement		brevity; abbreviation;	اختصار
authority; power;	اختیار	abridgment	
option; free will; right; jurisdiction;		appropriation; allocation;	اختصاص
title; control; choice; selection		earmarking	
exclusive power	اختیار انحصاری	to appropriate;	اختصاص دادن
full authority	اختیار تام	to allocate; to earmark	
to empower;	اختیار دادن	private; exclusive;	اختصاصی
to authorize; to delegate, entrust or		appropriated; allocated; special;	
vest power		specific	
implied power	اختیار ضمنی	embezzlement; peculation	اختلاس
to choose; to take	اختیار کردن	(of money); misappropriation	
tutelar	اختیار ناشی از قیمومیت	to embezzle;	اختلاس کردن
authority		to misappropriate; to peculate	
plenipotentary;	تام‌الاختیار	(money)	
plenipotent		variance; difference;	اختلاف
داخل در حدود اختیارات / در محدوده اختیارات		dispute; discrepancy; contradicting;	
INTRA VIRES;		controversy	
within the scope of power of a		to be at variance	اختلاف داشتن

descendants;	احفاد (م ۱۰۲۷ ق م)	(Fegh) a pilgrim's	احرام (م ۱۰۵۳ ق م)
offspring; grandchildren		qarb; the wearing of such qarb;	
adjudication;	احقاق حق	entering in a sacred place;	
administering justice		prohibiting or forbidding a thing for	
to administer justice	احقاق حق کردن	oneself	
judgments; orders	احکام (ج حکم)	parties	احزاب (ج حزب)
administrative	احکام اداری دادگاه	coalition parties	احزاب مؤتلفه
orders of the court		philanthropy	احسانات سردوستانه
religious commandments	احکام دینی	charity; favor; beneficence	احسان
edict by	احکام رئیس کشور	statistics	احصائیه / آمار
the president of the Republic;		continence;	احصان (م ۱۰۰ ق ح ق)
presidential decrees or orders		being married; being covert as a	
provisions	احکام شرط (م ۲۳۵ ق م)	woman; coverture	
governing conditions		summoning; citation;	احضار
appealable	احکام قابل پژوهش	calling up; recalling	
judgments		citation;	احضار به بازپرسی
status; condition(s);	احوال	summoning by magistrate	
circumstances		subpoena; recalling	احضار به دادگاه
personal	احوال شخصی (م ۶ ق م)	to subpoena a witness	احضار شاهد
status		the person or party	احضار شونده
restoring to life;	احیاء	summoned or subpoenaed	
revival; improvement (of uncultivated		to summon; to call up;	احضار کردن
lands); restoration		to recall; to cite	
	احیاء اراضی موات (م ۱۴۱ ق م)	recall	احضار مأمور سیاسی
cultivation of wasteland; revival of		احضار متهم زندانی به دادگاه جهت پاسخگویی	
waste, barren or unprofitable land;		به مفاد کیفرخواست	
reclamation; land rehabilitation		arraignment	
to revive;	احیاء کردن	احضاریه / احضارنامه (م ۳۳۶ آدم)	
to reclaim (land)		(writ of) summons;	
blackmail;	احاذی (م ۲۳۴ ق م ع)	(writ of) subpoena	
extortion		notice of motion	احضاریه دادگاه به خواننده
racketeering	احاذی به تهدید	احضاریه دادگاه برای حضور زندانی در دادگاه	
to extort; to blackmail	احاذی کردن	(writ of) HABEAS CORPUS	

UTERO, 2- infanticide, or the destruction of the new-born infant	remedy defects	
morals; morality; character	legal notice	اخطار قانونی
good morals	(prior) notice	اخطار قبلی
public	written notice	اخطار کتبی
morals	to notify;	اخطار کردن (به)
upset; disturb	to give notice to	
obstruction of	short notice	اخطار کم مدت
administration of justice		اخطار متقابل (در روابط سیاسی)
breach of	counter memorial	
the public peace or order	till further notice	تا اخطار ثانوی
to cause disorder;	to give	(دو ماه) پیشتر اخطار دادن
to disturb	(two months') notice	
maternal uncles	(written)	اخطار به / اخطار نامه
brothers and sisters	notice; warning	اخطار به ارائه اسناد و مدارک
payment; performance;	SUBPOENA DUCES TECUM;	
discharge	process commanding to produce	
payment of debt;	paper or document	
redemption of a loan	concealing;	احفاء (م ۱۲۳ ق م ع)
juration; the act of	concealment; secretion	
swearing; the administration of an oath; taking an oath	receiving	احفاء اشیاء مسروقه
to pay; to discharge	and concealing of stolen goods;	
discharge of duty	concealment or concealing of objects	
at the time of payment	concealment	احفاء حقیقت
departments;	or misrepresentation of truth	
offices	concealment of a	احفاء مقصر
public departments	criminal	
	sincerity	اخلاص
	posterity; descendants	آخلاق
police offices	of a person	
	prolicide,	آخلاق کشی / بچه کشی
	which is divided into: 1-feticide, or	
administration; organization; bureau;	the destruction of the fetus IN	

taking of bail, i.e., a surety for the appearance of the accused or defendant in court	person, authority or corporation	
confiscation of property	ULTRA VIRES;	خارج از حدود اختیارات
rapine; robbery;	(acts) beyond the scope of the powers	
confiscation of property by force;	authority letter; letter of	اختیار نامه
extortion by threats of violence	authorization; power-of-attorney	
obtaining of security	voluntary; optional	اختیاری
dismissal; expelling;	taking; receiving; obtaining;	اخذ
expulsion; discharge; deporting;	collection; seizure; exaction;	
elimination	extortion	
pay-off;	obtaining of a	اخذ امضایه علف
golden hand- shake	signature by force	
expulsion	making use or	اخذ به حار
discharge of a	exercise of (the right of) an option	
cashier	the obtaining of a	اخذ به سوم
layoff	sample by one from the seller in	
redundancy	order to study the goods and enter	
dismissal of an	negotiations thereafter for the	
employee (from service or office)	purchase of same. SAUM means	
to dismiss;	presentation of the goods, mention of	
to discharge; to sack; to expel; to make redundant	the price by the seller, and request of	
eviction of a tenant	sale by the purchaser	
discharge of a teacher	to exercise	اخذ به شفعه (م ۸۰۸ ق م)
wrongful dismissal	the right of pre-emption	
notice; notification;	to take the vote;	اخذ رأی / رای گیری
warning	to put a question to the vote	
notice of dishonour	to receive a bribe	اخذ رشوه
notice to quit	obtaining of a	اخذ سند به علف
caveat	deed by force	
notice to	to take; to seize;	اخذ کردن
	to collect; to receive; to extort; to exact	
	the act of	اخذ کفیل (م ۱۲۹ آدک)

Administration (ECA)		for the registration of birth, death, marriage and divorce
administrative	اداری	اداره سجل کیفری (م ۴۰ مکرر آذک)
settlement of a debt	ادای دین	criminal record department
legal writings	ادبیات حقوقی	trusteeship department
pretension	ادعا / نظام	trusteeship department
lawsuit; suit; claim;	ادعا / دعوی	police office
action; litigation		trusteeship department
new claim	ادعای جدید (م ۵۰۸ آدم)	freight office
claim of forgery	ادعای جعل	اداره کرایه و بارکشی
claim of forgery	ادعای جعل اسناد	اداره کل شهربانی
of a document		Police Administration General
private action	ادعای خصوصی	Passport Office
claim for damages	ادعای خسارت	administration
for loss sustained		of heirless estate
to refute;	ادعای دیگری را رد کردن	اداره مدعی العموم / دادسرا
to rebut or repudiate the other party's claim		public prosecutor's office (the first expression is no longer in use)
action against	ادعای علیه دولت	اداره مرزبانی / اداره مرزداری
state		frontier control department
indictable action	ادعای عمومی جزایی	publications department
claim for being	ادعای غبن	audit department
swindled or shortchanged		اداره مطبوعات
to claim; to litigate;	ادعا کردن	اداره ممیزی
to go to law; to aver		اداره میزانه و بازرسی کار (م ۴۷ ق ک)
counterclaim	ادعای متقابل	Department of Standards and Works
direct claim	ادعای مستقیم	Inspection
to waive one's claim; to back down	صرف نظر کردن از ادعا	Exchange
bill of	ادعای نام / کیفرخواست	اداره نظارت ارزی
indictment		Control Department
merger; consolidation;	ادغام	police office (cobs)
joinder		اداره نگارش
consolidation of	ادغام دعوی	Department of Publications
		اداره همکاری بین المللی
		International Cooperation
		Administration (ICA)
		اداره همکاریهای اقتصادی
		Economic Cooperation

Department (Bureau)	اداره بلدیه / شهرداری	concern; office; department
municipality	اداره پست	۲- اداره / نظام دادن
post office	اداره پلیس	to direct;
police department	اداره تحقیق اوقاف	to manage; to run; to administer; to handle
Trust		اداره آگاهی
Investigation Department (obs)		Criminal Investigation
administration of	اداره ترکه	Department (CID); secret police
estate; management by an executor or administrator of an estate		اداره اشیاء گمشده
office of armaments	اداره تسلیحات	lost property office
Liquidation Department;	اداره تصفیه	[US] Lost and Found Department
department of liquidation		اداره احصائیه و سجل احوال
registration department	اداره ثبت	Department of Statistics and Identification (obs)
Personal Status	اداره ثبت احوال	(by identification is meant birth, death, marriage, divorce, etc)
Registration Department;		اداره اروپائی ملل متحد
identification registration bureau		European Office of the UN
Patent Office	اداره ثبت اختراعات	اداره اشتغال اتباع بیگانه
Lands and Deeds	اداره ثبت اسناد و املاک	Aliens' Occupation Bureau
Registry; Deeds and Real Estates		اداره امانات بسی
Registration Department; Department		POSTE RESTANTE
of Registration of Deeds and Real Estates		اداره اموال غایب معقه دالانر (م ۱۰۱۲ ق م)
	اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری	management of a continuously absent person's property
Corporate Registration	(م ۵۸۷ ق ت)	management of
Bureau; Registration Office for		اداره اموال غیر
Companies and non - Commercial		another's property
Institutes		اداره اموال متوفی
accounts department	اداره حسابداری	the management
audit department	اداره حسابرسی	by an executor or administrator of
finance department	اداره دارایی	the estate of a decedent;
government department	اداره دولتی	administration of an estate
	اداره سجل احوال (م ۹۹۷ ق م)	Department
Identification Bureau; registry office		اداره امور اتباع بیگانه
		of Foreign Nationals' Affairs
		Postal Administration
		اداره امور پستی
		United
		اداره امور پستی ملل متحد
		Nations Postal Administration
		اداره امور زندانها
		prison management
		اداره انگشت نگاری
		Fingerprint

creditors	ارباب طلبه / بستانکاران	completely deserted such lands; lands of a decedent having no legal heir; river banks and sea coasts, etc
communication; connection; relation; contact	ارتباط	unutilized land; اراضی بایر
communications; (ج. ارتباط)	ارتباطات (ج. ارتباط)	uncultivated land
relations		waste land rehabilitated اراضی بیابانی
telecommunications	ارتباطات از راه دور	by the villagers collectively and in cooperation with each other
international communications	ارتباطات بین‌المللی	wood lands اراضی جنگلی
mass communications	ارتباطات جمعی / رسانه‌های گروهی	(Fegh) tributary اراضی خراج
reaction	ارتجاع	territory
reactionary	ارتجاعی	cultivated, utilized, or اراضی دائر
apostasy	ارتداد	inhabited land
army	ارتش	public lands اراضی دولتی
occupation army	ارتش اشغالگر	coast land اراضی ساحلی
	ارتش سری ارامنه برای آزادسازی ارمنستان	urban land اراضی شهری
Armenian Secret Army for the Liberation of Armenia (ASALA)		اراضی مباحه (م ۱۴۱ قم)
conquering or victorious army	ارتش فاتح	unclaimed or allowable land
regular army	ارتش منظم	deserted land اراضی متروکه
irregular army;	ارتش نامنظم	unutilized land اراضی مخروبه/اراضی بایر
guerrilla force		reclaimed land; innig; اراضی مستحده
salvation army	ارتش نجات‌بخش	lands recovered from the sea اراضی مسلوب‌المنفعه / اراضی بایر
receiving a bribe (م ۱۳۹ ق.م.ع)	ارتشاء (م ۱۳۹ ق.م.ع)	unutilized land
easement; servitude	ارتفاق	joint, undivided, or اراضی مشاعی
capitulation	ارتفاق بین‌المللی	unpartitioned land; lands held in common
commission; perpetration;	ارتکاب	partitioned land اراضی مفروزی
performance; doing; acting; committing		waste or unutilized land اراضی موات
commission of an offense or a crime	ارتکاب جرم	landlord ارباب / مالک
	ارتکاب جرم برای اولین بار	artisans ارباب حرف / پیشه‌وران
the first offence		clients; ارباب رجوع / مراجعه کنندگان
		customers; applicants; petitioners

authorization		claims or actions
outside the	خارج از اذن	consolidation or ادغام شرکتها
limits of authorization		merger of corporations
showing; presenting;	ارائه	proofs; evidence; ادله (ج. دلیل)
presentation; production; demonstrating		reasons; arguments
to adduce, or	ارائه دلیل کردن	admissible evidence (م ۱۲۵۷ قم)
present evidence; to lead proof		positive proof; direct or affirmative proof; that which directly establishes the fact in question; evidence in substantiation of claim
misrepresentation (of facts)	ارائه نادرست	admissible evidence (م ۱۲۵۷ قم)
will; determination;	اراده	admissible evidence (م ۱۲۵۷ قم)
intention; intent; resolve		ACTORI INCUMBIT ONUS PROBANDI
to have free agency	اراده آزادداشتن	the burden of proof lies on the plaintiff
avowed or	اراده‌نمایی/اراده خارجی	admissible evidence (م ۱۲۵۷ قم)
express will		secondary evidence ادله درجه دوم
real intent;	اراده باطنی / اراده حقیقی	rational proofs ادله عقلیه
actual intention		indirect evidence ادله غیرمستقیم
express intention;	اراده خارجی	substantiating or ادله مثبت
avowed will		positive evidence
outward intention	اراده ظاهری	instruments; tools ادوات
collective will or mind	اراده مشترک	narcotics ادویه مخدره
aboulia	مقدان اراده	call to prayer اذان
land; landed	اراضی (ج. ارض)	consent; permission; license; اذن
property; territory		authorization
fallow land	اراضی آیش	explicit اذن صریح (م ۳۳۷ قم)
(Fegh) consists of	اراضی انتقال	consent or permission
waste or unutilized lands, cultivated or utilized lands of aliens assigned to a Muslim government without the exercise of force by the latter's armed forces; lands having no owner, lands the owners of which have completely been destroyed or who have		implied consent اذن ضمنی (م ۳۳۷ قم)
		implied consent اذن فحوی
		simple permission اذن محض
		without permission or بدون اذن

for defects (in the thing sold);
difference of value of an object
between its good and defective
condition

land; landed property; زمین / ارض
territory

intimidation ارباب

leniency; assistance; ارفاق

compassion

done on compassionate ارفاقی

grounds

organs ارکان (ج. رکن)

ارکان اصلی سازمان ملل متحد

main organs of the United Nations

ارکان تشکیل دهنده جرم

CORPUS DELICTI; the facts which

constitute an offense

constituting elements ارکان مشکلفه

removal ازاله

defloration; ازاله بکارت (م ۲۰۸ ق م ع)

removal of hymen

to deflower ازاله بکارت کردن از

AB INITIO; از آغاز / از بدو امر

from the beginning; from the first act;

from the inception

to make ازین بردن / ویران کردن

havoc of

A DATO; A DATU; از تاریخ

from the date

از تاریخ خلقت

ANNO ORBIS CONDITI (AOC);

AB INITIO MUNDI; from the

beginning of the world

book value ارزش دفتری

capital value ارزش سرمایهای

fair value ارزش عادلانه

customs value ارزش گمرکی

exchange value ارزش مبادله‌ای

like value ارزش مثلی

ارزش معاملاتی (م ۱۵۰ ق ۱۱)

transactional value

intangible value ارزش ناملموس

actual value ارزش واقعی

social values ارزش‌های اجتماعی

AD VALOREM; براساس ارزش کالا

in proportion to estimated value of

goods

assessor; appraiser ارزیاب

custom's assessor ارزیاب گمرک

or appraiser

assessment; appraisal ارزیابی

appraisal of relief ارزیابی خواسته

to assess (the value of); ارزیابی کردن

to appraise; to evaluate

ارزیابی کردن بیش از ارزش واقعی

to overrate

despatch; remittance ارسال

to send; to despatch; ارسال کردن

to remit

to remit by post ارسال کزدن پول با پست

ارسال کننده (م ۳۷۹ ق ۱)

remitter; consignor

mulct

آزش

mulct; penal ازش جزائی (م ۷۸ ق ح ق)

compensation

compensation ازش عیب (م ۴۲۲ ق م)

of inheritance

hereditary ارثی

referring; turning over ارجاع

ارجاع به داوری (م ۶۳۲ آدم)

reference; to refer the matter to

arbitration; submission to arbitration

referring the case ارجاع دعوا به دادگاه

to the court

appointing ارجاع شغل به شخصی

some one to duty

to refer ارجاع کردن

priority; preference ارجحیت

relatives; family ارحام / نزدیکان

ارحام پدری (م ۸۸۳ ق م)

paternal relations

maternal relations ارحام مادری

camp; اردوگاه

camping place; encampment

labor camp; اردوگاه کار اجباری

concentration camp

foreign currency ارز / اسعار

unfavorable حالت نامطلوب ارزی

state of the exchange

value ارزش

use value ارزش استعمال

nominal value; ارزش اسمی (م ۲۷ ق ت)

par value; face value; call price

surplus value ارزش اضافه

value added ارزش افزوده

market value ارزش بازاری

par value ارزش برابر

ارزش بعد از کسر استهلاک

amortized cost; depreciated cost

perpetration or ارتکاب جنایت

commission of a crime

ارتکاب عمل غیرقانونی

commission of an illegal act

جنین ارتکاب جرم

FLAGRANTE DELICTO;

in the very act of committing the

crime; red handed

receiving as a pledge ارتهاان

inheritance ارث (م ۸۶۱ ق م)

to inherit; to take by ارث بردن

inheritance

succession bestowed ارث به وصیت

by will; testamentary succession

intestate estate or ارث بی وصیت

succession

inheritance or ارث خیار (م ۴۴۵ ق م)

transfer of option

to disinherit; از ارث محروم کردن

to cut-off with a shilling

به ارث رسیدن

by inheritance

to devise به ارث گذاشتن مال غیر منقول

to bequeath به ارث گذاشتن مال منقول

distribution تقسیم ارث

charge and discharge حساب ارث

statement

share(s) in the estate of سهم الارث

the deceased

co heir شریک ارث

موانع ارث (م ۸۸۲ ق م)

impediments to inheritance

causes موانع ارث (م ۸۶۱ ق م)

working of a mine	استخراج معدن	exploitation	استثمار
oil production	استخراج نفت	exception	استثناء
(Fegh) appointment;	استغلاف	استثناء قائل شدن / استثناء گذاشتن	
nomination; bestowing property on or appointing someone for carrying out certain acts through a will		to make an exception of;	
reasoning; argumentation;	استدلال	to discriminate	
deduction; demonstration; induction		to make an exception of; استثناء کردن	
to adduce an	استدلال کردن	to exclude	
argument; to reason; to argue		استثناء بایستی به طور مضیق تفسیر شود	
strategy	استراتژی	EXCEPTIO EST STRICTISSIMAE INTERPRETATIONIS; exceptions	
reclamation;	استرداد	must be restrictively interpreted	
restoration; restitution; withdrawal		exceptional	استثنائی
return of	استرداد ثمن عیناً (م ۲۶۲ ق م)	undue or	استحاضه (م ۱۰۸ ق ح ق)
the actual consideration		excessive menstruation	
return of	استرداد ثمن قیمة (م ۲۶۲ ق م)	seeking to acquire; acquisition	استحصال
equivalent value of the consideration		information	استحضار
return of	استرداد ثمن مثلاً (م ۲۶۲ ق م)		محترماً به استحضار عالی می‌رساند
a property identical to the consideration		I beg to inform you;	
withdrawal of	استرداد دادرسی	it is respectfully submitted that	
proceeding		title; merit; right; entitlement;	استحقاق
withdrawal of	استرداد دعوی	being entitled to something	
a case; abandonment of action or prosecution		adjuration; causing to swear;	استحلاف
restitution of	استرداد مال مسروقه	taking an oath	
stolen goods		recruitment; engagement;	استخدام
extradition	استرداد مجرمین	service	
reimbursement of money	استرداد وجه	government service	استخدام دولت
(Fegh) the request	استرعاء	permanent	استخدام رسمی
made by the principal witness to the secondary witness to be a witness to his testimony, as where A says to B:		government service	
			استخدام کردن با قرارداد
		to employ on contract basis	
		extraction	استخراج
			استخراج آراء / شمارش آراء
		counting votes	

association or incorporation;	از جمله	INTER ALIA;
memorandum of association; articles of company	ازدواج	among other things
fundamental; substantial; اساسی	ازدواج با افراد خانواده	marriage; matrimony
constitutional; basic; radical	ازدواج دائم	intermarriage;
chattels; things; effects; اسباب	ازدواج منقطع / صیغه	permanent marriage
instruments; means; causes;		concubinage;
implements	بعد از ازدواج	temporary marriage
causes of	شکستن پیمان ازدواج	post nuptial
acquisition	از روزگار باستان / از زمان قدیم / از قدیم‌الایام	breach of promise
اسباب چینی / دسیسه چینی / توطئه		
(forming a) plot; intrigue		AB ANTIQUO;
to hatch or weave	از قلم افنادگی	from old times; from ancient time; of old; of an ancient date
a plot; to form a plot; to make an intrigue		oversight; omission;
اسباب موجه حکم		omission in writing
		LAPSUS CALAMI;
RATIO DECIDENDI;	از قلم افناده	slip of the pen
the grounds or reasons for decision;		to leave out; to omit
the points in a case which determine the judgment	از قلم انداختن	disability
	از کار افنادگی (م ۵۹ ق بابک)	
ESTAR;	از کار افنادن	to be disabled;
one of the ancient weights equalling to four and a half MESGHALS or nearly 22 grams		to become unserviceable
province	اسارت	captivity
governor-general;	اساس	basis; foundation; base
provincial governor	اساس تطبیق (م ۳۹۶ آدم)	basis for
standard		comparison
autocracy; despotism;	اساس جرم	CORPUS DELICTI;
despotic rule; dictatorship; tyranny		substance or foundation of crime
authoritarianism	اساس قانون (م ۳ آدم)	the basis of law
despotic; autocratic;	اساسنامه	articles of association;
absolute		memorandum of association; statute; charter
		اساسنامه شرکت

oneself (by a document, etc)	استناد کردن به	simple enumeration	استقراء ناقص
to invoke; to rely on	به استناد	inductive method;	استقراء ناقص
by virtue of;	استنباط	philosophical induction	استقراء
on the basis of; on the strength of	استنباط از روی امارات و احوال	A POSTERIORI;	استقراء
inference;	استنباط	inductive; from effects to causes	استقراء
deduction; presumption;	استنباط کردن	balloting; lottery	استقراء
indirect comprehension	استنباط کلی	draw; drawing lots	استقصاء
presumption of fact	استنباط کلی	deep investigation	استقصاء
to infer;	استنباط کردن	independence; liberty;	استقلال
to gather; to deduce	استنباط کلی	freedom; self reliance;	استقلال
general deduction	استنتاج	self sufficiency	استقلال اراده
deduction; conclusion;	استنتاج	freedom of the will	استقلال سیاسی / خودمختاری
drawing at a result; arriving at a conclusion	استنتاج کردن	political	استقلال طلب
to deduce; to draw a conclusion	استنتاج کردن	independence; autonomy	استقلال طلب
transcription;	استنساخ	autonomous;	استقلال طلب
multiplication of copies	استنساخ کردن	seeking liberty;	استنساخ
to transcribe;	استنساخ کردن	comparison of	استنساخ (م ۳۹۳ آدم)
to copy; to make copies of	استنساخ	writings, or handwritings	استنساخات عقلیه
cross-examination;	استنطاق	(Fegh) inferences made	استنطاقات عقلیه
judicial examination; interrogation	استنطاق کردن (از)	by mind in issues of ecclesiastical law	استنطاقات عقلیه
to interrogate;	استنطاق کردن (از)	or religious problems by logical deduction	استنطاقات عقلیه
to make a cross-examination of; to cross examine	استنطاق کردن	hearing	استماع دادرسی
refusal	استنکاف	continuation	استمرار
denial of justice	استنکاف از رسیدگی	acquisition of	استملاک
to decline; to refuse	استنکاف کردن	ownership or property	استملاک
credentials; letter(s) of credence	استوارنامه	masturbation; onanism	استمناء
credentials of an ambassador	استوارنامه سفیر کبیر	asking for a respite;	استمهال
		moratorium	استمهال
		delegation of power;	استتابة
		to appoint a substitute, re-	استتابة
		presentative, or agent	استتابة
		relying; supporting	استتابة

examination of title	مورد معامله	"Be a witness that I have testified that the house belongs to X"	استشهاد
to inquire; to ask for information	استعلام کردن	summoning or producing	استشهاد
inquiry	استعلامیه	a witness; citation; asking to testify;	استشهاد
colonization	استعمار	asking to give testimony	استشهاد
neo-colonialism	استعمار نو	to call to witness;	استشهاد کردن
imperialistic	استعمار طلبانه	to call in evidence; to cite	استشهاد
colonialism	استعمار گرایی	documentary	استشهادنامه / استشهادیه
colonial	استعماری	evidence signed by witness;	استشهاد
use; application	استعمال	an affidavit; deposition	استشهاد
misapplication	استعمال بیجا	(Fegh) maintaining status quo; the existing state of things at any given date; seeking the company of someone	استشهاد
to use; to apply	استعمال کردن	approbation; enquiring	استصواب
use	استفاده	what is right; consultation	استصواب
exclusive use	استفاده انحصاری	(financial) ability or means	استطاعت
outer space peaceful use(s)	استفاده (های) صلح‌جویانه از فضای خارج از جو	collection of information	استطلاع
public use	استفاده عمومی	(Fegh) interference;	استظهار
to pirate; to plagiarize	استفاده غیرقانونی از تألیف دیگران	trust; confidence; (seeking) support	استظهار
(Fegh) a satisfactory	استفاده	demanding restitution	استظهار
account of a fact given by a group of clergies or jurists; to narrate; to give an account	استفتاء	or return of something	استظهار
(Fegh) seeking religious advice; consulting a MUFTI or a religious leader	استفتاء	(Fegh) to institute a دعوی	استظهار
questioning; inquiry	استفسار	lawsuit or legal proceedings	استظهار
to make enquiries;	استفسار کردن	resignation	استعفا
to ask questions	استفسار	abdication	استعفا از سلطنت
inductive reasoning;	استقراء	to resign	استعفا کردن (از)
induction;	استقراء	asking for information;	استعلام
A POSTERIORI reasoning	استقراء	inquiry; question; investigation	استعلام
induction by	استقراء نام	ask for an expert's opinion	استعلام
		opinion	استعلام
		استعلام خریدار از مراجع صالحه درباره ملک	استعلام

to attribute; to ascribe;	اسناد کردن	rights or options	
to impute		to waive; to relinquish	اسقاط کردن
attributable; ascribable;	قابل اسناد	jetty	اسکله
imputable		banknote	اسکناس
documents;	آساند / مدارک	banknote in circulation	اسکناس رایج
instruments		or in actual use in a country	
bank-bills	اسناد بانکی	ascendants; ancestors;	اسلاف
notes or bills	اسناد پرداخت کردنی	predecessors	
payable		Islam; surrender and	اسلام
negotiable instruments;	اسناد تجاری	obedience; submitting to God's will;	
bills; trade papers; commercial		the religion taught by Prophet	
papers		Mohammad	
bonds; binding or	اسناد تمهید آور	weapons; arms	اسلحه
obligating documents		weapons other than	اسلحه سرد
binding bank	اسناد تمهید آور بانکی	firearms, such as a knife	
bills		sidearms	اسلحه کمری
cash items	اسناد تنخواه گردان	firearms	اسلحه گرم
identification	اسناد ثبت احوال	name	اسم / نام
registration books (kept by the		trade name	اسم تجاری (م ۵۷۶ ق ت)
registration bureau);		registered name	اسم ثبت شده
identification papers		false or fictitious name	اسم جعلی
shipping documents	اسناد حمل	genus name	اسم جنس
treasury bills	اسناد خزانه (م ۴ ق م)	surname;	اسم خانوادگی
bearer bonds;	اسناد در وجه حامل	family name	اسم خانوادگی زن پیش از شوهر کردن
negotiable instruments		maiden name	
notes or	اسناد دریافت کردنی	neuter noun	اسم خنثی
bills receivable		first name;	اسم کوچک
bonds;	اسناد ذمه (م ۳۴ ق ت)	Christian name	
bills of debt; IOU (I owe you); (US)		pseudonym	اسم مستعار
due bill		attribution;	اسناد / نسبت دادن
notarial instruments	اسناد ذمه مطلق	imputation; ascription	
of debt		misapplication	اسناد غلط
official or	اسناد رسمی (م ۹۷۲ ق م)		

(in Fegh):	استیمان	to send out	با استوار نامه فرستادن
1- to demand property to be kept as a		(ambassador etc) with credentials to	
trust, as when a lender keeps a		person, to or at a court or	
property under his charge on trust		government	
2- the seeking of full amnesty by a		depreciation; amortization;	استهلاک
non- believer from a Muslim		sinking	
government. Such applicant is known		amortization of debt	استهلاک دین
as MOSTAMAN		capital amortization	استهلاک سرمایه
appeal	استیناف / پژوهش	emergency amortization;	استهلاک سریع
	استیناف دادن / پژوهش خواستن	accelerated depreciation	
to go to appeal; to appeal to a higher		hiring; leasing (م ۴۸۴ ق م)	استیجار (م ۴۸۴ ق م)
court		(that is to be) rented	استیجار
unappealable	غیر قابل استیناف	interpellation	استیضاح
appealable	قابل استیناف	to interpellate	استیضاح کردن
appellate	استینافی	VINDICARE	استیفاء
prisoners	اسرا (ج. اسیر)	vindication of	استیفاء حقوق
prisoners of war (POWs)	اسرای جنگی	rights; demanding the whole of what	
secrets	اسرار (ج. سر)	is due; to arrest a right in or to a	
wastage; dissipation;	اسراف	thing	
lavishment; prodigality			استیفاء طلب (م ۷۷۷ ق م)
foreign exchange or	اسعار / ارز	demanding the settlement of a debt or	
currency		claim	
waiving;	اسقاط (م ۸۲۲ ق م)	administration or enforcement of	استیفاء قصاص (م ۶۵ ق ح ق)
relinquishing		retribution	
abortion;	اسقاط جنین	to derive	استیفاء منفعت (م ۳۳۷ ق م)
miscarriage of birth		benefit or profit from another's	
waiver	اسقاط حق	property with his permission	
abandonment of	اسقاط خیار	domination	استیلا
an option		seizure of another's	استیلا بر حق غیر
waiver or abandonment	اسقاط دعوی	right	
of action; relinquishment of a claim		to dominate;	استیلا یافتن بر
waiver of a condition	اسقاط شرط	to assume control of	
waiver of all	اسقاط كافة خيارات		

contraband goods	اشیاء قاچاق	participation;	اشتراک
priceable	اشیاء قیمی (م ۱۵۰ قم)	partnership; subscription	
things		cooperation	اشتراک مساعی
RES NULLIUS;	اشیاء میاحه	employment; occupation;	اشتغال
the property to nobody; a thing which		being occupied	
has no owner		full employment	اشتغال کامل
RES	اشیاء مملو (م ۱۵۰ قم)	persons; individuals; (ج. شخص)	اشخاص (ج. شخص)
FUNGIBLES; replaceable things or		personalities, people	
property		subjects of	اشخاص حقوق بین الملل
authenticity; purity;	اصالت	international law	
genuineness; (acting in) one's own		artificial persons;	اشخاص حقوقی
behalf		legal or juridical entities; corporate	
IN PROPRIA	اصالة	bodies; corporations	
PERSONA; PRO SE; for himself; in		INTER ALIOS;	میان اشخاص دیگر
person; on one's own behalf; in one's		between other persons;	
own right or name		between those who are strangers to a	
in person and	اصالة و نایباً / اصالت و کالتاً	matter in question	
by proxy; himself and on behalf of		occupation; occupancy;	اشغال
(Fegh) this	اصالة الصحة (م ۲۲۳ قم)	holding; invasion	
doctrine means that any act done by a		occupation	اشغال سرزمین
person is considered to be correct		to occupy; to take up;	اشغال کردن
unless the contrary is established		to fill up	
(Fegh)	اصالة الخطر	invader; occupier	اشغالگر
doctrine of prohibition		difficulty in	اشکال در تنظیم اسناد
(Fegh)	اصالة الحیل / اصل اباحه	drawing up documents	
doctrine of permission		financial difficulties	اشکالات مالی
doctrine of	اصالة اللزوم (م ۲۱۹ قم)	or problems	
binding obligation		ECHELLE; scale;	اشل / پایه
parties to a suit,	اصحاب دعوی	measure	
claim or dispute		RES; articles; objects; things	اشیاء
(Fegh)	اصحاب معامله (م ۱۵۱ قث ۱۱)	antiques; relics;	اشیاء عتیقه
transacting parties		antiquities	
TERMINUS	اصطلاحات فنی	perishable commodities	اشیاء فاسد شدنی

error in law;	اشتباه حکمی / شبهه حکمی	notarial documents	
mistake of law		document	اسناد سجل احوال (م ۹۱۲ قم)
(by mistake of law)	اشتباه دادگاه (بواسطه یکی از اصحاب دعوی)	of identity; identification papers	
invited error		negotiable, assignable	اسناد قابل معامله
judicial error	اشتباه دادگاه (در رأی)	or transferable instruments	
ERROR	اشتباه در شخص (طرف عقد)	statutory instruments	اسناد قانونی
DE PERSONA; a mistake as to		debentures;	اسناد قرضه
identity; error in involving a wrong		debenture bonds; bonds	
person in the act		treasury bonds	اسناد قرضه خزانه
a mistake as	اشتباه در غرض	written evidence	اسناد کتبی
to motive		or documents	
error IN	اشتباه در موضوع عقد	binding documents	اسناد لازم الاجرا
CORPORE; a mistake as to object of		moving papers	اسناد مبنای تقاضا در دادگاه
the contract			اسناد مزوره (م ۱۰۰ قث ۱۱)
error IN	اشتباه در نوع عقد	fabricated documents	
NEGOTIO; a mistake as to type of		deeds of	اسناد نقل و انتقال
the contract		conveyance	
willful or deliberate	اشتباه عمدی	identity	اسناد هویت (م ۹۸۳ قم)
mistake		papers	
inadvertent error	اشتباه غیر عمدی	prisoner	اسیر
(any) mistake	اشتباه قابل برگشت است	publication;	اشاعه (م ۵۷۱ قم)
revocable; error excepted (EE)		spreading about;	
judicial errors	اشتباه قضایی	divulging; propagation;	
error IN	اشتباه مؤثر	the state of being joint or undivided	
SUBSTANTIA; substantial mistake		spreading false news	اشاعه اکاذیب
error of fact;	اشتباه موضوعی	by way of	به نحو اشاعه (م ۵۱۹ قم)
mistake in fact		undivided shares	
error	اشتباه و از قلم افتادگی به حساب نمی آید	saturation	اشباع
and omission excepted (E & O E)		error;	اشتباه / خطای غیر عمدی
inadvertently;	اشتباهاً / به اشتباه	mistake; aberration	
by mistake; erroneously			اشتباه اساسی / اشتباهی که نقض حکم را ایجاد می کند
stipulation	اشتراک حیار (م ۷۶۱ قم)	fundamental error	
of an option or a condition		(making an act null and void)	

TECHNICUS; technical terms
اصطلاحات دریایی
root; origin; extraction; element; اصل
principal; the original (copy);
principal part; foundation;
basis; genuine; authentic; true;
doctrine; essential; fundamental
اصل آزادی اراده / استقلال اراده
doctrine of freedom of the will
اصل آزادی دریاهای
doctrine
of freedom of the seas
اصل اباحه
doctrine of permission
اصل استرداد مجرمین
doctrine
of extradition
اصل اعاده کامل به وضع پیشین
doctrine of
restitution IN INTEGRUM
اصل انفصال قوا / اصل تفکیک قوا
doctrine of separation of powers
اصل برائت (م ۳۷ قاجار)
doctrine of
presumption of innocence;
doctrine of innocence
اصل بر بی گناهی است مگر آنکه خلاف آن
ثابت شود
OMNIS INDEMNATUS PRO
INNOXIS LEGIBUS HABETUR;
every uncondemned person is held by
the law as innocent
اصل بقای اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد
doctrine of REBUS SIC
STANTIBUS
اصل تسلیط
doctrine of TASLIT;
owners have absolute rights to deal
with their own property

doctrine of اصل تغییر اوضاع و احوال
changed circumstances
theory of اصل تفسیری بودن قانون
interpretation of law
doctrine اصل تفکیک قوا / اصل انفصال قوا
of separation of powers
theory of fault; اصل تقصیر
doctrine of negligence
اصل حاکمیت اراده / اصل استقلال اراده
theory of freedom of the will
اصل حاکمیت قانون / اصل حکومت قانون
doctrine of rule of law
JUS SOLI اصل خاک / قاعده خاک
JUS SANGUINIS اصل خون / قاعده خون
اصل دوام دولت / قاعده دوام کشور
doctrine of the continuity of state
most favored اصل دولت کامله الوداد
nation rule
اصل سند
original document or copy
doctrine of اصل صحت (م ۲۲۳ ق م)
genuineness (of a transaction);
a transaction is presumed to be
genuine unless proved to the contrary
principle of اصل صلاحیت محلی
domestic jurisdiction
اصل عدم عطف قانون به گذشته
doctrine of EX POST FACTO law
اصل علنی بودن محاکم
rule of open trial
اصل عملی
(legal) fiction
اصل قانونی اعاده وضع حقوقی سابق
doctrine of JUS POSTLIMINII
اصل قانونی بودن جرم (هیچ عملی جرم نیست
مگر به حکم قانون)
doctrine of

OMNIS هر اصلی است پذیراست
REGULA SUAS PATITUR
EXCEPTIONES; every rule is liable
to its own exceptions
amendment; reform; اصلاح
correction; modification
amendment اصلاح اساسنامه
or modification of articles of
association
tax reforms اصلاح امور مالیاتی
amendment of اصلاح درخواست
application
reconciliation of اصلاح ذات البین
two parties
amendment of statute اصلاح قوانین
land اصلاحات ارضی (م ۱۴۴ ق م)
reforms اصلاحات و اراده بر منشور ملل متحد
amendments to the United Nations
Charter
reformism اصلاح گرایی
amendment اصلاحیه
single root اصله
(used in counting trees)
root and seed اصله و حبّه (م ۳۵ ق م)
principal اصلی
principal and اصلی و علی البدل
alternate
originality اصلیت
guilds اصناف
(Fegh) all the اصول / علوم شرعی
ideological principles of Islam
elements; اصول (ج. اصل)

NULLUM CRIMEN
SINE LEGE; there is no crime except
in accordance with law
اصل قانونی بودن مجازات (هیچ مجازاتی را
نمی توان اعمال کرد مگر به حکم قانون)
doctrine of NULLA PAENA SINE
LEGE; no punishment except in
accordance with the law
اصل قداست معاهدات
doctrine of
PACTA SUNT SERVANDA;
agreements are to be respected
اصل لاضرر
(Fegh) doctrine of
LA ZARAR; there shall be no unfair
loss nor the causing of such loss
اصل مال و نمائات با منافع آن
original
and derivative estate
اصل مساوات / اصل برابری
rule of
equality
اصل مسلم
axiom; self-evident truth
doctrine of اصل مصونیت پارلمانی
parliamentary immunity
اصل مصونیت دولت مستقل / اصل مصونیت
کشور حاکم
doctrine of sovereign immunity
doctrine of اصل نسبی بودن قراردادها
privity of contracts
doctrine of PACTA اصل وفای تمهید
SUNT SERVANDA; agreements
(and stipulations of the parties to a
contract) must be observed
اصل و فرع
root and branch
the principal and اصل و فرع پول
its interest

illegitimate children	اطلاق	and Mines of Iran
information; notice;	اطلاع	Junior Chamber
knowledge; advice; news	اطلاع ثانوی	International
SINE DIE;	اطلاع ثانوی	International
until further notice	اطلاعات (ج. اطلاع)	Chamber of Shipping
information;	اطلاعات (ج. اطلاع)	Banking
intelligence	اطلاعات عمومی	Documents Clearing House
public information	اطلاعات محرمانه	International
classified	اطلاعیه	Chamber of Commerce (ICC)
information	اطناب	clearing house
notification	اطناب	Chamber of
proximity	اطناب	Industries and Mines
statement; declaration;	اطناب	lodging (s)
manifesting; assertion	اطناب	in camera
SUGGESTIO FALSI; واقع	اطناب	lengthening; stretching;
suggestion or representation of that	اطناب	prolongation
which is false; false representation	اطناب	prolixity; prolonging;
avowal; an open	اطناب	stretching a speech
declaration; express statement	اطناب	stretching a speech
suggestion	اطناب	stretching a speech
to make	اطناب	stretching a speech
a suggestion; to express an opinion; to	اطناب	stretching a speech
opine	اطناب	stretching a speech
public statement	اطناب	stretching a speech
to state; to declare;	اطناب	stretching a speech
to assert	اطناب	stretching a speech
declarant; declarer	اطناب	stretching a speech
comment; opinion;	اطناب	stretching a speech
remark	اطناب	stretching a speech
to expertise	اطناب	stretching a speech
(OBITER) DICTUM; "a remark by	اطناب	stretching a speech
the way"	اطناب	stretching a speech

addition; excess; increase;	اضافه	principles; essentials; doctrines;
increment	اضافه ارزش سهم (م ۱۵۸ قاق)	methods; basic elements of
share premium	اضافه بار	jurisprudence; sources
excess luggage or baggage	اضافه برداشت	(of the SHARIA)
overdraft	اضافه حقوق	اصول اسناد
increase of salary;	اضافه کار (م ۱۳ ق ک)	originals of documents
pay raise; increment	اضافه مالیات	اصول تشکیلات عدله
overtime work	اضافه ضرر	principles of
allowance	اضافه ضرر به شخص	establishment of the Ministry of
a surtax; an excessive tax	اضافه ضرر به غیر (م ۴۳ قاج)	Justice
cause to sustain a loss;	اضافه ضرر عمومی (م ۹۳ ق م ع)	اصول دادرسی (م ۳۴۲ ق آدم)
detriment; harm	اضافه ضرر مدنی	principles
nuisance	اضافه ضرر	of court proceedings; procedure
causing harm to a third party	اضافه ضرر	اصول دین
common	اضافه ضرر	principles of religion
nuisance	اضافه ضرر	principles of jurisprudence
civil injury	اضافه ضرر	اصول فقه
constrain; constraint;	اضافه ضرر	اصول کلی حقوقی
distress; emergency	اضافه ضرر	general principles
constrainedly;	اضافه ضرر	of law
under necessity	اضافه ضرر	اصول محاکمات / آئین دادرسی (م ۳۵۵ آدم)
involuntary; compulsory;	اضافه ضرر	rules of trial; rules of procedure
constrained	اضافه ضرر	اصول محاکمات جزا / آئین دادرسی کیفری
chamber; room	اضافه ضرر	Code of Criminal Procedure
Chamber of Guilds	اضافه ضرر	اصول محاکمات حقوقی / آئین دادرسی مدنی
Chamber of Commerce	اضافه ضرر	Civil Procedure Code
International	اضافه ضرر	اصول محاکمات قدیم
Chamber of Commerce (ICC)	اضافه ضرر	the Civil
Chamber of Commerce, Industries	اضافه ضرر	Procedure Code approved on 19th
	اضافه ضرر	ZIGHAD 1329, now no more in force
	اضافه ضرر	rules of
	اضافه ضرر	اصول محاکمات مدنی
	اضافه ضرر	civil procedure
	اضافه ضرر	roots and branches
	اضافه ضرر	اصول و فروع
	اضافه ضرر	اصولاً
	اضافه ضرر	in principle; basically
	اضافه ضرر	principal party
	اضافه ضرر	اصیل
	اضافه ضرر	اصیل در دعوی (م ۵۹۱ آدم)
	اضافه ضرر	principal (party) in a case
	اضافه ضرر	principal to a
	اضافه ضرر	اصیل در معامله
	اضافه ضرر	deal; actual purchaser or vendor
	اضافه ضرر	represented by an agent

letter of credit	اعتبار اسنادی تأیید نشده	trial DE NOVO; new trial;
unconfirmed		extraordinary procedure against a
letter of credit		judgment (in case of a serious
revolving	اعتبار اسنادی در گردش	miscarriage of justice)
letter of credit		re-establishment
irrevocable	اعتبار اسنادی غیر قابل فسخ	of diplomatic relations
letter of credit		restoration
revocable letter	اعتبار اسنادی قابل فسخ	of ownership
of credit		اعاده وضع حقوقی سابق
circular letter	اعتبار اسنادی گردان	POSTLIMINIUM; POSTLIMINY;
of credit		restoration (of a person) to any status
traveller's letter	اعتبار اسنادی مسافرتی	or right formerly possessed (by him);
of credit		(international law) recapture of
straight letter	اعتبار اسنادی مستقیم	property taken by an enemy and its
of credit		consequent restoration to its original
	اعتبار امر مختوم / اعتبار قضیه محکوم بها	owner
RES JUDICATA;		providing means of subsistence
a matter adjudged; a thing judicially		for; sustaining maintenance
acted upon or decided		اعاشه کردن
to open or establish	اعتبار باز کردن	relief fund; charitable
a credit		اعانه
bank credit	اعتبار بانکی	contribution; assistance; allowance;
commercial credit	اعتبار بازرگانی	aid
budget allocation;	اعتبار بودجه‌ای	unemployment
appropriation		benefit; (colloquial) the dole
	اعتبار بی‌برگشت / اعتبار غیر قابل فسخ	financial contributions
irrevocable credit		اعتبار
clean reimbursement	اعتبار پوشش ساده	good standing; validity; reliability;
credit		authority
confirmed credit	اعتبار تأیید شده	documentary credit;
unconfirmed credit	اعتبار تأیید نشده	letter of credit (L/C)
weight of evidence	اعتبار دلایل و مدارک	اعتبار اسنادی باز / اعتبار اسنادی بدون محدودیت
clean credit	اعتبار ساده	open letter of credit
		اعتبار اسنادی تأیید شده
		confirmed

اظهارنامه موقت (وارد کننده کالا به گمرک)	to affirm;	اظهار نظر قطعی کردن
bill of sight	to make final comments	
ship's arrival	to express one's views;	اظهار نظر کردن
declaration	to make a comment	
written	declarations;	اظهارات (ج. اظهار)
declaration; legal notice	statements	
express;	dying declarations	اظهارات پیش از فوت
explicit; not dubious or ambiguous;	اظهارات دوپهل و گمراه کننده	
set forth in clear words; distinctly	prevarication; evasive and	
stated	equivocating statements	
RES IPSA	contradictory	اظهارات ضدونقیض
LOQUITUR; the thing speaks for	statements	
itself	pleadings	اظهارات طرفین دعوی
giving back; returning;	declaration	اظهارنامه (م ۷۰۹ آدم)
restitution; re-establishment	(form); legal notice	
rehabilitation	اظهارنامه انبارهای کشتی (ورودی)	
(of a discredited person or bankrupt)	ship's stores declaration (inwards)	
اعاده اعتبار (م ۵۶۱ ق ت)	اظهارنامه ترخیص کالا از گمرک	
discharge of bankrupt	custom's declaration	
to rehabilitate	اظهارنامه تکلیف به قبض	
republication of	declaration of trust	
will	registration	اظهارنامه ثبت (م ۹ ق ت ش)
restitution of chattels	declaration	
اعاده اموال	official declaration;	اظهارنامه رسمی
اعاده تصرف (م ۳۲۳ آدم)	legal notice	
repossession; re-entry	custom's	اظهارنامه گمرکی
rehabilitation;	declaration	
(م ۲۴ ق م ع)		
recovery of civil rights	اظهارنامه لوازم مسافر کشتی	
legal	ship's passenger baggage declaration	
اعاده حیثیت قانونی	tax declaration;	اظهارنامه مالیاتی
rehabilitation	tax return	
judicial	director's	اظهارنامه مدیر شرکت
اعاده حیثیت قضایی	declaration	
rehabilitation		
اعاده دادرسی (م ۵۹۱ آدم)		
rehearing; retrial; hearing DE NOVO;		

اعتبار	اعتراض	اعتراض
اعتبار سرمایه‌گذاری	investment	اعتبارنامه تأیید نشده
اعتبار شخصی	personal credit	اعتبارنامه در گردش
اعتبار عمومی	public credit	اعتبارنامه غیرقابل فسخ
اعتبار غیرقابل فسخ / اعتبار بی‌برگشت	irrevocable credit	اعتبارنامه قابل فسخ
اعتبار غیرمستمر	non-recurring credit	اعتبارنامه کنسولی / استوارنامه
اعتبار قابل برگشت	revocable credit	اعتبارنامه گردان
اعتبار قرارداد	validity of a contract	اعتبارنامه مسافرتی
اعتبار قضیه محکوم بها / اعتبار امر مختوم	RES JUDICATA	اعتبارنامه مستقیم
اعتبار کوتاه‌مدت	short credit	اعتباری
اعتبار گردان	revolving credit	اعتراض (م ۵۸۴ آدم)
اعتبار مستمر	recurring credit	اعتراض امتناع از قبول بانکول (م ۲۹۳ ق ت)
اعتبار موهوم (م ۲۳۸ ق ت)	fictitious credit	اعتراض به برات
از اعتبار افتادن	to lose validity	اعتراض به حکم
از درجه اعتبار ساقط شدن	to be no longer valid; to be null and void	اعتراض به رأی داور
بر مبنای اعتبار/نسیه	on credit	اعتراض رسمی کردن
به اعتبار	on the strength of;	اعتراض شخص ثالث / اعتراض ثالث
به اعتبار خود باقی بودن	on the ground of; relying on	اعتراض (م ۵۸۲ آدم)
حد اعتبار	credit line	اعتراض عدم تأیید (م ۲۸۰ ق ت)
دارای اعتبار بودن	to be in force	اعتراض عدم تأیید شده
اعتبارنامه	letter of credit (L/C)	اعتراض
اعتبارنامه احتیاطی	standby letter of credit	اعتراض
اعتبارنامه باز	open letter of credit	اعتراض
اعتبارنامه بانکی	letter of credit	اعتراض
اعتبارنامه تأیید شده	confirmed letter of credit	اعتراض

اعتراض	اعتراض	اعطا
اعتراض غیرموجه	unjustified protest	اعتصاب شکنی
اعتراض کردن	to object; to take exception; to challenge	اعتصاب‌کننده
اعتراض نکول (م ۲۳۶ ق ت)	protest	اعتکاف
عدم اعتراض کاشف از اذن است	for non-acceptance	اعتیاد
اعتراض نامه (م ۲۹۳ ق ت)	notice of protest	اعداد (ج. عدد)
اعتراف	admission;	اعداد زوج و فرد
اعتراف داوطلبانه	voluntary confession	اعدام
اعتراف کردن	to admit;	اعدام بوسیله دار
اعتراف گرفتن از	to acknowledge; to confess	اعدام بوسیله صندلی برقی
اعتراف گزاف	to extract	اعدام کردن
اعتراف گزاف	a confession from; to draw forth an admission	اعراض
اعتصاب	strike; industrial action	اعراض از حق
اعتصاب اقتصادی	economic strike	اعراض از مال
اعتصاب در محل کار	stay-in strike;	اعراض کردن
اعتصاب عمومی	general strike	اعراض (م ۶۹۳ آدم)
اعتصاب غذا	hunger strike	اعراض (ج. عضو)
اعتصاب فوری	quickie strike	اعراض اداری
اعتصاب کردن	to strike;	اعراض دائمی
اعتصاب گروهی	wildcat strike	اعراض سازمان ملل متحد
(بدون اجازه اتحادیه کارگران)		اعراض مؤسس
اعتصاب مستقیم	direct strike	اعراض منتخب
اعتصاب نشسته	sit-down strike	اعطا
اعتصاب همدردی	sympathy strike	
اعتصاب شکن	strike breaker	

illicit or forbidden actions	اعمال فصولی	to announce;	اعلان کردن
management of		to publish a notice	
affairs without mandate		periodical notification	اعلان نوبتی
judicial acts	اعمال قضائی	deeds; acts;	اعمال (ج. عمل)
criminal acts	اعمال مجرمانه	works; doings	
preliminary acts	اعمال مقدماتی	voluntary acts	اعمال اختیاری
obligatory	اعمال واجب و مستحب	administrative acts	اعمال اداری
and recommended acts or deeds		administrative	اعمال اداری دادگاه
barbaric acts	اعمال وحشیانه	acts of court	
(previous) intentions	الاعمال بالنیات	acts of aggression	اعمال تجاوزکارانه
are judged by (subsequent) acts			اعمال تصدی دولت
exercising;	اعمال / به کار بستن	ACTA JURE GESTIONIS;	
causing to act; using; applying;		governmental acts	
influencing; exertion		acts of	اعمال تعرض آمیز
applying a	اعمال اصل خاصی در امری	aggression	
special principle to a case		legislative acts	اعمال تقنینی
exercise of a right	اعمال حق	acts of aggression	اعمال تهاجمی
use of force	اعمال زور		اعمال حاکمیت دولت / اعمال دولت
exercise of authority	اعمال قدرت	ACTA JURE IMPERII; acts of state	
showing partiality	اعمال نظر	legal acts	اعمال حقوقی
trading on one's	اعمال نفوذ	extrajudicial	اعمال خارج از دادگاه
influence; to exercise influence; using		acts; acts out of court	
one's influence		hostile acts	اعمال خصمانه
to exert influence	اعمال نفوذ کردن	corrupt practices	اعمال خلاف
upon; to use one's influence		immoral acts	اعمال خلاف اخلاق
to use undue	اعمال نفوذ ناروا	arbitrary acts	اعمال خودسرانه
influence		diplomatic acts	اعمال سیاسی
	اعمال / عموماً (م ۸۶۲ ق م)	hard labor	اعمال شاقه (م ۸ ق م ع)
paternal uncles		hard labor for life	اعمال شاقه دائمی
uncles	اعمال ابرینی (م ۹۳۰ ق م)	hard labor for	اعمال شاقه موقتی
related through both parents		a set period	
uncles	اعمال ابی (م ۹۳۰ ق م)		اعمال غیرقانونی / کارهای خلاف قانون
related through father		illegal acts;	اقدامات غیرقانونی

information against someone; to indict	اعلامی	granting; donation	اعطای تابعیت
declaratory	رای اعلامی	naturalization	اعطای
declaratory award		descendants; posterity	اعطای
or judgment		announcement;	اعلام
declaration; statement;	اعلامیه	proclamation; notification;	
advice; communique		declaration; publication	
	اعلامیه آزادی بردگان	declaration of	اعلام استقلال
Emancipation Declaration		independence	
	اعلامیه اعطای استقلال به مردم و کشورهای	denouncement	اعلام الغاء مشار که جنگ
Declaration on	مستعمره	of armistice	
Granting Independence to Colonial		denouncement	اعلام الغاء معاهده
Countries and People		of treaty	
Balfour Declaration	اعلامیه بالفور	revocation of	اعلام بطلان وصیتنامه
debit advice	اعلامیه بدهکار	probate or will	
credit advice	اعلامیه بستانکار	declaration of neutrality	اعلام بیطرفی
Universal	اعلامیه جهانی حقوق بشر	INDICTIO BELLE;	اعلام جنگ
Declaration of Human Rights		declaration or indictment of war	
	اعلامیه حقوق مردم (در قانون اساسی)	declaration or	اعلام حکومت نظامی
bill of rights		proclamation of martial law	
schedule	اعلامیه کارگزار		اعلام ختم دادرسی (م ۱۵۲ آد م)
freight	اعلامیه کرایه و بارکشی	to declare the court proceeding	
manifest		closed	
usual advice	اعلامیه معمولی	inform	اعلام کننده جرم
Declaration by the	اعلامیه ملل متحد	promulgation of treaty	اعلام مفاد معاهده
United Nations			اعلام ورشکستگی (م ۴۱۳ ق ت)
Declaration on	اعلامیه منع دخالت	declaration of bankruptcy	
Inadmissibility of Intervention		unilateral	اعلام یکجانبه استقلال
bill of sight	اعلامیه موقت	declaration of independence (UDI)	
announcement; notice;	اعلان / اعلام		اعلام یکجانبه فسخ قرارداد
advertisement; proclamation;		denunciation of treaties; unilateral	
manifestation; declaration		cancellation of a contract	
handbill	اعلان دستی		بر علیه کسی اعلام جرم کردن
poster; post-bill	اعلان دیواری	to prefer a charge or lodge an	

law) temporary occupation of a country by alien forces	افشاء سر (م ۲۲۰ ق م ع)	revealing
اجازه اقامت / پروانه اقامت		divulging
residence permit	افشا کردن	of a secret
residence; dwelling-place	افشاء (م ۱۱۲۳ ق م)	to divulge; to disclose
domicile; اقامتگاه (م ۱۰۰۲ ق م)		connection
residence	افعال (ج. فعل)	of the vaginal and anal passages as a result of sexual intercourse
اقامتگاه اجباری (م ۱۰۰۵ ق م)		acts (strictly used against omission)
consequential domicile	افعال خارجی / افعال طبیعی	natural
اقامتگاه اختصاصی / انتخابی (م ۱۰۱۰ ق م)		acts, such as eating, drinking, etc;
elected domicile		outward acts
domicile of choice	افعال قضائی / اعمال حقوقی	judicial acts,
domicile of a		such as waiver or transfer of a right
corporation; head office of a company; principal office	افعال مادی	physical acts, such as
domicile of origin	افکار عمومی	destruction
اقامتگاه اصلی		public opinion
اقامتگاه انتخابی / اقامتگاه قراردادی (م ۱۰۱۰ ق م)	افلاس (م ۱۲۶۵ ق م)	indigence;
elected domicile		destitution; bankruptcy
commercial domicile	افلاس نامه	certificate of insolvency
اقامتگاه تجاری		and indigence
real	اقارب / خویشان (م ۱۰۹۱ ق م)	
اقامتگاه حقیقی (م ۱۰۱۰ ق م)		relatives; kinsmen
domicile; domicile by birth	اقاله / تفاسخ (م ۲۸۳ ق م)	rescission;
foreign domicile		cancellation
اقامتگاه خارجی	اقاله کردن	to cancel; to rescind
matrimonial domicile	اقامت	residing; staying; abode
اقامتگاه زوجین		permanent residence;
natural domicile	اقامت دائم	(in private international law)
اقامتگاه طبیعی		permanent occupation of a country by alien forces
registered office	اقامت موقت	sojourn; temporary
اقامتگاه قانونی شرکت		residence; (in private international
(of a company)		
اقامتگاه قراردادی / اقامتگاه انتخابی		
elected domicile		
necessary domicile	اقامتگاه لازم	
national domicile	اقامتگاه ملی	
multiple domicile	تعدد اقامتگاه	
adducement; adducing	اقامه	
adducing or presenting	اقامه بینه	

to entice; to inveigle; to persuade giving	افشاء (م ۱۰۹ ق ا ج ا)	uncles related through mother	اعدام اتمی
religious decrees	افتتاح	feasts; festivals	اعباد (ج. عید)
inauguration; opening; establishing; commencement	افتتاح کردن جلسه	official or legal holidays	اعباد رسمی
to open the meeting	افتتاح کردن مجلس شورا	religious holidays	اعیاد مذهبی
		national holidays	اعیاد ملی
		originals; sources	اعیان (ج. عین) (م ۱۴۵ ق ث ا)
to inaugurate the parliament	افترا	originals of documents	اعیان اسناد (م ۱۳ آدم)
CALUMNIA; calumny; calumni; calumnious denunciation; defamation; a false accusation	افترا زدن به	original copies	اعیان برگها (م ۱۳ آدم)
to calumniate	افترای کتبی	mortgaged properties	اعیان مرهونه (م ۹۱۳ آدم)
libel	افترای لفظی / شفاهی		اعیان مستأجره (م ۱۳ آدم)
slander	افترا آمیز	leased properties or premises	
defamatory;	افضاح	standing property;	اعیان
calumnious; slanderous	افراز / تفکیک	superstructure; building; improvement	
scandal; disgrace; ignominy		agricultural	اعیانی زراعی
partition;	افراز کردن	immovables	
separating; apportionment	قابل افراز	elusion; delusion; taking	اغفال
to partition; to divide	افراط	advantage of a person's credulity or inadvertence	
partible		to delude; to beguile;	اغفال کردن
excess; excessiveness;		to entrap; to lead into error	
exaggeration	افراط و تفریط		کسی را اغفال و به انجام کاری واداشتن
going to extremes	افراط گرایی	to entrap a person into doing a thing	
extremism	افرامند	connivance; condonation;	اغماص
artisan; technician	افرايش ارزش	tolerance	
appreciation	امصادفی الارض (م ۲۰۱ ق ح ق)	seduction; temptation;	اغوا
corruption		enticement; persuasion; inveiglement	
on earth; (spreading) mischief in the land	افشاء	to tempt; to seduce;	اغوا کردن
military officer			
disclosure; divulgement;			

clear evidence	اقتصاد کشاورزی	اقدام کشاورزی
to file a suit; امامه دعوی کردن		
to bring an action; to institute proceedings or a lawsuit; to lodge a complaint; to commence legal proceedings; to go to law; to litigate; to conduct a cause	اقتصاد کلان	اقدام کلان
امامه دلیل برعهده خوانان است (م ۱۲۵۷ ق م)	اقتصاد متوازن	اقدام متوازن
ACTORI INCUMBIT ONUS	اقتصاد مارکسیستی	اقدام مارکسیستی
PROBANDI; the burden of proof lies on the plaintiff	اقتصاد مختلط	اقدام مختلط
to adduce evidence; امامه دلیل کردن	اقتصاد مصرفی	اقدام مصرفی
to raise an argument	اقتصاد نهادی	اقدام نهادی
to give evidence; امامه شهادت	افضا	اقدام افضا
depose	افتضا کردن	اقدام افتضا کردن
adduction of witnesses; امامه شهود	to necessitate; to require; to demand; to be expedient or advisable	اقدام لازم / بر حسب موقعیت
producing or raising or presenting witnesses	on occasion; as circumstances may allow	اقدام / عمل کردن
افاض (م ۳۶۲ ق م)	act; action; measure; effort; a step; process; procedure	اقدام / عمل / اقدام
hand over; give into another's power or control; relinquish possession of	اقدام تقنینی / عمل قانون گذاری	اقدام تقنینی
adopting; adoption; امامه اقتباس	legislative act	اقدام تهاجمی
borrowing; acquiring; extraction	act of aggression	اقدام حقوقی
افتران	legal action	اقدام خارج از دادگاه
اقتصاد	extrajudicial act; act out of court	اقدام خارج از دادگاه
اقتصاد اجتماعی	act of state	اقدام خصمانه
اقتصاد بین المللی	official act or action	اقدام دولتی
اقتصاد سیاسی	diplomatic action	اقدام سیاسی
اقتصاد اجتماعی	treason	اقدام علیه امنیت
اقتصاد خانگی	illicit or forbidden	اقدام غیرقانونی
اقتصاد خرد	action	اقدام فوری
اقتصاد سیاسی	immediate action	اقدام فوری
اقتصاد عملی		

preventive measures or actions	legislative act	اقدام قانون گذاری
preventive measures depriving freedom, such as detention of criminals, addicts, juvenile delinquents, etc	legal action	اقدام قانونی
اقدامات تأمینی سلب آزادی	to take action;	اقدام کردن
preventive financial measures, such as the confiscation of dangerous things or the closure of an institution	to proceed; to enterprise	اقدام مؤثر
اقدامات تأمینی مالی	effective measure	اقدام مؤثر
اقدامات تأمینی محدود کننده آزادی	counteraction	اقدام متقابل
measures limiting freedom, such as prohibition to engage in a particular profession or expulsion of aliens	armed revolt	اقدام مسلحانه
اقدامات تبعی (م ۱۵ ق م ع)	riot	اقدام مسلحانه بر ضد کشور
ancillary measures	appropriate action	اقدام مقتضی
اقدامات تربیتی (م ۱ ق م ع)	preparatory action	اقدام مقدماتی
correctional or educative measures	proceed with deliberations	اقدام به مذاکره
اقدامات تکمیلی (م ۱۵ ق م ع)	for action	برای اقدام
supplementary measures	date of action	روز اقدام
arbitrary actions	measures; actions; efforts; steps	اقدامات (ج. اقدام)
اقدامات خودسرانه	executive acts	اقدامات اجرایی
اقدامات خیریه	preventive, or precautionary measures	اقدامات احتیاطی
اقدامات درمانی بیمارستانی	administrative acts or actions	اقدامات اداری
medical treatment service	corrective measures	اقدامات اصلاحی
اقدامات درمانی سرپایی	emergency measures	اقدامات اضطراری
treatment service	security measures	اقدامات امنیتی
اقدامات سیاسی	disciplinary (police) measures	اقدامات انتظامی
اقدامات غیرقانونی	disciplinary measures	اقدامات انضباطی
forbidden actions	safety measures	اقدامات ایمنی
immediate measures	sanitary measures	اقدامات بهداشتی
اقدامات فوری	corrective measures	اقدامات تأدیبی
or actions	safeguarding measures; security measures	اقدامات تأمینی (م ۱۰ ق م ع)
necessary actions		
اقدامات لازم		
اقدامات مؤثر		
اقدامات محاکم در امور توافقی		

larger than that as EGHLM

territorial اقلیم

Oceanea اقیانوسیه

Economic Commission of اکناف

Asia and Far East (ECAFE)

acquisition اکتساب

acquired اکتسابی

majority; plurality اکثریت

majority of votes اکثریت آراء

full majority اکثریت تامه

special majority اکثریت خاص

simple majority اکثریت ساده

numerical majority اکثریت عددی

decisive majority اکثریت قاطع

required majority اکثریت لازم

special اکثریت مخصوص (م ۳۷ ق ۲)

majority

qualified majority اکثریت مشروط

absolute majority اکثریت مطلق

relative majority اکثریت نسبی

the اکثریت (جدنصاب) حاصل شد

majority (quorum) is obtained

to approve با اکثریت آراء تصویب کردن

by a majority of votes

to vote down; با اکثریت آراء رد کردن

to defeat (proposal, etc.) by votes

reluctance; dislike; اکراه (م ۴ ق ۲)

duress; aversion, violence

reluctantly; under duress اکراهاً

doctrine of اکل مال به باطل

unjust enrichment; (Fegh) doctrine

that a person shall not be allowed to

profit or enrich himself inequitably at

اقرباء پدر و مادری / اقرباء ابویی

relatives related from both father and

mother's side

agnates; اقرباء پدری / اقرباء ابی

relatives from father's side

foster relations اقرباء رضاعی

relations of affinity; اقرباء سببی

relatives-in-law

cognates; اقرباء مادری / اقرباء امی

relatives from mother's side

privies of blood; اقرباء نسبی

relations by blood; consanguineous

relatives

nearness اقریت

instalments اقساط

by instalments; باقساط

arrangement for payment by

instalments

on instalments اقساطی

(Fegh) اقطاع (ج. اقطاعه)

That parcel of land allotted by the

Imam or his deputy to someone to

benefit from it. In such a case others

are not allowed to develop the said

parcel of land even if its owner does

not develop it himself

minimum and maximum; اقل و اکثر

least and most

minority اقلیت

religious minority اقلیت مذهبی

region; country; continent; اقلیم

(Fegh) the smallest division of the

country is known as BALAD and

case, etc

written admission; اقرار کتبی

admission in writing

COGNONIT اقرار کتبی خوانده

ACTIONEM; admission or ac-

knowldgment by record

to admit; to confess; اقرار کردن

to acknowledge; to avow

admission having اقرار مترتب بر دعوی

a bearing on the case at issue

compound admission; اقرار مرکب

pleading in confession and avoi-

dance

independent admission اقرار مستقل

confession and اقرار مفید

avoidance; conditional admission

temporary admission اقرار موقت

pleading not guilty اقرار نکردن به جرم

the subject-matter of an مورد اقرار

admission

confessor; the one making اقرار کننده

an admission or acknowledgment

affidavit اقرارنامه

associates; cognates; relatives; اقربان

companions; coupled; joined

nearer; nearest اقرب / نزدیکتر

relatives; kinsmen اقربا / خویشان

relatives related اقرباء ابویی

from both father and mother's side

agnates; relatives from اقرباء امی

father's side only

cognates; relatives اقرباء امی

from mother's side only

judgment in disputed matters

اقدامات محاکم در امور حسبی

act of voluntary jurisdiction

(in criminal law) اقرار (م ۱۲۵۹ ق ۲)

confession; (in civil law) admission

positive admission اقرار بر اثبات

negative admission اقرار بر نفی

pleading guilty اقرار به جرم

admission of a right اقرار به حق

admission of اقرار به دین

indebtedness

admission that a definite اقرار به عین

property belongs to another

admission that اقرار به نسب

a blood relationship exists between

the confessor and the person in whose

favor the admission is made

extrajudicial اقرار خارج دادگاه

admission or confession

judicial admission or اقرار در دادگاه

confession; avowal; admission on

record

voluntary confession اقرار داوطلبانه

admission اقرار در ماهیت دعوی

relating the merits of the case

simple confession or اقرار ساده

admission

oral admission اقرار شفاهی

or confession

implied or incidental اقرار ضمنی

admission

admission by اقرار قاطع دعوی

defendant on the main issue of the

الحاق

accession; joining;

another's expense

annexation; suffixing

اکولوزی / بوم شناسی ecology

accession to

الحاق به معاهده

الاعمال بالیات OMNE ACTUM AB

a treaty

INTENTIONE AGENTIS EST

natural accession

الحاق طبیعی

JUDICANDUM; every act is to be

artificial accession

الحاق مصنوعی

judged by the intention of the doer

unilateral

الحاق یک جانبه

الاقرب فی الاقرب (م ۴۶ ق ح ق)

annexation

الحافات بین السطور (م ۴۶۵ ق ت)

PROPINQUI ET CONSANGUINEI;

the nearest of kin to a deceased

interlineations

person

supplemental;

الحاقی

الاقرب يمنع الابدع / قاعده حجب

annexed; appended; attached; adjunct;

PROPINQUI EXCLUDIT

adjunctive

PROPINQUUM; the nearer of kin

additional agreement;

الحاقیه

excludes the remoter

addendum

البینه علی المدعی (م ۱۲۵۷ ق م)

et cetera;

البح

ACTORI INCUMBIT ONUS

etc; to the end; and so forth

PROBANDI; the burden of proof

obligation;

الزام

rests on the plaintiff or on the party

convictions

who advances a proposition

obligation

الزام بدون قرارداد

affirmatively

without a contract; implied obligation

البینه علی المدعی واليمين الى من انكر

specific performance

الزام به انجام تعهد

the burden of proof is on the claimant

legal obligation

الزام قانونی

and oath due to he who denies

affixing;

الصاق / چسباندن

undertaking; التزام

attaching; posting up; adhering;

engagement; obligation; commitment;

clipping or stapling together; gluing;

recognizance

pinning

التزام دادن to give an

pasting of notice

الصاق آگهی

undertaking; to be bound over

affixing of stamps

الصاق تمبر

to bind over التزام گرفتن

to attach; to affix

الصاق کردن

recognizance; التزام نامه

to clip together

written undertaking; bond

الصاق کردن به دریا به دیوار

entry of glans into اللغه حیانی

to post up; to paste (bill, etc) on wall

female genital orien

الصاق مهر

affixing of seals

الغاء

abrogation;

cancellation;

rescission; abolition;

annulment

abolition of

الغاء بردگی

slavery

to cancel; to repeal;

الغاء کردن

to annul

abrogation of

الغاء معاهده

a treaty

indefeasible

الغاء نشدنی

words; utterances

الفاظ (ج. لفظ)

الفاظ قوانین لازم الاتباع است

A VERBIS LEGIS NON EST

RECENDENDUM; the words of a

statute must not be departed from

الفاظ مشعر بر معانی هستند

VERBA SUNT INDICES ANIMI;

words are the indices or indicators of

the mind or thought

instillation of doubt

القای شبهه

to instill

القای شبهه کردن

doubts into one's mind

duplicate copy;

المثنی

counterpart; replica

Muslims must المسلمون علی شروطهم

honor their agreements

the child

الولد للفراش

belongs to the marriage bed

oligarchy

بیگارش

equals

امانل

signs;

امارات (ج. اماره)

indications; proofs; evidence; clues

امارات قطعیه

definite

indications

indication; اماره (م ۱۳۲۱ ق م)

sign; presumption

presumption اماره بی گناهی

of innocence

presumption of law اماره حکمی

presumption of اماره حیات

survivorship

presumption اماره فوت

of death

presumption اماره قریه

ET DE JURE; conclusive

presumption

اماره مالکیت (ناشی از تصرف) (م ۳۵ ق م)

presumption of ownership (arising

from possession)

presumption اماره مشروعیت نسب

of legitimacy

اماکن (ج. مکان) (م ۱۱۴ ق م ع)

places; dwellings; localities

public buildings اماکن دولتی

public buildings اماکن عمومی

or places

holy places; اماکن مقدس

shrines; mosques

IMAM; pontiff; امام / پیشوا

religious or prayer leader

Friday-prayer امام جمعه

leader

belief in the امامت

IMAMS as successors of the Prophet;

IMAMATE; mission of an IMAM;

diseases (VD)

occupational diseases

امراض ناشی از کار

signature; initials; signing

امضاء

counter-signature

امضای دوم

forged signature

امضای جعلی

to sign; to endorse

امضا کردن

countersignature

امضای مقابل

to countersign

امضای مقابل کردن

authorized signature

امضای مجاز

indisputably

امضای مسلم‌الصدور

genuine signature

امضای معتبر

valid signature

امضای موقت قرارداد

initialling

of treaty

to have signed

به امضا رساندن

under my

به امضا و مهر اینجانب

hand and seal

under the hand of

به امضای

to subscribe

پای سند امضا کردن

(to a document)

signatory

صاحب امضاء

forging signature

امضاسازی

signatory; signer

امضا کننده

the undersigned

امضا کننده زیر

maker of

امضاء کننده سفته

promissory note

pay to self

به امضاء کننده پرداخت

looking attentively;

امعان نظر

careful consideration

properties

املاک (ج. ملک)

crown or

املاک خالصه

public properties

concession; (م ۶ ق ۳ ش)

concessionary agreement; charter

effacement; eliminating;

wiping out

spoliation

امحاء اسناد

(of documents)

command; order

امر

order of

امر آمر قانونی

lawful superior

FAIT ACCOMPLI; امر انجام شده

accomplished act

امر به معروف، نهی از منکر (م ۳۱ ق ۲ ا)

(Fegh) to bid what is reasonable, and

forbid what is wrong; directing one to

do what is lawful and enjoining not to

commit what is unlawful

امر متنازع فيه (مال یا حق موضوع دعوی)

RES LITIGIOSAE; a thing which is

in litigation; a property or right which

constitutes the subject-matter of a

pending action

established fact امر محرز و محقق

امر مختومه / قضیه مختوم بها

RES JUDICATA;

a matter adjudged

a thing IN POSSE امر ممکن الوقوع

a thing IN ESSE امر موجود

false fact; a fact امر واهی

not founded in truth

command and inhibition امر و نهی

diseases امراض

contagious diseases امراض مسری

venereal امراض مقاربتی (م ۱۱۲ ق ۲)

merchant; broker on commission

sale on commission; امانت فروشی

consignment sale

depositor امانت گذار

امانی / به امانت گذاشته شده

given in trust

embargo امارگو

emperor امپراطور

imperialism امپریالیسم

imperialist امپریالیست

nation; Muslim community; امت

(body of believers forming a) nation

or people

obeying; complying with امتثال

examination; test; امتحان

experiment

bar امتحان وکالت / اخبار

examination

refusal; abstention امتناع

to refuse امتناع از رسیدگی (م ۴ آدم)

to take cognizance; denial of justice

to refuse; to abstain; امتناع کردن

to refrain from

charter; concession امتیاز

concession امتیاز استخراج معدن

for mining

exclusive concession امتیاز انحصاری

(or privilege)

to monopolize امتیاز انحصاری گرفتن

bank charter امتیاز تأسیس بانک

diplomatic privileges امتیاز سیاسی

oil concession امتیاز نفت

prerogative امتیاز ویژه

leadership

refuge; asylum; امان

quarter

to seek refuge امان خواستن

or asylum; to seek quarter

(Fegh) Permanent امان مؤبد

refuge, arising out of contract

concluded by the head of a Muslim

government or his representative with

foreigners professing Judaism,

Christianity or Zoroastrianism. Such

contract was regarded as a permanent

treaty of peace.

absolute refuge امان مطلق

temporary refuge امان موقت

trust; trusteeship; امانت

parcel; consignment; custody; care;

charge; keeping

bank custody امانت بانک

to deposit امانت دادن

(with someone); to give in trust

امانات شرعیه / امانت قانونی

legal deposit

implied trust امانت فرضی (م ۱۷۱ ق ۲)

امانت قانونی / امانت شرعیه

legal deposit

to hold in trust امانت نگاهداشتن

in trust; امانتاً

on trust; in deposit

trustee; depository امانت دار

امانت داری (م ۵۱۶ ق ۲)

bailment; trusteeship

commission امانت فروش

endowed property اموال موقوفه
collateral property اموال وثیقه
waifs اموالی که سارقین فرار بجای میگذارند
affairs; matters امور (ج. امر)
accidental cases امور اتفاقی
social affairs امور اجتماعی
administrative affairs امور اداری
current affairs امور جاری
 امور حسبی / امور حسبه (م ۱۵۶ ق اج)
probate matters; non-contentious or non-litigious affairs
legal affairs امور حقوقی
charitable affairs; pious or benevolent deeds; charities امور خیریه
domestic امور داخلی کشورها
affairs of states امور سیاسی
political affairs امور عمومی
public affairs امور مالی
financial affairs امور مالی سازمان ملل متحد
finances of the United Nations
state affairs امور مملکتی
(Fegh) a maid servant ام ولد
pregnant legitimately by her master
maternal; اقی / منسوب به مادر
uterine
maternal brother برادر اقی
illiterate اقی / درس نخوانده
EMIR; prince; امیر
chief; commander;
(Fegh) governor-general
prime minister (obs); امیرالامراء

CORPORALES; corporeal things
RES DERELICTA; اموال متروکه
abandoned property
property of a اموال متوفای بلا وارث
decendent without heirs
RES اموال مثلی (م ۹۵۰ ق م)
FUNGIBLES; fungible things;
replaceable thing or property اموال مجهول المالك (م ۲۸ ق م)
VACANTIA BONA ; property of unknown owner
real property; real اموال مستقل
estate; landed property
RES FURTIVAE; اموال مسروقه
stolen property
INDIVISUM; joint اموال مشاع
property; estate held in common;
coparcenary
joint property; اموال مشترک
property of the partnership; jointly owned property; property held in common
expropriated اموال مصادره شده
property; goods forfeited
 اموال مفروز / اموال تفکیک شده
partitioned property
RES MOBILES; اموال منقول
movable property or things; chattel;
personalty; things personal; movables
 اموال منقول تابع قانون حاکم بر افراد هستند
MOBILIA SEQUENTUR
PERSONAM; movables follow the (law of the) person

private property اموال خصوصی
quasi personalty اموال در حکم منقول
government property; اموال دولتی
public things اموال سریع الفساد (م ۵ ق رم)
perishable goods or commodities
personal effects اموال شخصی
or property ; private property ; personalty
perishable property اموال ضایع شدنی
or things
RES PUBLICAE; اموال عمومی
public properties; common properties
physical or tangible اموال عینی
property; thing in possession
property in kind; اموال غیر پولی
non-cash assets
non-leviable اموال غیر قابل اجرا
assets
RES NEC MANCIPI; اموال غیر مادی
RES IN CORPORALES; incorporeal things; things which cannot be touched, such as rights
RES IMMOBILES; اموال غیر منقول
immovables; real estate; realty; real property
goods or property of اموال فراریان
fugitives
cultural property اموال فرهنگی
contraband goods اموال قاچاق
priceable اموال قیمی (م ۹۵۰ ق م)
properties or things
RES MANCIPI; RES اموال مادی

trustees; امضاء (ج. امین)
the trustworthy (persons) امضاء صلیح / قاضی دادگاه صلح
justices of the peace
security; peace; امنیت
protection; safety
collective security امنیت دسته جمعی
security of امنیت ج. ح فارس
the Persian Gulf
public peace امنیت عمومی
national security امنیت ملی
gendarme امضاء / ژاندارم
property; wealth; اموال (ج. مال)
estate; possessions; goods; chattels
 اموال آب آورده (بعد از غرق کشتی)
flotsam
standing property اموال اعیانی
property in trust; اموال امانی
property in escrow
 اموال بدون مالک خاص (م ۲۳ ق م)
public property
 اموال بلا مالک / اموال بلا معارض (م ۷۹ ق ت)
BONA VACANTIA; vacant goods; unclaimed property
 اموال بلا مالک به اولین یابنده آن تعلق دارد
RES NULLIUS NATURALITER
FIT PRIMI OCCUPANTIS; a thing which has no owner naturally belongs to the first finder
 اموال بی طرف / اموال متعلق به اتباع کشور
neutral property; بی طرف
property which belongs to citizens of neutral powers

special elections	انتخابات فردی	to commit suicide	انتخاب کردن
direct elections	انتخابات مستقیم	election; selection; choice;	انتخاب
Socialist	انترناسیونال سوسیالیست	appointment; appointing; assignment	
International		a (temporary)	انتخاب قیم از طرف محکمه
internationalism	انترناسیونالیسم	guardian or curator appointed by the court	
relation; descent	انتساب	to select; to choose;	انتخاب کردن
basis of financial	انتساب اضمار	to elect; to adopt; to pick out; to appoint	
liability		re-election	انتخاب مجدد
imputable	قابل انتساب	appointment PRO	انتخاب موقت
publication; circulation;	انتشار	TEMPORE (abr. pro tem); temporary or provisional appointment	
issue; propagation	انتشار دادن		شایسته انتخاب / دارای شرایط انتخاب شدن
to publish; to issue;		eligible	
to circulate; to divulge	انتشار رسمی	elector	انتخاب کننده
promulgation	انتشار رسمی قراردادها	qualified	انتخاب کننده واجد شرایط
promulgation		elector	
of treaties	انتشار قوانین	elections	انتخابات (ج. انتخاب)
promulgation of laws;		compulsory	انتخابات اجباری
publication of laws	از انتشار چیزی جلوگیری کردن	elections	انتخابات اختیاری
to suppress publication of something	انتصاب	optional or	
appointment	انتصاب دولتی	voluntary elections	
public appointment	انتصابی	elections by	انتخابات به اکثریت آراء
appointed	انتظامات	majority of votes	
part of a ministry		proportional elections	انتخابات تناسبی
or a department whose job it is to maintain administrative order and discipline in such ministry or office	انتظامات اداری / انتظامات داخلی	indirect elections	انتخابات دو درجه / انتخابات غیرمستقیم
administrative discipline			انتخابات صنفی / انتخابات طبقاتی
profit (ing); benefit(ing);	انتفاع	guilds elections	
exploitation		general elections	انتخابات عمومی
CRITIQUE; criticism	انتقاد		انتخابات غیرمستقیم / انتخابات دو درجه
to criticize	انتقاد کردن	indirect elections	

administrator or trustee	امین ولی قهری	commander in chief (obs)	
added to a natural guardian		commander of the	امیرالمؤمنین
females; women; girls	انات	faithful, title of Ali	
اناظه امر جزائی به امر حقوقی (م ۱۷ آدم)		EMIRATE	امیرنشین
(criminal law) adjournment of proceedings or prosecution of a penal charge until a civil, commercial or administrative issue is decided		trustee; depositary;	امین
اناظه امر حقوقی به امر جزائی (م ۳۹ آدم)		administrator; bailee; pledgee	
(civil law) adjournment of civil proceedings until a criminal charge is decided upon		امین اداره اموال غایب (م ۱۰۱۲ قم)	
اناظه کیفری (criminal law)		administrator or trustee of the estate of a continuously absent person;	
adjournment of proceedings or prosecution of a penal charge until a civil, commercial or administrative issue is decided		curator (appointed to take care of the estate of an absentee)	
warehouse; store; godown	انبار	public trustee	امین اموال عمومی
private warehouse	انبار خصوصی	(testamentary)	امین ترکه
public	انبار رسمی / انبار عمومی	executor; administrator of estate	
warehouse		administrator	امین چنین
bonded warehouse	انبار گمرکی	to child unborn	
General	انبارهای عمومی ایران	امین دادگاه بخش / امین صلح (م ۶۰ آدم)	
Warehouse of Iran		justice of the peace	
Mehrabad	انبارهای گمرک مهرآباد	justice of	امین صلحیه / امین صلح
Customs Warehouses		the peace	
bill of store	صوره ریز انبار	administrator of the	امین عاجز
storekeeper;	انباردار	disabled; curator	
warehouseman		president	امین عدلیه / رئیس دادگاه
warehousing (dues);	انبارداری	of the court (obs)	
warehouse rent		administrator	امین غایب (م ۱۰۱۲ قم)
prophets	انبیاء	of the absentee; curator (appointed to take care of the estate of an absentee)	
suicide	انتحار	financial agent (obs)	امین مالیه
		امین موقت محجور (م ۱۱۸۴ قم)	
		provisional administrator of a disabled person	
		trustee or executor of a	امین موقوفه
		pious endowment	

انتقادی	۵۶	انجمن
انتقادی	critical	انجام
انتقال	transfer; assignment	انجام تمهید
انتقال اعتبار بانکی	bank credit	انجام قرارداد
	transfer	
انتقال بانکی	bank transfer	انجام وظیفه
انتقال پستی	mail transfer	
انتقال تمهید	transfer of obligation	اهمال (قصور) در انجام وظیفه
انتقال تلگرافی	telegraphic transfer	derelection of duty; neglect of duty;
انتقال دادن	to transfer; to convey;	failure in duty
	to alienate; to assign; to transport	انجام وعده
انتقال دین	cession; transfer of claim	انجمن
انتقال طلب	transfer of debt or claim	انجمن اروپائی مبادله آزاد
انتقال عین و منافع	transfer of corpus	انجمن ایالتی
	and usufruct	انجمن بلدی / انجمن شهر
انتقال قهری (م ۳۴ ق ۱۱)	automatic or	انجمن بین المللی آموزش از طریق هنر
	non-contractual transfer	انجمن بین المللی اهداء خون
انتقال مال (بوسیله مدیون معسر به نفع		
بستانکاران)	cession of goods	
	(made by an insolvent debtor for the	
	benefit of his creditors)	
انتقال مالکیت	alienation; assignment	
	or transfer of ownership	
انتقال موروثی	heredity; inheritance;	
	genetic transmission	
انتقال وجه	remittance	
انتقال دهنده (م ۳۸ ق ۱۱)	transferor;	
	assignor; alienor; alienator	
انتقال گیرنده (م ۳۸ ق ۱۱)	transferee;	
	assignee; grantee; alienee	
انتقال نامه	conveyance; deed of	
	transfer	
انتقالی	transactional	
انثی / مونث	female; woman; girl	

انجمن	۵۷	انحصار طلب
انجمن بین المللی زنان شاغل در امور پزشکی	Society of Social Defense	انجمن فرهنگی افریقائی
انجمن بین المللی قلب شناسی	Medical Women's International	انجمن قوانین تطبیقی
انجمن بین المللی قلم	Association	انجمن ملل آسیای جنوب شرقی (آسه آن)
انجمن بین المللی ممالجات روانی کودک و	International	انجمن ملی مملوین
تخصصهای وابسته	Society of Cardiology	انجمن برای بازسازی و توانبخشی
انجمن پیوند عضو	International	انجمن نظارت بر انتخابات
انجمن جهانی اسپراتو	Pen Club	انجمن ولایتی
انجمن جهانی پزشکی	Association for Child Psychiatry and	انحراف
	Allied Professions	انحراف از عرف روا نیست
	Transplantation	OBSERVANTIA NON EST
	Society	RECEDENDUM; there must be no
	Universal	departure from common usage
	Esperanto Association	انحصار
	World Medical Association	انحصار چندگانه خرید
	World Association of Girl Guides and	انحصار چندگانه فروش
	Girl Scouts	انحصار دو خریدار
	انجمن جهانی سخن پراکنی مسیحی	انحصار دو فروشنده
	World Association for Christian	انحصار خریداران
	Broadcasting	انحصار عمومی
	Association for	انحصار فروشندگان
	Protection of Prisoners	انحصار قانونی
	rural district council;	انحصار مالی
	village council	انحصار مطلق
	city council	انحصار طلب
	European Society	

(obligatory) annulment of a contract	انفساخ	equity acts in personam	انصاف ناظر به شخص است
dismissal; discharge	انفصال	dispensing with;	انصراف
	انفصال ابد / انفصال دائم	waiver; relinquishment; renunciation;	انصراف از حق
permanent dismissal		withdrawal	انصراف از دعوی
removal from office	انفصال از خدمت	waiver of right	انصراف نامہ
temporary dismissal	انفصال موقت	withdrawal of a case	انضباط
wrongful dismissal	انفصال ناروا	letter of renunciation	انضمام
expiry; lapse; termination	انقضاء	discipline; order; control	به انضمام
maturity or expiry	انقضاء اجل	being annexed; junction	انطباق
of due date		including; together with	انطباق قاعده بر دعوی
	انقضاء خیار (م ۳۶۴ ق م)	conformity; applicability	
extinguishment of an option		application of a	انطباق مجازات بر جرم
expiry of	انقضاء مدت (م ۶۵۱ ق م)	rule to a case	انظار (ج. نظر)
time limit; expiry of the term; lapse of		suitability of the	در انظار عمومی
respite; termination of maturity date;		punishment to the crime	انعام
expiry of the statutory period		views; looks; sights;	انزال
termination	انقضاء مدت مہلہ	glances	
of the treaty		to the public view;	انقضاء موعده
expiry of the time limit		openly; publicly; (done) in public	انقضاء مہلت
expiry of respite		prize; bonus	انقطاع
separation; cessation		deposal; removal from	انقطاع مرور زمان
interruption of		office	
prescription; (US) toll of the statute		conclusion; drawing up	انقضاء
(of limitations)		conclusion of peace	انقضاء صلح
revolution	انقلاب	(agreement)	
industrial revolution	انقلاب صنعتی	spending money;	انفاق (م ۱۱۹۶ ق م)
cultural revolution	انقلاب فرهنگی	sustaining; maintaining	
revolutionary; revolutionist	انقلابی	spoils; public wealth;	انفال (م ۵۴ ق ج)
denial; negation; disavowal;	انکار	(Fegh) property which by virtue of	
refutation; renunciation;	traverse;	law is at the disposal of the First	
recantation		Person of Islam (the Prophet or	
traverse	انکار ادعا	Imam)	

HOMO ECONOMICUS	انسان اقتصادی	انحصار وراثت / حصہ وراثت
HOMO SAPIENS	انسان اندیشہ ورز	decree of heirship
HOMO	انسان جامعہ شناسی	exclusive; sole;
SOCIOLOGICUS		monopolistic
HOMO	انسان روانشناسی	decline; decadence;
PSYCHOLOGICUS		degradation
HOMO POLITICUS	انسان سیاسی	moral degradation
anthropology	انسان شناسی	dissolution; winding up
criminal	انسان شناسی جزائی	dissolution or winding up
anthropology		of the company
obstruction	انسداد	dissolution of parliament
composition; writing; drafting;	انشاء	reserve
conclusion; creation		reserve for
forming of intention or	انشاء ارادہ	contingencies
will		reserve for
act of taking possession	انشاء تملیک	depreciation
legal drafting	انشاء حقوقی	bank reserves
drafting	انشاء حکم / رأی دادن	اندوخته برای مطالبات مشکوک الوصول
of judgment; judgment writing		reserve for bad debts
	انشاء عقد / انعقاد قرارداد	اندوخته پنهانی / اندوخته نامرئی
conclusion of a contract		secret reserve
drafting of law	انشاء قانون	اندوخته قانونی (م ۲۳۸ ق ا ق ت)
declaration of	انشاء قصد / اعلام ارادہ	legal reserve
intention; manifestation of will;		indicator
expression of will		atomic energy
to compose; to write;	انشاء کردن	isolation
to create; to indite		public isolation
consummation	انشاء معاملہ (م ۱۹۳ ق م)	isolationist
of a transaction		isolationism
drafting of the will	انشاء وصیت	isolationism
justice; equity; fairness	انصاف	HOMO SAPIENS; human
equity follows	انصاف پیرو قانون است	HOMO INGENUUS ;
the law		HOMO LIBER; a free man; a yeman

contumacious; insolent; اهانته آید
contemptuous اهدا / وقف بر مصالح عمومی
dedication اهل
capable; susceptible; competent; اهل
qualified; fitting; possessing legal
power or capacity; native; citizen;
inhabitant
the Household of the Prophet اهل بیت
expert اهل خبره / کارشناس
(Fegh) the followers of اهل ذمه
Zoroaster, Moses and Christ who,
after entering into agreement with the
head of the Islamic government,
acquire rights and obligations under
law, one of which is to have their own
ecclesiastical courts
religious leaders; اهل علم / عالمان دین
the clergy; the learned
adherent to one of the four اهل کتاب
recognized religions (Islam ,
Christianity, Judaism, Zoroastrianism)
residents; neighbors اهل محل
legal capacity or اهلیت (م ۱۵۶ قم)
competence
 اهلیت اجرای حق / اهلیت استیفاء
capacity to enforce a right
 اهلیت ادا / اهلیت استیفاء
capacity to exercise one's right
capacity to be entitled اهلیت استحقاق
(to something)
 اهلیت استیفاء / اهلیت اجرای حق
SUI JURIS; capacity to exercise one's
rights

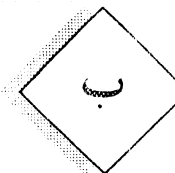
progeny; posterity اولاد ذکور نسل بعد نسل
male consanguine descendants from
generation to generation
minor children اولاد صغیر
prolicide اولاد کشی
ultimatum اولتیماتوم
priority; precedence; اولویت
preference اولویت داشتن
to have preference اولویت سبق
right of priority اولویت نسبی
relative priority اولویت نسبی
prior; initial; first; superior; اولی
the most important or necessary
A FORTIORI; بطریق اولی
all the more
authorities; ruler; sovereign اولی الامر
guardians; tutors; اولیاء (ج. ولی)
masters; lords
authorities of the state اولیاء امور
heirs of the slain person اولیاء دم
oligarchy اولیگارشی / حکومت متفذین
United Nations Conference اونکتاد
on Trade and Development
(UNCTAD)
inhabitants اهالی
residents of the locality اهالی محل
contempt; insolence; insult; اهانت
contumacy; affront; defame; disgrace;
scoffing; disdain
contempt of court اهانت به دادگاه
to flout; to insult; اهانت کردن
to affront; to treat with insolence

fixed deposit اوراق سپرده ثابت
instruments
debenture(s); *اوراق قرضه (م ۵۱ ه. ق. ا. ق. ت)
bond
bearer stock اوراق قرضه بدون نام
guaranteed اوراق قرضه تضمین شده
debentures
treasury bonds اوراق قرضه خزانه
income debentures اوراق قرضه درآمد
government bonds اوراق قرضه دولتی
second debentures اوراق قرضه درجه دوم
mortgage debentures اوراق قرضه رهنی
secured bonds اوراق قرضه وثیقه دار
qualities; attributes اوصاف
trade description اوصاف مال التجاره
executors اوصیاء
circumstances and اوضاع واحوال
conditions
RES GESTAE; اوضاع واحوال دعوی حقوقی
those circumstances which are the
automatic and undesigned incidents of
a particular litigated act
PACTA SUNT اوفو بالعقود
SERVANDA ; agreements of the
parties (to a contract) must be
observed
endowments; اوقاف (ج. وقف)
bequests; pious legacies
private endowments اوقاف خاصه
public اوقاف عامه (م ۸۱ قم)
endowments
offspring; descendants; اولاد
sons and daughters; children;
abnegation of document انکار سند
to deny; to abnegate; انکار کردن
to renounce; to disavow; to recant
irrefutable; undeniable انکارناپذیر
dactyloscopy انگشت نگاری
motive انگیزه
motive of crime انگیزه جرم
an honest or good motive انگیزه خوب
the motive for doing انگیزه عمل
an act
tax incentive انگیزه مالیاتی
folios; leaves; اوراق (ج. ورق)
documents; papers
 اوراق استقراضی (م ۲۲۱ ق. ت)
debentures
negotiable instruments; اوراق بهادار
securities; stocks and shares
 اوراق بهادار به عنوان دارائی
securities as assets
 اوراق بهادار به عنوان وثیقه
securities as collateral
mercantile papers اوراق بهادار تجاری
second rate stock اوراق بهادار درجه دوم
اوراق بهادار قابل انتقال
negotiable securities
 اوراق بهادار غیر قابل انتقال
non-negotiable securities
 اوراق بهادار نقد نشدنی
securities irredeemable
commercial اوراق تجاری (م ۷۴ ق. ت)
bills, instruments or papers
courtroom papers اوراق جلسه دادگاه
documents of a case اوراق دعوا

IBIDEM; IBID; ID; ditto;	ایها	exception	ایراد عدم توجه دعوی
(Do)		to relevance of the case	
fulfillment; discharge;	ایفاء	exception	ایراد عدم صلاحیت
performance; payment;	satisfaction;	to jurisdiction; defence of	
putting into effect		incompetence	
fulfillment of a promise	ایفاء برعهده	(plea of) demurrer	ایراد عدم کفایت ادله
to fulfill or perform an	ایفاء تمهید	plea of	ایراد قضیه محکوم بها
obligation		RES JUDICATA	
payment	ایفاء دین / پرداخت بدهی	to object; to take an	ایراد کردن
or discharge of a debt		exception; to challenge; to adduce; to	
undue payment,	ایفاء ناروا	raise	
fulfillment or performance		plea in bar; peremptory	ایراد ماهوی
discharge of duty	ایفاء وظیفه	plea; exception on merits or	
unilateral	ایفاء (م ۱۳۰۷ ق م)	substance of the case	
contract or obligation		plea of "former	ایراد محکومیت قبلی
voluntary unilateral	ایفاء ارادی	jeopardy"	
contract		plea based on the	ایراد مرور زمان
revocable unilateral contract	ایفاء جایز	statute of limitations	
quasi contract	ایفاء شبه قضائی	exception to	ایراد ورود ثالث
irrevocable unilateral	ایفاء لازم	introduction of third parties	
contract		exceptor; demurrant	ایراد کننده
imperfect bilateral	ایفاء معوض	demurrant;	ایراد کننده به عدم کفایت ادله
contract		the party who , in pleading ,	
unilateral	ایفاءی	interposes a demurrer	
prevarication; equivocation	ایهام گویی	remittance	ایصال

offer	۲- ایجاب / پذیرفتن	capacity to exercise	اهلیت اعمال حق
to make an offer	ایجاب کردن	one's rights	
offer and acceptance	ایجاب و قبول	capacity of a (natural or	اهلیت تمتع
arson	ایجاد حریق عمدی (م ۲۵۰ ق م ع)	juridical) person to own a right	
deposit	ایذاع (م ۶۳۲ ق م)	ahliyat darashdan haqq / ahliyat wajob	اهلیت داراشدن حق / اهلیت وجوب
ideology	ایدئولوژی	capacity to own a right	
idealism	ایده آلیسم	partial	اهلیت ناقص (م ۹۶۲ ق م)
molestation;	ایذاء (م ۶۸ ق ح ق)	capacity	
annoyance		negligence; neglect;	اهمال
vexatious	ایذائی	carelessness; nonchalance;	
objection; challenge; exception	ایراد	heedlessness	
(to); adducement; raising; inflicting		اهمال (قصور) در انجام وظیفه	
ایراد بدون ورود در ماهیت دعوی / تقاضای رد		dereliction of duty; neglect of duty;	
دعوی بدلیل نقص ادله		failure in duty	
to demur; to take an exception to the		to be at fault;	اهمال کردن
sufficiency in point of law of a		to be negligent; to commit fault	
pleading or state of facts alleged		(Fegh) various possessions	ایادی
to impugn evidence	ایراد بر ادله	on or occupiers of a single standing	
to challenge the judge	ایراد بر دادرس	property	
to challenge the witness;	ایراد بر شاهد	province; state	ایالت
to take an exception to a witness		provincial	ایالتی
defence of insanity	ایراد جنون	days; times	ایام
ایراد ضرب (م ۱۷۲ ق م ع)		(Fegh) the period during	ایام عده
to commit battery		which a woman whose matrimonial	
ایراد ضرب و جرح		bonds have been dissolved due to	
to commit assault and battery		divorce or death, etc, cannot marry	
plea of	ایراد امرمختوم	interregnum	ایام فترت (سلطنت)
RES JUDICATA		days of grace; stipulated	ایام مهلت
plea in abatement;	ایراد شکلی	time-limit	
dilatory plea; exception on form or		necessitation;	۱- ایجاب / واجب کردن
procedure		exigency	
exception to capacity or	ایراد عدم اهلیت	to necessitate; to require;	ایجاب کردن
standing; plea of incapacity		to call for; to occasion	

speculative market	بازار سفته‌بازی	way - bill	بارنامه زمینی
futures market	بازار سلف	through bill	بارنامه سرتاسری
securities market	بازار سند بهادار	of lading; through B/L	
black market	بازار سیاه	railway consignment note	بارنامه قطار
free market	بازار حادی / بازار آزاد	bill of lading	بارنامه کشتی
demand and supply market	بازار عرضه و تقاضا	clean bill of lading	بارنامه‌ای که مشعر بر بی‌عیب بودن کالا است
labor market	بازار کار	airway bill	بارنامه هوایی
second hand market	بازار کالاهای دست دوم	a tally clerk	بارنویس
commodity market	بازار کالاهای مصرفی	market	بازار
perfect market	بازار کامل	easy market	بازار آرام
depressed, dull, flat	بازار کساد	free market	بازار آزاد
or dead market		open money	بازار آزاد سرمایه‌ها
brisk market	بازار گرم	market	
narrow market	بازار محدود	free gold market	بازار آزاد طلا
Common Market	بازار مشترک	foreign exchange market	بازار اسعار
Central	بازار مشترک آمریکای مرکزی	credit market	بازار اعتبار
American Common Market (CACM)		bourse; stock market;	بازار اوراق بهادار
European	بازار مشترک اروپایی	securities market; stock exchange	
Common Market (also, EEC)		bond market	بازار اوراق قرضه
East African	بازار مشترک افریقای شرقی	open market	بازار باز
Economic Community (EAEC)		produce market	بازار تجاری
fair market	بازار مکاره / بازار موسمی	money market	بازار پول
buyer's market	بازار مناسب برای خریدار (به علت رقابت فروشندگان)	controlled market	بازار تحت نظارت
jumpy market	بازار ناپایدار	discount market	بازار تنزیل
options market	بازار معاملات نسیه	foreign market	بازار خارجی
issue market	بازار نشر اوراق بهادار	buyers' market	بازار خریداران
cash or spot market	بازار نقد	home market	بازار داخلی
loan market	بازار وام	brokers' market	بازار دلالان سهام
broad market	بازار وسیع	dull market	بازار راکد
		competitive market	بازار رقابتی
		capital market	بازار سرمایه
		investment market	بازار سرمایه‌گذاری



porter; coolie; carrier	باربر	chapter; topic; section; gate	باب
transport (service);	باربری	on account of; concerning;	باب
portorage; handling loads; freitage		on behalf of	
transport and communications	باربری و حمل و نقل	tribute	باج
pregnant;	باردار / زن حامله	blackmail;	باج سیل
expectant (woman)		extortion (money)	
truck; lorry;	بارکش	extortioner; extortionist;	باجگیر
cart; porter		blackmailer	
transporter	بارکش وسایل نقلیه بارکشی	brother-in-law; husband	باجناغ
transportation; trucking;	بارکشی	of wife's sister	
transport		counter	باجه
loading; receiving cargo;	بارگیری	anemometer	بادسنج
tonnage		anemometry	بادسنجی
bill of lading (B/L);	بارنامه	anemology	بادشناسی
road bill; way-bill		anemography	بادنگاری
ship's	بارنامه بازرگانی کشتی	load; cargo; lading; shipment	بار
commercial manifest		to unload the cargo;	بار خالی کردن
stale bill of lading; stale B/L	بارنامه به تاریخ قبل از گشایش اعتبار	to discharge	
marine or ocean bill	بارنامه دریایی	freight; ship cargo	بار کشتی
of lading; marine B/L		wharf; dock; landing place;	بارانداز
railway bill	بارنامه راه آهن	jetty; platform; pier; quay	
		free docks	بارانداز آزاد
		wharf	بارانداز کشتی

esoteric; interior; heart; mind; conscience inwardly rebellious; insurgent remainder; remaining; residue; balance residual; estate virgin; maid; spinster in particular; especially as occasion arises; when necessary or suitable	باطن باطناً باغی باقیمانده باقیمانده مال باکره بالخصوص بالاتفاق	labor inspection investigation of a particular case merchant; trader; businessman commerce; trade; business; commercial, mercantile maritime commerce or trade deportation	بازرسی کار بازرسی موضوعی بازرگان / تاجر بازرگانی بازرگانی دریائی بازگرداندن افراد ناباب به کشور خود بازماندگان بازنشستگی (م ۱۲۴ ق م م) بازنشستگی اجباری بازنشستگی اختیاری بازنشسته بازنشسته شدن بازنشسته کردن بازی قمار باطل باطل کردن باطل کردن چک باطل کردن وصیت سمی بطل باطله
equally adult; major; of age; full grown; of legal age; mature; amounting amounting to to come of age to amount to IPSO FACTO; DE FACTO; actually potential(ly) half and half; in halves; fifty fifty by inheritance bank remitting bank commercial bank International Bank for Reconstruction and Development (IBRD) savings bank	بالسویه بالغ بالغ شدن / به مرحله بلوغ رسیدن بالغ شدن بر بالغ شدن بر بالفعل بالقوه بالمناصفه بالوراثة بانک بانک ارسال کننده بانک بازرگانی / بانک تجاری بانک بین المللی ترمیم و توسعه بانک بازسازی و توسعه (IBRD) بانک پس انداز	survivors retirement; superannuation involuntary retirement voluntary retirement retired; superannuated; pensioned off; pensioner to be retired; to be superannuated to retire; to superannuate; to pension off game of chance null (and void); void; vain; cancelled; invalid; useless; false to render null; to cancel; to frustrate; to counteract; to abrogate to cancel a check to frustrate a will futile or fruitless efforts cancelled; discarded; useless	

to apprehend attachment; sequestration remand; recommittal to custody temporary detention; detention pending trial in custody of house of detention; concentration camp; prison detention barrack yield; output; return current yield dividend yield inspector ; examiner administrative inspector (principal) inspector bank examiner police inspector controller; comptroller inspector of a company alternate inspector legal inspector factory inspector; labor inspector inspector of taxes ministerial inspector inspection; checking up; investigation; scrutiny safety inspection	*بازداشت مال (م ۳۴ ق ۱۱) بازداشت مجدد بازداشت موقت در بازداشت بازداشتگاه بازداشتگاه نظامی بازده / حاصل بازده جاری بازده سود سهام بازرسی بازرس اداری بازرس اصلی بازرس بانک بازرس پلیس بازرس حساب بازرس شرکت تجاری بازرس علی البدل بازرس قانونی بازرس کار بازرس مالیاتی بازرس وزارتی بازرسی بازرسی حفاظتی / بازرسی ایمنی	ancient Greek agoras marketing repayment; refund; reimbursement paying back a loan; repayment of a loan cross-examiner; examining magistrate; interrogator interrogation; inquiry; cross-examination; magistracy investigator; interrogator; questioner investigation; inquiry; interrogation inquest repurchase; buying back; redemption severance compensation; severance pay to buy back; to redeem to compensate someone for his past services interrogation; calling to account; reprimand; censure deterrent detention; arrest; prevention; apprehension; incarceration false imprisonment or arrest to arrest; to detain;	بازارهای قدیم یونان بازارهای بازیرداخت وجه بازیرداخت وام بازیرس بازیرسی بازجو بازجویی بازجویی و تحقیق در مورد مرگهای مشکوک بازخرید بازخرید خدمت (م ۱۲۴ ق م م) بازخریدن بازخریدن خدمت بازخواست بازدارنده بازداشت بازداشت بازداشت غیر قانونی بازداشت کردن
--	--	---	---

bestowal	بخشش	بچه‌ای که پس از مرگ پدر متولد شده باشد
circular (letter)	بخشنامه/مختارالمال	posthumous child
general circular	بخشنامه عمومی	بچه‌ای که پیش از ازدواج متولد شده باشد
	بخشنامه کردن / بخشنامه فرستادن	child born out of wedlock
to circularize		بچه حرامزاده / نامشروع
ministerial circular	بخشنامه وزارتی	FILIUS NULLIUS;
exemption	بخشودگی / معافیت	illegitimate child; bastard; love child
tax exemption	بخشودگی مالیاتی	foundling
to grant; to bestow;	بخشیدن	بچه سرراهی/لقیظ
to excuse; to pardon		FILIUS POPULI;
pessimism	بدبینی	بچه طبیعی
unfortunate; unlucky	بدشانس	natural child
misfortune	بدشانسی	pederast; sodomist
PER INFORTUNUM;	بدعلت بدشانسی	بچه‌باز
by misadventure; in criminal law,		pederasty; active sodomy
homicide PER INFORTUNUM is		بچه‌کش
committed where a man, doing a		infanticide
lawful act, without any intention of		بچه‌کشی
hurt, unfortunately kills another		infanticide; prolicide
(Fegh) heresy; innovation	بدعت	بحران
بدعت‌گذار / مخالف عقاید عمومی		crisis
heterodox		بحران اقتصادی
heterodoxy	بدعت‌گذاری	political crisis
unfaithful to one's promise	بدعهد	بحران سیاسی
breach of one's promise;	بدعهدی	business
unfaithfulness; infidelity		بحران کار و کسب
to breach	بدعهدی کردن	depression
one's promise; to be untrue to one's		critical
promise		بحرانی
a substitute; an equivalent;	بدل	بحث
substitution; change; exchange		discussion; argument;
counterfeit; false;	بدلی	debate; dispute; controversy
imitation; spurious		پolemie
		بحث و جدل
		ARGUENDO
		من باب بحث
		lottery
		بخت‌آزمایی
		district; portion;
		بخش
		share; part; division; chapter; ward;
		section; fragment
		private sector
		بخش خصوصی
		public sector
		بخش دولتی
		governor of a district;
		بخشدار
		deputy governor
		بخشداری
		county

national bank	بانک ملی	mutual	بانک پس‌انداز تعاونی
Bank Melli Iran	بانک ملی ایران	savings bank	بانک تجاری / بانک بازرگانی
bank of issue	بانک ناشر اسکناس	commercial bank	بانک تعاونی‌ها
Bank for	بانک واریزهای بین‌المللی	bank for cooperatives	بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران (سابق)
International Settlement (BIS)	افشاکری بانک (درمقابل دستور دادگاه)	Industrial and Mining Development Bank of Iran (IMDBI)	بانک جهانی
bank disclosure	صورت تطبیق حساب بانک	World Bank	بانک خارجی
bank reconciliation statement		foreign bank	بانک خصوصی
bankable	قابل پذیرش در بانک	private bank	بانک رهنی
banker	بانکدار	mortgage bank	بانک سرمایه‌گذاری
banking	بانکداری	investment bank	بانک سهامی
chain banking	بانکداری زنجیری	stock bank	بانک صادرات و واردات
pertaining to a bank	بانکی	export	import bank
BAYER; uncultivated; arid;	بایر	opening or	بانک صادر کننده اعتبار
unutilized		issuing bank	بانک صنعت و معدن
vendor; seller	بایع	Bank of	Industry and Mines
conditional vendor;	بایع شرطی	correspondent bank	بانک طرف معامله
a vendor in a conditional sale is		Asian Development Bank (ADB)	بانک عمران آسیایی
known as a conditional vendor		African Development Bank (ADB)	بانک کارگزار
boycott	بایکوت	correspondent bank	بانک کارگشائی
file clerk; file-keeper;	بایگان	pawn bank	بانک کشاورزی
record-keeper; archivist		country bank	بانک مجاز
archives; records; filing;	بایگانی	authorized bank	بانک مرکزی
record-room		central bank	بانک مرکزی ایران
current file	بایگانی جاری	Bank Markazi Iran;	Central Bank of Iran (CBI)
dead records or file	بایگانی راکد	Bank Mellat	بانک ملت
to keep on file	بایگانی کردن		
the archives; filing office	اداره بایگانی		
idol	بت		
idolater; idol worshipper	بت‌پرست		
idolatry	بت‌پرستی		
child; baby; infant	بچه		

overdue bill	برات پستی	release; discharge	برائت از پرداخت دین
post office order	برات پستی بانک	from payment of a debt	برائت از تسخیر
bank post bill	برات تجاری	guiltlessness in a crime	برائت بوسیله دادگاه
trade bill	برات تلگرافی	acquittance by the court	برائت ذمه
telegraphic order	برات جبرو	clearance from obligation; disculpation; acquittal	برابر
negotiable bill	برات خارجی	PARI PASSU; equal; equivalent; at par	برابری
foreign bill of exchange	برات خریداری و نزولی	parity; par; equivalence	برابری آراء
bill purchased and discounted	برات دریافت کردنی	tie vote	برابری ارز
inland bill of exchange	برات دهباری	exchange parity	برات (م ۲۲۳ ق ت)
bill receivable	برات رجوعی (م ۲۱۳ ق ت)	bill; bill of exchange; draft	برات ارزی
sight draft;	برات ساده / برات بدون ضمیمه	foreign bill of exchange	برات اسنادی
bill payable at sight	برات سرمایه گذاری	documentary bill	برات انتقالی
re-draft;	برات سهل التزیل	negotiable instrument	برات با مهلت
returned bill; re-exchange	برات سفید (م ۲۲۶ ق ت)	bill after date	برات بانک
clean bill of exchange	برات شهری	bank draft, bill, paper, or check	برات بانک پذیر
investment bill	برات صادره بانک	bankable bill	برات بانکی
bankable bill	برات عندالمطالبه	banker's bill	برات بدستور و حساب دیگری (م ۲۲۷ ق ت)
blank bill	برات عهده داخلی	a bill of exchange by order and for the account of a third party	برات بدون ضمیمه
domestic bill	برات غیردباری / برات میعاد	clean bill	برات بروئت
of exchange	برات قابل پرداخت درقاره اروپا	bill of exchange	برات به وعده / برات میعاد
bank check	برات ک دن	drawn at sight	برات پرداخت شده
demand bill	برات کوتاه مدت	time draft	برات پرداخت کردنی
home-trade bill	برات مالی	or bill; usance bill	
time-bill		discharged bill	
Continental bill		bill payable	
unaccepted bill			
to make or issue a draft			
short bill			
bill finance			

demand debt	بدهی عندالمطالبه	bodily; physical; corporal	بدنی
aggregate liability	بدهی کل	in the first place	بدو
short term debt	بدهی کوتاه مدت	without impeachment of waste	بدون نقیل مسئولیت خرابیها
deferred liability	بدهی که در سر رسید پرداخت نشده	vacant succession	بدون جانشین
tax liability	بدهی مالیاتی	without justification	بدون مجوز
secured liability	بدهی معتبر / بدهی با وثیقه	or authorization	بدویت
incumbrance	بدهی ملک بابت رهن	primitiveness	بدوی گرای
unlimited liability	بدهی نامحدود	primitivism	بدهکار / مدیون
to become	حال شدن بدهی	debtor; indebted	بدهکار بودن
immediately payable; to fall due	بدیهی	to be in debt; to owe;	بدهکار کردن (حساب)
evident; apparent; axiomatic	بذر	to be indebted to	بدهکاران متفرقه
seed	بذل	to debit	به حساب بدهکار
giving generously; using;	بذل کردن	sundry debtors	ستون بدهکار
bestowing liberally; spending		to the debit account	بدهکاری
to give; to grant;		debit column	بدهی
to bestow		debt; indebtedness	بدهی باوثیقه / بدهی معتبر
the giving	بذل مال (م ۱۳۴۶ ق م)	liability; debt;	بدهی احتمالی
away of a property by the wife to the husband in lieu of obtaining divorce		amount due	بدهی انفرادی
from him, such property being the whole or part of her marriage		contingent liability	بدهی باوثیقه / بدهی معتبر
portion, or any other property		single liability	بدهی به بانک (به علت حواله زاید بر اعتبار)
waiver of enjoyment of wife's company for the remaining period (in a temporary marriage)	بذل مدت (در عقد منقطع) (م ۱۰۹۷ ق م)	secured liability	بدهی تعهدی / بدهی حاصله از پشت نویسی
estimate; appraisal;	بر آورد	bank overdraft	بدهی ثابت
assessment; survey	برائت	liability for endorsement	بدهی جاری
QUIETUS;		fixed liability	بدهی دراز مدت
acquittance; acquittal; exemption;		current liability	بدهی ثابت
innocence; guiltlessness; clearance;		long term or	بدهی جاری
		capital liability	بدهی دفتری
		book debts	بدهی سود سب
		liability dividend	

uterine brother;	برادر اُمی	time draft	برات مدت دار / برات مؤجل
half-blood brother; half-brother		advance bill	برات مساعده
adopted brother	برادر خوانده	prime bill	برات معتبر
foster brother	برادر رضاعی (م ۱۰۴۶ ق م)	time bill	برات میعاد / برات بوعده
step brother;	برادر ناتنی (م ۹۲۶ ق م)	discounted bill	برات نزول شده
half-blood brother; half-brother		due bill	برات واجب الادا
fratricide	برادر کش / برادر کشی	protested bill	برات واخواست شده
AD VALOREM;	براساس ارزش کالا		برات وعده دار در تجارت خارجی
in proportion to estimated value of goods		usance bill	برات وصولی
superiority	برتری	bill for collection	براتی که در آن محل پرداخت قید نشده باشد
price tag	برچسب قیمت	blank bill	(م ۲۲۶ ق ت)
AB INVITO;	برخلاف میل / کره‌ها		براتی که در وجه حامل ظهرونی شده باشد
against one's will		blank endorsement bill	
slavery	بردگی	past	براتی که سررسید آن گذشته است
abolitionism	مخالفت ببردگی	due bill	
slave	برده	bill falls due on	تاریخ سررسید برات
slave driver	برده دار	retired draft	لاشه برات
slave trade;	برده فروشی	bill rate	نرخ تنزیل برات
traffic in slaves; dealing in slaves		first of exchange	نسخه اول برات
review; survey;	بررسی		نسخه ثانی برات (م ۲۵۹ ق ت)
investigation		second of exchange	
public-opinion	بررسی افکار عمومی	third of exchange	نسخه ثالث برات
survey		bill holder	برات دار (م ۲۳۷ ق ت)
market research	بررسی بازار		برات دهنده / برات کش / محیل
survey research	بررسی پژوهشی	drawer	(م ۲۲۳ ق ت)
work study	بررسی کار		برات گیر / محال علیه (م ۲۲۳ ق ت)
purgatory	برزخ	drawee	
farmer	برزرگر	brother	برادر
leprosy	برص	brother on	برادر ابی
grace; blessing	برکت	the father's side; half-blood brother	
lay-off; dismissal	برکناری	brother	برادر ابونی (م ۸۸۷ ق م)
leaf	برگ	of full blood	

letter of acceptance	برگ پذیرش	برگ اجرایی / ورته اجراییه (م ۲۵۱ آ دم)
in favor of; for	برله	writ of execution; executive writ
plan; program; schedule	برنامه	SUBPOENA;
Central	برنامه ادغام آمریکای مرکزی	برگ احضاریه
American Integration Program		summons
European	برنامه ترمیم اروپا	credit note
Recovery Program (ERP)		برگ بستانکار
	برنامه جهانی خواروبار	bond; securities
World Food Program (WFP)		برگ بهادار
order of the day	برنامه روزانه	military service
development plan	برنامه عمران	برگ پایان خدمت
or program		termination certificate ; discharge certificate
United	برنامه عمران ملل متحد	notice of
Nations Development Program		برگ تشخیص (م ۱۴۹ ق م)
(UNDP)		income assessment
	برنامه عمران اجتماعی اروپایی	notice of income
European Socioal Development Program		برگ تشخیص درآمد
	برنامه مشترک سازمان ملل متحد و سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی (فائو) برای خواروبار جهانی	assessment
Joint United Nations-FAO World Food Program		notice of tax
	برنامه‌های هماهنگی اقتصادی - اجتماعی و حقوق بشر سازمان ملل متحد	برگ تشخیص مالیات
Coordination of UN Economic, Social and Human Rights Programs		assessment; tax assessment notice
technical	برنامه همکاری فنی	summons
cooperation program		برگ جلب
planner	برنامه ریز	discharge certificate
cost planner	برنامه ریز هزینه تولید کالا	برگ خاتمه خدمت
planning	برنامه ریزی	abstract of title
economic planning	برنامه ریزی اقتصادی	برگ خلاصه معاملات
		application or petition form
		برگ دادخواست
		برگ لازم الاجرا (م ۱۴۳ آ دم)
		enforcible document
		برگ معافیت (از خدمت نظام) (military)
		exemption paper or certificate
		returned; return;
		برگشت
		revocation; regress; retreat
		برگشت پذیر / قابل برگشت
		revocable;
		refundable; rectifiable
		برگشت ناپذیر / غیر قابل برگشت
		irrevocable; not refundable
		anything suggestive
		برگه
		of a leaf; index card; slip
		برگه انتقالی
		transfer voucher

virgin land	زمین بکر	humanism; philanthropy	بشردوستی
calamity; misfortune;	بلا	nullification; invalidation;	بطال
misadventure		nullity; annulment; invalidity;	
natural disaster	بلا طبیعی	falseness	
or calamity		nullity of marriage	بطال ازدواج
at a loss what	بلا تکلیف	nullity proceedings	بطال دعوی
to do; undecided			بطال ذاتی / بطلان مطلق
irrevocable	بلا عزل	inherent or absolute nullity	
free of charge; gratis;	بلا عوضی	annulment of contract	بطال قرارداد
gratuitous; without recompense		relative nullity	بطال نسبی
unclaimed; unmolested;	بلا معارضی	(Fegh) generation	بطن
unchallenged; unopposed; un rebutted		generation after	بطناً بعد بطن
undisputed; unopposed	بلا منازع	generation	
imbecility	بلا مت	call to prophethood;	بعثت
city; town; province;	بلد / شهر	prophetic mission	
country; district		afterwards; later on;	بعداً
municipal	بلدی / شهری	subsequently; then	
municipality	بلدی / شهرداری	posterior; next;	بعدی
bolshovism	بلشویسم	subsequent;	
nubility; puberty; adolescence;	بلوغ	ET SEQ. An abbreviation for ET	
maturity; full age; adulthood		SEQUENTES or ET SEQUENTIA,	
PUBERTAS	بلوغ زودرس	"and the following"	Thus a
PRAECOX		reference to "P.1,et seq". means "page	
to attain puberty;	به سن بلوغ رسیدن	first and the following pages"	
to come of age; to reach adolescence		PRO TANTO; part(ial) ly	بعضاً
district; civil parish;	بلوک	survival of the fittest	بقای انساب
rural district		arrears	بقایای / معوقه
ticket	بلیت	arrears of income	بقایای درآمد
building	بنا		بقایای مالیاتی (م ۱۷۳ ق م)
	بناهای تاریخی / آثار تاریخی	arrears of taxes; tax arrears	
historical monument		virginity; maidenhood	بکارت
title deed;	بنجاق	hymen	پرده بکارت
original document		virgin; intact; virginity	بکر

unsecured creditor	بستانکار بدون وثیقه	production planning	برنامه ریزی تولیدی
judgment	بستانکار به حکم دادگاه	state planning	برنامه ریزی دولتی
creditor		urban planning	برنامه ریزی شهری
secured creditor	بستانکار دارای رهنه	bills; drafts	بروات (ج. برات)
creditor at large;	بستانکار عادی	extrovert; extravert	برون گرا
general creditor		extroversion; objectivism	برون گرایی
sundry creditors	بستانکار (ان) متفرقه	EXTRA TERRITORIUM;	برون مرزی
	بستانکار مطالب (طلبکاری که به دادگاه اعلام می کند که ممکن است مدیون ورشکسته باشد)	extraterritorial; outside the territorial	extraterritorial; outside the territorial
petitioning creditor		limits of a state	
preferred creditor	بستانکار ممتاز	logical demonstration;	برهان
	به بستانکار حساب کسی گذاشتن	reason; proof; theorem	
to enter to someone's credit;		peremptory argument	برهان قاطع
to credit someone with		exempt; (de) void	بری
to the	به حساب بستانکار	to be released; to obtain	بری شدن
credit account		a discharge	
	رسیدی که بستانکار متوفی در مقابل دریافت	to acquit from obligation;	بری کردن
	مقداری از ترک به عنوان تصفیه حساب به ورثه می دهد	to discharge; to exempt	
creditor's bill	بستانکاری	clear from	بری الذمه (م ۵۶۴ ق ت)
creditorship	بستانکاری	obligation; quit; acquitted; discharged	
sea-bed	بستر دریا	to acquit from	بری الذمه کردن
relatives	بستگان (م ۱۲ ق م)	obligation; to discharge	
parental relations;	بستگان ابویی	public	بریات عمومی (م ۹۱ ق م)
paternal relations; agnates	بستگان ابی	services	
maternal relations;	بستگان امی	misdemeanor	بزه
cognates		misdemeanant	بزهکار
package	بسته	quiltiness	بزهکاری
mobilization	بسیج	sanctuary; asylum	نست / تحصن
partial mobilization	بسیج جزئی	to take sanctuary	بست نشستن
general mobilization	بسیج عمومی	(in a holy or safe place)	
demobilization	برطرف کردن حالت بسیج	creditor	بستانکار
philanthropist	بشردوست	privileged	بستانکار با حق رجحان
humanitarian; philanthropic	بشردوستانه	creditor	
		secured creditor	بستانکار با وثیقه

hygiene; health	بهداشت	scholarship; fellowship	بورس تحصیلی
occupational health	بهداشت حرفه‌ای	stock market	بورس کالا
mental health	بهداشت روانی	study grant	بورس مطالعاتی
industrial hygiene	بهداشت صنعتی	bureaucrat	بوروکرات
public health	بهداشت عمومی	bureaucracy	بوروکراسی
work hygiene	بهداشت کار (۷م ق ک)	ecology	بوم‌شناسی
hygienic	بهداشتی	price	بها
interest	بهره	par value; nominal value	بهای اسمی
nominal interest	بهره اسمی	approximate value	بهای تقریبی
bank interest	بهره بانک	or price	
educational	بهره تحصیلی	value of relief	بهای خواسته
quotient (EQ)			بهای سیف / بهای کالا، بیمه و کرایه تا مقصد
accrued interest	بهره تمهید شده	CIF price	
interest damage	بهره خسارات	fair price	بهای عادلانه
moratory interest	بهره دیرکرد	reserve price	بهای قطعی
contango	بهره دیرکرد خرید سهام		بهای کالا و کرایه تا مقصد / سیف
backwardation	بهره دیرکرد فروش سهام	cost, insurance and freight (CIF)	
simple interest	بهره ساده		بهای کالا در مرحله خروج از کارخانه
accrued	بهره سهام که اعلام	ex-works price	
interest	ولی پرداخت نشده باشد		بهای کالا و کرایه تا مقصد
ordinary interest	بهره عادی	cost and freight (C&F)	
capital bonus	بهره قرضه	unit cost	بهای واحد
contractual interest	بهره کل وام	at par	به بهای اسمی
economic rent	بهره مالکانه	above par	بیش از بهای اسمی
accrued interest	بهره متعلقه	pretext; excuse	بهانه
compound interest	بهره مرکب	false accusation; calumny	بهتان
senior lien	بهره مقدم	to calumniate	بهتان زدن به
national dividend	بهره ملی	SERIAM; in itself	به ترتیب / نکته به نکته
gross interest	بهره ناخالص	one by one	به خودی خود
loan interest	بهره وام	IPSO FACTO;	
intelligence quotient (IQ)	بهره هوش	PER SE; in itself	
	بهره به جهت تأخیر پرداخت میشود	department of public health	بهداری
interest is allowed EX MORA			

foundation	بنیاد	clause; paragraph	بند
Bonyad-e- Mostazafan;	بنیاد مستضعفان	section; article	بند (ماده)
Foundation for the Poor		port	بندر
bush; shrub	بوته	open port; free port;	بندر آزاد
to put	در بوته اجمال گذاشتن	free zone; foreign trade zone	
in abeyance		port of departure or origin	بندر مبدأ
budget	بودجه	port of arrival or destination	بندر محل ثبت کشتی و یا اقامت صاحب آن
administrative budget	بودجه اداری	home port	
cyclical budget	بودجه ادواری	port of delivery or destination	بندر مقصد
capital budget	بودجه تأسیساتی	slavery; servitude; devotion	بندگی
current budget	بودجه جاری	slave; servant	بنده
family budget	بودجه خانواده	wholesaler	بنکدار
defense budget	بودجه دفاعی	institute; concern;	بنگاه
state or governmental budget	بودجه دولت	institution; establishment; corporation; agency	
budget of	بودجه سازمان ملل متحد	irrigation authority	بنگاه آبیاری
United Nations		carrier	بنگاه باربری
development budget	بودجه عمرانی	International	بنگاههای بین‌المللی دارائی
technical budget	بودجه فنی	Finance Corporation (IFC)	بنگاه رهنی
balanced budget	بودجه متعادل	pawnshop	بنگاه سخن‌پراکنی
national budget	بودجه ملی	broadcasting	
open-end budget	بودجه نامحدود	company	
military budget	بودجه نظامی	employment	بنگاه کارمایی (۶۵م ق ک)
budget execution	اجرای بودجه	agency	
bourgeois; (member) of	بورژوا	Benelux. Belgium,	بنلوکس
middle class		the Netherlands, and Luxemburg in	
bourgeoisie;	بورژوازی	association as a regional economic	
the middle or bourgeois class		group	
stock	بورس (۳۷۳ ق ت)	a parcel of	بنه / بنچه
exchange; bourse		agricultural land (part of a village) to	
quiet market	بورس آرام	which a number of cows are allotted	
	بورس اسناد بهادار / بورس اوراق بهادار	for agricultural purposes	
stock or security exchange			

or description	بیرون کردن
aleatory sale	بیع غرر
invalid sale	بیع فاسد
definite, unconditional,	بیع قطعی
absolute or irrevocable sale	
a final sale	بیع قطعی مشتمل برهن
encumbered with mortgage	
deferred sale, where	بیع کالی به کالی
the subject-matter of sale and price	
are both deferred to a future day	
sale of	بیع کالی (م ۱۴ ق م)
merchandise of a general description	
irrevocable sale	بیع لازم (م ۵۷ ق م)
sale on credit	بیع مؤجل / بیع نسبه
	بیع نسبه به نسبه / بیع کالی به کالی
deferred sale	
cash sale	بیع نقد
bargain	بیع و شراء
at the time of the sale	حين البيع
sale deed; bill of sale	بیع نامه
earnest money	بیعانه
(oath of) allegiance	بیعت
to swear allegiance or	بیعت کردن
fealty	
inequity	بیعدالتی
unchaste	بی عفّت
to lose chastity; to fall	بی عفّت شدن
to defile	بی عفّت کردن
unchastity	بی عفّتی
in perfect condition	بی عیب
unemployment; idleness	بیکاری
disguised	بیکاری پنهان
unemployment	
to discharge;	بیرون کردن
to dismiss; to expel	
discover	بی شوهر
thicket; grove	بیشه
natural grove or thicket	بیشه طبیعی
neutral; impartial	بیطرف
neutrality; impartiality	بیطرفی
forced neutrality	بیطرفی اجباری
optional neutrality	بیطرفی اختیاری
benevolent	بیطرفی خیرخواهانه
neutrality	
permanent neutrality	بیطرفی دائمی
conditional neutrality	بیطرفی مشروط
absolute neutrality	بیطرفی مطلق
partial neutrality	بیطرفی نسبی
sale	بیع (م ۳۳۸ ق م)
cash sale	بیع حال / بیع نقد
	بیع خیار بشرط رد ثمن / بیع شرط
conditional sale	
conditional or	بیع خیار / بیع شرط
optional sale	
forward sale	بیع سلف
forward sale	بیع سلم
an exchange wherein one	بیع شایع
of the things exchanged is gold or	
silver coin	
	بیع شرط (م ۴۵۸ ق م)
conditional or revocable sale	
exchange of	بیع صرف (م ۳۶۴ ق م)
gold or silver	
(Fegh) sale by verbal	بیع عقدی
agreement	
(Fegh) sale by sample	بیع غائب

structures on it, provided it does have	بهره برداری
an owner	
creditless; uncreditable;	بی اعتبار
invalid; unreliable; disreputable	
invalidity	بی اعتباری
statement; expression;	بیان
explanation	
statement; manifesto; declaration	بیانیه
ALGIERS	بیانیه های الجزایر
ACCORDS: Accords signed by and	
between the Governments of the	
Islamic Republic of Iran and the	
United States of America in Algiers	
on 19 January 1981. These Accords	
consist of following four parts:	
1) Claims	بیانیه حل و فصل دعاوی
Settlement Declaration	
2) General Declaration	بیانیه عمومی
3) Undertakings	سند تعهدات
4) Technical Arrangements	ترتیبات فنی
joint declaration	بیانیه مشترک
public treasury	بیت المال (م ۳۲ ق ح ق)
indifferent	بی تفاوت
apathy	بی تفاوتی (سیاسی)
NIENT CULPABLE;	بی تقصیر
guiltless; not guilty	
bill; invoice	بیجک
futile; unproductive	بی حاصل
disgrace	بی حرمتی
secular; irreligious	بی دین
secularism; irreligion	بی دینی
	بیرون رفتن از جلسه (بعنوان اعتراض)
to walk out	
revenue operation;	
exploitation; putting into operation	
to exploit;	بهره برداری کردن
to put into operation	
FRUCTUS; the	بهره گیری
right to the fruits of a thing	
time utility	بهره گیری از شرایط زمانی
to remain	به قوت خود باقی بودن
in force; continue to be valid	
STRICTO SENSU;	به معنی احص
in strict sense; strictly speaking	
LATO SENSU;	به معنی اعم
in general sense; generally speaking	
by way of PRO RATA	به نحو تسهیم
personally;	به منفه / به شخصه
in person	
disrespect; insult;	بی احترامی
dishonor	
to flout at; to insult;	بی احترامی کردن
to mock at; to scoff at	
profanity;	بی احترامی به مقدسات
blasphemy	
imprudent; incautious;	بی احتیاط
careless	
want of precaution;	بی احتیاطی
carelessness; improvidence;	
negligence	
PER INCURIAM;	به علت بی احتیاطی
through inadvertence	
groundless; unfounded;	بی اساس
ill-founded	
the quality of the land	بااض
which is not cultivated nor does have	

carelessness; negligence; recklessness	بی‌مبالائی	seasonal unemployment	بیمکاری فصلی
untimely; not provided for (in the budget)	بی‌محل	technological unemployment	بیمکاری فنی
out of place; amiss; unjustified insurance	بی‌مورد	institutional unemployment	بیمکاری نهادی
reinsurance; reassurance	بیمه	unemployment benefit	اعانه بیمکاری
facultative reinsurance	بیمه‌اتکائی اختیاری	forced or unpaid labor	بیمگاری
surplus reinsurance	بیمه‌اتکائی اضافی	alienation	بیمگانگی
quota share reinsurance	بیمه‌اتکائی حصه سهم	alien; foreigner	بیمگانه / اجنئی
		alien enemy	دشمن بیمگانه
		alien friend	دوست بیمگانه
	بیمه‌اتکائی حوادث غیرمترقبه	NIENT CULPABLE;	بی‌گناه
catastrophe reinsurance		innocent; guiltless; not guilty	
excess reinsurance	بیمه‌اتکائی زیادی	guiltlessness	بی‌گناهی
	بیمه‌اتکائی زیان توقف	balance sheet;	بیلان / ترازنامه
stop-loss reinsurance		statement of assets and liabilities	
share reinsurance	بیمه‌اتکائی سهم	profit and loss account	بیلان سودوزیان
	بیمه‌اتکائی قبولی (م ۸۲ ق‌م‌م)	illness; disease; sickness	بیماری
accepted reinsurance		venereal disease	بیماری آمیزشی
	بیمه‌اتکائی واگذاری (م ۵ ق‌م‌م)	periodic disease	بیماری ادواری
assigned reinsurance		endemic disease	بیماری بومی
motor-car or automobile insurance	بیمه اتومبیل	acute disease	بیماری حاد
		occupational disease or illness	بیماری حرفه‌ای
compulsory insurance		seasickness	بیماری دریاردگی
	بیمه اجباری بیمکاری	psychopathy	بیماری روانی
compulsory unemployment insurance		chronic disease	بیماری مزمن
	بیمه اجتماعی (م ۱ ق‌ب‌اک)	pathogen (et) ic	بیماری زا
social insurance		pathogenesis	بیماری زائی
voluntary insurance	بیمه اختیاری	nosology; nosography	بیماری‌شناسی
	بیمه‌اشیاء (آتش‌سوزی، تصادف)	negligent	بی‌مبالائی
casualty insurance			

war risk insurance	بیمه خطر جنگ	disablement or disability insurance	بیمه از کار افتادگی
perpetual insurance	بیمه دائم	credit insurance	بیمه اعتبار
sea or marine or maritime insurance	بیمه دریایی	property insurance	بیمه اموال
life insurance	بیمه زندگی (م ۸۲ ق‌م‌م)	insurance of movable interest	بیمه اموال منقول
deposit insurance	بیمه سپرده	inland marine insurance	بیمه باربری خشکی
fidelity insurance;	بیمه صحت و درستی	marine or maritime insurance	بیمه باربری دریایی
insurance against dishonesty		insurance with particular average (WPA)	بیمه با میانگین جزئی
industrial or prudential insurance	بیمه صنعتی	marine insurance	بیمه بحری
business interruption insurance	بیمه عدم‌التفیع	insurance free from particular average (FPA)	بیمه بدون میانگین جزئی
life insurance or assurance	بیمه عمر	insurance with fixed instalments	بیمه به اقساط ثابت
credit life insurance	بیمه عمر اعتباری	unemployment insurance	بیمه بیمکاری
	بیمه غیرزندگی (م ۸۲ ق‌م‌م)	sickness insurance	بیمه بیماری
non life insurance		old-age insurance	بیمه پیری
comprehensive insurance	بیمه کامل		بیمه تأمین منافع کارکنان
	بیمه کشتی در تمام مدت یک سفر	workmen's compensation insurance	
voyage policy		business insurance	بیمه تجاری
blanket policy	بیمه کلی	collision insurance (وسائط نقلیه)	بیمه تصادف
insurance against all risks (AAR)	بیمه کلیه خطرات	mutual insurance	بیمه تعاونی
group insurance	بیمه گروهی	all-risk insurance	بیمه تمام خطر
excess insurance	بیمه مازاد		بیمه حساب‌های قابل وصول
reciprocal insurance	بیمه متقابل	accounts receivable insurance	
Bimeh Markazi Iran;	بیمه مرکزی ایران	accident insurance	بیمه حوادث
Central Insurance Company of Iran			بیمه حوادث شخص ثالث
liability insurance	بیمه مسئولیت	third party accident insurance	
	بیمه مسئولیت کارفرما		بیمه خسارت کامل ساختمان
employer's liability insurance		constructional total loss insurance	
	بیمه مسئولیت مدنی		
public liability insurance			
direct insurance	بیمه مستقیم (م ۸۲ ق‌م‌م)		

viduity, widowhood

بیوگی

Crown properties

unconscious

بیهوش

widow; relict

بیوه

adjustable policy بیمه نامه قابل تعدیل

بیمه نامه که طی آن چند قلم کالا یکجا بیمه شده

blanket policy باشد

بیمه نامه که کالا را بدون قیدنام گشتی بخصوص

floater policy بیمه می کند

extended coverage policy بیمه نامه گسترده

بیمه نامه مخصوص بیمه کالای بخصوص

specific policy

بیمه نامه مخصوص کالای بخصوص و شامل

limited policy خطرات محدود

time policy بیمه نامه مدت دار

compound policy بیمه نامه مرکب

memorandum مواد استثنایی در بیمه نامه

to interline بین السطور نوشتن

interparliamentary بین المجالس

Socialist بین الملل سوسیالیست

International

international بین المللی

to internationalize بین المللی کردن

clear proof or بینه (م ۴۲ ق م)

evidence

البینه علی المدعی

EI INCUMBIT PROBATIO, QUI

DICIT, NON QUI NEGAT: the

proof lies upon him who affirms, not

upon him who denies

البینه علی المدعی و الیمین الی من انکر

the burden of proof is on the claimant

and oath due to he who denies

اقامه بینه

adducing or presenting

clear evidence

بیوتات / بیوتات سلطنتی

Office in charge of royal effects and

perpetual insurance بیمه مستمر

annuity insurance بیمه مستعری

بیمه مستعری بازشتنگی

retirement income insurance

coinsurance بیمه مشترک

double insurance بیمه مضاعف

provisional insurance بیمه موقت

concurrent insurance بیمه یکجا

insured (party) بیمه گذار

reinsured (party) بیمه گذار اتکائی

insurer; underwriter بیمه گر

reinsurer بیمه گر اتکائی

insurance policy; policy بیمه نامه

بیمه نامه آتش سوزی استاندارد

standard fire policy

بیمه نامه آزاد که شامل بیمه تمام موجودی انبار

باشد (و این موجودی دائماً در تغییر باشد)

open policy

بیمه نامه اتکائی

reinsurance policy

بیمه نامه اتوموبیل های متعدد (متعلق به یک

بیمه گذار و یک بیمه نامه)

fleet policy

bimh نامه افتخاری

honor policy

bimh نامه ترکیبی

combination policy

bimh نامه جدولی

schedule policy

bimh نامه دریائی بامدت محدود

time policy

bimh نامه شامل خسارت جزئی و خسارت کلی

full-form policy

bimh نامه شامل کلیه خطرات

unlimited policy

bimh نامه شرکت درخطر

participating

policy

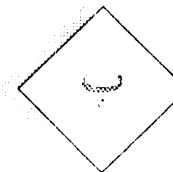
بیمه نامه عدم شرکت در خطر

nonparticipating policy

bimh نامه قابل ارزیابی

assessable policy

subscriber of shares	پذیره‌نویس سهام	thesis	پایان نامه
	پذیره نویسی (م ۱۷۱ قات)	terminal	پایانه
subscription		capital city	پایتخت
to subscribe	پذیره‌نویسی کردن سهام	post of duty;	پایگاه
flag	پرچم	sentry post; base; station	
flag of truce	پرچم صلح	fee	پای مزد
payment	پرداخت	guarantor	پابندان
deferred payment	پرداخت آتی	guaranty	پابندانی
	پرداخت اجباری / پرداخت تهری	basis; scale; degree;	پایه
compulsory payment		rank; foundation	
voluntary payment	پرداخت اختیاری	merit basis	پایه استحقاق
overdraft	پرداخت اعتباری	pay rate	پایه حقوق
periodic	پرداخت اقساطی دوره‌ای	to write down	
payments		permit	پته
payment on	پرداخت به‌اقساط	customs receipt	پته گمرکی
instalment		goods covered	کالای موضوع پته
	پرداخت بدهی به‌دادگاه (توسط خواننده به‌نفع خواهان)	by the permit	
payment into court		father	پدر
bank post	پرداخت پستی بانک	putative father	پدر ادعائی بچه نامشروع
remittance		step father	پدراندر/ناپدری
partial payment	پرداخت جزئی	sponsor; godfather	پدرتمیدی/پدرخوانده
payment on	پرداخت علی‌الحساب	father-in-law	پدرزن/پدرشوهر
account		patriarchy	پدرسالاری
payment of	پرداخت خرامت	patricide; parricide	پدرکشی / پدرکشی
indemnity or compensation		defense	پدافند / دفاع
prepayment	پرداخت قبل از سررسید	national defense	پدافند ملی/دفاع ملی
	پرداخت کرایه حمل به‌وسیله مرسل‌الیه	admission;	پذیرش / قبولی
back freight	(م ۲۸۴ ق ت)	acceptance	
	پرداخت مبلغ برات و تصفیة حساب مربوط به آن	bank acceptance	پذیرش بانکی
clearing a bill		to accept; to admit;	پذیرفتن
to honor a cheque	پرداخت مبلغ چک	to acquiesce	
	پرداخت مقرری به‌علت اتفاق غیرمترقبه	subscriber	پذیره نویس
contingent annuity			



rebutter	پاسخ سوم خواننده به لایحه خواهان	bonus; reward;	پاداش
replication	پاسخ اول خواهان به دفاع خواننده	remuneration; gratuity	
	پاسخ دوم خواهان به دفاع خواننده	task bonus	پاداش کار
surrejoinder		initials	پاراف
surrebutter	پاسخ آخر خواهان به دفاع خواننده	to initial	پاراف کردن
sequence of pleadings		nepotism;	پارتی‌بازی / تبعیض
claimant	respondent	favoritism	
statement	statement	PARQUET;	پارکه
of claim	of defense	public prosecutor's office;	
replication	rejoinder	prosecuting magistrate (obs)	
surrejoinder	rebutter	public prosecutor's office	پارکه بدایت
surrebutter		of the court of first instance (obs)	
negative reply; refusal	پاسخ رد	parliament	پارلمان
watchman; sentry; guard	پاسدار	PASSAVANT; pass;	پاساوان
police station	پاسگاه پلیس	permit	
gendarmierie station	پاسگاه ژاندارمری	policeman; watch;	پاسبان
to erase;	پاک کردن / محو کردن	sentinel; guard; constable	
to obliterate		passport	پاسپورت / گذرنامه
fair copy	پاک‌نویس	answer; reply;	پاسخ / جواب
footnote	پانویس	response; rejoinder	
end; conclusion	پایان		پاسخ اول خواننده به لایحه خواهان
termination	پایان قرارداد کرایه (کشتی)	statement of defense	
of contract of affreightment		rejoinder	پاسخ دوم خواننده به لایحه خواهان

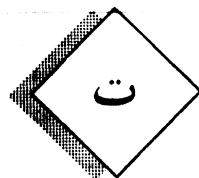
annuity	پرداخت منظم سالانه
pay to self	بامضا کننده پرداخت
prepaid	قبلاً پرداخت شده
IRON	برده آهنین (شوروی)
CURTAIN (fig) Barrier to passage of persons and information at (esp Western) limit of Soviet sphere of influence	
BAMBOO	برده نی (چین)
CURTAIN (fig) Iron Curtain in respect of Communist China	
question; interrogation;	پرسش
asking; enquiry; query	
leading question	پرسش راهنمایی کننده
questionnaire	پرسشنامه
to fill out a	پرسشنامه پر کردن
questionnaire	
job questionnaire	پرسشنامه شغلی
personnel	پرسنل
permit; license;	پروانه / جواز
permission	
foreign exchange permit	پروانه ارزی
residence permit	پروانه اقامت
	پروانه اکتشاف (م ۹۷ ق م)
exploration license	
shipping note	پروانه بارگیری کشتی
exploitation permit	پروانه بهره برداری
exit permit	پروانه خروج
export permit	پروانه صدور
LAISSEZ PASSER;	پروانه عبور
permit allowing holder to pass	
work permit	پروانه کار
expert's license	پروانه کارشناس

entrance or import permit	پروانه ورود
advocate's license;	پروانه وکالت
admission to practice as attorney-at-law	
protest	پروتست / اعتراض
protocol	پروتکل
project	پروژه
pilot project	پروژه آزمایشی
proletariat	پرولتاریا
DOSSIER; case; file; record	پرونده
follow-up file	پرونده پیگیری
	پرونده تحت رسیدگی در دادگاه
the SUB JUDICE case	
active file	پرونده در جریان
inactive record	پرونده راکد
frame-up	پرونده سازی
medico- legal	پزشک قانونی
examiner; forensic physician; coroner	
forensic medicine;	پزشکی قانونی
medical jurisprudence	
appeal; investigation;	پژوهش
search; research	
	پژوهش تیمی (م ۵۰۳ آدم)
ancillary appeal	
appeal from a judgment	پژوهش حکم
to appeal to the	پژوهش خواستن
court; to make an appeal	
appeal (ing)	پژوهش خواهی
subject or object of	پژوهش خواسته
relief; relief sought in appeal	
appellee;	پژوهش خوانده (م ۴۱۰ ق م)
respondent	
appellant	پژوهش خواه (م ۴۱۰ ق م)

blank endorsement	پس از تغییرات ضروری
to endorse; to indorse	MUTATIS MUTANDIS; with due alteration of details
qualified endorsement	پس از رؤیت
overleaf	پس از طرح دعوی
cover; backing	LITEM MOTAM; after suit moved or commenced
copper or nickel coinage	پس از مرگ
PLAQUE; plate	پس افتادن
lead seal	arrears
police; policeman	to delay the payment of; to postpone
administrative police	پس انداز
پلیس بین المللی / سازمان بین المللی پلیس جهانی	پس انداز خالص
International Criminal Police Commission (Interpol)	پس دادن
scientific police	پس دادن وجه
judicial police	پس کرایه
secret police	forward
shelter; refuge; asylum; protection	پس گرفتن
پناه آوردن / پناه بردن	retrieve
to seek shelter or refuge or asylum	پست
to give shelter or asylum to	پست زمین/پست دریائی
place of refuge; asylum;	پست سفارشی
shelter; haven	پست سفارشی دوقبضه
asylum	return receipt requested
political asylum	پست هوایی
refugee; one seeking	پست برق
protection; one seeking political asylum	پسر
پناهنده شدن	پسر خوانده
to seek asylum; to become a refugee	پسر ناتنی
	پشت سند نوشتن
پناهنده شدن به اماکن مقدسه	پشت نویسی
to take (refuge in a) sanctuary	endorsement; indorsement
idealism	پشت نویسی

previous notice; forewarning	پنهان سازی
occurrence; event; incident	پنهان کردن
foresight; forecast;	پیش بینی
anticipation; projection	پیش بینی شده
expected; foreseen;	پیش بینی نشده
provided for; projected	پیش بینی هوا
unexpected; unforeseen;	پیش بینی های لازم را کردن
not provided for	پیش بینیها / پیش برداخت / بیانه
weather forecast; strategic	پیش برداخت عملیات (در کارهای دولتی)
air reconnaissance	imprest
to make all necessary arrangements	forward purchasing
advance payment; down payment;	to buy in advance
advance (money); earnest money	bias; prejudice;
پیش برداخت (در کارهای دولتی)	pre-judgment
	to prejudice
	progress; advance; promotion
	educational
	advancement
	social advancement
	economic advancement
	political advancement
	proforma invoice
	selling in advance; short sale;
	forward sale
	to sell short; to sell in
	advance
secretion; concealment	پول فلزی
to hide; to conceal; to cover	legal tender
up	paper money
folder; cover; flat-file	caution money
money; currency	lump sum
ready money	پولی که تبدیل آن به پول دیگر قانوناً منع شده باشد
trust money	blocked currency
bank money	پولی که در تهاجر به جای کالا به کار می رود
earnest money	commodity money
postage	monetary
counterfeit money	dynamic
small change	dynamism
money in circulation	پویایی اقتصادی
currency	پویایی تاریخی
legal tender; legal	پیش آگهی / اخطار قبلی
tender currency	
to remit money	
specie	
legal tender	
paper money	
caution money	
lump sum	
پولی که تبدیل آن به پول دیگر قانوناً منع شده باشد	
blocked currency	
پولی که در تهاجر به جای کالا به کار می رود	
commodity money	
monetary	
dynamic	
dynamism	
پویایی اقتصادی	
پویایی تاریخی	
پیش آگهی / اخطار قبلی	

excavating (or digging) earth	پیش قسط
for erecting wall	پیشکار
prosecution	پیشگی / بیانه
follow-up	پیش از
pedlar; huckster; hawker	پیش نویس
contract; agreement treaty;	پیش نویس مورد موافقت طرفین
alliance; promise	پیشهاد
treaty of alliance	پیشهاد کردن
treaty of international alliance	پیشهاد متقابل
defensive alliance	پیشداد مزایه
offensive alliance	پیشداد مناصه
general alliance	پیشداد دهنده
absolute alliance	پیشکار
military alliance:	پیشکار سیاسی
includes either defensive or offensive	پیشکار
alliance, or both	پیشکار با گرسنگی
پیمان امنیت اقیانوس کبیر (آنزوس)	freedom from hunger campaign
treaty concluded in 1951 between	
Australia, New Zealand and the USA	
(ANZUS)	
to conclude an agreement,	
treaty or contract; to enter into an	
agreement	
treaty of neutrality	
treaty of permanent	
neutrality	
treaty of temporary	
neutrality	
پیمان توافق دسته جمعی	
collective bargaining contract	
پیمان دفاع آسیای جنوب شرقی (سیتو)	
South East Asia Treaty Organization	



Those who have seen some of the
Companions of the Prophet(SA) but
not the Prophet himself

تابلوی اعلانات
notice board

تابین نظامی (م ۱۹۱ آذک)
plain or

private soldier ; ordinary soldier other
than officers and recruits

تاجر / بازرگان (م ۱ قت)

merchant; trader

coronation
تاجگذاری

date; history; era; time; calendar
تاریخ

effective date
تاریخ اجرا

opening date (of a
تاریخ افتتاح (دوره)

session)

تاریخ انقضای اعتبار گذرنامه

expiry date of passport

accrual date
تاریخ تعلق پذیری

date of conception
تاریخ حمل

date of acquisition
تاریخ خریداری

date of maturity; due date
تاریخ سررسید

تاریخ سررسید اسناد مدت دار (مثل برات)

bill falls due on

solar calendar
تاریخ شمسی

nationality; (US) citizenship
تابعیت

territorial nationality
تابعیت ارضی

derivative nationality
تابعیت اشتقاقی

nationality of
تابعیت اصلی (م ۱۷۶ق م)

origin

acquired nationality
تابعیت اکتسابی

تابعیت تبیی (م ۱۷۶ق م)

consequential nationality

dominant and
تابعیت غالب و مؤثر

effective nationality

effective nationality
تابعیت مؤثر

nationality by birth
تابعیت محل تولد

derivative or acquired
تابعیت مشتق

nationality

dual nationality
تابعیت مضاعف

nationality by consanguinity
تابعیت نسبی

diversity of nationality or
اختلاف تابعیت

citizenship

از تابعیت خارج کردن (م ۱۸۱ق م)

to debar from nationality

به تابعیت پذیرفتن

to naturalize
شخص بدون تابعیت

stateless
تابعیون

(Fegh) FOLLOWERS

treaty of cooperation
پیمان مساعدت

Warsaw Pact
پیمان ورشو

contractor
پیمانکار

پیمانکار جزء / پیمانکار دست دوم

sub-contractor

contract work
پیمانکاری

treaty
پیمان نامه

پیمان نامه بیعه اتکائی

réinsurance treaty

enclosure; addendum;
پیوست / ضمیمه

attachment; annex; exhibit

social bond
پیوستگی اجتماعی

accession; adherence
پیوستن / ملحق شدن

accession to the alliance
پیوستن به معاهده

(SEATO)

Central Treaty
پیمان دفاع مرکزی (سنو)

Organization (CENTO)

defensive alliance
پیمان دفاعی

پیمان دفاعی و تهاجمی

defensive and offensive alliance

political alliance
پیمان سیاسی

to break a pact;
پیمان شکستن

to violate a treaty; failure to keep
one's promise or word

non-aggression pact
پیمان عدم تجاوز

peace treaty
پیمان صلح

general act of
پیمان عمومی داوری

arbitration

security police	تئوری	of or upon crops, goods, furniture and chattels); to provide funds for
theory	تئوری اجبار	تأمین بطریق قانونی / تأمین وجه چک بطور قانونی
theory of compulsion;		attachment; garnishment
compelling for performance of contract or payment of debt by imposing a daily fine for delay		تأمین خواسته (م ۲۲۵ آد)
theory of value	تئوری ارزش	attachment of relief; writ of attachment of relief (granted by the judge)
alternative theory	تئوری تخییری	to furnish security; تأمین دادن
theory of collective guaranty	تئوری تضمین اجتماعی	to give security for تأمین دلیل (م ۳۱۵ آد)
theory of variations	تئوری تغییرات	collection or securing of evidence;
theory of fault	تئوری تقصیر	gathering of evidence
theory of risk	تئوری ریسک	تأمین قضایی CAUTIO JUDICATUM
(Fegh) spiritual hermeneutics;	تأویل	SOLVI; security for costs and
paraphrase; allegorical explanation ; interpretation; exoteric interpretation		eventual penalty by foreign plaintiff
confirmation;	تأیید / تصدیق	not possessing real property;
corroboration; verification; approval		seizure under legal process
cable confirmation	تأیید تلگرافی	to secure; تأمین کردن
interchange; alternation	تبادل	to safeguard; to give security for; to meet
exchange of	تبادل لواحق (م ۸۹ آد)	deficit financing تأمین کسر بودجه
pleadings		to finance تأمین مالی
collusion; connivance	تباہی	writ of attachment تأمین محکوم به
to collude; to connive at; to conspire with	تباہی کردن	of relief (granted by the judge);
contrast; contradiction;	تباہی	distress; execution by sale of debtor's chattels
inconsistency		تأمین محل برای پرداخت قروض و دیون
changing; replacement;	تبدیل	debt financing
reduction; permutation		تأمین مدعا به / تأمین خواسته (م ۲۲۵ آد)
to realize	تبدیل به پول کردن	garnishment
adjustment of a	تبدیل تأمین	to garnish a claim تأمین مدعا به کردن
bail-bond		تبدیل تأمین adjustment of a bail-bond
novation;	تبدیل نمید (م ۲۹۵ ق)	securities; secret service; تأمینات

payment	تأدیه	lunar calendar	تاریخ قمری
payment of consideration	تأدیه ثمن	to postdate	تاریخ مابعد نوشتن
payment of damages,	تأدیه خسارت		تاریخ ماقبل نوشتن / تاریخ مقدم نوشتن
compensation or indemnity		to antedate	تاریخ مقدمی در سند نوشتن
payment of debt	تأدیه دین	to antedate a deed	
to pay	تأدیه کردن	Gregorian calendar	تاریخ میلادی
deposit of property	تأدیه مال	chronological;	به ترتیب تاریخ
payment of expenses	تأدیه مخارج	chronologically; date-wise	
establishment; foundation;	تأسیس	tactic	تاکتیک
settlement; installation		thalweg; boundary between	نالوگ
international body	تأسیس بین المللی	states along center of river etc	
institution; body; agency	تأسیس حقوقی	thalweg line	خط نالوگ
to organize or	تأسیس کردن شرکت	following; similar; consequence	تالی
form or incorporate a corporation		adverse effect	تالی فاسد
installations; establishments;	تأسیسات	fully authorized;	نام الاختیار
foundations		plenipotentiary; plenipotent	
	تأسیسات دولتی / تأسیسات عمومی	indemnity; damages;	دژان
public works		forfeit; compensation	
building installations	تأسیسات ساختمانی	to make good;	تاوان دادن
technical installations	تأسیسات فنی	to compensate; to indemnify	
	تأسیسی (نظریه درمبحث شناسایی)	penitent; contrite	تاب
constitutionist		impression; effect; influence	تأثیر
compilation; writing;	تألیف	deferment of a matured	تأخیر دین حال
literary work		debt	
	از تألیف دیگری استفاده غیرقانونی کردن	delay; being late	تأخیر
to pirate; to plagiarize		EX MORA;	به جهت تأخیر
securing; safeguarding;	تأمین	in consequence of delay	
security; guarantee			بهره به جهت تأخیر داده می شود
social security	تأمین اجتماعی	interest is allowed EX MORA	
	تأمین از اموال غیرمنقول	chastisement; correction;	تأدب
attachment of real property		punishment	
distrain	تأمین از اموال منقول	chastisement of offender	تأدب مجرم
distrain (by seizure)	تأمین اعتبار		

morals; indecent exposure; open debauchery	تجارت داخلی
feigning or pretending	تجارت عبوری
ignorance	تجارت کالا
to feign ignorance; to play the simpleton	تجارتخانه
renewal	تجاری
renewal of lease	دور تجاری
re-election	تجانسی
renewment	تجاوز
adjournment of a meeting	تجاوز از حدود اختیارات
adjournment of a court session; rehearing	تجاوز از حدود اذن (م ۹۵۱ ق م)
a second hearing of the parties to a cause	excessive use ; encroachment; acting ultra vires
RAPPROCHEMENT;	تجاوز از مفاد قرارداد
re-establishment of harmonious relations especially between states	deviation; breach of contract
reorganization	violation of modesty; abuse; rape
remarrying; second marriage	تجاوز به عفت به زن
to marry a second time	تجاوز به قبر
new trial	تجاوز به محل سکونت
to reopen an issue	تجاوز به ملک دیگری (م ۲۶۴ ق م ع)
revision; review; rehearing; reconsideration	breach of close
to review; to revise; to reconsider	breach of the peace
revisionism	تجاوز به نظم عمومی
adjournment of the court session	تجاوز کردن از
celibacy	than; to trespass against or on; to violate

internal trade	تجارت داخلی
transit trade	تجارت عبوری
commodity trade	تجارت کالا
commercial firm	تجارتخانه
commercial; mercantile	تجاری
business cycle	دور تجاری
homogeneity	تجانسی
transgression; encroachment; aggression; violation; exceeding excess	تجاوز
of power; acting ultra vires	تجاوز از حدود اختیارات
excessive use ; encroachment; acting ultra vires	تجاوز از حدود اذن (م ۹۵۱ ق م)
deviation; breach of contract	تجاوز از مفاد قرارداد
violation of modesty; abuse; rape	تجاوز به عفت به زن
rape	تجاوز به قبر
desecration of a grave	تجاوز به محل سکونت
illegal entry	تجاوز به ملک دیگری (م ۲۶۴ ق م ع)
breach of close	تجاوز به نظم عمومی
breach of the peace	تجاوز کردن از
to exceed; to be more than; to trespass against or on; to violate	than; to trespass against or on; to violate
to trespass upon; to encroach on; to infringe on; to rape	تجاوز کردن به
aggressor; trespasser; violator	تجاوز کار
aggressively; aggressive	تجاوز کارانه
open; public	تجاهر
public outrage of good	تجاهر به فسق

subordination	تبعیت عقد از قصد
contract follows	تبعیت عقد از قصد
intention of contracting parties	تبعید
banishment; exile; proscription	تبعید با آراء عمومی
ostracism	تبعید کردن
to exile; to banish; to proscribe	تبعید محرمین
transportation	تبعیدگاه
a public building or other place for the confinement of habitual criminals	تبعیض
discrimination; favoritism	تبعیض مذهبی
religious discrimination	تبعیض نژادی
racial discrimination; racism	تبلیغ
propaganda	تبلیغاتچی
propagandist	تبلی / به فرزند خواندگی پذیرفتن
adoption (of a child)	تبه کار
criminal; felon; saboteur; vandal; malefactor	تبه کار اتفاقی
occasional delinquent	تبه کار بالفطره
born criminal; delinquent by tendency	تبه
hill	تبه دریائی
shelf	تبییت
stabilization	تبییت کردن
to stabilize	تمه
balance	تجارت
commerce; trade; business	تجارت آزاد
free trade	تجارت بین المللی
international trade	تجارت خارجی
foreign trade	

subrogation; substitution of a new obligation, contract, etc. for former one; exchange of obligations	تبدیل به شخص
personal subrogation	تبدیل به معنی
real subrogation	تبدیل به معنی
novation	تبدیل به معنی
novation	تبدیل به معنی
conversion of shares	تبدیل به معنی
novation	تبدیل به معنی
to commute the sentence of a convicted murderer to one of imprisonment	تبدیل محاربات
dissipation; prodigality; waste; squandering; extravagance	تبدیل
to dissipate; to spend	تبدیل کردن
prodigally; to waste	تبدیل
acquittal; exoneration; exculpation	تبدیل
to acquit; to exonerate	تبدیل
doing a thing voluntarily; donation	تبدیل
voluntarily; gratuitously	تبدیل
immunity; exoneration; repulsion against the enemies of the Prophet's Household	تبدیل
to renounce; to deny	تبدیل
NOTA BENA (NB); note	تبدیل
indirectly	تبدیل
partial	تبدیل
cancellation or termination	تبدیل
citizen; subject; national	تبدیل
foreign national; alien	تبدیل
ancillary; subsidiary; consequent	تبدیل
following; imitating;	تبدیل

analysis	تحلیل	acquisition; gaining; obtaining;	تحصیل
analyst	تحلیل‌گر	study; education	
delivery	تحويل	تحصیل تابعیت (م ۱۷۶ ق م)	
to turn over to the police; to give in charge of the police	تحويل پليس دادن	acquisition or adoption of nationality; naturalization	
to bail or deliver goods	تحويل جنس	effort to acquire what is already acquired	تحصیل حاصل
to deliver; to hand over	تحويل دادن	gathering or collection of evidence	تحصیل دلیل
delivery of goods on the basis of cost and freight (CAF)	تحويل کالا براساس هزینه جوله و کرایه کالا	to attain; to achieve; to acquire; to study	تحصیل کردن
delivery free alongside truck (FAT)	تحويل کالا تا کنار کامیون	acquisition of property	تحصیل مال
delivery	تحويل کالا در کارگاه	acquisition of ownership or property	تحصیل مالکیت (م ۱۴۰ ق م)
ex-works	تحويل کالا در کنار کشتی	exploitation	تحصیل منفعت
delivery free alongside ship (FAS)	تحويل کالا روی اسکله	(tax or revenue) collector	تحصیل‌دار
delivery free on quay (FOQ)	تحويل کالا روی اسکله	tax collector	تحصیل‌دار مالیات
ex quay duty paid	تحويل کالا روی خط آهن	certainty; proving to be true; achievement	تحقق
delivery free on railroad (FOR)	تحويل کالا روی کامیون	to prove; to be true; to materialize	تحقق پیدا کردن
delivery free on truck (FOT)	تحويل کالا روی کشتی	enquiry; investigation; research; fact-finding	تحقیق
delivery free on board (FOB)	تحويل کالا روی واگن	market research	تحقیقات بازاریابی
delivery free on train (FOT)	تحويل گرفتن	judicial inquiry	تحقیقات قضایی
to take delivery of;	تحويل گرفتن	local	تحقیقات محلی (م ۴۲۶ آدم)
to take over; to collect	تحويل گرفتن بار بوسیله متصدی حمل و نقل	investigations or inquiry	تحقیقات مقدماتی
to take the goods	برای حمل کردن	preliminary	تحقیقات مقدماتی
		investigations or examination	تحقیقات مقدماتی
		the detailing, designating or appointing of an arbitrator;	تحکیم
		strengthening; fortifying	تحکیم
		administering of oath	تحلیف

to delimit; to demarcate	تحدید حدود کردن	abstraction	تحرید
to limit; to confine; to define	تحدید کردن	analysis; decomposition	تحرید
mobilization	تحرک	to analyze; to divide; to partition	تجزیه کردن
social mobility	تحرک اجتماعی	partition	تجزیه کشور
horizontal mobility	تحرک افقی	partition	تجزیه طلبی
class mobility	تحرک طبقاتی	separatism	تجزیه و تحلیل
vertical mobility	تحرک عمودی	analysis	تجزیه و تحلیل
appraisal of estate	تحریر ترکه (م ۲۰۶ ق اح)	gathering; assembling; public meeting	تجمع
distortion; manipulation; alteration; falsification	تحریف (م ۱۰۲ ق م ع)	imprisonment; confinement	تحبیس / حبس کردن
interpolation; spoliation	تحریف سند	under arrest	تحت الحفظ
to distort; to alter; to tamper with; to falsify; to mutilate	تحریف کردن	under protection; protege	تحت الحمايه
instigation; incitement; provocation; arousal	تحریرک	VERBATIM; literal;	تحت اللفظی
to be incited; to be provoked; to be aroused	تحریرک شدن	im: linear; literally; word by word	تحت انقیاد در آوردن
to instigate; to incite; to provoke; to arouse; to stimulate	تحریرک کردن	to subjugate	تحت انقیاد در آوردن
to incite the people to rebel	تحریرک کردن مردم به طغیان	under support; dependant	تحت تکمل
boycott; ban; debarring as unlawful	تحریم	under trusteeship,	تحت تولیت
economic boycott or sanctions	تحریم اقتصادی	custodianship or wardship	تحت تولیت
to ban; to boycott; to prohibit	تحریم کردن	SUB JUDICE; under consideration	تحت رسیدگی
boycott	تحریم معاملات	IN STATU PUPILLARI; under guardianship	تحت قیمومت
factionalism	تحرک	under surveillance	تحت مراقبت / تحت نظر (م ۴۸۹ آدک)
taking refuge in a sanctuary	تحصن	to be under surveillance	تحت نظر بودن
		under police surveillance	تحت نظر پلیس
		levelling	تحریر
		limitation; limiting	تحدید
		auto-limitation	تحدید ارادی
		delimitation; demarcation	تحدید حدود
		to delimit; to mark out property	تحدید حدود املاک (م ۱۰۲ ق م ع)

in the alternative
plans, precautions;
measures
تدابیر (ج. تدبیر)
تدابیر احتیاطی (در جنگ)
protective measures
تدابیر لازم را اتخاذ کردن
to make all necessary arrangements
army supplies
general supplies
to finance
calling each other;
challenging each other
association of ideas
defense
The method by
virtue of which the accused person
must be notified of the charges before
the commencement of trial
proceedings so that the accused may
prepare his defense
circulation of wealth
scrutinizing
to scrutinize;
to examine minutely
trickery; guile;
hypocrisy; false pretense; deception;
misrepresentation
to act hypocritically;
to resort to deception; to play the
hypocrite
collection (into a book);
compilation; codification
to compile; to collect;

condition
breach of rules
violation of law
infringement of
the terms of a treaty
breach of regulations
disciplinary violation
or breach
traffic violation
breach of title (م ۳۵۳ ق م)
breach of purpose
to breach; to offend
against; to violate; to infringe upon
breach of
quantity
breach of description;
failure to meet description
eviction; evacuation;
offloading; discharge; vacate
to evacuate; to offload
evacuation of
occupied territories
quitting a house
eviction
to vacate
emptying a truck
offloading a ship
eviction
estimating; (rough) estimate;
conjecture
alternative
alternative claim

تخلف از قاعده

تخلف از قانون

تخلف از مفاد عهدنامه

تخلف از مقررات

تخلف انضباطی

تخلف رانندگی

تخلف عنوان (م ۳۵۳ ق م)

تخلف غرض

تخلف کردن از

تخلف مقدار (م ۳۵۵ ق م)

تخلف وصف (م ۳۵۵ ق م)

تخلیه

تخلیه کردن

تخلیه اراضی اشغال شده

تخلیه خانه

تخلیه عین مستأجره (توسط مالک)

تخلیه عین مستأجره (توسط مستأجر)

تخلیه کامیون

تخلیه کشتی

تخلیه ید (م ۱۳ آ د م)

تخمین

تخییری

ادعای تخییری

transgression; wrongful act
extracontractual fault
to offend
against the law
contractual fault
discount; rebate; reduction;
mitigation; extenuation
trade discount
volume discount
purchase discount
to rebate; to abate;
to mitigate; to extenuate; to commute;
to give a reduction
ordinary discount
price reduction or
discount
considerable discount
mitigation or
commutation of penalty
to receive a discount
mitigation of penalty
cash discount
to decrease; to go down;
to be abated
rebater
violation; offending;
infringement; breach
failure to meet obligation; breach of
covenant or obligation
breach of

تخطی خارج از قرارداد

تخطی کردن از قانون

تخطی مربوط به عقد

تخفیف

تخفیف بازرگانی

تخفیف حجمی

تخفیف خرید

تخفیف دادن

تخفیف عادی

تخفیف قیمت

تخفیف کلی

تخفیف کیفر

تخفیف گرفتن

تخفیف مجازات / تخفیف کیفر (م ۵۵ ق م ع)

تخفیف نقدی

تخفیف یافتن

تخفیف دهنده

تخلف (م ۲۳۷ ق م)

تخلف از تمهید / عدم اجرای تمهید

تخلف از شرط (م ۲۳۷ ق م)

in charge by the freight forwarder
cashier's office
teller; cashier
receiving teller
consignee
waiving of option
after the contract and undertaking to
be bound by the consequences of the
contract
disagreeing with each other
destruction
expert knowledge;
specialization
to be specialized;
to be skilled
specialized; expert
specialty course
appropriation; allocation;
allotment; earmarking; setting apart
for a special purpose
budget allocation or
allotment
to allocate; to allot;
to appropriate
earmarking of taxes
allocation of
resources
appropriation
charging with a fault;
denigration; impugnation
to charge with a fault;
to denigrate; to impugn
fault; mistake; error;

تحويل خانه / دایره صندوق

تحويلدار

تحويلدار دریافت

تحويل گیرنده کالا

تخاير

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

تخلف

give up; to forsake	ترک کشتی (بیمه دریایی)	promotion; elevation	ترفع
abandonment	ترک واپس	to promote	ترفع دادن به
lapse from duty	ترک واپس	progress; improvement	ترقی
patrimony; legacy;	ترکه (م ۸۴۳ ق م)	appreciation	ترقی قیمت
heritage; inheritance; heirloom;		omission; abandonment;	ترک
bequest		desertion; forsaking; leaving;	
escheat	ترکه بلاوارث	relinquishment; renunciation	
composition of court	ترکیب دادگاه	general armistice	ترک اسلحه مطلق
reparation; amendment;	ترمیم	partial armistice	ترک اسلحه موقت
reconstruction		relinquishment	ترک انفاق
cabinet reshuffle	ترمیم کابینه	of maintenance; discontinuation of	
to amend; to repair;	ترمیم کردن	payment of the cost of maintenance	
to rebuild; to reshuffle		failure to do the better	ترک اولی
terminal	ترمینال	of maintenance; discontinuation of	ترک افراد واجب النفقه (م ۱۱۰۶ ق م)
RoRo terminal	ترمینال رورو	desertion	
(roll on/ roll off terminal)		demobilization	ترک بسیج عمومی
assassination	ترور	renunciation of one's	ترک تابعیت
to assassinate;	ترور کردن	nationality; expatriation	
to shoot up		to expatriate	ترک تابعیت کردن
terrorist; assassin	تروریست	abdication of the	ترک تاج و تخت
terrorism	تروریسم	throne	
propagation; promotion;	ترویج	abandonment of	ترک تعقیب
circulating		prosecution	
utter false coin;	ترویج سکه قلب	quitting; desertion	ترک خدمت
circulate counterfeit coin		relinquishment of a claim;	ترک دعوا
opium	تریاک	disclaimer; quitclaim; disclamation	
prepared opium	تریاک آماده	to relinquish a claim	ترک دعوا کردن
raw opium	تریاک خام	to relinquish a claim	ترک دعوا کردن (در دعوی مربوط به
medical opium	تریاک طبی	to subduct	وصیت نامه)
opium addict; opium smoker	تریاکچی	denying one's faith	ترک عقیده
purification	ترکیه	omission of an act (م ۲ ق م)	ترک فعل
giving in marriage	ترویج	to abandon; to desert;	ترک کردن
to join in marriage;	ترویج کردن	to leave; to renounce; to relinquish; to	

or order	ترتیب تقدم مطالبات (غرماء تاجر ورشکسته)	to draw up; to codify; to edit	د کابل
hierarchy of claims		memorial; memorandum	د کابل
manner of	ترتیب حل اختلاف	reply memorandum	د کابل
settlement of a dispute		passport(obs);	د کابل / پاسپورت
numerical arrangement	ترتیب شماره ای	biography; memoir	
or order		diplomatic passport	د کابل سیاسی
	ترتیب ورثه در استحقاق بر ارث	regular passport	د کابل عادی
representations (s)	به ترتیب	level; balance	تراز
SERIATIM; one by one	ترتیب (ج - ترتیب)	balance of trade	تراز بازرگانی
arrangements	ترتیب خاصه	balance sheet	ترازنامه / بیلان
special arrangements	ترتیب فنی	consolidated	ترازنامه تلفیقی
technical arrangements	ترتیب مقتضی	balance sheet	
appropriate arrangements	ترجیح	general balance sheet	ترازنامه کلی
preference; choice	ترجیح بلامرجح	trust	تراست
distinction without a	ترجیح بلامرجح	erasure; scraped mark	تراشیدگی
difference; preference of one thing		mutual consent	تراصی
over the other without a justified		mutual consent	تراصی طرفین دعوا
cause	ترخیص	of the parties to the case	
releasing (from a	ترخیص	accord and	تراصی و اجرای تعهد
customs-house); clearance	ترخیص کشتی و پهلوگیری خارج از نوبت	satisfaction	
docking on an expedited basis	تردد	BONA GRATIA;	به تراصی / به توافق
doubt; hesitation	تردید داشتن	by mutual consent	
to have doubts;	تردید	action; lawsuit;	ترافع / دعوی
to be doubtful	تردید رأی	litigation; process in law	
irresolution	تردید کردن	accumulation; density	تراکم
to doubt	تردید	freight density	تراکم بار کشتی
degrading	ترذیلی	transit	ترانزیت
alignment;	ترصیف بنا (م ۱۱۰ ق م)	custom transit	ترانزیت گمرکی
placing mark	ترعه	passing	ترتب ابادی (م ۳۲۷ ق م)
canal	ترغیب	from hand to hand	
persuasion; encouragement		arrangement; order; manner;	ترتیب
		method; system; classification	
		alphabetical arrangement	ترتیب الفبائی

control		to marry
armament; ammunition;	تسلح	تزویر (م ۹۷ ق م ع) dissimulation; quile
arming; equipping with arms		تزویر در اسناد falsification or forging of
munitions; ammunitions;	تسلحات	documents
ordnance; arms; armaments;		تزویر در امضا forging of signature
war equipment		تزویر در حساب‌ها falsifying or tampering
conventional weapons	تسلحات متعارف	with accounts
Islamic doctrine	تسلط (م ۳۰ ق م)	tampering with registers
granting owners absolute right to deal		negligence; indulgence
with their property except in matters		تسامح عرفی customary indulgence
in which the law has made an		تسامح کردن to act negligently; to be
exception		indulgent
delivery;	تسلیم (م ۳۶۷ ق م)	تساوی equality; equivalance;
surrender; giving over; submission;		evenness; parity
yielding; succumbing ; resignation ;		تساوی حقوق equality of rights
acquiescence; relinquishment		تساوی حقوقی دولتها/ برابری حقوقی کشورها
deposit a property with	تسلیم امانی	judicial equality of states
another in trust, whether with a profit		equality before law
motive or otherwise		تساوی در مقابل دادگاهها equality before courts
unconditional surrender	تسلیم بلاشرط	تساوی در مقابل قانون equality before law
surrender of relief	تسلیم خواسته	تساوی مالیاتی equality of taxation;
to surrender; to give up;	تسلیم شدن	equal and uniform taxation; equality
to capitulate; to acquiesce		before taxation
(Fegh) the deposit	تسلیم متفعی	equality; evenly
of a property with another with a		تسبیب (م ۳۳۱ ق م) to be the cause
profit motive, such as the delivery of		or occasion of
a leased premises by the landlord to		تسجيل confirmation
the tenant		تسری applicability
liquidation; settlement;	تسویه	تسعیر conversion; evaluation;
equalization		exchanging
settlement of a dispute	تسویه اختلاف	تسعیر کردن to convert
settlement of accounts	تسویه حساب	تسلط domination; dominance;
distinction; discernment;	تشخیص	heqemony; predominance rule;

to organize or form	تشکیل شرکت	finding; diagnosis; recognition
a corporation		diagnosis تشخیص طبی
organization;	تشکیلات	verification تشخیص مطالبات (م ۶۲ ق ت)
institutions; establishments		تشدید مجازات (م ۲۲۵ ق م ع)
administrative	تشکیلات اداری	aggravation of penalty
organization		description; explanation; تشریح
organization	تشکیلات دادرسی	dissection; anatomy; analysis
of magistracy		تشریح تطبیقی / کالبدشناسی تطبیقی
organization of the	تشکیلات دفترخانه	comparative anatomy
notaries public		autopsy; تشریح مرده / کالبدشکافی
organization of	تشکیلات قضایی مدنی	dissection
civil justice		divine law تشریع
organizational	تشکیلاتی	ceremonies; formalities; تشریفات
DETENTE; easing of	تشنج زدایی	protocol
strained relations, esp. between states		office, administrative تشریفات اداری
Shiism; professing to be a Shiite	تشیع	or bureaucratic formalities
Shiite(s); a Shi'a	اهل تشیع	proper legal تشریفات صحیح قانونی
assuming ownership;	تصاحب	formalities
possessing; taking possession;		customs formalities تشریفات گمرکی
appropriating		chief of protocol; رئیس تشریفات
conversion;	تصاحب غیرقانونی	master of ceremonies
expropriation		ceremonial; formal تشریفاتی
to take possession of;	تصاحب کردن	making one a partner; تشریک
to take over; to seize		associating; cooperating;
coincidence; collision;	تصادف	collaboration; partnership
encounter; concurrence;	تصادف	collaboration; تشریک مناعی
conjunction;		cooperation; join hands
happenstance		radiation; radioactivity تشعشع
car accident; collision	تصادف اتومبیل	formation; organizing; تشکیل
collision;	تصادم (م ۳۳۵ ق م)	convening; establishment
impingement; percussion		to organize a society تشکیل انجمن
ABORDAGE; collision	تصادم دو کشتی	to convene a meeting تشکیل جلسه
collision	تصادم دو هواپیما در آسمان	capital formation تشکیل سرمایه
progression; ascending;	تصاعد	

precarious possession
 partial possession
 possession into possession
 to hold; to possess;
 to occupy
 to bring about (unwarranted) changes in something
 possessions
 unity of possessions
 testamentary arrangements
 specifying; making clear;
 stipulating; stipulation; stressing;
 emphasis
 liquidation;
 settlement
 liquidation of companies
 discharge of a bill
 settlement of a succession
 settlement of accounts
 to settle; to clear;
 to liquidate; to wind up
 peaceful
 settlement of disputes
 outstanding
 resolution; decision
 administrative
 decision of the court

usucaption; peaceable possession; quiet possession
 partial possession
 military possession
 POSSESSIO CIVILIS;
 a legal possession
 actual possession
 modification
 naked possession
 natural possession
 LONGA
 POSSESSIO JUS PARIT;
 long possession begets right
 detinue;
 forcible detainer; illegal possession;
 forcible entry and detainer
 redisseisin
 open possession
 usurpation
 illegal or unlawful possession
 lawful possession;
 possession in law
 definite possession
 to take possession of;
 to possess; to occupy; to expropriate
 physical possession
 possession in own
 right or as owner
 absolute possession
 adverse possession
 vicious possession
 temporary or

ratification by the head
 of a state of an international treaty to which such state is a party
 to confirm; to certify;
 to acknowledge; to legalize
 court certificate
 provisional scrip
 bearer or
 unregistered provisional scrip
 certificate; diploma
 possession;
 occupation; encroachment;
 appropriation; expropriation
 constructive possession
 possession is
 proof of ownership
 exclusive possession
 derivative possession
 BONA FIDE
 possession
 MALA FIDE
 possession
 actual possession;
 DE FACTO possession
 MALA FIDE
 possession
 peaceable
 possession
 possession VAUT TITRE;
 possession is as good as the title;
 possession by title of ownership

soaring; escalation
 arithmetical progression
 geometrical progression
 progressive;
 progressional
 progressive tax
 graduated income tax
 correction; rectification;
 amendment
 rectification
 rectification
 TAM QUAM;
 writ of error
 almsgiving; giving away in the name of God; charity; dole; gratuity
 incumbency; being in charge;
 tenure of office
 carriage; transport
 business
 term; tenure; term of office
 verification; justification;
 confirmation; certification; attestation;
 legalization; authentication;
 certificate; license; acknowledgement
 signature
 attestation
 decree of heirship
 driving license
 probate
 (of a will)

inadequacy of laws	تعارض قوانین	comparing accounts	تطبيق قانون با موارد
clash of interest	تعارض منافع	application of the law to instances; bringing of a rule to bear upon particular cases	تطبيق قانون با موارد
FORMULE	تعاريف (م ۱۱۰ ق م ع)	to compare; to check;	تطبيق کردن
DEBOUTTE; offer; gift	تعاريف	to collate; to adapt; to conform	تطبيق موارد مختلفه با قرارداد موجود
cooperation; mutual assistance	تعاون	application to agreement	تطبيق یک مورد با مورد دیگر
solidarity	تعاون اجتماعی	application of one case to another	تطبيق
cooperative	تعاونی	comparative	تطبیقی
producers' cooperative	تعاونی تولید	alluring; corruption	تطبيع
consumers' cooperative	تعاونی مصرف	to allure; to corrupt;	تطبيع کردن
NOLENS VOLENS; nilly willy	تعمداً	to bribe	تطويل کلام
acceleration	تعمیل دین مؤجل	proximity; expatiation	تظاهرات
of a deferred debt	تعدد	demonstrations	تظلم (م ۸۷ ق م ع)
multiplicity; being numerous;	تعدد اقامتگاه	complaining	against an injustice : grievance ;
plurality; severalty	تعدد جرم (م ۳۲ ق م ع)	demanding justice	تعدیل
multiple domicile	تعدد زوجات	equilibrium; parity;	تعدیل
multiple offences	تعدی (م ۱۵۱ ق م)	balance; proportion; moderation	تعدیل اجتماعی
polygamy	تعدی	social balance	تعدیل اقتصادی
encroachment;	تعدی	economic equilibrium	تعدیل قوا
injustice ; wrong ; infringement ;	تعدی	balance of power	تعارض
trespass; aggression; intrusion	تعدی	contradiction; adversity	opposition ; absolute incompatibility;
to encroach; to violate	تعدی	conflict	conflict of evidence
to infringe	تعدی	conflict of presumptions	conflict of evidence
upon the rights of another	تعدی و تجاوز فرد برای او حق ایجاد نمی کند	a conflict	among creditors
JUS EX INJURIA NON ORITUR; a	تعدی و تفريط (م ۱۵۱ ق م)	conflict of laws;	تعارض قوانین
right does not arise out of a wrong	act and misuse; gross negligence (or neglect); encroachment and waste		
wrongful	تعدی و تفريط در ملک مورد تصرف		
voluntary waste			

negative joint liability	تضامن نافی	finding; decision	تصميم دادگاه
joint and several	تضامنی	finding of fact	تصميم دادگاه در ماهیت امر
to sustain a loss	تضرر	legal decision	تصميم قانونی
guarantee;	تضمین (م ۱۴ آد م)	judicial decision	تصميم قضایی
security; surety; warranty	تضمین اجتماعی	interlocutory	تصميم قضائی موقت
social security	تضمین بانکی	judgment	تصميم گرفتن
bank guarantee	تضمین حیران خسارات احتمالی آینده	to take a decision;	to determine; to decide; to make up one's mind; to pass a resolution; to resolve
indemnity	تضمین جمعی	provisional resolution	تصميم موقت
collective guarantee	تضمین حسن انجام کار	verdict	تصميم هیئت مدینه
good performance	تضمین سهام	decision-making	تصميم گیری
guarantee or bond; performance bond	تضمین عقدی (م ۳۶۲ ق م)	compilation; literary work	تصنيف
underwrite shares	تضمین متقابل	to compose; to write	تصنيف کردن
contractual liability	تضمین منفرد و مشترک	SUFISM; gnosis; mysticism	تصوف
counter guarantee;	تضمین نامه	approval; sanction,	تصویب
counter indemnity; mutual guarantee	تصنيع	notification; confirmation	تصویب کردن
several and	تصنيع حقوق دیگران	to ratify; to pass;	to sanction; to approve
joint guarantee	تصنيع کردن	to have approved	به تصویب رساندن
voucher; letter of guarantee	تصنيفات	to be approved	به تصویب رسیدن
spoiling; wasting	تصنيفات	approval by	تصویب به وسیله کس یا کسان
infringement	تصنيفات	acclamation	تصویب ناقص
of others rights	تصنيفات	imperial ratification	به شرط تصویب
to waste	تصنيفات	AD REFERENDUM	subject to approval
restrictions; restraining;	تصنيفات	deceit	تصویب نامه (در استواری)
hampering	تصنيفات	order in council	تصویب نامه دولتی
trade restrictions	تصنيفات	joint and several liability;	تضامنی
comparison; comparing;	تصنيفات	standing surety for each other;	تضامن
checking; conformation; verification;	تصنيفات	warranty	تضامن
collation; adaptation ; application ;	تصنيفات	positive joint liability	تضامن
applicability	تصنيفات		
checking the figures	تصنيفات		
reconcilement;	تصنيفات		

to be delayed;	به تعویق افتادن	suspension from service	تعليق از خدمت
to be postponed		stipulation of a	تعليق به محال
to delay; to defer;	به تعویق انداختن	condition which is impossible of realization ; reduction to absurdity	
to postpone; to put off		suspension of rights	تعليق حقوق
obligation; undertaking;	تعهد	stay of proceedings	تعليق دادرسی
commitment; engagement; guarantee;		suspension of contract	تعليق عقد
liability		suspension of a	تعليق مجازات
moral obligation	تعهد اخلاقی	sentence; reprieve; probation	
principal, original	تعهد اصلی	to be in state of	در حال تعليق بودن
or primitive obligation		suspension	
obligation to transfer	تعهد انتقال	intention; design; malice	تعهد
several covenant	تعهد انفرادی	purposely; deliberately;	تعهداً
bank liability	تعهد بانک	designedly; intentionally	
undertaking - (م ۱۹۶م)	تعهد به ضرر ثالث	repair; mend; maintenance	تعمیر
detrimental to a third party		ordinary repairs	تعمیرات عادی
undertaking in (م ۱۹۶م)	تعهد به نفع ثالث		تعمیراتی که برعهده مستأجر است
favor of a third party		tenantable repairs	
international obligation	تعهد بین المللی	upkeep and repair	تعمیر و اصلاح
subscription	تعهد پرداخت سهم	repair shop	تعمیرگاه
secondary or accessory	تعهد تبعی	drydock	تعمیرگاه کشتی
obligation		generalization; extension	تعمیم
joint and several	تعهد تضامنی	to generalize	تعمیم دادن
obligation; solidary obligation		fallacy of composition;	تعمیم نادرست
lawful obligation;	تعهد جائز	misleading generalization	
permissible engagement		replacement; change;	تعویض
new obligation	تعهد جدید	substituting	
bilateral obligation	تعهد دوجانبه	delay; putting off;	تعویق
quasi contractual	تعهد شبه قراردادی	postponement; deferment	
obligation		reprieve	تعویق اجرای مجازات
express obligation	تعهد صریح	adjournment	تعویق دادرسی
implied obligation	تعهد ضمنی		تعویق مفاصاحساب در خرید و فروش سهام
natural obligation (م ۲۶۶م)	تعهد طبیعی	carrying over	
contractual obligation	تعهد عقدی		

to close (or shut) down	تعديل	adjustment; regulating;	
تعطیل کردن جلسه مجلس (بدون انحلال آن)		modification; rectification; (Fegh) to testify the righteousness of someone	
to prorogue	تعطیل کردن	to adjust; to modify;	
prosecution; pursuance;	تعقيب	to regulate	
following; continuation; suing;			جرح و تعديل لازم را کردن
pursuing	تعقيب انتظامی (م ۵۵۱ آدم)	to make necessary modifications or adjustments	
disciplinary prosecution or action	تعقيب با سوء نيت	tariff; certificate;	تعريف
malicious prosecution	تعقيب جزائی / تعقيب کيفی	identification card	
criminal prosecution		electoral card	تعريف انتخاباتی
	تعقيب حقوقی / تعقيب مدنی	insurance rate	تعريف بیمه
civil prosecution		protective tariff	تعريف حمایتی
legal prosecution	تعقيب قانونی	customs tariff	تعريف گمرکی
to pursue; to prosecute;	تعقيب کردن	joint tariff	تعريف مشترک
to sue; to follow; to continue	تعقيب کيفی / تعقيب جزائی	tariff classification	تعريف بندي
criminal prosecution		definition; account;	تعريف
تعقيب متهم از طريق صدور کيفرخواست به		commendation; description; narration; statement	
indictment	وسيله دادگاه جنایی	to define; to give an	تعريف کردن
civil	تعقيب مدنی / تعقيب حقوقی	account of; to narrate; to describe	
prosecution		(Fegh) punishment having	تعزير
in pursuance of; further to;	در تعقيب	maximum and minimum limits (determined by law and judge respectively)	
following	قابل تعقيب	prejudice; bias; forejudgment;	تعصب
suable; indictable;		preconceived opinion; fanaticism	
actionable	تععل	religious intolerance	تعصب مذهبی
procrastination	تعليق	suspension of work;	تعطیل
suspension; abeyance;		standstill; holiday; day off; vacation	
contingency on or upon	تعليق اجرای حکم	recess	تعطیل دادگاه به عنوان تفسی
suspending or		lockout	تعطیل کارخانه
stopping of execution	تعليق اجرای مجازات (م ۴۰ ق.م)	to suspend; to stop;	تعطیل کردن
suspension of punishment or sentence			

to investigate; to inspect	تفتیش، بررسی	تغییرات عمده در سهام و سرمایه
to search	تفتیش	recapitalization
minute research;	تفتیش دقیق	modification
search or investigate carefully	تفتیش دقیق	or amendment of the articles of association
house-search	تفتیش منزل	change of
sexual foreplay	تفخیز (م ۵۲۴ ق ح ق)	circumstances
negligence; waste;	تفریط	to change; to alter;
squandering	افراط و تفریط	to modify; to vary
going to extremes	تفریط (م ۵۰۴ ق ت)	change of venue
settlement;	تفریط	conversion (to another
liquidation	تفریط حساب	religion)
settlement of an account;	تفریط حساب	پس از تغییرات ضروری / با تغییرات ضروری
closing of account	تفریط حساب	MUTATIS MUTANDIS; with the
liquidation of a debt	تفریط دین	necessary changes in points of detail
the closing of an account	تفریط عمل	rescission (of contract);
subtraction; separation	تفریق	تفاسخ / اقاله
separation by solemn	تفریق باالمان	cancellation; revocation; annulment
imprecation of adultery	تفریق قانونی	difference; diversity;
legal separation	تفریق قانونی	divergence; dissimilarity
interpretation; construction;	تفسیر	تفاوت ارزش اسمی بدهی و اصل مبلغ
(Fegh) exegesis; Qoranic commentary	تفسیر ادبی	debt discount
literal interpretation	تفسیر اصولی	agio
doctrinal or logical	تفسیر اصولی	تفاوت نرخ خرید و فروش ارزهای خارجی
interpretation	تفسیر براساس متن	exchange rate margins
textual interpretation	تفسیر تاریخی	understanding; mutual
historical interpretation	تفسیر تحت اللفظی	agreement
literal interpretation	تفسیر حقوقدانان	international
interpretation by jurists	تفسیر حقوقی	understanding
legal commentary	تفسیر شخصی	cordial understanding
personal interpretation	تفسیر قانون	ENTENTE; friendly
interpretation of law	تفسیر قانون اساسی	understanding between states
constitutional	تفسیر عقاید	inspection; investigation
interpretation		inquisition

undertaking; warranty	تعهد	determinate obligation	تعهد غایت
assigning; setting; nominating;	تعیین	non-contractual	تعهد غیر عقدی
commissioning; appointment;	تعیین	obligation	تعهد
determining	تعیین تکلیف	indivisible obligation	تعهد غیر قابل تجزیه
suggesting the proper	تعیین	illegal or illicit	تعهد غیر قانونی
course to pursue	تعیین	obligation	تعهد
demarcation; delimitation	تعیین حدود	undertaking to do	تعهد فعل
detailing	تعیین جاعل (م ۶۲ آدم)	something	تعهد
the forgerer	تعیین داور	false enterprise	تعهد عمل موهوم
detailing or appointing	تعیین داور	divisible obligation	تعهد قابل تجزیه
the arbitrator	تعیین سهام	perfect obligation	تعهد قانونی
allotment of shares	تعیین کارشناس	contractual obligation	تعهد قراردادی
appointing an expert	تعیین کردن	subsequent or following	تعهد لاحق
to assign; to set;	تعیین	agreement	تعهد لازم
to determine ; to appoint ; to	تعیین	binding or contractual	تعهد
ascertain ; to fix ; to point out ; to	تعیین	obligation	تعهد متناوب
assess; to specify	تعیین مصدق	alternative obligation	تعهد مدنی
appointing a certifier	تعیین نامزد / تعیین داوطلب	evil obligation	تعهد مشترک
or arbitrator	تعیین نامزد / تعیین داوطلب	joint obligation	تعهد مشروط
		conditional obligation	تعهد مطلق
nominating the candidate	تعیین نسب (م ۱۱۵۸ ق م)	absolute obligation	تعهد معلق
determining	تعیین وکیل	contingent obligation	تعهد منجز
affiliation	تعیین وکیل	pure or simple obligation	تعهد مواظبت و محافظت
nominating or appointing	تعیین هویت	obligation to take care	تعهد ناشی از حکم قانون
the attorney	تعیین	covenant in law	تعهد نفقه (م ۱۱۰۶ ق م)
identification	تعیین	obligation to	تعهد نفقه (م ۱۱۰۶ ق م)
nutrition; eating;	تعیین	provide alimony	تعهد یکطرفه
feeding	تعیین	unilateral obligation	موضوع تعهد
exile; banishment;	تعیین	object of obligation	تعهد کننده
removing to a far place	تعیین	obligor	تعهد کننده خرید سهام
change; alteration;	تعیین	subscriber	تعهد نامه (م ۱۳۰۴ ق م)
variation; modification	تغییرات شرایط اعتبار	written	
amendment of L/C			

in prices	تقریب	transgression committed	تقصیر مجرمانه
legislation	تقریب	with the intention to harm someone	
legislative	تقریبی	quilty; offender	تقصیر کار / مقصر
evaluation; (م ۴۵۳ ق ۳)	تقویم / ارزیابی	(Fegh) quotation	تقطیع حدیث
appraisal; assessment		of only a part of the Prophet's saying	
to evaluate; to appraise	تقویم کردن	or statement, and omission of the	
calendar	تقویم / سالنامه	other part of it	
solar calendar	تقویم خورشیدی	fraud; forgery; (م ۲۱۸ ق ۳)	تقلب (م ۲۱۸ ق ۳)
lunar calendar	تقویم قمری	falsification; deceit	
(Fegh) dissimulation	تقیه	fraudulent representation; cheating	تقلب جزائی
duties; obligations (ج. تکلیف)	تکالیف (ج. تکلیف)	cheating in commercial	تقلب در تجارت
evolution	تکامل	transactions (on weight, quantity, etc)	
social evolution	تکامل اجتماعی	to defraud; to cheat	تقلب کردن
evolutionism	تکامل گرایی	smuggling	تقلب گمرکی
SERIATIM; severally;	تک تک	tax evasion	تقلب مالیاتی
separately; individually; one by one		false representation	تقلب مدنی
denial; refutation;	تکذیب	fraud against a third party	تقلب نسبت به ثالث
traverse; accusing of falsehood		party	
denial of allegations	تکذیب دعوی	FRAUDE	تقلب نسبت به قانون
or charges		A LA LOI; fraud against the law;	
DEMENTI; تکذیب رسمی توسط مقامات		legal device	
official denial of rumour, etc.		fraudulent; deceitful	تقلب آمیز
denial of	تکذیب سند / انکار سند	fraudulent; fraudulent;	تقلبی
a document		counterfeit	
to deny; to refute;	تکذیب کردن		
to contradict; to traverse		تقلید / عمل کردن به فتوای مجتهد	
repetition	تکرار	the following of a religious leader	
repetition of crime;	تکرار جرم	imitation	تقلید / پیروی کردن
recidivism		diminution; decrease;	تقلیل
IDEM PER IDEM;	تکرار مکرور	reduction	
the same for the same; an illustration		devaluation	تقلیل ارزش پول
of a kind that really adds an		reduction of capital	تقلیل سرمایه شرکت
additional element to the		reduction or decrease	تقلیل قیمت

consideration of the question	تکفل	to waste; to perish;	تلف کردن
guaranteeing;		to ruin; to destroy; to dissipate; to	
undertaking; supporting		mis-spend	
to (undertake to)	تکفل کردن	total waste; complete	تلف کل
support; to guarantee		destruction; alteration or deterioration	
excommunication	تکفیر	(of a property or an object)	
duty; task; obligation	تکلیف	waste of the	تلف مبیع قبل از قبض
religious obligation	تکلیف شرعی	object of sale before its receipt	
to enjoin; to impose;	تکلیف کردن	loss of a quality or	تلف وصف
to suggest; to propose		an attribute	
ADDENDUM;	تکمله	party line;	تلفن مشترک
supplement; complement		party telephone	
supplemental	تکمیلی	تعارض به منظور فرار از خدمت	
technocrat;	تکنوکرات	malingering	
advocate of technocracy		spectator; audience	تماشاچی
search; struggle; effort; strife	تلاش	integrity; entirety;	تمامیت
ineffective attempts;	تلاش مذبحانه	perfection	
futile, abortive, or vain efforts;		territorial integrity	تمامیت ارضی
exercise in futility		stamp	تمبر
retaliation; revenge;	تلافی	to cancell stamp (s)	تمبر باطل کردن
recompense; reprisal		canceled stamp	تمبر باطله
reprisal	تلافی در روابط بین المللی	postage stamp	تمبر پست
to retaliate;	تلافی کردن	enjoyment; fruition	تمتع
to recompense; to revenge		enjoyment of a right	تمتع از حق
waste; loss; (م ۵۶ ق ۳)	تلف	to enjoy; to relish	تمتع یافتن
perishing; death; mortality; casualty;		analogy	تمثیل
ruining; dissipation		extension; renewal	تمدید
destruction	تلف بدون تقصیر	to extend; to renew	تمدید کردن
through no fault		extension	تمدید مدت قرارداد
partial waste		of the agreement	
to perish; to die;	تلف شدن	disobedience;	تعدد (م ۱۶ ق ۳)
to be wasted; to be destroyed; to be		mutiny; rebellion; unruliness; revolting	

drawing up of a document; the making and completion of a written instrument

تنظیم صورت دارائی (م ۱۵۱ ق ت)

drawing up of inventory

tabling of a bill تنظیم طرح

to draw up; to regulate; تنظیم کردن

to put in order

drawing up of a تنظیم کتبه خواست

bill of indictment

affiant; تنظیم کننده سوگندنامه

deponent

recess تنفس / تعطیل موقتی

authorization; affirmation; تنفیذ

confirmation

to authorize; to confirm تنفیذ کردن

expurgation تنقیح

strait; narrow pass تنگه

Strait of Hormoz تنگه هرمز

international strait تنگه بین‌المللی

of full blood تنی

CAUSA REI; dependencies; توابع

appurtenances; accessories;

appendages; adjuncts; annexes; things

accessory or appurtenant

appurtenances of a property توابع مع

sold or of an object of sale

hearsay; successive hearsay تواتر

be handed down by به تواتر رسیدن

tradition

succession; توارث (م ۸۷۴ ق م)

inheritance; transfer by inheritance

balance; equilibrium توازن

contrariety between two or more clauses of the same deed, or any two writings

self contradiction تناقض‌گویی

punishment تنبیه

disciplinary punishment تنبیه انضباطی

achievement; performance; تجزیز

(Fegh) definite contract

imprest; revolving تنخواه گردان

fund; floating capital

decline; decrease; تنزل

reduction; falling off; devaluation

degradation; demotion تنزل درجه

decrease in price تنزل قیمت

exchange depreciation تنزل قیمت ارز

تنزل قیمت ارز بطور رسمی

exchange devaluation

bond discount تنزل مبلغ اسمی اوراق قرضه

revelation; ۱- تنزیل / نزول کردن

sending down

to borrow or loan on ۲- تنزیل / ربح

interest; discount; interest of money;

cash discount

bank discount تنزیل بانده

to discount تنزیل کردن

arranging; regulating; تنظیم

putting in order

planned parenthood; تنظیم خانواده

family planning

to draw up or تنظیم دادخواست

prepare a plaint; to compose or write

out a petition in due form

execution of an instrument; تنظیم سند

تملیک مال به وسیله وصیت (م ۸۳۴ ق م)

bequeathing

writ of possession حکم تملیک

alienor; transferor تملیک کننده

vesting possessory rights تملیکی

arrangement; skill; تمهید

preparation; maneuver

administrative تمهیدات اداری

arrangements

budgetary تمهیدات بودجه‌ای

arrangements

appeal to the ۱- تمیز / فرجام خواهی

supreme court

supreme court; ۲- تمیز / دیوان تمیز

court of cassation

discernment; ۳- تیسر / تشخیص

discrimination; distinction

dispute; litigation سازع

struggle for existence تازع بقا

or survival

proportion; ratio; suitability تناسب

income effect تناسب خرید با درآمد

to suit; تناسب داشتن

to be proportionate

PRO RATA; به تناسب

proportionately; proportionally

metempsychosis; تناسب

philosophy of reincarnation;

supposed transmigration of soul at

death into new body

inconsistency; incompatibility تناقض

repugnancy; تناقض بین عبارات یک متن

inconsistency; opposition or

rebellion تمرد در مقابل دادگاه

to revolt; to rebel; تمرد کردن

to disobey; to mutiny

centralization; concentration تمرکز

centralization تمرکز اداری

accumulation of wealth تمرکز ثروت

decentralization عدم تمرکز

letter of تمسک (م ۲۳۹ ق م ع)

indebtedness

financial ability تمکن مالی

compliance; obedience; تمکین

(Fegh) condescension

to submit to تمکین کردن

to take possession of; تملک

acquisition

occupancy تملک اموال بلا صاحب

تملک اموال خصوصی از جانب دولت و

condemnation شهرداریها (م ۹ ق ارزش)

possession for no تملک بلاعرض

consideration

conversion; تملک غیرقانونی

expropriation; unlawful acquisition

absolute possession or تملک مطلق

ownership

accession تملک نماء

making an تملیک (م ۳۳۸ ق م)

owner; giving possession

transfer of تملیک اراضی

ownership of land

conditional transfer تملیک معلق

of ownership

definite transfer of تملیک منجز

ownership

property	توسعه یافته	developed
stay of execution	توسعه طلب	expansionist
order	توسعه طلبی	expansionism
توقیف احتیاطی (م ۱۲۹ آدک)	توسل	resorting; recourse
precautionary attachment; preventive detention; detention pending trial	توسل به زور	recourse to force
attachment of movable	توسل به وسائل تقلبی (م ۲۳۸ ق م ع)	resorting to fraudulent means
realty; execution against immovables; seizure of immovables	توشیح	signature
توقیف اموال مکتوب / مکتوب / مکتوب خارجی	توشیح ملوکانه	royal assent
foreign attachment	توصیه	recommendation
apprehension of a delinquent	توصیه نامه	letter of recommendation
attachment of salary; wage garnishment	توضیح	explanation
توقیف حقوق	توضیحی	explanatory
توقیف خودسرانه (م ۱۹۴ ق م ع)	توطئه	conspiracy; plot; conspiring;
arbitrary arrest; wrongful seizure	توطئه علیه سلطنت یا حکومت	intrigue; scheme; machination
stay of proceedings; suspension of proceedings	LESE MAJESTE; lese majesty	
stay of proceedings	توطئه کردن / توطئه چیدن	to plot;
simple attachment	to make secret plans; to conspire; to	
arrest; detention; apprehension; confinement; incarceration; constraint	complot; to scheme; to plan	
parol arrest	توطئه گر	conspirator; plotter
attachment of dues or debt	توفیق	success
stay of execution	توفیق اجباری	blessing in disguise
proceedings	توقف (م ۴۱۲ ق ت)	insolvency;
attachment of relief	توقف / توفیق / بازداشت	suspension of payment
توقیف غیرقانونی (م ۱۹۳ ق م ع)	۱- توقیف / بازداشت	custody;
false imprisonment; arbitrary arrest;	confinement;	
	arrest; detention	
	۲- توقیف / ضبط	custody; arrest;
	attachment; sequestration; seizure;	
	confiscation	
	۳- توقیف / متوقف ساختن	stay
	seizure of movable	
	توقیف اجرائی	

monotheism;	توحید	balance of powers	توازن قدرتها
belief in divine unity		active trade balance	توازن تجاری مثبت
mass	توده	unfavorable	توازن تجاری نامطلوب
DEMOS; the masses;	توده مردم	balance of trade	
the common people		mutual agreement;	توافق
inflation	تورم	consent; concord	
credit inflation	تورم اعتبار	agreement in principle	توافق اصولی
monetary inflation	تورم پولی	speaking with	توافق با شاکی
hyperinflation	تورم شدید	prosecutor	
price inflation	تورم در دستها	consent; a concurrence of	توافق در اراده
disinflation	کاهش تورم	wills	
inflationary	تورمی	implied consent	توافق ضمنی
inflationary pressure	فشار تورمی	MODUS VIVENDI;	توافق موقت
(Fegh) a lie in the form of	توریه	arrangement between disputants	
a pun or rhetoric having different		pending settlement of debate	
meanings or applications whereby the		letter of agreement	توافقنامه
speaker says one thing to the listener		succession; following in order	توالی
and insists that he meant the other;		توالی ایجاب و قبول/توالی عرفی ایجاب و قبول	
dissimulation; feigning; equivocation		succession of offer and acceptance	
distribution	توزیع	توبه، توبه‌ها/توالی کشورها/ تاسیسی کشورها	
demotic distribution	توزیع جمعیت	state succession	
distribution of goods	توزیع کالاهای	توالی عرفی ایجاب و قبول	
distributor	توزیع کننده	succession or following in order of	
development; expansion;	توسعه	proposal and acceptance	
extension		rehabilitation	توان بخشی
social development	توسعه اجتماعی	repentance;	توبه (م ۹۰ ق ح ق)
توسعه اقتصادی کشورهای در حال رشد		penitence; contrition; compunction;	
economic development of developing		remorse; regret; repent	
countries		to repent	توبه کردن
industrial development	توسعه صنعتی	penitent; contrite	توبه کار
undeveloped	توسعه نشده	reprimand; rebuke; castigation	توبیخ
توسعه اقتصادی و اجتماعی		reprimand	توبیخ رسمی
social development and planning		totalitarian	توتالیتر

domestic product	تولید داخلی	unlawful seizure	
average product	تولید متوسط	lawful arrest or seizure	توقیف قانونی
national product	تولید ملی	seizure of goods	توقیف کالا
gross national	تولید ناخالص ملی	to arrest;	توقیف کردن
product (GNP)		to confine; to take into custody; to	
libel;	توهین (م ۲۶۹ ق م ع)	(place under the) ban; to intern; to	
defamation; insult; aspersion		attach; to sequester; to suppress	
insult to the dead	توهین به اموات	embargo	توقیف کشتی در بندر
insult to the flag	توهین به پرچم		توقیف کشتی حامل مواد قاچاق
sacrilege; blasphemy	توهین به مقدسات	interning a ship carrying contraband	
	توهین به مقررات دادگاه یا قاضی	attachment of property;	توقیف مال
contempt of court		distrain; confiscation; sequestration	
libel	توهین دائمی		توقیف مال مستأجر بابت تأمین اجاره معوقه
slander	توهین شفاهی	distress	
public libel, outrage	توهین علنی	recaption	توقیف مجدد (برای جرم واحد)
or insult			توقیف مجدد (مالی که قبلاً توقیف شده است)
slander	توهین غیردائمی	re-attachment	
libel	توهین کتبی	provisional seizure	توقیف موقت
insulting; slanderous;	توهین آمیز	or detention	
defamatory; libellous; disquacing		jail; gaol	توقیفگاه (م ۸۸ ق م ع)
defamer; slanderer;	توهین کننده	appointing	توکیل (م ۶۸۲ ق م)
libellant		as one's attorney	
setoff; clearing;	تهاتر	implied agency	توکیل ضمنی
adjustment; barter		attorney with right	وکیل در توکیل
clearing	تهاتر بانکی	of substitution	
adjustment of one	تهاتر دو تعهد	vicarious	توکیلی
obligation against another		trusteeship;	تولیت (م ۵۵ ق م)
general clearing	تهاتر عمومی	superintendence or custodianship of a	
automatic adjustment	تهاتر قانونی	pious foundation	
or setoff; legal adjustment		production; output	تولید
setoff by agreement	تهاتر قراردادی	mass production of goods	تولید انبوه کالا
judicial setoff	تهاتر قضایی	incendiarism	تولید حریق
automatic	تهاتر قهری (م ۲۹۵ ق م)	net national product	تولید خالص ملی

threatening	تهدید آمیز	adjustment; obligatory setoff	
accusation; charge;	تهمت	of or related to barter	تهاتری
slander; calumny; false charge		exchange	
to accuse; to calumniate	تهمت زدن به	aggression; attack;	تهاجم
countercharge	تهمت مقابل	invasion; offense	
to shoot down;	تیرباران کردن	threat; intimidation	تهدید
to execute by shooting down or by		to menace; to threaten	تهدید کردن
firing squad		threaten with assault	تهدید به ضرب
insane or lunatic asylum	تیمارستان	threaten with death	تهدید به قتل
a feudal estate; feud; fief	تیول	to intimidate	با تهدید وادار کردن

نمره زین (م ۷۸۶ ق م)

earnings of the thing pledged

harvest نمره زرع

eighth; eighth portion ثمن (ترکه)

of a man's estate which is inherited by his widow in case she has children

value; price; consideration ثمن

very low price ثمن بخیس

price payable at once ثمن حال

consideration in kind ثمن شخصی

price of the thing sold; ثمن مبيع

price of the object of sale ثمن مبيع

one-eighth ثمنه / ثمنه اعیانی

portion of inheritance of the wife of a decedent husband

dualist ثنوی

dualiam ثنویت

the dualists ثنویه

(spiritual) reward; ثواب

good deed ثواب کردن

to do good ثواب / ثبیه

deflowered; ثبوت

widower; widow; sexually initiated ثبوت

defloration; ثبوت

widowhood; sexual initiation, ثبوت

as opposed to virginity ثبوت

general registration ثبت عمومی

accession ثبت کردن در دفتر به ترتیب خرید

registration of transaction ثبت معامله

registered; official; notarial; ثبتی

registered by a notary public ثبت

demonstration; proof ثبوت

canonical proof ثبوت شرعی

to prove; به ثبوت رساندن

to demonstrate

to be proved به ثبوت رسیدن

wealth ثروت

maritime wealth ثروت دریا

natural wealth ثروت طبیعی

public wealth ثروت عمومی

mining riches ثروت معدنی

national wealth ثروت ملی

frontiers; boundaries نغور

(Fegh) trustworthy or ثقه

righteous person

third; third portion of a ثلث

persons's property which may be

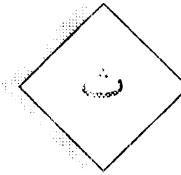
bequeathed to person other than his

heirs

one third of ثلث ترکه (م ۸۲۶ ق م)

estate or inheritance

product; fruit; offspring نمره



status or vital statistics

original entry ثبت اولیه

ثبت اسم تجاری (م ۵۷۶ ق ت)

registration of trade names

registration of documents ثبت اسناد

formal registration of ثبت املاک

properties

the formal ثبت انتقال املاک

registration of transfer of property in

the register of properties

commercial registration ثبت تجاری

registration of boundaries ثبت حریم

registration of ثبت سندیکا و اتحادیه

syndicates and unions

incorporation; ثبت شرکت

registration of a corporation

registration of ثبت شرکت نامه

memorandum of association

registration ثبت شرکتها (م ۵۸۷ ق ت)

of companies

ordinary registration ثبت عادی

registration ثبت علامت تجاری

of trade marks

fixed; firm; stable; immovable; ثابت

constant; proved; confirmed

to establish; to prove; ثابت کردن

to demonstrate

third; third party; ثالث

impleader; to implead; to جلب ثالث

bring in a third party (to litigation)

third person or party شخص ثالث

the third party brought مجلوب ثالث

into (litigation); party impleaded

third party intervention ورود ثالث

thirdly; in the third place ثالثاً

second; further; secondary ثانوی

until further notice تا اخطار ثانوی

second ثانی

secondly; in the second place ثانیاً

stability; consistency ثبات

registrar کتابت

registration; register; record; ثبت

inscription; entry (in a book)

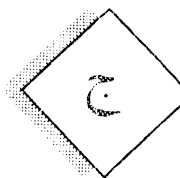
to register; to enter; ثبت کردن

to record

registration of personal ثبت احوال

bar; bar association جامعه وکلای
 جامعه هوارد برای اصلاحات جزائی
 Howard League for Penal Reform
 anti-social جامعه ستیز
 sociometry; sociometrics جامعه سنجی
 sociology جامعه شناسی
 administrative جامعه‌شناسی اداری
 sociology جامعه‌شناسی
 sociology of values جامعه‌شناسی ارزشها
 economic sociology جامعه‌شناسی اقتصادی
 educational جامعه‌شناسی پرورشی
 sociology جامعه‌شناسی
 dynamic sociology جامعه‌شناسی پویا
 historical sociology جامعه‌شناسی تاریخی
 analytical sociology جامعه‌شناسی تحلیلی
 criminal sociology جامعه‌شناسی جنایی
 juridical sociology or science جامعه‌شناسی حقوقی
 theological sociology جامعه‌شناسی دینی
 rural sociology جامعه‌شناسی روستائی
 organizational جامعه‌شناسی سازمانی
 sociology جامعه‌شناسی
 political sociology جامعه‌شناسی سیاسی
 or science جامعه‌شناسی
 cognitive جامعه‌شناسی شناختی
 sociology جامعه‌شناسی
 urban sociology جامعه‌شناسی شهری
 industrial sociology جامعه‌شناسی صنعتی
 practical sociology جامعه‌شناسی عملی
 general sociology جامعه‌شناسی عمومی
 quantitative sociology جامعه‌شناسی کمی
 theoretical sociology جامعه‌شناسی نظری
 sociogram جامعه نگار

Economic Community (EEC)
 جامعه انجمنهای صلیب سرخ
 League of Red Cross Societies
 European Atomic جامعه انرژی اروپا
 Energy Community (Euratom)
 open society جامعه باز
 closed society جامعه بسته
 international community جامعه بین‌المللی
 جامعه بین‌المللی آموزش کودکان و بزرگسالان
 International League for
 Children's and Adults' Education
 جامعه بین‌المللی انجمنهای پوست‌شناسی
 International League of Der-
 matological Societies
 جامعه بین‌المللی حقوق بشر
 International League for the Rights of
 Man
 جامعه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی
 Women's International League for
 Peace and Freedom
 جامعه بین‌المللی کانون فروشنده‌گان کتاب
 International Community of Book
 Sellers' Association
 جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا
 European Coal and Steel Community (ECSC)
 جامعه عرب
 Arab League
 جامعه مبارزه با روماتیسم
 Interantional League Against Rheumatism
 جامعه مشترک‌المنافع بریتانیا
 British Common Wealth
 جامعه ملل
 League of Nations
 جامعه نویسندگان اروپائی
 European Writers Community
 جامعه



jasos پلیس
 (police) informer;
 police spy; stool-pigeon
 جاسوس دو جانبه
 double agent
 جاسوسی
 spying; espionage
 ۱- جاعل (م ۵۶۲ قم)
 forgerer;
 counterfeiter
 جاعل اسکناس یا سکه قلب
 coiner of base money
 جاعل استاندارد رسمی
 forgerer of official
 deed
 جاعل مهر
 counterfeiter of stamp
 ۲- جاعل / ملتزم در جماله
 offerer; rewarder
 جاکش
 pimp; panderer
 جاکشی
 panderism
 جامع
 comprehensive; full;
 general
 جامع‌الشرایط
 fully qualified
 جامع نسب
 founder of family;
 universal and proper;
 جامع و مانع
 inclusive and exclusive
 جامعه
 society; community
 جامعه ابتدائی
 primitive society
 جامعه اقتصادی اروپا
 European
 جا
 site; place; spot
 on the spot
 جابه‌جا/ در حال
 displacement
 جابه‌جائی
 despot; tyrant;
 جابر
 autocrat; dictator
 in a despotic, tyrannical
 جابرانه
 or oppressive manner
 witchcraft
 جادوگری
 path; road; way
 جاده
 the silk road
 جاده ابریشم
 ring road
 جاده کمربندی
 hard shoulder; hard surface
 شانه جاده
 at the side of a roadway (esp. a
 motorway)
 جارح
 (Feqh) challenger
 جارچی
 public crier; herald
 جاری/ در جریان
 flowing; running;
 current
 جاری / زن برادرشوهر
 sister-in-law
 جاریه / کنیزک
 (Feqh) young female slave
 جازم
 resolving; definite; decisive
 جاسوس (م ۶۳ قم ع)
 spy; (secret) agent

separate; isolated	جدا
to separate;	جدا کردن
to disassemble	جدا سازی
disengagement	جدائی / تمیض نژادی
segregation	جدائی طلبی
separatism	جدا گانه
SERIATIM; severally;	جدائاً
separately; individually; one by one	جدال
dispute; quarrel	جدال بین المللی
international conflict	جدال لفظی
polemic	جدول
schedule; table	جدول تمیض خسارت بیمه
analytic schedule	جدول حقوق
pay schedule	جدول زمانی
time schedule	جدول کنترل کیفیت تولید
control chart	جدول معافیتها (م ۹۸ ق م م)
schedule of exemptions	جدول بندی
tabulator	جدول بندی
tabulation; tabulating	جدّه
ancestress	جدّی
ancestral	جدید المذهب
proselyte	جذام (م ۱۱۲۳ ق م)
black leprosy	جرائم (ج. جریمه)
finer; penalties	جرائم (ج. جرم)
crimes; offences	جرائم اختصاصی
special offenses	جرائم اطفال (م ۳۳ ق م ع)
juvenile delinquency	جرائم انضباطی
disciplinary actions	جرائم بزرگ
or fines	
major or indictable	

compensation	جبران پذیر
indemnifiable	جبران خسارت
compensation;	
indemnity; redress	جبران خسارت کسی را کردن
to compensate or indemnify someone	جبران کار فوق العاده
for his loss; to recompense a loss	جبران کردن
overtime payment	جبران مافات کردن
to compensate;	
to make good; to make up for	
to make up for	
the past	جبران مالیاتی
tax offset	جبران ناپذیر
irreparable; irretrievable	قابل جبران
redressible	جبهه
front; frontline;	
line of battle; forehead	جبهه آزادی بخش ملی (الجزایر)
National Liberation Front (FNL)	جبهه خلق
popular front	جبهه خلق برای آزادی فلسطین
Popular Front for the Liberation of	
Palestine (PFLP)	جبهه متحد ملی جنوب غربی افریقا
South West Africa National United	
Front (SWANUF)	جبهه مخالف
opposition (front)	جدّه
grandfather; progenitor;	
ancestor	جدّ اعلی
great grandfather	جدّ امی
maternal grandfather	جدّ پدری
paternal grandfather	جدّات (م ۱۲۳ ق م)
grandmothers	

allowable; revocable; voidable	جایزه تبغانی (م ۱۱۴ ق م م)
advertized prize	جایزه تولید
production bonus	جایزه صدور (برای صادرات)
export premium	جایگاه
place	جایگاه مهم در دادگاه
bar; dock	جایگاه ویژه گواهان در دادگاه
witness box	جایگاه ویژه مخبرین جرایم در مجلس
press gallery	ج. ب / م مقطوع بودن آلت تناسلی
castration	ج. ب
coercion; force; compulsion	ج. ب
historical determinism	ج. ب تاریخی
moral constraint;	ج. ب روانی
irresistible instinct	ج. ب علمی
scientific determinism	ج. ب قانونی
legal force	ج. ب مادی / فشار جسمی
physical constraint	ج. ب مادی / فشار مالی
material constraint	ج. ب مطلق / قضا و قدر
fatalism	ج. ب اختیار
determinism and	
indeterminism	ج. ب
by force	ج. ب
compensation;	
indemnity; amend	ج. ب
unemployment	ج. ب بیکاری

sociography	جامعه نگاری
comprehensiveness	جامعیت
to die; to expire;	جان دادن / مردن
to gasp out life	جانبداری
partiality	جانسی
collateral; relative	جانشن
substitute; subrogee;	
successor; replacement	جانشین بالفعل
de facto successor	جانشینی
substitution; replacement	جانشینی جزئی
partial substitution;	جانشینی کامل
complete substitution	جانی (م ۱۶۴ ق م)
murderer;	
criminal; malefactor	جانی اتفاقی
occasional offender	
or criminal	جانی اعتیادی
habitual criminal	جانی بالذات / جانی بالهطره
criminal-ne;	
born criminal	جانی به عادت
habitual criminal	
or offender	جانی حرفه ای
professional criminal	جانی شهوانی
sex criminal or maniac;	
criminal of passion; sex offender	جاهل
ignorant	جاهل بودن به
to be ignorant of	جاهل به حکم / جاهل به قانون
ignorant of law	
ignorant of fact	جاهل به موضوع
oppressor	جائر
revocable; voidable;	جایز
permissible; allowable	
to be lawful; permissible;	

homicide; murder; **جرم قتل**
 assassination **جرم ذبح**
 (Fegh) offense of **جرم ذبح**
 accusing one of having committed **جرم مالی**
 adultery or homosexuality **جرم مالیاتی**
 financial offense **جرم متضادی/جرم مستمر (م ۵۰ ق م ع)**
 fiscal offense; tax fraud **جرم متضادی/جرم مستمر**
 continuing offense **جرم متصل/جرم دائم**
 continuing offense **جرم محال**
 impossible offense **جرم مدنی**
 civil offense **جرم مرتبط**
 allied offense **جرم مرکب**
 complex offense **جرم مستمر/جرم متضادی**
 continuing offense **جرم مشهود (م ۲۰۹ آ د ک)**
 FLAGRANS **جرم مشهود**
 CRIMEN; flagrant crime **جرم مطبوعاتی**
 press offense **جرم مطلق**
 crime; formal, strict **جرم مطلق**
 or explicit offense **جرم معلق**
 interrupted, attempted **جرم معلق**
 or aborted offense **جرم مکرر**
 repeated offense **جرم نیش فیر**
 exhumation; interment **جرم نظامی**
 military offense **جرم ارتکاب جرم**
 commission of a crime **اعلام کننده جرم**
 informer **انگیزه جرم**
 motive of crime **تعدد جرم**
 multiple offense **تکرار جرم**
 recidivism; **جرم**
 repetition of a crime **جرم**
 FLAGRANTE **جرم**
 DELICTO; FLAGRANT DELIT; in

crime; criminal offense **جرم جزائی**
 organized crime; **جرم جمعی متحد المقصد**
 joint offense; collective offense **جرم جنهای**
 misdemeanor **جرم حقوقی**
 civil wrong **جرم خطائی**
 offense by negligence **جرم خلاف**
 petty, minor or **جرم دزدی/جرم سرقت**
 slight offense **CRIMEN**
 CRIMEN **FURTI; crime of theft**
 FURTI; crime of theft **جرم راهمائی و رانندگی**
 road traffic **جرم**
 offense; traffic infraction **جرم زنا**
 adultery **جرم ساده**
 simple offense **جرم سرقت/دزدی**
 CRIMEN **FURTI; crime of theft**
 FURTI; crime of theft **جرم سنگین**
 grave offense **جرم سیاسی**
 political offense or crime **جرم شبه عمد**
 quasi crime **جرم طبیعی**
 offense MALA IN SE; **جرم عادی**
 natural offense **جرم عقیم**
 ordinary crime or offense **جرم علیه جامعه**
 aborted offense **جرم عمد**
 public mischief, wrong **جرم عمومی**
 or nuisance **جرم غیر سیاسی**
 premeditated crime **جرم غیر عمد**
 crime; public offense **جرم غیر مشهود**
 non-political offense **جرم فرار از زندان**
 unpremeditated crime **جرم ناچاق**
 non flagrant offense **جرم**
 breach of prison; **جرم**
 breaking of the gaol **جرم**
 smuggling

adaptation; **جرم و تعدیل**
 rectification; modification; adjustment **جرم و تعدیل کردن**
 to modify; **جرم قرارداد**
 modification **جرم گواه (م ۱۳ آ د م)**
 of a contract **جرم**
 challenging **جرم**
 a witness **جرم**
 CRIMEN; crime; **جرم**
 offense; public offense **جرم آتش زدن (اعم از انسان و اشیاء)**
 CRIMEN INCENDI; **جرم آبی**
 crime of burning **جرم اجتماعی**
 instantaneous crime **جرم اختصاصی**
 social crime **جرم ارتشی**
 special offense **جرم اشد**
 military or service **جرم اضطراری**
 offense **جرم اعتیادی**
 grave or serious offense **جرم انجام یافته**
 necessary offense **جرم انضباطی**
 habitual offense **جرم ارتشی**
 perpetrated offense **جرم اشد**
 offense against **جرم اضطراری**
 discipline; disciplinary infringement **جرم اعتیادی**
 or offense; breach of discipline **جرم انجام یافته**
 habitual offense **جرم انضباطی**
 offense by negligence **جرم بین المللی**
 international crime; **جرم بین المللی**
 crime against law of nations **جرم تبعی**
 connected offense **جرم تهیه شهود کاذب**
 subornation of perjury **جرم جاسوسی**
 espionage

offences **جرم**
 جرائم باعتبار قانون (و نه اخلاق)
 crimes MALA PROHIBITA **جرم جنایی**
 crimes; criminal offenses **جرم جنگی**
 war crimes **جرم جوانان**
 juvenile delinquency **جرم خیابانی**
 street offenses **جرم رانندگی**
 traffic offenses **جرم**
 or infractions **جرم سیاسی**
 political offenses **جرم ضد خانواده**
 offenses against **جرم**
 family **جرم ضد شرف و حیثیت**
 crime against **جرم**
 the person of an individual **جرم ضد عفت**
 offenses against morals **جرم ضد عفت عمومی**
 offenses against **جرم**
 public morals or morality **جرم طبیعی (اخلاقی)**
 crimes **جرم**
 MALA IN SE **جرم عمومی**
 public offenses **جرم عمومی**
 جرائمی که بدون صدور ادعای تعقیب می شوند
 non-indictable offenses **جرم کوچک**
 petty or summary **جرم**
 offenses **جرم**
 surgeon **جرم**
 wound; **جرم (م ۱۸۶ ق ح ق)**
 sore; cut **جرم**
 injury **جرم (م ۴۱ ق ح ق)**
 of the limb **جرم**
 fatal wound **جرم**
 publications; press; **جرم**
 newspapers **جرم**
 wound; injury laceration **جرم**

fabricating lies جعل اکاذیب
 forging signature جعل امضاء
 striking or جعل خیار (م ۵۰۰ ق م)
 creating an option
 false personation جعل هیران
 to forge; to fabricate; جعل کردن
 to counterfeit; to invent; to falsify
 forged; falsified; جعلی
 counterfeit; fictitious
 hangman; executioner; جلاد
 arrest; attraction; apprehension جلب
 impaler; جلب ششیم (م ۲۷۴ آ د م)
 involving third party (into litigation)
 parole arrest جلب شفاهی
 to arrest; to apprehend; جلب کردن
 to acquire; to summon; to attract
 to implead جلب کردن شخص ثالث
 session; meeting; sitting جلسه / نشست
 final hearing جلسه آخر (دادگاه)
 administrative session جلسه اداری (دادگاه)
 hearing جلسه استماع
 main hearing جلسه استماع اصلی
 ex parte hearing جلسه استماع یا حضور یکی از اصحاب دعوا
 hearing جلسه استماع (در داوری)
 conference
 full hearing جلسه استماع کلیه دلایل له و علیه
 pre-hearing conference جلسه استماع مقدماتی (در حقوق جزا)
 preliminary hearing
 final hearing جلسه استماع نهایی

to amerce; to penalize
 pecuniary punishment جریمه مالی
 cash fine جریمه نقدی (م ۱۳ ق م ع)
 or penalty
 portion; part; clause; section جزء
 integral part; جزء لاینجزا / جزء لاینفک
 part and parcel
 aliquot part جزء مشاع (م ۵۴۸ ق م)
 wholly or partly جزاً یا کلاً
 punishment; penalty; جزا / کیفر
 retribution; recompense; reward
 supplementary punishment
 ancillary punishment جزای تبعی
 degrading punishment جزای تزیلی (م ۱۱۵ آ د ک)
 deterrent punishment جزای ترمیمی (م ۱۱۵ آ د ک)
 reformative punishment
 fiscal penalty جزای مالی (م ۱۰ ق ر م)
 cash fine or جزای نقدی (م ۹ ق م ع)
 penalty; pecuniary punishment
 poll tax; tribute جزیه
 dead body جسد
 reward; جعالة (م ۵۶۱ ق م)
 contract of reward
 reward جعَل (م ۵۶۲ ق م)
 forging; forgery; جعل (م ۹۷ ق م ع)
 counterfeiting; fabrication;
 falsification
 counterfeiting banknote جعل اسکناس
 forgery; to forge documents جعل اسناد

course; flux; process; جریان
 proceeding; flow(ing); progress;
 conduct; circulation
 the course of events جریان حوادث
 incorporation جریان تشکیل شرکت
 to flow; to run; جریان داشتن
 to circulate; to happen;
 to take place
 due process of law جریان صحیح قانونی
 ordinary course of business جریان عادی
 work progress جریان کار
 inflow or influx of gold جریان ورود طلا
 to demonetize از جریان خارج کردن پول فلزی
 in circulation; in progress در جریان
 wounded جریحه دار
 to wound; to humiliate جریحه دار کردن
 to offend the public morals عفت عمومی را جریحه دار کردن
 to outrage public sentiments احساسات جامعه را جریحه دار کردن
 the press جراند (ج. جریده)
 newspaper جریده
 daily paper جریده یومیه
 fine; penalty; جریمه (م ۱۱۱ ق م)
 amercement; mulct; forfeiture
 delayed payment fine جریمه تأخیر تأدیه
 or interest
 a forfeit for جریمه خسارات وارده
 damages incurred
 to pay fine or penalty جریمه دادن
 heavy fine جریمه سنگین
 to fine; to forfeit; جریمه کردن

the very act of committing the crime
 degree of crime درجه جرم
 abetment شرکت در جرم (م ۲۷ ق م ع)
 to abet شرکت کردن در جرم
 to attempt a crime شروع به ارتکاب جرم
 common element of عنصر عمومی جرم
 crime
 legal element of crime عنصر قانونی جرم
 ACTUS REUS; عنصر مادی جرم
 physical element of crime
 MENS REA; عنصر معنوی جرم
 mental element of crime
 intent to commit قصد ارتکاب جرم
 a crime
 LOCUS CRIMINIS; محل ارتکاب جرم
 the locality of a crime; the place
 where a crime was committed
 accomplice معاون جرم / شریک جرم
 nature of crime نوع جرم
 هیچ عملی جرم نیست مگر به حکم قانون
 there is no crime except in
 accordance with law
 pecuniary fine جرمانه / جزای نقدی
 criminology جرم شناسی
 criminal sociology جرم شناسی اجتماعی
 special criminology جرم شناسی اختصاصی
 clinical criminology جرم شناسی بالینی
 criminal biology جرم شناسی بیولوژیک
 criminalistics جرم شناسی تحلیلی
 criminal psychology جرم شناسی روانی
 legal medicine جرم شناسی طبی
 scientific criminology جرم شناسی علمی
 general criminology جرم شناسی عمومی

civil divisions of the court meet to decide an important case) جلسه غیررسمی
informal conference
or session
session or sitting in جلسه غیر علنی
camera; session not open to public
special session or جلسه فوق العاده
meeting
جلسه فوق العاده مجمع عمومی عادی
extraordinary session of regular
general meeting
جلسه فوق العاده مجمع عمومی فوق العاده
extraordinary session of special
general meeting
جلسه مجمع عمومی عادی
regular general meeting
جلسه مجمع عمومی فوق العاده
special general meeting
جلسه محاکمه / جلسه دادرسی
court session
consultation of جلسه مشاوره قضات
judges
joint session or meeting جلسه مشترک
advisory conference جلسه مشورتی
جلسه مطبوعاتی / کنفرانس مطبوعاتی
press conference
board meeting جلسه هیئت مدیره
cabinet meeting جلسه هیئت وزیران
accession جلوس
accession جلوس بر تخت سلطنت
to the throne
prevention; suppression جلوگیری
birth control جلوگیری از حاملگی

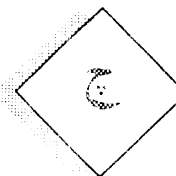
opening or inaugural session
first hearing جلسه اول
briefing meeting جلسه توجیهی
session, meeting or hearing held on expedited basis, or out of docket, or out of turn
special meeting جلسه خاص
private or secret session; hearing in private
court session; جلسه دادرسی
hearing session
public hearing or sitting; open court
rehearing جلسه دادرسی مجدد
the meeting in session جلسه رسمی
hearing in private جلسه سری / غیر علنی
or in camera
shareholders meeting جلسه سهامداران
جلسه طلبکاران (در ورشکستگی)
creditors meeting
regular session or meeting جلسه عادی
public sitting or hearing; open court
regular session of shareholders
general meeting of shareholders
public or open session, meeting, sitting
جلسه علنی (عمومی دادگاه)
public hearing or sitting; open court
plenary session of civil divisions of the High Court (when representatives of all the

crimes of war; war crimes جنایات جنگی
crimes against humanity جنایات علیه بشریت
crimes against peace جنایات علیه صلح
crimes; felony; murder جنایت (م ۷ ق م ع)
public crime جنایت عمومی
to commit or مرتکب جنایت شدن
perpetrate a crime
felonious; criminal; murderous جنایت آمیز
felon; criminal; malefactor جنایتکار
feloniously; criminally جنایتکارانه
movement جنبش
feminism; جنبش زنان
women's liberation movement
labor movement جنبش کارگری
misdemeanor; جنحه (م ۱۸۲ آذک)
criminal offense جنحه بزرگ
grave offense جنحه سیاسی
political offense جنحه کوچک
minor offense
petty offense جنحه مطبوعاتی
press offense جنحه مهم
grave offense جنحه نسبت به اطفال
offense against children
kind; sex; ware; quality; جنس
goods; merchandise; commodity
war جنگ
atomic war جنگ اتمی
waste control جلوگیری از ضایعات
to suppress publication of sexual intercourse; جماع
coition; copulation; fornication جماع کردن
to have sexual intercourse; to copulate; to fornicate جماعت
congregation; assembly جمع
total number; addition; union جمع اختین (م ۱۰۴۸ ق م)
having two sisters simultaneously as wives
whether in permanent or temporary marriage
sub-total جمع فرعی
(grand) total; sum total جمع کل
crowd; mob; population; جمعیت
association; society; assembly جمعیت شیروخورشید
Red Lion & Sun Society جمعیت هلال احمر
Red Crescent Society جمهور
public; republic; populace جمهوری
republic جمهوری
Islamic جمهوری اسلامی ایران
Republic of Iran جمهوری متحده عربی
United Arab Republic (UAR)
national republic جمهوری ملی
republican جمهوریخواه
republicanism جمهوریخواهی
criminal جنایی
wing; flank; side جناح
opposition (party) جناح مخالف
crimes جنایات (ج. جنایت)

pyromania	جنون آتش سوزی	partisan war	جنگ پارتیزانی
homicidal mania	جنون آدمکشی	total war	جنگ نام
frenzy	جنون آبی	propaganda war	جنگ تبلیغاتی
circular insanity;	جنون ادواری	war of aggression	جنگ تجاوز کارانه
intermittent lunacy		imposed war	جنگ تحمیلی
dipsomania	جنون الکلی	defensive war	جنگ تدافعی
rage of	جنون پول جمع کردن	Opium War	جنگ ترپاک
amassing money		offensive war	جنگ تعرضی
senile dementia	جنون پیری	war of aggression	جنگ تهاجمی
partial insanity;	جنون جزئی	guerrilla war;	جنگ چریکی
psychosis		irregular warfare	
criminal mania	جنون جنائی	civil war	جنگ داخلی
erotomania	جنون جنسی	psychological war	جنگ روانی
schizophrenia	جنون جوانی	cold war	جنگ سرد
DELIRIUM	جنون خمیری	chemical war	جنگ شیمیایی
TREMENS		crusade	جنگ صلیبی
megalomania	جنون خودبزرگ بینی	class struggle	جنگ طبقاتی
mythomania	جنون دروغگویی	ideological war	جنگ عقیدتی
kleptomania	جنون دردی	war of attrition	جنگ فرسایشی
nymphomania	جنون شهوانی زن	amphibious war	جنگ مختلط
satyriosis	جنون شهوانی مرد	just war	جنگ مشروع
erotomania	جنون شهوت (در مرد یازن)	holy war	جنگ مقدس
total insanity	جنون کلی	nuclear war	جنگ هسته ای
complete or permanent	جنون مدام	FLAGRANTE	در باره جنگ
insanity		BELLO; during an actual state of	
to run mad;	به جنون مبتلا شدن	war; in the thick of the fight	
to suffer from insanity		in the state of the war	در حالت جنگ
foetus; fetus; embryo	حسین (م ۱۹۱۴م)	FLAGRANS	در حین جنگ
abortive foetus;	جنین ساقط شده	BELLUM; a war actually going on	
miscarried foetus		گفتگو درباره شرایط دست کشیدن از جنگ	
stillborn	حسین مرده به دنیا آمده	parley	
abortion	سقط جنین	mania; insanity;	جنون (م ۱۲۱۰ ق م)
embryogeny	جنین زائی	lunacy	

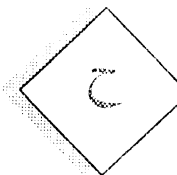
ignorance	جهل	embryology	جنین شناسی
lack of knowledge		foeticide; aborticide	جنین کشی
	جهل به حکم (م ۱۲۴ ق ح ق)	foetal; embryonic	جنینی
ignorance of law		answer; reply; response	جواب / پاسخ
ignorance of price and	جهل به عوضین	to meet or	جواب دادن به ایرادات کسی
consideration		address someone's objections	
ignorance of law	جهل به قانون	negative reply; refusal;	جواب رد
	جهل به قانون رافع مسئولیت نیست	rebutter	
IGNORANTIA JURIS NON		general answer	جواب کلی
EXCUSAT;		accountable	جوابگو
ignorance of law excuses not		permit; license; pass;	جواز
	جهل به قانون کسی را از مجازات معاف	permission; certificate; slip	
IGNORANTIA LEGIS	نمی دارد	permit of safe conduct	جواز امان
NEMINEM EXCUSAT; ignorance of		exclusive license	جواز انحصاری
law excuses no one		burial permit	جواز دفن
ignorance of object	جهل به مبیع	LAISSEZ-PASSER;	جواز عبور
of sale		permit allowing holder to pass	
	جهل به موضوع (م ۱۲۴ ق ح ق)	awards	جوایز (م ۱۱۴ ق م م)
ignorance of fact		academic awards	جوایز علمی
dowry	جهیزیه (م ۱۰۳۵ ق م)	mitigating circumstances	جهات مخففه
pickpocket; cutpurse	جیب پر	holy war	جهاد
pocket - picking	جیب پر	construction crusade	جهاد سازندگی
picking the pocket;	جیب پر کردن	world	جهان
cutting the purse		free world	جهان آزاد
endorsement	جیرو	third world	جهان سوم
to endorse	جیرو کردن	reason; cause;	جهت
rationing	جیره بندی	consideration; direction; side	
army	جیش / سپاه	orientation	جهت یابی

facts or circumstances of the case	چگونگی امر	to draw a cheque	چک کشیدن
mace-bearer	چاق دار	travellers cheque	چک مسافرتی
multiple; manifold;	چند برابر	post-dated cheque	چک وعده دار
many times			چکی که وجه آن را بانک به آورنده چک پرداخته است
multilateral	چند جانبه	cancelled cheque	پرداختن وجه چک
polygamy	چند زنی	to honor a cheque	ته چک
polyandry	چند شوهری	counterfoil; stub (of a cheque)	دسته چک
multi-national	چند ملیتی	cheque book	دفتر ثبت دسته چک
multiple rates	چند نرخ	cheque book register	لاشه چک
multi-purpose	چند هدفی	retired cheque	واریز و وصول چک
	چوب خراج خوردن	cheque clearing and collection	
to come under the hammer		to honor a cheque	پرداختن چک
tally	چوب خط	to dishonor	عدم پرداخت وجه چک
gibbet; gallows (tree)	چوبه دار	a cheque	



parachutist	چتر باز	impression; print; edition	چاپ
cast iron	چدن	to print; to publish	چاپ کردن
foundry	چدن ریزی	courier	چاپار
grazing ground; pasture	چراگاه	CHADOR; tent; veil worn by women	چادر
Indian hemp-juice	چرس	(wooden) frame;	چارچوب
rough copy; draft	چرک نویس	framework	
irregular troop; guerrilla	چریک	quartile	چارک
paste; gum; glue	چسب	remedy; cure; resort	چاره
	چساندن آگهی به در و یا دیوار	percussion-cap; detonator	جاشی
to paste up; to pin up; to affix to		knife	جاقو
ophthalmologist	چشم پزشک	bistoury; scalpel	چاقوی جراحی
connivance;	چشم پوشی	clasp-knife	چاقوی ضامن دار
renouncement; overlooking; tolerance		one who stabs	چاقو کش
cheque; check	چک	with a knife; knife-stabber	
bank cheque	چک بانکی	knife-stabbing; knifing	چاقو کشی
post-dated cheque	چک با تاریخ آینده	to haggle; to bargain	چانه زدن
cheque to the order of	چک به حواله کرد	collective bargain	چانه زدن دسته جمعی
bad cheque;	چک بی محل	capsized	چپه
worthless or dud cheque		to capsize;	چپه کردن / چپه شدن
certified cheque	چک تضمین شده	to turn upside down	
cheque to bearer	چک در وجه حامل	lettist	چی
blank cheque	چک سفید	jute; mat	چنائی
negotiable cheque	چک قابل انتقال		

solitary confinement	حبس مجرد	حالت اضطرار / ونسح فوق العاده
	حبس مخلد / حبس ابد	state of emergency
imprisonment for life		حالت افاقه (حالت بین دو حمله جنون)
temporary imprisonment;	حبس موقت	lucid interval
detention pending trial		legal status
patriotism	حمیه وطنی	حالت حقوقی
seed; grain; berry	حبّه / بذر	حالت ضرورت
certain to happen	حتمی الوقوع	case of necessity
HAJ; pilgrimage to Mecca	حج	حال شدن (دین)
exclusion from	حجب (م ۸۸۶ ق م)	to become mature;
inheritance (of an heir by virtue of		to mature; to become immediately
the existence of another heir)		payable; to fall due;
partial	حجب از بعض (م ۸۸۷ ق م)	to come to maturity
exclusion from inheritance		carrier; holder; transporter
total exclusion from	حجب از کل	حامل
inheritance		scrip holder
	حجب حرمانی (م ۸۸۷ ق م)	در وجه حامل
total exclusion from inheritance		to the bearer
partial exclusion	حجب نقصانی	حبس / بازداشت (م ۸ ق م ع)
from inheritance		imprisonment; confinement; lock up
proof	خبر	life imprisonment;
INTERDICTION; (م ۶۲۹ ق م)	حجر	حبس ابد
incapacity; prohibition; state of		imprisonment for life
minority; state of disability		precautionary
(old type of) commercial	خبره	imprisonment
office; business premise; cell; chamber		rigorous
۱- حد (مجازات اسلامی) (م ۸۲ ق ح ق)		حس با اعمال شاقه (م ۴۶ ق م ع)
penance; the Islamic punishment laid		imprisonment; penal servitude;
down by the Qoran (e.g., flogging,		imprisonment with hard labour
stoning to death, etc.).		correctional
divine punishment	حد الهی	حبس تأدیبی (م ۹ ق م ع)
	حد جلد (م ۹۱ ق ح ق)	imprisonment; simple imprisonment
punishment by the lash, consisting of		imprisonment of
		felonious nature
		imprisonment of
		misdemeanor nature
		life imprisonment
		false imprisonment
		to serve one's
		term of imprisonment
		imprisonment for life



one who knows the Koran by heart	حاسب	the one surrendering
حافظ اموال متنازع فيه		or entailing
receiver (pendente lite)		heir presumptive;
garnishee	حافظ مدعا	حاجب (م ۸۹۱ ق م)
magistrate; judge; dominant;	حاکم	an heir excluding another or other
ruling; governing; governor; sovereign		heirs from inheritance
judge of the court	حاکم دادگاه	need; want
tyrant	حاکم ستمگر	حاجت
SHARIA judge; religious	حاکم شرع	HAJI; a pilgrim
judge; canonical or ecclesiastical		having visited Mecca
judge		new; created
magistrate;	حاکم صلحیه	حادث
justice of the peace		حادث شدن
absolute ruler; dictator	حاکم مستبد	supervene
governor's seat	حاکم نشین	accident; event; phenomenon
sovereignty	حاکمیت	حادثه
free will	حاکمیت اراده / استقلال اراده	حادثه جبری / حادثه قهری / حادثه غیر مترقبه
territorial sovereignty	حاکمیت ارضی	force majeure; fortuitous event;
extraterritoriality	حاکمیت برون مرزی	accident; accidental case
sovereignty of state	حاکمیت دولت	misadventure
rule of law	حاکمیت قانون	حادثه ناگوار
national sovereignty	حاکمیت ملی	to deny
state; condition	حالت	حاشا کردن
		margin; marginal note
		حاشیه
		annotation
		حاشیه نویسی
		produce
		حاصل / زراعت
		proceeds
		حاصل / فروش
		result
		حاصل / نتیجه
		preserver; keeper;
		حافظ

closed account	حساب بسته شده	bar; to be barred for ever	
interest account	حساب بهره	liberty	حریت
savings account	حساب پس انداز	conflagration; fire	حریق
to render an account	حساب پس دادن	victim of a fire	حریق زده
	حساب پوشش اعتباراسنادی	firefighting; fire	اطفاء حریق
letter of credit (L/C) cover account		extinguishing	
cover account	حساب پوششی	arson (م ۲۵۰ ق م ع)	ایجاد حریق عمدی
security account	حساب تضمینی	limits; bounds; (م ۱۵ ق ۱۱)	حریم (م ۱۵ ق ۱۱)
current account	حساب جاری	frontage; sanctuary	
current account	حساب جاری بابت بهره	borders	حریم املاک (م ۱۳۶ ق م)
with interest		of properties	
to call to account	حساب خواستن (از کسی)	riparian	حریم رودخانه
income statement	حساب درآمد	political party	حزب
account		Republican Party	حزب جمهوریخواه
reserve account	حساب ذخیره	Democratic Party	حزب دموکرات
manipulation of accounts	حساب سازی	Labour Party	حزب کارگر
deposit account	حساب سپرده	Communist Party	حزب کمونیست
capital account	حساب سرمایه	Congress Party	حزب کنگره
	حساب سود و زیان (م ۲۳۱ ق ا ق ت)	Conservative Party;	حزب محافظه کار
profit and loss account		(U.K.) Tory Party	
	حساب عملکرد (م ۲۳۱ ق ا ق ت)	account (A/C)	حساب
operating account		closing account	حساب اختتامی
subsidiary	حساب فرعی	charge and discharge	حساب اربث
account		statement	
	حساب فروش (ارقام حاصله از فروش)	nominal account	حساب اسمی
realization account		drawing account	حساب اعتباری
to calculate;	حساب کردن	escrow account	حساب امانی
to figure; to count		charge and	حساب انحصار وراثت
control account	حساب کنترل	discharge statement	
account payee;	حساب گیرنده (وجه)	open account	حساب باز
A/C payee			حساب بازگشت (م ۳۰۰ ق ت)
mixed account	حساب مختلط	returned account	
deposit account	حساب مدت دار	bank account	حساب بانکی

abuttals	حدود ملک (م ۱۴ ق ت)	100 lashes, meted out especially in case of adultery	
(Fegh) sayings;	حدیث / خبر	to be penanced	حد خوردن
narration; tradition		to be penanced	حد رجم (م ۸۸ ق ح ق)
reliable tradition	حدیث ثقہ	punishment of stoning to death	
authentic tradition	حدیث صحیح	to penance	حد زدن (کسی را)
	حدیث غیر معتبر / خبر واحد	someone by the lash	
tradition with a single transmitter		penance for adultery	حد زنا
elimination; omission	حذف	punishment for theft	حد سرقت
to eliminate; to omit	حذف کردن	punishment for (م ۱۷۰ ق ح ق)	حد قذف
auktion	حراج (م ۳۴ ق ۱۱)	attributing adultery to someone	
to sell by auction;	حراج کردن	punishment for pimping or	حد قوادی
to put up to auction		panderism	
unlawful;	حرام (م ۴۹ ق ح ق)	punishment for pederasty	حد لواط
religiously prohibited;		punishment for lesbianism	حد مساحقه
ceremoniously unclean;		limit; extent;	۲- حد (مرز، اندازه)
illegal; illegitimate	حرام مؤبد (م ۱۰۵۰ ق م)	boundary	
prohibited, barred or illegal for ever		at least; minimum	حداقل
baseborn; bastard;	حرامزاده	bottom price	حداقل قیمت
adulterine		maximum; at the most	حداکثر
bastardy	حرامزادگی	age of Puberty	حد بلوغ
infidel deserving	حربی / کافر حربی	average; mean	حد متوسط
to be fought against		optimum	حد مطلوب
	حرز (م ۲۱۳ ق ح ق)	quorum	حد نصاب
fortification; refuge; close; inclosure		valid quorum	حد نصاب معتبر
profession; trade; craft	حرفه	to guess; to surmise;	حدس زدن
craftsman;	اهل حرفه	to conjecture	
professional person		۱- حدود (ج حد / مجازات اسلامی)	
professional	حرفه ای	Islamic punishment	
arson	حرق / سوزاندن (م ۲۵۰ ق م ع)	۲- حدود (ج حد / مرز، اندازه)	
reverence; respect;	حرمت	limits, extents; boundaries	
illegitimacy; prohibition		limits of	حدود صلاحیت
permanent	حرمت ابدی (م ۱۰۵۲ ق م)	competence	

حق استرداد (م ۳۴ ق ۱۱۱)

right of restitution

حق استرداد جنس فروخته شده برای باطل

stoppage IN TRANSITU

حق استفاده از عین و نباتات ملک (بدون)

usufruct

حق اشتراک

subscription fee

حق اعاده وضع حقوقی سابق

JUS POSTLIMINII

punitive power حق اعمال مجازات

improvement right حق اعیانی

right of action حق اقامه دعوا

acquired right حق اکتسابی

right of prospection حق اکتشاف

expenses of execution حق الاجراء

land-right; demurrage حق الارض

royalty حق الامتياز (م ۱۲۴ ق ۱)

brassage حق الامتياز سکه زدن

compiling fee; حق التألیف

author's fee; copyright; royalty حق التحریر سردفتر

notary public's fee ; (for drawing up documents)

procuration fee; costs and (notary's)

fee for drawing up a deed; notarial

fee

translation fee حق الترجمة

author's fee; copyright حق التصنیف

tuition fee حق التعلیم

administrator's حق التولیه (م ۸۴ ق ۱)

fee; custodian's fee حق الثبت (م ۱۱۹ ق ۱۱)

registration fee

child care expenses; حق الحضانه

حضور کسی را ضمانت کردن

to guarantee a person's appearance

conditional appearance حضور مشروط

general appearance حضور مطلق

special appearance حضور موردی

to appear; حضور یافتن / حضور داشتن

to be present; to attend

safeguarding حفاظت

حفاظت فنی (م ۴۷ ق ۱)

technical safeguards

digging; excavation حفر

to dig حفر کردن

pit; ditch حفره

maintenance or keeping of حفظ صلح

peace

pit; ditch حفره

right; title; fee; share; truth حق

priority arising from حق آب و گل

tenancy of long duration

right of coercion حق اجبار

right of assembly حق اجتماع

expenses of execution حق اجرا / حق اجرائیه

incidental or حق احتمالی

contingent right

royalty حق اختراع

right of easement حق ارتفاق (م ۱۹۳ ق ۱)

natural easement حق ارتفاق طبیعی

legal easement حق ارتفاق قانونی

حق ارشیدیت / حق نخست زادگی

birthright; primogeniture

حق از گرو در آوردن ملک را از مالک آن

to foreclose a mortgage سلب کردن

an untrue statement of items of

account by written words, figures or

marks; manipulation of accounts

to manipulate حساسازی کردن

accounts

non-litigious حسبی

good conduct حسن اخلاق

good understanding; حسن تفاهم

cordial understanding

حسن سابقه / عدم سوء سابقه

clean record

good or favorable opinion حسن ظن

BONA FIDES; honest حسن نیت

intention; sincerity; good faith

bona fide; in good faith با حسن نیت

good neighbourhood حسن همجواری

glans penis حشفه

حصروراثت / تصدیق حصروراثت

decree of heirship

shares حصص (ج - حصه)

share; part; portion حصه

the portion sold حصه میمه

undivided share; حصه مشاع (۵۴۳ ق ۱)

joint share

حصه مشاع معین (م ۵۴۳ ق ۱)

specified undivided share

appointed share حصه مفروز

custody ; حضانت (م ۱۱۶۸ ق ۱)

fostering; tutorship

custody of children حضانت اطفال

lawful custody حضانت قانونی

presence; appearance; حضور

attendance

joint account حساب مشترک

suspense account حساب معلق

cash account حساب نقدی

loan account حساب وام

budgetary accounts حساب های بودجه ای

balance sheet account حساب های ترازنامه

حسابی که فرع بر آن تعلق می گیرد

interest-bearing account

با چوبخط حساب کردن

to tally بستن حساب

to close an account به حساب

for the account of به حساب آوردن

to take into account به حساب بدهکار

to the debit account به حساب بستانکار

to the credit

account

closing of accounts تفریغ حساب

detailed account ریز حساب

accountant حسابدار

public, حسابدار خبره / حسابدار رسمی

certified or chartered accountant

chief accountant; سر حسابدار

accountant general

account department; حسابداری

accountancy

balance sheet حسابداری ترازنامه

accounting

cost accounting حسابداری صنعتی

current cost حسابداری هزینه جاری

accounting (CCA)

auditor حسابرس

senior auditor حسابرس ارشد

auditing حسابرسی

false entry; حساسازی

حق حبس بایع در معامله اراضی
vendor's lien
 حق حبس مخصوص
particular lien
 حق حبس نسبت به مال غیرمنقول
incumbrance; encumbrance
 حق حضانت
right of custody
 حق حضور (م ۱۲۴ ق م م)
attendance fee
 حق حضور و دفاع در دادگاه
LOCUS
STANDI
 حق اختیار
right of option
 حق دلالی
commission;
brokerage; percentage
 حق دلالی در معاملات رهنی، استقراضی
procuration fee
 حق دولت در تملک اجباری اموال خصوصی
power of eminent domain (م ۹ ق زش)
 حق دینی
chose in action;
right in action
 حق رأی
right to vote;
suffrage; franchise
 حق رأی زنان
women's suffrage
 حق رجحان
right of priority;
pre-emptive right
 حق رجوع (ازدعوی)
right of withdrawal
 حق رجوع (به کسی) داشتن
to have the
 حق رد / حق وتو
right of recourse against someone
veto
 حق رقبی (م ۴۲ ق م)
estate for years;
right of exploitation for a prescribed period
 دارنده حق رقبی
termor
 حق رهن نسبت به مال غیرمنقول
incumbrance; encumbrance

حق بالقوه
chose in action
 حق برداشت مخصوص
Special Drawing
 Rights (SDRs)
 حق به سخره گرفتن
right of angary
 حق بیمه (م ۶ ق ب اک)
premium
 حق پناهندگی
right of asylum; privilege
 حق تابعیت
of sanctuary
 حق ترافع
right of citizenship
 حق تصرف
right of action
 حق تصرف اعیان غیرمنقول
right of possession
 حق تصرف اعیان غیرمنقول
occupation franchise
 حق تصرف در نتیجه مرور زمان
usucaption
 حق نظم خواهی
right of recourse
 حق تعقیب
right of prosecution
 حق تقاضای زیاد کردن مبیع
call of more
 حق تقدم
right of way;
right of priority
 حق نمبر (م ۱۲۹۴ ق م)
stamp duty;
stamp fee
 حق تمتع
right of enjoyment
 حق تنبیه (مخصوص دولت)
حق تنبیه (مخصوص دولت)
punitive power
 حق توکیل
right of appointing as one's
 حق ثبوت اختراع
attorney; right of substitution
 حق ثبت اختراع
patent right
 حق جستجو
right of search
 حق چاپ
copyright
 حق حاکمیت
right of sovereignty;
sovereign right
 حق حاکمیت و تسلط بر اموال خصوصی
حق حاکمیت و تسلط بر اموال خصوصی
eminent domain
 (به شرط پرداخت غرامت)
 حق حبس (م ۳۷۱ ق ت)
right of lien

حق العمل کار بارگیری کشتی
shipping agent(s)
 حق العمل کاری
commission; factorage
 حق الله (م ۱۲۰ ق ح ق)
what is due God;
 sin against God; public right
 حق المعجری (م ۹۷ ق م)
right of drainage
 حق المشاوره ثابت وکیل دائمی
retainer
 حق المضاربه (م ۵۹۱ ق م)
bailment fee
 حق الناس (م ۱۲۰ ق ح ق)
what is due to
 men; sin against mankind; peoples' rights; private rights
 حق ورود
admission fee
 حق الوکاله
attorney's fee;
 honorarium; lawyer's fee
 حق انبارداری
cellarage;
 storage or warehouse dues
 حق انتخاب کردن
suffrage;
 the right to vote
 حق انتخاب مسکن
right of dwelling
 حق انتفاع (م ۴۰ ق م)
right of enjoyment;
 right of exploitation
 حق انتفاع اراضی یا ملک مورد اجاره
حق انتفاع اراضی یا ملک مورد اجاره
 right of quiet enjoyment
 حق انتفاع در آینده
vested in interest
 حق انتفاع در حال حاضر
vested in
 possession
 حق انحصار
right of monopoly
 حق انحصاری
exclusive right
 حق انحصاری ثبت شده
patent right
 حق اولویت (م ۱۴۲ ق م)
right of priority
 حق باراندازی
wharfage; harbour rates
 حق بازخرید
right of repurchase
 حق بالفعل
chose in possession

custody charges; maintenance expenses
 حق الحفظه (م ۸۰ ق ت ا)
guarding fee;
 protection fee; interest on money loaned by pawnshops (disguised under the name of "fee for protection" of the object pawned); safekeeping fee
 حق الزحمه
fees; wage; remuneration;
 compensation; emolument
 حق الزحمه اطباء
doctors' fee
 حق الزحمه اهل خبره
expert's fee;
 (U.S.) consultancy fee
 حق الزحمه حسابرسی
audit fee
 حق الزحمه حضور
attendance fee
 حق الزحمه حق العمل کار
commission
 حق الزحمه داورها
arbitrators' fee
 حق الزحمه دلال
commission;
 brokerage; percentage
 حق الزحمه شهود
witness's
 remuneration
 حق الزحمه کارشناس (م ۵۹۴ آد م)
expert's
 fee; consultation fee
 حق السکوت
hush money
 حق الشرب (م ۹۶ ق م)
water right
 حق الضرب
seigniorage; mintage
 حق العبور / عوارض راهداری
toll; toll tax;
 passage-money; transit duty
 حق العبور / نوعی حق ارتفاقی
حق العبور / نوعی حق ارتفاقی
 right of passage
 حق العمل (م ۳۷۶ ق ت)
fee; commission;
 brokerage
 حق العمل کار
commission agent; factor

liabilities attaching to the estate; hereditary debt
extraterritorial rights
human rights
salaried person
harbor toll
unemployment
compensation; dote
social security charges
JUS JENTIUM;
international law
private
international law (law of conflicts)
customary international law
public
international law (law of nations)
dismissal allowance;
severance pay
preventive justice
business, commercial or
mercantile law; law merchant
guaranteed wage
comparative law
old age pension;
retirement pension
basic salary
indisputable rights
rights of society
criminal or penal law
criminal law
JUS BELLUM;
law of war

legitimacy; right
law; rights; wage;
salary; pay; remuneration;
emoluments; fees; dues; duties
civic, civil or social rights
expenses of execution
administrative law
claimed rights
right of easements
constitutional law;
rights under the constitution;
fundamental rights
fundamental
human rights
chattels real
economic rights
JUS SACRUM;
divine law
imperative law
discriminative rights
rights of exploitation
exclusive rights
human rights
strike-pay
salary for the period of
suspension
salary for the period
of leave
pension;
old age or retirement pension
maritime law;
admiralty law

(حقوق ج. حق)

(حقوق ادعائیه م ۴۲ ق ۱۱)

حقوق ارتقائی

حقوق اساسی

حقوق اساسی بشر

حقوق اعیانی

حقوق اقتصادی

حقوق الهی

حقوق امری

حقوق امتیازی

حقوق انتفاعی

حقوق انحصاری

حقوق انسان/حقوق بشر

حقوق ایام اعتصاب

حقوق ایام تعلیق

حقوق ایام مرخصی

حقوق بازنشستگی

حقوق بازنشستگی

حقوق بازنشستگی

حقوق بازنشستگی

حقوق بازنشستگی

حقوق بازنشستگی

right of work
lien
to have a lien upon or
on something
groundage;
birthage; keelage
proprietary right
JUS
PROPRIETATIS; right of dominion
or dominium; right of ownership
prescriptive right
prescription or prescriptive right
piscary
capitulation
right of begin
civil right
right to demand or claim
absolute right
conditional right
right of self determination
power of veto
to exercise veto
against (bill, etc.)
justly; properly
unjustly; improperly
absence of right
object of right
water right
rightfulness; entitlement

حق کار

حق گروبی

حق گروبی داشتن

حق لنگراندازی

حق مالکانه

حق مالکیت/حق مالکانه

حق مالکیت در نتیجه تصرف بلامعارض

حق مالکیت در نتیجه مرور زمان

حق ماهیگیری

حق محاکمه کنسولی

حق مدعی در آغاز بیان ادعا در دادگاه

حق مدنی

حق مطالبه

حق مطلق

حق معلق

حق ملتها در تعیین سرنوشت

حق وتو

استفاده از حق وتو

به حق

بمناحق/من غیر حق

بی حقی

موضوع حق

حقانه

حقانیت

right of habitation
political right
right of passage;
right of way
water right
right of preemption
preemptor
piscary
lien
banker's lien
copyright
natural right
right of way; right of passage
grazing rights
estate for life;
a life right; life interest
quasi entail
actual right;
chose in possession;
right in possession
individual right
presumptive title
right to cancel, terminate or
rescind
legislative power
wife's equity
JUS
DELIBERANDI

حق سکنی (م ۴۳ ق م)

حق سیاسی

حق شارع

حق شرب / حق استفاده از آب (م ۹۷ ق م)

حق شفعه (م ۸۰۸ ق م)

دارنده حق شفعه

حق صید ماهی در آبهای دیگران

حق ضبط مال گروبی

حق ضبط مال گروبی از طرف بانک

حق تبع

حق طبیعی

حق مدنی

حق مدنی

حق مدنی

حق عمری (م ۴۱ ق م)

حق عمری که به مدت عمر ثالث برای منتفع و

اخلاف او برقرار شود

حق عینی (م ۲۹ ق م)

حق عینی

حق عینی

حق عینی

حق عینی

حق عینی

حق عینی

حق عینی

حق عینی

حق عینی

حق عینی

حقوق و عوارض کشتیرانی	substantive law	حقوق ماهوی
navigation taxes and duties	copyright	حقوق مؤلف
customs duties	special rights	حقوق منحصربه
and surcharges	JUS CIVILE; civil law	حقوق مدنی
salary and fringe benefits; مزایا	written or codified law	حقوق مدون
salary and extra pays (sundry increments)	preferential or priority rights	حقوق مرجحه
air law; space law	customary rights	حقوق مرسومه
ostracize	law of torts	حقوق مسئولیت مدنی
legal history	legitimate rights	حقوق مشروعه
elements of law	adverse rights	حقوق معارض
legal philosophy	treaty law;	حقوق معاهدات
bases of law	law of treaties	
sources of law	acquired rights	حقوق مكتسبه
wage earner	JUS GENTIUM;	حقوق ملل
jurist	law of nations	
legal	حقوق ملی / حقوق داخلی	
trickery	domestic, internal or municipal law	
truth; reality; fact	objective law	حقوق موضوعی / حقوق ذاتی
matter of fact;	conjugal rights	حقوق ناشی از زناشویی
truth of the matter	statute (law)	حقوق ناشی از قانونگذار
established fact	حقوق ناظر به ادله اثبات دعوی	
untrue;	law of evidence	
devoid of truth; false; unfounded	gross salary	حقوق ناویژه / درآمد خالص
governors;	military law	حقوق نظامی / حقوق ارتش
magistrates; judges	JUS SCRIPTUM;	حقوق نوشته
حکام ولایات (م ۱۲۶۶ ق م)	statutory law; written law; statute	
governors of the provinces	حقوق واجبه میت (م ۱۱۲۹ ق م)	
judgment; order;	indispensable dues of decedent	
sentence; verdict; award; writ	rights and obligations	حقوق و تعهدات
حکم ابطال ازدواج (از ابتدا)	import duties	حقوق ورودی
decree of nullity	pension	حقوق وظیفه
order of release of the	taxes and duties	حقوق و عوارض

general law	حقوق عام	legitimate rights	حقوق حقّه
public international law	حقوق عام خارجی	severance pay	حقوق خاتمه خدمت
law		net wage	حقوق خالص
public international law	حقوق عام ملل	family rights (م ۹۶۲ ق م)	حقوق خانوادگی
JUS NON SCRIPTUM;	حقوق عرفی	wage; pay; salary;	حقوق خدمت
common law; customary law		remuneration; emoluments	
law of trade marks	حقوق علائم تجاری	municipal, internal or domestic law	حقوق داخلی
public law;	حقوق عمومی	admiralty, maritime or navigation law	حقوق دریائی
public rights		rights of the defendant;	حقوق دفاع
objective law	حقوق عینی	rights of counsel for defense	
non-property or non - pecuniary rights	حقوق غیرمالی	حقوق دیوانی / عوارض و مالیاتها	
unwritten law	حقوق غیرمدون	tax; duty; charge	
subjective law;	حقوق فردی	inherent rights;	حقوق ذاتی
individual rights		substantive law	
cultural rights	حقوق فرهنگی	Roman law	حقوق رومی
space law	حقوق فضا	conjugal rights	حقوق زوجیت
natural rights	حقوق فطری	sovereign prerogatives or rights	حقوق سلطانی
transmissible rights	حقوق قابل انتقال	political law; (م ۱۵ ق م غ)	حقوق سیاسی
law of contract;	حقوق قراردادها	political rights	
treaties law		consular fees;	حقوق شانسیری
conventional law	حقوق قراردادی	chancery fees	
labor law	حقوق کار	religious or canon law	حقوق شرعی
criminal or penal law	حقوق کیفری	corporation law	حقوق شرکتها
customs duty	حقوق گمرکی	adjective law	حقوق شکلی
حقوق گمرکی براساس ارزش کالا		normative law	حقوق ضابطه‌ای
ad valorem duty		natural rights	حقوق طبیعی افراد بشر
duty paid	حقوق گمرکی پرداخت شده است	rights of the general	حقوق طلبکاران
حقوق گمرکی که از کشتیها نسبت به وزنشان دریافت می‌شود		body of creditors in bankruptcy	
tonnage duty		fair wage	حقوق عادلانه
pecuniary or property rights	حقوق مالی	customary law	حقوق عادی
monthly salary	حقوق ماهانه		

(criminal) sentence

حکم معترضی علیه (م ۵۸۶ آد)

protested judgment

suspended judgment

warrant of

presumed death

interim award;

interlocutory decree

countermand

final judgment

order of bankruptcy;

bankruptcy judgment

award of costs

to judge by

appearances

suspension of a sentence;

stay of execution; arrest of judgment

to docket a judgment

the ground for decision

enacting terms of a

judgment or decree

grounds for judgment

subject of judgment

suspension of judgment

to quash, to repeal or

to rescind a judgment

arbitrator; arbitrator

referee

party- appointed

arbitrator

AMIALE

RES INTER ALIOS

JUDICATAE NULLUM ALIIS

PRAEJUDICIUM FACIUNT;

matters adjudged in a cause do not prejudice those who were not parties to it

حکم دادگاه نخستین (م ۱۷۲ آدک)

judgment by court of first resort

award

arbitral award

religious decree

judgment on technicalities

to pass a judgment or a

verdict; to pronounce, issue or render

a judgment

judgment IN

PERSONAM or INTER PARTES

judgment by (م ۱۶۴ آد)

default, in absence or in contumacy

enforceable judgment

حکم قابل اعتراض / حکم قابل دادخواهی

appealable judgment (م ۵۳۶ ق)

final judgment; (م ۱۹۸ آد)

decree absolute

judgment by دادگاه قطعی

civil court of last resort

binding judgment

judgment on merits

حکم مجازاتی که پس از انقضای مدت

محکومیت سابق اجرا می شود

accumulative judgment

verdict of a court

حکم محکومیت (civil) condemnation;

و نه اشخاص ثالث

contentious judgment; حکم توافقی

judgment in disputed matters

حکم تصحیحی (م ۱۸۹ آد)

TAM QUAM; writ of error;

correcting judgment; rectificative or

corrective judgment

liquidation order حکم تصفیه

order of suspension حکم تعلیق مجازات

of sentence; probation order

search warrant حکم تفتیش

writ of possession حکم تملیک

حکم توقیف شخص / حکم بازداشت

warrant of arrest; writ of capias

writ of attachment; حکم توقیف مال

attachment order; sequestration order

partial award حکم جزئی (در داوری)

sentence; penal حکم جزائی

judgment

warrant of arrest; حکم جلب

writ of capias

judgment حکم حضوری (م ۱۶۴ آد)

after trial

foreign judgment حکم خارجی

judgment involving حکم خلافی

cases of minor offense

حکم خودداری از اقدام قانونی از طرف دادگاه

writ of prohibition عالی به دادگاه تالی

judgment of a court حکم دادگاه

حکم دادگاه استان (م ۵۲۱ آد)

judgment by court of appeal

حکم دادگاه بدوی (م ۱۷۲ آدک)

judgment by court of first resort

حکم دادگاه فقط ناظر به اصحاب دعوی است

accused; setting free of the accused

حکم آزادی مشروط

invocation; subpoena حکم احضار

adjudicative or حکم اخباری

declaratory judgment

حکم ارجاع مجدد دعوی از دادگاه عالی به

دادگاه تالی (writ of) PROCEDENDO

reiterating judgment حکم اصراری

accumulative sentence حکم اضافی

death sentence; حکم اعدام

death warrant

decree of insolvency حکم اعسار

adjudicative or حکم اعلامی

declaratory judgment

decree of specific حکم الزام به انجام تعهد

performance

decree or حکم انتصاب مدیر ترکه

an order of a probate court

appointing an administrator; letters of

administration

حکم انشائی

attributive or constitutive

judgment; declaration of a new legal

status

حکم بازداشت / حکم توقیف شخص

warrant of arrest; writ of capias

order of discharge; حکم برائت

acquittal

decree of nullity حکم بطلان

nonsuit حکم به بطلان دعوی / حکم به بی حقی

constitutive judgment; حکم تأسیسی

declaration of a new legal status

حکم تأمین خواسته / حکم تأمین مدعا به

order of attachment; garnishment

indirect rule	حکومت غیرمستقیم	COMPOSITEUR; amicable
decentralized	حکومت غیرمتمرکز	compounder
government		umpire; sole arbitrator; حکیم مشترک
rule of law	حکومت قانون	neutral arbitrator
to govern;	حکومت کردن	umpire; presiding arbitrator سر حکم
to rule; to reign		wisdom حکمت
federal government	حکومت متحد	arbitration (م ۶۳۲ آدم) حکمیت / داوری
centralized	حکومت متمرکز	ad hoc arbitration حکمیت موقت
government		government; حکومت
oligarchy	حکومت متنفذین	governorship; rule حکومت استبدادی / نظام استبدادی
mixed government	حکومت مختلط	autocracy; tyranny
theocracy	حکومت مذهب	aristocracy حکومت اشرافی
autarchy	حکومت مستبد	plutocracy حکومت اغیا
direct rule	حکومت مستقیم	monarchy حکومت پادشاهی
	حکومت مشروطه / نظام سیاسی مشروطه	parliamentary حکومت پارلمانی
constitutional rule; constitutionalism		government; parliamentarism
autocracy; absolutism; حکومت مطلقه		puppet government حکومت پوشالی
absolute or despotic rule		polygarchy حکومت جمعی
national government حکومت ملی		republic حکومت جمهوری
martial law (م ۱۹۶ آدم) حکومت نظامی		majority party حکومت حزب حائز اکثریت
stratocracy; حکومت نظامیان		rule; cabinet government
military government		rightful government حکومت حقه
quasi direct rule حکومت نیمه مستقیم		theocracy حکومت خدا
(Fegh) Islamic philosopher; حکیم		democratic حکومت دموکراتیک
theosopher		government
settlement (م ۳۶ ق ک) حل اختلاف		government de facto حکومت دوفاکتو
of dispute		dictatorship حکومت دیکتاتوری
judicial settlement حل اختلاف قضائی		theocracy حکومت روحانیون
peaceful or حل مسالمت آمیز اختلافات		gynarchy; حکومت زن (زنان)
pacific settlement of disputes		gynaecocracy
solution to the problem حل مسئله		gerontocracy حکومت سالخوردگان
to settle حل و فصل کردن		monarchy حکومت سلطنتی / نظام سلطنتی
legitimate; lawful; حلال		

ceremonially clean; permitted	حلال زادگی	ceremonially clean; permitted
legitimacy	حلیف	legitimacy
confederate	حمایت / پشتیبانی	confederate
protection; support	حمایت سیاسی	protection; support
consular or	حمایت شغلی	consular or
diplomatic protection	۱- حمل / آبستی (م ۳۸۵ ق م)	diplomatic protection
job protection	۲- حمل / حمل و نقل	job protection
child in the womb; unborn child; conception; pregnancy; young of pregnant animal	حمل از کشتی به کشتی دیگر	child in the womb; unborn child; conception; pregnancy; young of pregnant animal
pseudopregnancy; حمل کاذب	حمل به دفات	pseudopregnancy; حمل کاذب
phantom pregnancy	حمل فوری	phantom pregnancy
carrying; transport; shipment; despatch; forwarding	حمل کردن	carrying; transport; shipment; despatch; forwarding
transshipment	حمل کننده کالا با کشتی	transshipment
partial shipment	حمل مستقیم کالا از تولید کننده به خریدار	partial shipment
prompt shipment	بدون واسطه	prompt shipment
to carry; to ship; حمل و نقل با کشتی		to carry; to ship; حمل و نقل با کشتی
to transport; to forward; حمل و نقل دریائی		to transport; to forward; حمل و نقل دریائی
to consign	حمله	to consign
shipper	حمله برق آسا	shipper
	حمله متقابل	
drop shipment	حوادث (م ۲ ق ب اک)	drop shipment
to ship	happenings; occurrences; accidents; incidents; calamities	to ship
sea carriage	حوادث طبیعی	sea carriage
attack; rush; assault		attack; rush; assault
BLITZKRIEG		BLITZKRIEG
counterattack		counterattack
personal requirements		personal requirements
events;		events;
happenings; occurrences; accidents; incidents; calamities		happenings; occurrences; accidents; incidents; calamities
natural calamities		natural calamities

حوادث فوری (م ۶۹ مکرر آدم)

force majeure; vis major; act of God; circumstances outside one's control

(money) order; draft; transfer; bill; cheque; check; assignment

warehouse warrant (w/w)

bank bill; bank draft

cash order; mail order

money order

telegraphic transfer

to draw a bill for

sight deposit;

sight draft

standing

payment order

to the

order of

to make a draft;

to transfer; to refer; to draft; to

delegate; to order (the payment of);

to draw a cheque for

to draft on a bank

transfer of obligation

direct transfer

dividend warrant

area; domain;

realm; district; precinct

jurisdiction

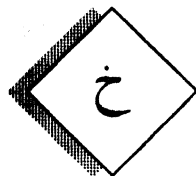
of court of first instance

district or area of

domicile

(electoral)

constituency



حیله حقوقی / حیله شرعی / حیله قانونی	municipal jurisdiction	حوزه بلدیہ
legal device	limits	
to play tricks;	judicial area;	حوزه قضائی
deceive by trick	judicature; circuit	
با حیله کسی را وادار به کاری کردن	area of one's	حوزه مأموریت
trick someone into doing something	duties; place of assignment	
FLAGRANTE	span of control	حوزه نظارت
DELICTO; in the very act of	life; lifetime	حیات
committing the crime	annexation; possession	حیازت
in the very act of	annexation	حیازت مباحات (م ۴ قم)
doing something	of unclaimed things ; assuming	
at the time of the sale	possession of unclaimed property	
at the moment	prestige; respect;	حیثیت
of death	credit; honour	
while on duty; in the	menstruation;	حیض (م ۱۰۸ ق ح ق)
harness; while discharging legal duty	the monthly period	
stray or lost	حیف و میل (اموال دولتی) (م ۱۱۸۴ قم)	
animal	embezzlement	
حیوان وحشی تربیت شده	trick; deceit; subterfuge	حیله
reclaimed animal	stragem	حیله جنگی

from abroad; foreign destination	خارج از قاعده	خائن
ULTRA VIRES;	خارج از مذهب	بetrayer; renegade
beyond the powers (of person or corporation)	خارج از موضوع	treacherously;
irregular	خارج از نزاکت	treacherous; treasonable
heathen; heretic	خارج از نزاکت	seal of the
not to the point;	خارج از نزاکت	prophets; the last of the prophets
irrelevant	خارج از نزاکت	to conclude;
indecent	خارج از نزاکت	to adjourn; to bring to close
foreign; foreign destinations or	خارج از نزاکت	closing of
countries	خارج از نزاکت	exchange of pre-trial pleadings
external; outer; exterior;	خارجی	to come to a conclusion
foreigner; alien	خارجی	خاتمه یافتن جلسه با تعیین جلسه بعدی
wrongdoer; guilty	خاطی	to adjourn
earth; dust; soil; land;	خاک	خاتمه یافتن جلسه بدون تعیین جلسه بعدی
territory; ashes; tomb	خاکبرداری	to adjourn SINE DIE
excavation;	خاکبرداری	conclusion of
removal of earth	خاکریز	hearing
earthwork; embankment	خاکریزی	خاتمه یافتن جلسه دادگاه به منظور اعلام تنفس
earth- filling; earthwork	خالات (ج. خاله) (م ۸۶۲ قم)	recess
maternal aunts	خالص	servant
net	خالص	female servant; house maid
		servants
		outside; from outside;

gross	غیرخالص / ناخالص
public domain;	خالصه / خالصجات
crown land; government property	
maternal aunt	خاله
house (hold); family; dynasty	خاندان
monastery; friary; convent	خانقاه
pertaining to a family	خانوادگی
family	خانواده
patriarchal family	خانواده پدرسالاری
paternal family	خانواده پدری
conjugal family	خانواده زن و شوهری
matriarchal family	خانواده مادرسالاری
maternal family	خانواده مادری
PATER FAMILIAS;	بزرگ خانواده
the father, head or master of a family	
family; house; household	خانوار
head of the family	رئیس خانوار
house; home	خانه
tenement	خانه اجاره‌ای
House of Equity	خانه انصاف
خانه‌ای که اطفالی آن به‌اجاره واگذار می‌شود	
lodging(s)	
staff quarters	خانه سازمانی
labour quarter	خانه کارگر
tenement; premises;	خانه و متعلقات آن
the house and its appurtenances;	
messuage	
housekeeper; housewife	خانه دار
housekeeping	خانه داری
sedentary; confined	خانه نشین
at home; retired; unemployed	
east	خاور
the Far East	خاور دور
the Middle East	خاورمیانه
the Near East	خاور نزدیک
orientalist	خاورشناس
news; information;	خبر
(Fegh) narrative	
tradition narrated	خبر متواتر
by successive witnesses	
authentic narrative or news	خبر موثق
tradition	خبر واحد / حدیث غیر معتبر
with a single transmitter	
informer	خبرچین
news agency	خبرگزاری
	خبرگزاری آژانس مطبوعاتی فرانسه
Agence France-Press (AFP)	
Associated	خبرگزاری آسوشیتدپرس
Press (AP)	
Pars News Agency	خبرگزاری پارس
(PNA)	
Tass News Agency	خبرگزاری تاس
Islamic	خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران
Republic of Iran News Agency	
(IRNA)	
Reuter News Agency	خبرگزاری رویتر
	خبرگزاری یونایتدپرس اینترنشنال
United Press International (UPI)	
(newspaper)	خبرنگار
correspondent; reporter	
expert; connoisseur	خبره
glans penis	خان
termination of session	ختم جلسه
or meeting	
adjournment	ختم جلسه باتعین جلسه بعدی
(of meeting)	

خدمت تحت‌السلاح / خدمت زیرپرچم (م ۱۸۸)	ختم جلسه بدون تعیین جلسه بعدی
conscription; draft service; (م)	adjournment SINE DIE
active service; military service	ختم جلسه دادگاه به منظور اعلام تنفس recess
official employment; خدمت رسمی	ختم مبادله لوایح (م ۱۲۳ آدم) closing of
regular service	exchange of pre-trial pleadings
to serve; to do service خدمت کردن	circumcision ختنه
خدمت نظام وظیفه / خدمت زیرپرچم	to circumcize ختنه کردن
conscription; draft service;	prepuce; foreskin ختنه‌گاه
active service	theist; worshipper of God خداپرست
on standby duty آماده خدمت / در انتظار خدمت	theism; worship of God خداپرستی
be off one's duty سرخدمت نبودن	deceit خدعه
while on duty ضمن خدمت	to act deceitfully خدعه کردن
servant; employee خدمتگزار	deceitful خدعه‌آمیز
petty servant خدمتگزار جزه	services خدمات (ج. خدمت)
crew; servants خدمه	social service(s) خدمات اجتماعی
saboteur خرابکار	international خدمات اجتماعی بین‌المللی
sabotage خرابکاری (عمدی کارگران)	social services خدمات بهداشتی
to pull down خراب کردن بنا	health services خدمات پزشکی
a building; to demolish	medical services خدمات پستی
impairment; damage; injury خرابی	postal services خدمات جهانی دانشگاهی
tribute; tax خراج (م ۵۴۲ قم)	World
tributary خراجگزار	University Service
haberdasher خراز	foreign service خدمات خارجی و سیاسی
haberdashery خرازی	and diplomacy
retailer of خرد فروشی	International خدمات داوطلبانه بین‌المللی
merchandise	Voluntary Service
to retail خرد فروشی	urban servitudes; city خدمات شهری
small holder; yeoman خرد مالک	services
balcony; porch; exit fee خروجی	public utilities خدمات عام‌المنفعه
purchase; shopping خرید	general services; خدمات عمومی
conditional خرید به شرط خیار	public services
purchase; call option	service خدمت
forward purchase خرید سلف	probationary service خدمت آزمایشی

compensate or make good one's loss
 to sustain a loss or damage; to incur a loss
 lunar eclipse خسوف
 poppy خشخاش
 year of drought خشکسال
 drought; dearth خشکسالی
 anger; indignation خشم
 rough; rude خشن
 enemy خصم
 hostilely; hostile خصمانه
 hostility خصومت
 castrated; eunuch (م ۱۱۲۲ قم) خصی
 testicle خصیه
 the two testicles خصیتین
 manuscript خط / دست نوشته
 thalweg line خط القعر
 coastline; shoreline خط ساحلی
 to verify one's handwriting خط شناسی
 shipping line خط کشتیرانی
 trunk pipeline خط لوله سراسری
 base line خط مبدا
 sin; wrong; offence; خطا
 mistake; error
 misconduct خطا در حین انجام وظیفه
 in office
 mistake of law خطای حکمی
 breach of خطای عقدی / خطای قراردادی
 contract; contractual wrong
 deliberate transgression of خطای عمدی
 duty
 simple mistake خطای محض (م ۱۱ قم)

surement
 remote خسارت غیر مستقیم و با واسطه
 damages
 substantial damages خسارت قابل ملاحظه
 general damages; خسارت کلی
 total loss
 tangible or material خسارت مادی
 damage; damage to property
 pecuniary damages; خسارت مالی
 financial loss
 special damages خسارت مخصوص
 civil injury خسارت مدنی
 direct damages; خسارت مستقیم
 proximate damages
 خسارت مشخص (توسط محکمه و یا طرفین
 قرارداد)
 liquidated damages
 substantial damages خسارت معتابه
 intangible damage خسارت معنوی
 DAMNUM خسارت ناشی از امور طبیعی
 FATAL
 خسارت ناشی از جرم عمدی ناخدا یا ملوان
 barratry کشتی
 damage خسارت ناشی از حیوانات
 feasant (faisant)
 unliquidated damages خسارت نامشخص
 discretionary damages خسارت نظری
 pecuniary damages خسارت نقدی
 to damage; خسارت وارد آوردن بر
 to cause a loss or injury
 خسارت واقعی
 DAMNUM EMERGENS; خسارت واقعی
 actual or compensatory damages
 جبران کردن خسارت (کسی)
 to indemnify someone for his loss; to

liquidated damages خسارت تعیین شده
 exemplary or خسارت تنبیهی
 punitive damages
 demurrage خسارت توقف کشتی
 DAMNUM خسارت تهدید شده
 INFECTUM
 punitive damages خسارت جزائی
 partial or average loss خسارت جزئی
 incidental damages خسار جنبی
 particular average خسارت خاص
 costs خسارت دادرسی
 خسارت دیدن / متحمل خسارت شدن
 to sustain a loss or damage;
 to incur a loss
 late خسارت دیرکرد (م ۳۵ قات)
 payment damages; moratory interest
 خسارت دیرکرد پرداخت سهام
 backwardation (م ۱۹ قات)
 to damage; خسارت زدن
 to cause a loss or injury
 fair or just damages; fair خسارت عادلانه
 compensation
 general average خسارت عام
 punitive or خسارت عبرت آموز
 vindictive damages
 DAMNUM ABSQUE خسارت غیر عمدی
 INJURIA; loss, hurt or harm not
 redressible by an action
 خسارت غیر قابل تقویم به پول
 unliquidated damages
 irreparable خسارت غیر قابل جبران
 damages; one for which no certain
 pecuniary standard exists for mea-
 خرید کلی بدون محاسبه جزئیات
 basket purchase; lump sum purchase
 purchaser; buyer; vendee خریدار
 resetter; receiver خریدار مال مسروقه
 of stolen goods
 خریدار سهام خریداری نشده شرکت
 underwriter
 dear-bought خریداری به قیمت گران
 treasury خزانه
 government treasury خزانه دولت
 treasurer; (U.K.) خزانه دار
 chamberlain
 treasurer general; خزانه دار کل
 (U.K.) great chamberlain
 treasury خزانه داری
 Treasury General خزانه داری کل
 damage(s); injury; خسارت
 loss; compensation; indemnity
 prospective damages خسارت آتی
 average خسارت آواری (م ۳۶۱ قات)
 likely damage(s) خسارت احتمالی
 nominal damages خسارت اسمی
 cumulative damages خسارت انباشته
 average خسارت بحری (م ۳۶۱ قات)
 remote damages خسارت بعید الوقوع
 to make خسارت به بار آوردن
 depredation on
 insurance claim خسارت بیمه
 liquidated damages خسارت پیش بینی شده
 خسارت تأخیر پرداخت / خسارت تأخیر تأدیه
 late payment damages; (م ۲۲۸ قم)
 moratory interest
 consequential damages خسارت تبعی

hermaphrodite whose signs of masculinity are dominant	خشی مذکر	disarmament	خلع سلاح
bisexual	خشی مشکل (م ۱۳۱ ق م)	general and complete disarmament	خلع سلاح عمومی و کامل
neutral; neuter	۲- خشی / بی اثر	to disarm	خلع سلاح کردن
to neutralize; to frustrate	خشی کردن	to depose; to dethrone	خلع کردن
	خشی کردن عملی با عمل متقابل	derobing	خلع لباس
to offset or counterbalance an act		dispossession;	خلع ید (م ۱۸ ق م)
suit; wooing	خواستگاری (م ۱۰۳۴ ق م)	expropriation; ouster; eviction	
to seek a woman's hand in marriage; to ask for the hand of a woman	خواستگاری کردن	constructive eviction	خلع ید اعتباری
RES LITIGIOSA;	خواسته (در دعوی)	partial eviction	خلع ید جزئی
relief (sought) ; remedy; redress;		to dispossess;	خلع ید کردن
object of claim; relief judgment		to evict; to oust	
affirmative relief	خواسته اثباتی	total eviction	خلع ید کلی
declarative relief	خواسته اعلانی	eviction of tenant	خلع ید مستأجر
relief in kind	خواسته غیرمالی	actual eviction	خلع ید واقعی
relief in cash	خواسته مالی	successor; son	خلف
legible	خوانا	son worthy of his father	فرزند خلف
defendant; respondent	خوانده	breach	خلف
nominal defendant	خوانده اسمی	a breach of promise;	خلف وعده
counter respondent	خوانده دعوی متقابل	failure to keep promise	
appropriate respondent	خوانده مقتضی	caliphs	خلفا (ج. خلیفه)
or defendant		caliph; successor;	خلیفه
plaintiff; claimant;	خواهان	the ruler and the administrator of the SHARIA	
petitioner; accuser		wine	خمر
counterclaimant	خواهان دعوی متقابل	(Fegh) one- fifth	خمس
sister	خواهر	of what is left over from the earning	
sister of the full blood	خواهر ابوبنی	of an individual at the end of his fiscal year	
sister on the father's side	خواهر ابی		۱- خشی / دو جنسی (م ۱۳۱ ق م)
foster sister	خواهر رضاعی (م ۱۰۴۶ ق م)	hermaphrodite	
half sister	خواهر ناتنی	a hermaphrodite whose signs of femininity are dominant	خشی انثی
sororicide; fratricide	خواهرکشی		

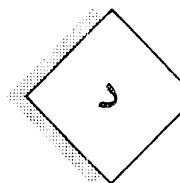
minutes of proceedings	خلاصه مذاکرات	tort; civil wrong	خطای مدنی
offense; violation;	خلاف	mistake of fact	خطای موضوعی
default ; minor or petty offense ;		danger; peril	خطر
contravention; contrary; opposite		a hazard to life and property	خطر حائی و مالی
offense to morality	خلاف اخلاق	ordinary risks	خطر عادی
CONTRA BONOS	خلاف اخلاق حسنه	ordinary	خطر عادی ناشی از اشتغال
MORES; against good morals		dangers incident to employment	
irregular; contrary	خلاف رویه	imminent danger	خطر قریب الوقوع
to the routine		dangerous	خطرناک
contrary to SHARIA	خلاف شرع	dangerous per se;	ذاتاً خطرناک
or religious law		inherently dangerous	
breach of promise	خلاف عهد	lines	خطوط (ج. خط)
irregular; anomalous	خلاف قاعده	Iran Express lines	خطوط ایران اکسپرس
CONTRA LEGEM;	خلاف قانون	Arya National	خطوط کشتیرانی آریا
illegal; unlawful; against the law		Shipping Lines	
irrational; contrary to	خلاف عقل	suffocation	حفگی
reason; imprudent; injudicious		to suffocate; to strangle	حفه کردن
to commit a minor	خلاف کردن	summary; abstract	خلاصه
offense; to do wrong		abridged	خلاصه بیان / خلاصه ترازنامه
against regulations	خلاف مقررات	balance sheet	
contrary to	بر خلاف	abstract of	خلاصه پرونده / گردشکار
caliphate; succession	خلافت	record; synopsis or summary of facts	
offender; guilty of a	خلاف کار	summary account;	خلاصه حساب
minor offence		abstract of account	
commission of an	خلاف کاری	minutes of order	خلاصه رأی
offense; wrong-doing		abstract or brief	خلاصه سند مالکیت
confused discussion	خلط مبحث	of title	
or reasoning; to confuse an issue		brief	خلاصه دعوی خواهان
deposal; removal	خلع	brief	خلاصه دفاع خوانده
from an office ; dethronement;		abstract of minutes	خلاصه صورتجلسه
repudiation		to abstract;	خلاصه کردن
deposal; decrowning	خلع از سلطنت	to summarize; to abridge	

خیانت در امانت توسط مامورین پستی و	خیانت به دولت / خیانت به کشور
breaking bulk	متصدیان حمل و نقل
to be treacherous;	خیانت کردن
to commit treachery; to betray	
prevarication	خیانت وکیل به موکل
treacherous	خیانت‌آمیز
traitor	خیانتکار
LESE- MAJESTE; treason	
	خیانت در انجام وظیفه (م ۱۵۹ ق م ع)
breach of duty	
	خیانت در امانت (م ۲۳۹ ق م ع)
breach of trust; abuse or breach of confidence	

خيار تخلف شرط (م ۴۴۴ ق م)	arrest of judgment	خودداری از صدور حکم
option of unfulfilled conditions	abstinence	خودداری از مصرف
خيار تخلف وصف (م ۴۱۰ ق م)	personation	خود را به جای دیگری جازدن
option of incorrect description	automatic	خودکار
option of trickery; option of fraud	suicide; self destruction	خودکشی
خيار تفليس	to commit suicide	خودکشی کردن
option of خيار ثلاثه / خيار تأخير ثمن	self sufficiency	خودکفائي
delayed payment of the consideration	autarky; autarecy;	خودکفائي اقتصادي
option of animals	economic independence	
خيار رؤيت (م ۴۱۳ ق م)	autonomy;	خودمختاری
inspection	self determination	
option of خيار شرط (م ۳۹۹ ق م)	optimism	خوش بينی
conditions; option by stipulation	EFFUSIO SANGUINIS;	خون بها
option of خيار عيب (م ۴۲۲ ق م)	the mulct; fine or penalty imposed for the shedding of blood; blood money;	
defect; option (to rescind) for fault; redhibition; option of redhibitory defect or vice	weregild	
خيار غبن (م ۴۱۶ ق م)	relatives; relations	خويشان
option of خيار فسخ		خويشان پدری (م ۸۲۲ ق م)
cancellation; option to rescind	paternal relations	
option of condition	maternal relations	خويشان مادری
خيار قراردادی	kinship; relationship	خويشاوندی
option of خيار مجلس (م ۳۹۷ ق م)	connexion; affinity;	خويشاوندی سببی
meeting-place; option of the session	relative- in - law	
اختذ به خيار / اعمال حق خيار / استفاده از حق	option	خيار (م ۳۹۶ ق م)
exercise of the option	خيار اشتراط / خيار تخلف شرط (م ۴۶۱ ق م)	
abandonment of an option	option of unfulfilled conditions	
stipulation	option of the seller	خيار بايع
owner or holder		خيار تأخير ثمن (م ۳۹۶ ق م)
of the option	option of delayed payment of the price or consideration	
betrayal;		خيار تبعض صفقه (م ۴۴۱ ق م)
treachery; perfidy	option of sale unfulfilled in part	

ordinary (م ۸۷ آدم) دادرسی عادی
 proceedings or pleading دادرسی علنی
 public proceedings دادرسی نهانی در امور جنائی
 proceedings in contumacy دادرسی غیرعلنی (م ۲۴۱ آک)
 proceedings or hearing in camera دادرسی فوری (م ۷۷ آدم)
 summary proceedings; procedure in matters of special urgency
 proceedings in civil matters دادرسی مدنی
 proceedings in press offenses دادرسی مطبوعات
 proceedings of first instance دادرسی نخستین
 stay of proceedings توقیف دادرسی به تأخیر انداختن (جلسه) دادرسی
 to adjourn the hearing طرق دادرسی مقدم بر حقوق می باشد
 remedies precede rights قابل دادرسی
 justiciable قبل از شروع دادرسی
 ANTE LITEM MOTAM; before suit brought دادستان/ مدعی الموم
 public prosecutor; state attorney; district attorney; law officers of the crown دادستان انقلاب
 revolutionary prosecutor دادستان دادگاه نظامی
 prosecutor of court martial دادستان دیوان تمیز/ دادستان دیوان کشور
 attorney general; prosecutor of the high court

adjudication دادرسی کردن
 to judge; to try دادرسی اختصاری (م ۸۷ آدم)
 summary trial or proceedings دادرسی اداری
 administrative proceedings دادرسی امور ترافعی
 proceedings in disputed or contentious matters دادرسی امور جنحه
 petty offence proceedings دادرسی امور حسبی
 proceedings in probate matters دادرسی امور خلافی
 police proceedings disciplinary trial دادرسی انتظامی
 or proceedings commercial دادرسی بازرگانی
 proceedings appellate proceedings دادرسی پژوهشی
 criminal proceedings دادرسی جزائی
 criminal proceedings دادرسی جنائی
 criminal proceedings دادرسی جنحای (م ۶۴۵ آدم)
 proceedings of a misdemeanor دادرسی حقوقی
 proceedings in civil matters دادرسی خصوصی
 arbitration دادرسی داوری
 arbitral proceedings دادرسی در دادسراها
 investigative or magistrate's proceedings دادرسی در دادگاههای عمومی
 ordinary proceedings دادرسی شایسته
 fair trial or proceedings دادرسی شفاهی
 procedure for oral decision



action دادخواست و خواهی
 protest application ابطال دادخواست (م ۱۲۳ آدم)
 cancellation of plaint استرداد دادخواست (م ۱۲۳ آدم)
 withdrawal of plaint برگ دادخواست (م ۷۱ آدم)
 application or petition form رد دادخواست (م ۴۷۸ آدم)
 dismissal of complaint; rejection of plaint دادخوانده
 defendant; respondent دادخواه
 plaintiff; petitioner; appellant; applicant; suitor دادخواه (در امور جزایی)
 complaintant دادخواه (در داوری)
 claimant دادخواهی
 litigation; pleading for justice
 to litigate; to plead for دادخواهی کردن
 to proceed علیه کسی دادخواهی کردن
 against someone
 judge دادرس/ قاضی
 proceedings دادرسی
 legal procedure; trial; judgment;

internal; territorial داخلی
 application; petition; plaint; action; claim دادخواست (م ۷۰ آدم)
 original complaint دادخواست اصلی
 plaintiff's action دادخواست بدوی
 before the court of first instance دادخواست پژوهشی
 petition before the court of appeals دادخواست تلگرافی (م ۷۱ آدم)
 declaration made telegraphically to the court دادخواست جزائی
 complaint; information or charge (lodged with court or magistrate) دادخواست دادن
 to file a plaint or complaint; to petition دادخواست داوری
 statement of claim دادخواست شفاهی (م ۳۴۳ آدم)
 oral plaint claim for damages and interest دادخواست ضرروزیان
 action for divorce دادخواست طلاق
 (statement of) counterclaim; cross دادخواست متقابل (م ۶۸۲ آدم)

public court دادگاه عمومی
 penal court دادگاه کیفری
 FORUM دادگاه محل انعقاد قرارداد
 CONTRACTUS; the court of the place where a contract is made
 FORUM ORIGINIS; دادگاه محل تولد
 the court of one's nativity دادگاه محلی
 local court دادگاه مدنی
 civil court دادگاه مدنی خاص
 matrimonial court دادگاه منطقه‌ای
 [USA] circuit court دادگاه نامناسب
 FORUM NON CONVENIENS دادگاه نخستین / دادگاه بدایت / دادگاه بدوی
 court of first instance دادگاه نظامی
 court martial; دادگاه هم عرض
 military court احکام اداری دادگاه / اوامر اداری دادگاه
 parallel court
 administrative orders of the court اعمال اداری دادگاه
 administrative acts of the court تجدید وقت دادگاه
 adjournment of the court session تصمیمات اداری دادگاه
 administrative decisions of the court تعطیل دادگاه به عنوان تنفس
 recess تغییر محل دادگاه
 change of venue محل تشکیل دادگاه
 venue محل نظم دادگاه (شخص)
 contemner دادگستردن
 to dispense justice دادگستری
 justice administration دادنامه (م ۱۵۸ آدم)
 written

Justice (PCIJ) دادگاه دائمی داوری
 Permanent Court of Arbitration دادگاه (دیوان) دادگستری بین‌المللی
 International Court of Justice (ICJ) دادگاه دریایی
 CURIA REGIS دادگاه دریایی
 maritime court دادگاه سازش / دادگاه صلح
 peace court; court of conciliation دادگاه سیار
 itinerant court دادگاه شرع
 FORUM ECCLESIASTICUM; SHARIA, religious or ecclesiastical court دادگاه شهرداری
 municipal court دادگاه شهرستان / دادگاه نخستین
 court of first instance دادگاه صلاحیت‌دار / دادگاه صالح
 competent court دادگاه صلح / دادگاه بخش
 peace court دادگاه صنفی
 guilds court دادگاه صوری
 moot-court دادگاه عالی
 high or supreme court; court above دادگاه عالی انتظامات قضات
 high disciplinary court of judges دادگاه عرایض عمومی (در انگلیس)
 court of common pleas دادگاه عرف
 FORUM SECLARE; secular court دادگاه علنی
 open trial دادگاه محل
 FORUM DOMESTICUM; domestic court دادگاه عشایر
 tribal court

disciplinary دادگاه انتظامی وکلا
 court of advocates دادگاه انصاف (در انگلستان)
 equity court; chancery دادگاه انقلابی
 revolutionary tribunal دادگاه بازرگانی
 commercial court دادگاه بخش / دادگاه صلح
 peace, summary or district court; (U.K.) county court دادگاه بدایت / دادگاه بدوی
 court of first instance; lower or trial court دادگاه بین‌المللی
 international tribunal دادگاه بین‌المللی لاهه
 International Court of Justice at the Hague دادگاه پژوهش
 appeals or appellate court; court of appeals دادگاه تالی
 lower court; court below دادگاه جزائی
 criminal court دادگاه جنائی
 assize court; court of felony دادگاه جنحه
 misdemeanor or correctional court دادگاه جهانی
 international tribunal دادگاه حقوقی
 court of law دادگاه خانواده
 family court دادگاه خزانه‌داری
 (U.K.) Court of Exchequer دادگاه خلاف
 police court; court of minor offence دادگاه داخلی
 FORUM DOMESTICUM; domestic or municipal court دادگاه (دیوان) دائمی دادگستری بین‌المللی
 Permanent Court of International

دادستان کل
 public prosecutor general; [USA] attorney general دادستانی
 public prosecutor's office دادستانی انقلاب
 revolutionary prosecutor's office دادسرا
 MINISTRE PUBLIC; procurator's office; public prosecutor's office; magistrate's office دادسرای استان
 public prosecutor's office of the court of appeals دادسرای انتظامی وکلا
 the office of the disciplinary prosecutor of advocates دادسرای انقلاب
 revolutionary prosecutor's office دادسرای دیوان کشور
 public prosecutor's office of the high court or supreme court دادسرای شهرستان
 public prosecutor's office of the court of first instance دادگاه
 court; forum; tribunal دادگاه اختصاصی
 ad hoc forum or court; special court دادگاه اداری
 administrative tribunal دادگاه اداری ملل متحده
 U.N. Administrative Tribunal دادگاه استان / دادگاه استیناف
 appeals or appellate court; court of appeals دادگاه اصناف
 guilds court دادگاه اطفال
 juvenile court دادگاه اقامتگاه خاندان
 FORUM REI دادگاه امور حسبی
 probate court دادگاه انتظامی
 disciplinary tribunal

air corridor; airway;	دالان هوایی	property	دارائی نامرئی
air traffic lane		intangible property	دارائی نقدی
inn-keeper	دالاندار	liquid assets	دارائی نقدی
inn-keeping	دالاندار	boot	اختلاف قیمت دو دارائی در مبادله
teachers training college	دانشسرای عالی	asset and	صورت دارائی و بدهی
college	دانشکده	liability statement	نقدینگی دارائی
faculty of law	دانشکده حقوق	asset liquidity	دارالتأدیب
university	دانشگاه	house of correction;	
university degree;	دانشنامه	reformatory	دارالتجاره
encyclopedia		business firm; firm	دارالاسلام
doctorate degree	دانشنامه دکتری	Moslem territory	دارالحرب
bachelor's degree	دانشنامه لیسانس	enemy territory	دارالحکومه/ پایتخت
encyclopedia of law	دانشنامه حقوقی	capital	دارالخلافه/ پایتخت
share; sixth part of a real estate	دانگ	seat of caliphate;	
the whole of a real estate	ششدانگ	capital	دارالسلطنه/ پایتخت
COMPROMISSARIUS;	داور	capital; royal seat	دارالشوری/ مجلس شورای ملی
AMIALE COMPOSITEUR;		Consultative Assembly;	
arbitrator; arbiter; referee	داور اختصاصی (م ۶۴۰ آدم)	National Consultative Assembly	
arbitrator of one's choice		land of peace	دارالصلح
medical referee	داور پزشکی	mint house; mint	دارالضرب
third arbiter;	داور ثالث/ داور مشترک	university	دارالعلوم/ دانشگاه
agreed arbitrator;	amiable	polytechnic institution	دارالفنون
compositeur		insane asylum; lunatic	دارالمجانین
arbitre rapporteur	داور در امور بازرگانی	asylum; madhouse; mental institution	
(in commercial cases) ; person		poorhouse; almshouse;	دارالمساکین
appointed by the court to examine		[U.S.] infirmary; orphanage	
accounts, attempt to conciliate the		law office; law firm	دارالوکاله
parties and report to the court;		pharmacology	داروشناسی
referee		sheriff	داروغه
arbitrator FUNCTUS	داور فارغ	motive; cause	داعی
OFFICIO		denoting; suggestive;	دال
mutually acceptable	داور مرضی الطرفین	expressive of	

دارائی بانک (به صورت اوراق بهادار و	judgment or verdict
bank portfolios	دادنامه پژوهش خواسته
inventory; stock;	appeal; judgment appealed
business assets	دادنامه تصحیحی
dwindling assets	دادنامه غیابی
دارائی بدهکاری را گرو کشیدن و فروختن	judgment from
to sell up a debtor	دادنامه فرجام خواسته
fixed assets;	which appeal has been made to the
capital goods	High Court
current assets	دادورز / مأمور اجرا (م ۱۲ ق ۱۱ م)
net assets	دادوستد
family assets	stock exchange bargain
دارائی خود را برای پرداخت قروض فروختن	دادوستد تجاری
to sell up (to)	commercial transaction
operating or	to carry on business; to
circulating assets	transact
capital assets	داده/ معلومات
personalty; personal	داده پردازی
property	دادبار
corporate or company	prosecutor general; assistant to the
assets	district attorney; (U.K) assistant to
escheat	the Crown prosecutor
immovables;	gallows; gibbet
immovable property; realty; real	به دار آویختن (م ۲۰۲ ق ح ق)
property; real estate	to hang
دارائی قابل تبدیل سریع به پول	gibbet; gallows tree
current funds; realizable assets	چوبه دار
assets secured by	دارا شدن
pledge; pledged assets	to have; to hold;
frozen assets	to possess
communal property	unjust enrichment
negative assets	دارا شدن بلاجهت
movables; movable	unjust enrichment
	دارا شدن غیر عادلانه
	دارائی
	assets; finance; heirloom;
	estate; property; wealth
	دارائی اختصاصی
	private property
	foreign exchange assets
	دارائی ارزی
	bank assets
	دارائی بانک

accumulated earnings	درآمد توزیع نشده	intervention; interference	دخالت
current income	درآمد جاری	friendly mediation	دخالت دوستانه
internal revenue	درآمد داخلی	state intervention	دخالت دولت
annual income	درآمد سالانه	non intervention;	عدم دخالت
	درآمد خدمات شخصی (نظیر کارمندی و ...)	non interference	
bunched income	درآمد (اختراع)	daughter; girl; maid; virgin	دختر
public revenue	درآمد عمومی	adopted daughter;	دختر خوانده
	درآمد غیر نقدی (م ۴ ق م)	god daughter	
non-pecuniary income		interference and	دخل و تصرف
earned income	درآمد کسب شده	possession	
unearned income	درآمد کسب نشده		دخل و تصرف در بیانات، پیامها، حقایق و غیره
accumulated earnings;	درآمد مازاد	garbling	
surplus income			دخل و تصرف در انگیزه‌ها، بیانات، حقایق،
taxable income	درآمد مشمول مالیات	distortion	شکله و غیره
earned income	درآمد مکسب	interpolation	دخل و تصرف در سند
national income	درآمد ملی		دخل و تصرف در متن کتاب برای تصحیح
	درآمد موهوم / درآمد خیالی	emendation	اشباهات
notional income		to interfere;	دخل و تصرف کردن
anticipated cost;	درآمد ناشی از ترقی قیمت	to emend; to emendate; to garble; to	
inventory profit		distort	
illicit or immoral	درآمد نامشروع	income and expenditure;	دخل و خرج
earning		receipts and expenses	
real income	درآمد واقعی	consummation;	دخول (م ۱۰۳۴ ق م)
earnings per share	درآمد هر سهم	ingress; entrance	
annual income	درآمد یک سال مالی	proceeds; revenue;	درآمد / عواید
at the same time;	در آن واحد	income	
simultaneously		casual or	درآمد اتفاقی (م ۴۶ ق م)
in lieu of;	درازای	incidental income	
in acknowledgement of		earned income	درآمد استحقاقی
PRIMA FACIE;	دربادی امر	additional income	درآمد اضافی
at first sight		(state) revenue	درآمد دولتی
degrees; ranks;	درجات (ج. درجه)	deferred income	درآمد انتقالی
measures		deferred credits	درآمد پس افتاده

ARBITRIUM; award	رأی دآوری	arbitrator	
qualifications of	شرایط دآوری		داور مشترک / داور ثالث
the arbitrator		adreed arbitrator	
	داوری نامه / دستورالعمل برای داور	party appointed	داور منصوب هر طرف
terms of reference		arbitrator	
in action; going; in working	دایر	single or sole arbitrator	داور واحد
order; commissioned;	running;	umpire	سرداور / داور ثالث / داور مشترک
operative		arbitration;	داوری / (م ۶۳۲ آدم)
concerning	دایر بر	arbitration proceedings	
to the effect that	دایر بر اینکه	conciliation	داوری اتاق باریگانی بین‌المللی
to commission; to put in	دایر کردن	and arbitration of the International	
working order; to establish; to start;		Chamber of Commerce	
to set up		private arbitration	داوری اختصاصی
out of commission	غیردایر	voluntary or	داوری اختیاری
department; section; circle	دایره	optional arbitration	
enforcement or	دایره اجرا	currency or exchange	داوری ارزی
execution department		arbitrage	
Corporate Registration	دایره ثبت شرکتها	international	داوری بین‌المللی
Office		arbitration	
	دایره سجل احوال (م ۹۹۶ ق م)	commercial or trade	داوری تجاری
identification bureau		arbitration	
cash office	دایره صندوق	international	داوری تجاری بین‌المللی
creditor	داین	commercial arbitration	
maternal uncle	دایی (م ۸۶۲ ق م)	specialized arbitration	داوری تخصصی
anus	دُئِر	multilateral arbitration	داوری چندجانبه
secretary	دبیر	foreign arbitration	داوری خارجی
first secretary	دبیر اول	domestic arbitration	داوری داخلی
second secretary	دبیر دوم	diplomatic arbitration	داوری دیپلماتیک
secretary of embassy	دبیر سفارت	institutional arbitration	داوری سازمانی
or legation		political arbitration	داوری سیاسی
third secretary	دبیر سوم	contractual arbitration	داوری قراردادی
secretary general	دبیر کل	ad hoc arbitration	داوری موردی
secretariat	دبیرخانه	ad hoc arbitration	داوری موقت

action for declaring bankruptcy	دعوی اعلان ورشکستگی	for annulment; action in nullity	دعوی ابطال علامت ثبت شده
ACTIO COMMUNI DIVIDUNDO; action of partition;	دعوی افراز	proceeding for the revocation of a patent	
partition suit; proceedings for partition		action to declare a	دعوی ابطال معامله
	دعوی الزام به ایفاء وظایف زنشویی/دعوی	contract void for defect in performance; action for rescission;	
action for restitution of conjugal rights	تسکین	action for annulment	
	دعوی الزام به انجام تمهد/ دعوی اجرای تمهد	coercive or enforcement	دعوی اجرائی
action for specific performance of a contract or obligation;		action	دعوی اجرای تمهد
action regarding liability		ACTIO EX	
probate proceedings	دعوی انحصار وراثت	STIPULATU; an action brought to enforce a stipulation	
action for	دعوی انحلال شرکت	action to quiet title	دعوی احراز مالکیت
dissolution of a corporation		summary trial or	دعوی اختصاری
action for negation	دعوی انکار زوجیت	proceeding	
of marriage		case of	دعوی ارتجالی/دعوی بدون سابقه
vexatious action	دعوی ایدائی	first impression	
commercial lawsuit	دعوی بازرگانی	action for	دعوی استرداد (م ۵۲۸ ق ت)
unfounded action	دعوی باطل	restitution	
action of debt	دعوی بدهی	action for the	دعوی استرداد اموال شخصی
nullity proceedings;	دعوی بطلان	recovery of personal property	
action in nullity		principal or main action	دعوی اصلی
action for	دعوی بطلان ازدواج	action for	دعوی اعاده اعتبار
annulment of the marriage		rehabilitation	
lawsuit	دعوی بطلان تقسیم (م ۳۳ آدم)	action of replevin;	دعوی اعاده مالکیت
annulling a partition		action for restoration of rights	
claim of	دعوی بطلان معامله (م ۱۳ آدم)	tierce opposition	دعوی اعتراض ثالث
cancellation of a bargain		proceedings	
action for	دعوی بی اعتباری اسناد	action of insolvency	دعوی اعسار
invalidity of documents			دعوی اعسار نسبت به خواسته (م ۳۹ آدم)
subsidiary action	دعوی تبعی/دعوی فرعی	action of insolvency concerning the relief	

provisional order	دستور موقت اداری	invisible hand	دست نامرئی
	دستور منع خروج از کشور (جمهوری)	order; instruction; direction	دستور
writ of NE EXEAT REPUBLICA		executive order	دستور اجرائی
	دستور منع خروج از کشور (سلطنتی)	final process	دستور اجرای حکم
writ of NE EXEAT REGNO		executive order	دستور اجرای مقررات
final order	دستور نهایی		دستور احضار زندانی (به حضور دادگاه)
ministerial order or	دستور وزارتی	writ of HABEAS CORPUS	
decree			دستور ارائه دلایل عدم اجرای حکم یا قرار
faction; factionalism	دسته بندی	show cause order	دادگاه
to enterprise	دست بازیدن به کاری	discovery order	دستور ارائه سند
signature	دستینه/ امضا	direction(s); quide;	دستور العمل
intrigue; plot	دسیسه	instruction	
intriguer; intrigent	دسیسه کار	freeze order	دستور انستاد
enemy; opponent; adversary;	دشمن	order of	دستور بری الذمه شدن ورشکسته
hostile; inimical		discharge	
actions; suits;	دعاوی (ج. دعوی)	payment order	دستور پرداخت
claims		delivery order	دستور تحویل کالا
trade disputes	دعاوی تجارتی	order of filiation	دستور تعیین نسب
rightful or legitimate claims	دعاوی حقه	writ of	دستور توقیف جریان دادرسی
action IN	دعاوی علیه اشخاص	SUPERSEDEAS	
PERSONAM		stay of	دستور توقیف عملیات اجرائی
action QUASI IN REM	دعاوی شبه مالی	execution	
action IN REM	دعاوی مالی	warrant of arrest;	دستور جلب
capital suits;	دعاوی مهمه	writ of CAPIAS	
test action or case		agenda; order of the day	دستور جلسه
invitation; call	دعوت	court order	دستور دادگاه
to invite; to call	دعوت کردن	stop payment	دستور عدم پرداخت چک
letter of invitation or call	دعوت نامه	order	
ACTIO; action; cause;	دعوی	NE	دستور عدم خروج از حوزه دادگاه
proceeding; litigation; dispute;		EXEAT writ	
(legal) case; claim; suit; lawsuit;		decreetal or interlocutory	دستور مقدماتی
matter; complaint; fight; quarrel		order	
action in rescission; action	دعوی ابطال	injunction	دستور موقت

action for title or ownership; claim for possession of real estate
 action IN REM دعوی مالی
 counterclaim; دعوی مقابل (م ۶۲ آدم)
 cross action
 counter charge دعوی مقابل در امر جزائی
 ACTIO MIXTA; mixed دعوی مختلط
 action
 decided, settled or دعوی مختومه
 closed case; an adjudicated action; a matter adjudged
 ACTIO CIVILIS; دعوی مدنی
 civil action or suit
 related action دعوی مرتبط
 action on دعوی مزاحمت (م ۳۲۵ آدم)
 disturbance
 the case cannot دعوی مسموع نیست
 be heard
 دعوی مشتق (م ۲۷۶ قاقا)
 derivative suit or action
 action barred (by دعوی مشمول مرور زمان
 statute of limitations)
 the statute دعوی مشمول مرور زمان گردید
 of limitations has run against the case;
 the case has become time barred
 an action given دعوی مطالبه مهر
 to recover marriage portion
 SUB JUDICE دعوی مطروحه در دادگاه
 case; pending action
 real action; action دعوی ملکی
 concerning immovable property
 action for recovery دعوی مهر
 of marriage portion

real action
 دعوی راجع به اموال منقول
 action regarding movables
 claim for rejection دعوی رد خواسته
 of relief
 ejectment دعوی رفع مزاحمت
 an action for دعوی رفع ممانعت از حق
 enforcing a servitude
 action IN PERSONAM; دعوی شخصی
 personal action
 claim for compromise دعوی صلح
 دعوی صوری (برای انتقال صوری مال)
 CESSIO IN JURE; a fictitious suit
 suit or action for damages دعوی ضرر
 دعوی طاری / دعوی تبیی (م ۲۸ آدم)
 ancillary action
 to litigate; to sue; دعوی طرح کردن
 to bring an action; to file a claim; to go to court
 divorce proceedings دعوی طلاق
 action for debt دعوی طلب
 دعوی عینی / دعوی ناشی از حق عینی
 IN REM; ACTIO REALIS; a real action
 real action; action دعوی غیرمنقول
 concerning immovable property
 fictitious action دعوی غیرواقعی
 ancillary action دعوی فرعی / دعوی طاری
 prima - facie case دعوی قابل استماع
 actionable claim دعوی قابل رسیدگی
 action to interrupt دعوی قطع مرور زمان
 prescription
 possessory action; دعوی مالکیت

bankruptcy دعوی توقف (م ۳۴ آدم)
 action
 claim for set-off; دعوی تهاثر
 counterclaim
 subsidiary action دعوی ثانوی / دعوی فرعی
 RES NOVA; a new case دعوی جدید
 penal action دعوی جزایی
 action in declaration دعوی جعل
 of simulation
 action of impleader دعوی جلب ثالث
 criminal action دعوی جنایی
 action for succession دعوی حصر وارثت
 certificate
 civil action, case, دعوی حقوقی
 suit or proceeding
 family dispute دعوی خانوادگی
 دعوی خسارت (م ۴۲ آدم)
 ACTIO DAMNI INJURIA;
 suit for damages; proceeding for damages; action for recovery of damages; action for compensation for damages; action for damages; action for compensation
 private action دعوی خصوصی
 action of ejectment دعوی خلع ید
 دعوی خیاراتی (م ۷۴ ق)
 optional claim;
 action based on an option
 state action دعوی دولتی
 action for or arising دعوی دینی
 out of debt
 دعوی راجع به اموال غیرمنقول
 action regarding immovable property;

commercial lawsuit دعوی تجاری
 دعوی تحدید حدود
 suit to fix boundaries;
 action regarding boundaries
 action of ejectment دعوی تخلیه
 ACTIO DE DOLO دعوی تدلیس
 MALO; an action of fraud
 contentious proceedings دعوی تدافعی
 suit in support دعوی ترکه
 of heredity; action for the recovery of inheritance
 action to correct دعوی تصحیح شناسنامه
 official birth, death and marriage records
 possessory action دعوی تصرف
 action for forcible دعوی تصرف عدوانی
 entry and detainer; action of detainee
 دعوی تعیین ولد
 action for
 determination of paternity
 action for دعوی تبیین مال الاحارہ
 adjustment of rent
 دعوی تفکیک
 partition suit;
 action of partition
 counterclaim; cross action دعوی تقابل
 partition suit; دعوی تقسیم
 action of partition
 ACTIO DE DOLO دعوی تقلب
 MALO; an action of fraud
 دعوی تمکین / دعوی الزام به انجام وظایف
 claim for restitution زناشویی
 of conjugal rights
 action for دعوی تنظیم اجاره
 adjustment of rent

personnel office	دفتر امور کارکنان	defense on procedure	دفاع شکلی
International	دفتر بین‌المللی آموزش	civil defense	دفاع غیرنظامی
Bureau of Education		legal defense	دفاع قانونی
	دفتر بین‌المللی اتحاد پستی جهان	defense on the merits;	دفاع ماهوی
International Bureau of the		substantial or substantive	دفاع;
Universal Postal Union		meritorious defence	
	دفتر بین‌المللی حمایت اموال ادبی و فرهنگی	plea of accused	دفاع متهم
International Bureau for the			دفاع مدعی علیه در برابر ادعای مدعی
Protection of Literary and Artistic		defense	
Property		legitimate defense	دفاع مشروع
	دفتر بین‌المللی حمایت اموال صنعتی	national defense	دفاع ملی
International Bureau for the		sham plea;	دفاع ناموجه
Protection of Industrial Property		frivolous defence	
International Labor	دفتر بین‌المللی کار		دفاعی که باعث معلق ماندن یا به تمویق افتادن
Office (ILO)		plea in abatement	دعوی خواهان شود
	دفتر بین‌المللی مبارزه با استفاده غیرمجاز از بشر	office; bureau	۱- دفتر / اداره / محل کار
International Bureau for the		census office	دفتر احصائیه
Suppression of Traffic in Persons		administrative office	دفتر اداری
post office	دفتر پست		دفتر ازدواج / دفتر ثبت ازدواج
security office	دفتر حراست	marriage registry	
law office	دفتر حقوقی	marriage and	دفتر ازدواج و طلاق
Bureau for	دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی	divorce registry	
International Legal Services (BILS)		office of the notary;	دفتر اسناد رسمی
judge's chamber	دفتر دادرس	notary public's office	
public prosecutor's office	دفتر دادسرا	lost and found	دفتر اشیاء گمشده
registry or records	دفتر دادگاه	office	
office of the court			دفتر اروپائی جوانان و کودکان
registry	دفتر دیوان کشور (م ۵۴۳ آدم)	European Bureau for Youth and	
or records office of the high court		Children	
liaison office	دفتر رابط	POSTE RESTANTE;	دفتر امانات پستی
chancery office	دفتر سفارت	parcel post	
office	دفتر کار	employment agency;	دفتر امور استخدام
secretariat general	دفتر کل وزارتی	labor exchange	

to join issue	با کسی وارد دعوا شدن	action for	دعوی میزان اجاره‌ها
with a person		adjustment of rent	
seperation of issues	تجزیه دعوا	pending action,	دعوی ناتمام در دادگاه
desistance; abandonment of	ترک دعوا	case	
the case		ACTION EX	دعوی ناشی از قرارداد
dismissal of the case	رد دعوی	CONTRACTU; an action arising out	
	شانس موفقیت دعوی بسیار ضعیف است	of, or founded on, contract; a	
there is little prospect that the case		contractual claim	
can ever succeed		filiation action; (م ۱۶ ق م)	دعوی نسب
form of action	شکل دعوی	affiliation proceeding	
surplusage	مطالب غیر وارد به دعوا	action or proceeding	دعوی نفقه
subject- matter of the	مورد دعوی	for maintenance; support action	
claim or lawsuit; object of the case		action for (م ۱۱۶۲ ق م)	دعوی نفی ولد
cause of action	منشاء دعوی	repudiation of child; action through	
books; registers; offices (دفتر ج)	دفتر (ج. دفتر)	which a husband may rebut the	
exceptions	۱- دفاع / ایراد	presumption that the child of his wife	
defense	۲- دفاع / مدافعه	is his; paternity proceedings	
social defense;	دفاع اجتماعی	representative case	دعوی نمونه
social protection		unfounded action or case	دعوی واهی
self- defense;	دفاع از خود	suit in support of	دعوی وراثت
legitimate self-defense		heredity; action for the recovery of	
	دفاع از دعوی ثالث (م ۶۲ آدم)	inheritance	
defending against a third party action		bankruptcy action	دعوی ورشکستگی
defending against	دفاع از دعوی متقابل	substantiation or	اثبات دعوی
a counterclaim		corroboration of the claim	
SE DEFENDENDO;	دفاع از نفس		ارجاع دعوی (به دادگاه بالاتر یا پائین‌تر برای
self- defense		remission of the case	رسیدگی مجدد)
defense of	دفاع تأخیر عمدی / ایراد قصور	withdrawal of the case	استرداد دعوی
laches		parties to the case	اصحاب دعوی
partial defense	دفاع جزئی	to institute a lawsuit	اقامه دعوا کردن
plea	دفاع خوانده در برابر ادعای خواهان	transfer of the case	انتقال دعوی
personal defense	دفاع شخصی	disclaimer; withdrawal;	انصراف از دعوا
verbal defense	دفاع شفاهی	voluntary discontinuance of the case	

letters received book دفتر نامه‌های وارده
 register of دفتر نقل و انتقالات
 transfers دفتر نماینده
 register of state دفتر نماینده
 representative at the notary's office دفتر وقایع
 minute book دفتر بومه
 day book; journal دفتر خارج کردن
 to write off دفتر را بستن / بستن حساب
 to rule off دفترچه
 booklet دفترچه بانک
 bankbook; pass book; account book دفترچه بهداشت
 health booklet (card) دفترچه بیمه
 insurance booklet دفترچه پایان خدمت
 conscription or service card ; service booklet ; discharge certificate دفترچه جیره بندی
 ration book دفترچه چک
 cheque book دفترچه حساب پس انداز
 savings bank book; bank pass book دفترچه حقوق
 pay booklet; wages دفترچه حقوق بازنشستگی
 pension booklet دفترچه حمل و نقل بین‌المللی جاده‌ای
 CARNET- TIR; TIR-card (TIR دفترچه انتقال
 stands for international transport [of merchandise] by road) دفتر انتقال سهام
 savings bank book دفتر بازرگانی
 commercial book دفتر (را) باز کردن
 to open a register دفتر باطله
 rough day- book دفتر بروات
 bill book دفتر (را) بستن
 to close a register دفتر پلمپ شده قانونی
 officially sealed دفتردار

false register دفتر جمعی
 account book دفتر حساب
 attendance book; دفتر حضور و غیاب
 record of attendance دفتر خلاصه مذاکرات
 minute book دفتر خرید
 purchase book دفتر دارائی (م ۶ ق ۶)
 inventory book دفتر رسید
 day-book of receipts; receipt register دفتر روزنامه (تاجر) (م ۶ ق ۶)
 journal دفتر روزنامه اختصاصی
 sales journal دفتر سجل احوال (م ۹۹۳ ق ۶)
 register of civil status دفتر سفارشات
 order book دفتر سوشه دار
 counterfoil book; (US) stub book دفتر سهام
 share register; stock book دفتر سهامداران
 register of shareholders دفتر شرکتها
 companies' or corporate register دفتر صندوق
 cash control record; cash book دفتر قانونی (م ۵۸ ق م م)
 statutory or legal book دفتر کپی (تاجر) (م ۶ ق ۶)
 copy book دفتر کل (تاجر) (م ۶ ق ۶)
 ledger دفتر کنسولی
 consular register دفتر مالیات
 tax register دفتر مخصوص
 special register دفتر معین
 sub ledger دفتر نامه‌های صادره
 letters dispatched book

register دفتر تجار (م ۱۲۸۲ ق م)
 commercial account book دفتر تجاری
 commercial book; trade or business register دفتر تعهدات
 liability ledger دفتر تولد
 register of births دفتر ثبت اختراعات
 register of patents دفتر ثبت ازدواج
 register of marriages دفتر ثبت ازدواج و طلاق
 register of marriages and divorces دفتر ثبت اصناف
 occupations register دفتر ثبت املاک / دفتر املاک
 register of real estate دفتر ثبت اموات
 register of deaths دفتر ثبت انحصار وراثت
 probate register دفتر ثبت بروات
 bill register دفتر ثبت تجارتی (م ۱۶ ق ۶)
 register of commerce دفتر ثبت جمعیت
 population register دفتر ثبت دسته چک
 cheque book register دفتر ثبت سهام
 stock book; share register دفتر ثبت سهامداران
 register of shareholders دفتر ثبت شرکت‌های تجاری
 register of commercial firms; corporate register دفتر ثبت صورتجلسات
 minute book دفتر ثبت علایم صنعتی و تجارتی
 patent rolls; register of trade marks دفتر ثبت کشتی
 register of ships دفتر ثبت وقایع کشتی
 log book; ship's book

of a ministry دفتر گمرک
 customs office دفتر گمرک خروج
 customs office of departure دفتر گمرک زمینی
 inland customs office دفتر گمرک مقصد
 customs office دفتر گمرک ورود
 customs office of entry دفتر گواهی امضا
 notary's office verifying signatures of private persons دفتر متحد بین‌المللی حمایت از اموال صنعتی، فرهنگی و فکری
 United International Bureau for the Protection of Industrial , Literary and Artistic Property دفتر معاضدت قضائی کانون وکلا
 legal office of the Bar Association دفتر معیزی مالیاتی
 tax assessment office دفتر مهاجرت
 immigration office دفتر هماهنگی صنعتی
 Industrial Coordination Bureau ۲- دفتر / کتابچه ثبت
 register; book دفتر ارسال مراسلات
 peon book دفتر املاک / دفتر ثبت املاک
 real estate register دفتر انتقال سهام
 stock transfer book دفتر بازرگانی
 commercial book دفتر (را) باز کردن
 to open a register دفتر باطله
 rough day- book دفتر بروات
 bill book دفتر (را) بستن
 to close a register دفتر پلمپ شده قانونی
 officially sealed

PRIMA FACIE evidence	دلایل مشهود	insurance carrier	
convincing evidence;	دلایل موجه	broker of maritime	دلال بیمه دریایی
conclusive proofs		insurance	
MOTIFS; grounds of judgment	دلایل موجه حکم	house agent	دلال خانه
	تفاوت دلایل کسی نسبت به دیگری	second- hand broker	دلال دست دوم
preponderance of evidence		official broker	دلال رسمی
pilfering; filching	دله دزدی	pimp; tout	دلال فحشاء
reason; proof; argument;	دلیل	ship broker	دلال کشتی
evidence		custom house broker	دلال گمرک
to give a reason	دلیل آوردن	official broker	دلال مجاز
(reasons); adduce an argument; to adduce the proof; to tender the proof; to offer evidence; to furnish the proof		real estate	دلال معاملات ملکی
irrefutable evidence	دلیل اقوی	broker; land agent	
proofs ought	دلیل باید یقین باشد	guidance; gentle advice;	دلالت
to be evident, i.e., perspicuous and easily understood		meaning; reason; proof	
direct evidence	دلیل بیواسطه / دلیل مستقیم	to lead;	دلالت کردن / راهنمایی کردن
new evidence	دلیل جدید	to direct	
formal evidence	دلیل رسمی	to denote;	دلالت کردن / معنی دادن
proof by witnesses;	دلیل شهادتی	to express; to indicate	
witnesses' evidence		express meaning	دلالت صریح
proof of debt	دلیل طلب	natural meaning	دلالت طبیعی / دلالت ذاتی
irrebuttable proof	دلیل غیرقابل انکار	rational meaning	دلالت عقلی
	دلیل غیرمستقیم / دلیل مع الواسطه	conventional meaning	دلالت لفظی
indirect evidence		brokerage; broking; (م ۳۳۶ ق ت)	دلالتی (م ۳۳۶ ق ت)
expert evidence	دلیل کارشناسی	commission	
documentary evidence;	دلیل کتبی	AGIOTAGE; stock-	دلالتی برات
written evidence		jobbing; gambling on the stock exchange	
legal proof	دلیل قانونی	to act as broker	دلالتی کردن
judicial proof; legal evidence	دلیل قضائی	reasons; proofs;	دلایل (ج. دلیل)
		evidence	
		an infinity of reasons	دلایل بیشمار
		to cut the	دلایل کسی را خنثی کردن
		ground from under a person's feet	

JURIS CIVILIS	دکتر در حقوق مدنی	clerk of the court;	دفتردار محکمه
DOCTOR; Doctor of Civil Laws; J.C.D.		registrar	
Doctor of Dental Medicine; D.M.D; DDM	دکتر در دندانپزشکی	book keeping	دفترداری
Doctor of Science; D.Sc	دکتر در علوم	single entry book	دفترداری ساده
Doctor of Medical Sciences; M.D.	دکتر در علوم پزشکی	keeping	
Doctor of Political Science	دکتر در علوم سیاسی	double entry	دفترداری مترادف
Doctor of Juridical Science; D.J.S	دکتر در علوم قضائی	book keeping	
Doctor of Philosophy; Ph.D	دکتر در فلسفه	notary clerk;	دفتریار (م ۸۹ ق ۱۱)
Doctor of Music; D.Mus	دکتر در موسیقی	notary- public's assistant;	notary's assistant
doctrine	دکترین	burial; interment;	دفن
Doctrine of Laches;	دکترین تأخیر عمدی	inhumation	
negligence in performing a legal duty;		to bury; to inhume;	دفن کردن
delay in asserting right, claiming privilege, etc		to inter	
Euro- dollar	دلار اروپایی	burial permit	جواز دفن
agent; broker;	دلال (م ۳۳۵ ق ت)	buried treasure;	دفینه
dealer; middleman; go- between		treasuretrove	
broker without privileges	دلال آزاد	accuracy; precision;	دقت
foreign exchange broker	دلال ارز	care; carefulness	
broker of transferable securities	دلال اوراق بهادار	to be careful; to scrutinize	دقت کردن
bill broker; cambist	دلال برات	doctorate; doctor's degree	دکتر
market broker	دلال بازار	Doctor of Letters	دکتر ادبیات
stockbroker	دلال بورس	(Literature); D.Litt	
insurance broker;	دلال بیمه	Doctor of Divinity;	دکتر در الهیات
		D.D	
		Doctor of Veterinary Surgery; D.V.S	دکتر در جراحی دامپزشکی
		Doctor of Dental Surgery. D.D.S	دکتر در جراحی دندان
		LEGUM DOCTOR;	دکتر در حقوق
		Doctor of Laws; LL.D.; JURUM DOCTOR; Doctor of Laws; J.D	

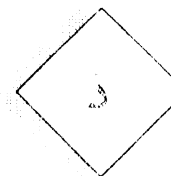
state to which one belongs	دولت متبوعه	fiscal period	دوره مالی
federal state; federation	دولت متحده	period of lochia	دوره نفاس
defeated state	دولت مغلوب	file; record	دوسیه / پرونده
statism	دولت گرایی	dualism	دوگانگی
statesman	دولتمرد	governments; states	دول (ج. دولت)
public; governmental; belonging to the state	دولتی	most favored nations	دول کاملاً الوداد
dominion	دومینیون	belligerent powers	دول متحارب
		federated states; member states of a federation	دول متحده
low- ranking	دون اشل / دون پایه / دون مرتبه	hostile powers	دول متخاصم
bigamy	دو همسری	confederated states;	دول مجتمعه
village	ده	member states of a confederation	
governor of a rural district	دهدار	neighbouring states	دول همجوار
decade	دهه	government; state	دولت / کشور
Development Decade	دهه توسعه	signatory state	دولت امضاکننده
U.N. Development Decade	دهه عمران ملل متحد	unitary state	دولت بسیط
Decade		landlocked state	دولت بدون ساحل
blood- money	دیات (ج. دیه)	receiving or host state	دولت پذیرنده
creditors	ذیان (م ۸۷۱ قم)	protected state	دولت تحت الحمايه
judge	ذیان	third state	دولت ثالث
diploma	دیپلم	buffer state	دولت حایل
diplomat	دیپلمات	foreign government	دولت خارجه
diplomacy	دیپلماسی	autonomous state	دولت خودمختار
open diplomacy	دیپلماسی باز	vassal state;	دولت دست نشاند
dollar diplomacy	دیپلماسی دلار	client state	
dictator; tyrant	دیکتاتور	coastal state;	دولت ساحلی
dictatorship	دیکتاتوری	reparian state	
dictatorship of proletariat	دیکتاتوری پرولتاریا	flag state	دولت صاحب پرچم
dry farming	دیم	victorious state	دولت غالب
dry farming	دیم کاری	dependent state	دولت غیرمستقل
cultivated by dry farming;	دیمی	victorious state	دولت فاتح
		sending state	دولت فرستنده
		mandatory government	دولت قیم

people's democracy	دموکراسی مردمی	A FORTIORI	(به) دلیل قویتر
Christian democracy	دموکراسی مسیحی	proof or evidence of ownership; muniment of title; proof by title deed	دلیل مالکیت
secular	دنیوی	PRIMA FACIE	دلیل محکمه پسند
departments; offices; administrations	دوائر (ج. دایره)	evidence	دلیل محکومیت
administrative departments	دوائر اداریه	proof of guilt; evidence of guilt	دلیل مرگ
subsidiary departments	دوائر تابعه	proof of death	دلیل مستقیم / دلیل بی واسطه
government	دوائر حکومتی / دوائر دولتی	direct	evidence or proof
departments		proof A CONTRARIO;	دلیل معارض
justice departments	دوائر عدلیه	counter evidence; rebutting or contrary evidence; evidence to the contrary; evidence in rebuttal	دلیل مع الواسطه / دلیل غیر مستقیم
local administrations	دوائر محلیه	indirect evidence	دلیل موجه
central departments	دوائر مرکزیه	convincing evidence	دلیل واضح
duplication of efforts	دوباره کاری	clear proof or evidence	اثبات دلیل بر عهده مدعی است و نه بر متکبر
boat; canoe	دوبه	the proof lies upon him who affirms, not upon him who denies.	اثبات دلیل بر عهده خواهان است
bilateral	دوجانبه	ACTORI	INCUMBIT ONUS PROBANDI ; the burden of proof lies on the plaintiff
ambiguous; doubtful; uncertain	دوبهلو	in virtue of; on the grounds of	به دلیل
cycle; round; circle	دور	democracy	دموکراسی
vicious circle	دوروتسلل	mediatory democracy	دموکراسی با واسطه
two- thirds	دوثلث	parliamentary	دموکراسی پارلمانی
hypocrite	دورو / منافق	democracy	دموکراسی نو ده ای
period; era; time; cycle	دوره	mass democracy	دموکراسی مستقیم
tenure or term of office	دوره تصدی	direct democracy	
crash course or program	دوره ضربتی		
period of management;	دوره عمل		
fiscal year			
menstrual period	دوره قاعدگی		
term of legislature	دوره قانون گذاری		
apprenticeship;	دوره کار آموزی		
probation			
	دوره کار آموزی کانون و کلا را طی کردن		
to study for bar			

debts	ديون باوثيقي	secured debts
preferential	ديون ممتازه (م ۲۴ ق ک)	matured debts
debts; priority dues	ديون درازمدت	deferred liabilities
blood money;	ديون عندالمطالبه (م ۳۴ ق ث ۱۱)	
weregild; mulct; blodwyte	ديه (م ۲ ق ح ق)	debts or dues payable on demand
blood money for	ديه قتل (م ۲ ق ح ق)	deferred debt
murder	ديون معوقه	arrears; outstanding

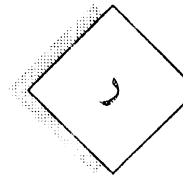
Court of Permanent Arbitration (ICPA)	دين	immethodical religion
ديوان دادگستري بين المللي	دين مابين اسلام	perspicuous religion of Islam
International Court of Justice (ICJ)	دين / بدهي	debt; amount due
court of arbitration	دين اصلي	principal debt
ديوان داوري بين المللي	دين حال (م ۶۹۲ ق م)	matured, sight or present debt
Court of Arbitration	دين مؤجل (م ۴۰۵ ق ت)	deferred or immatured debt; debt payable at maturity; debt due at a future time
ديوان داوري دعاوي ايران و ايالات متحده	دين معجل	debt payable on demand
Iran-United States Claims Tribunal (established at the Hague, the Netherlands, in 1981, pursuant to the Declarations of the Government of the Democratic and Popular Republic of Algeria)	دين معوقه	debt in arrears; unpaid debts
ديوان عالي کشور / ديوان کشور / ديوان تمیز	دين وثيقه دار	secured debt
High Court of Cassation; Supreme Court	ادای دين	settlement of a debt
ديوان کيفر	تأجيل دين حال	deferment of a matured debt
penal court	تعميل دين مؤجل	acceleration of a deferred debt
state audit office	حال کردن دين	to accelerate a debt
ديوان محاسبات	ديوار مشترک (م ۱۰۹ ق م)	a common or party wall
tribunal	ديوان	tribunal; court; government
ديوانخانه / دستگاه دولتي	ديوان بين المللي غنائم	International Court of Spoils
government organization	ديوان تمیز / ديوانعالي تمیز	High Court of Cassation; Supreme Court
ديوانخانه تمیز / ديوان تمیز	ديوان دائمي دادگستري بين المللي	Permanent Court of International Justice (PCIJ)
Cassation; Supreme Court	ديوان دائمي داوري	Permanent Court of Arbitration (PCA)
court; tribunal; forum	ديوان دائمي داوري بين المللي	International
ديواني / کارمند دولت		
government employee		
mad; lunatic; person of unsound mind		
to lose one's head; to run mad		
debts; liabilities	ديون (ج. دين)	

as under; thus		accountability; comptroller's	ذیحسابی
below; hereunder; under;	در ذیل	department	
at the bottom of; following;		rightful; entitled	ذیحق
as follows		to having a just claim	
INFRA; as follows; following	ذیل	to have title in	ذیحق بودن
beneficiary; party	ذینفع	appendix; footnote; bottom	ذیل
in interest; interested (party)		at the foot of a document	ذیل سند
beneficiary of a credit	ذینفع اعتبار	as follows;	به قرار ذیل / به شرح ذیل



liability reserve	ذخیره دین	nature; substance; essence;	ذات
general reserve	ذخیره عمومی	self; person; being; personage;	
technical reserve (م ۸۲ ق م م)	ذخیره فنی	inherence	
statutory or legal	ذخیره قانونی	by nature; intrinsically;	ذاتاً
reserve; reserve requirement(s)		in essence; in substance	
unit of length =	ذرع	innate; inborn; inherent;	ذاتی
41 inches or 104 centimeters		natural; intrinsic	
to measure by ZAR	ذرع کردن	professional narrator of the	داکر
male organ; penis	ذکر	tragedies of Karbela; praiser (of God)	
males; men; boys; masculine	ذکور	reserves (ج. ذخیره)	ذخایر
liability; obligation;	ذمه / بدهی	reserve; store; treasure;	ذخیره
duty; due		saving; stock; accumulation;	
having an obligation (due);	ذمه دار	resource; stockpile	
responsible; liable; obligor; debtor		reserve for contingencies	ذخیره اتفاقات
obligation; charge	ذمه داری	reserve or (م ۳۷ ق ب ک ا)	ذخیره احتیاطی
infidel living	ذمی / کافر ذمی	contingent fund	
in an Islamic country and paying		foreign exchange reserve	ذخیره ارزی
tribute to Moslems		reserve or allowance	ذخیره استهلاك
person	ذوالخيار / دارنده حق فسخ	for depreciation	
having an option		bank reserve	ذخیره بانکی
relative; kinsman	ذوالقربی		ذخیره برای مطالبات مشکوک الوصول
mind; opinion; memory	ذهن	reserve for bad debts	
comptroller; accountant	ذیحساب	reserve for accidents	ذخیره تصادفات

banditry; highway robbery	راه سازی	radiography	رادیوگرافی
road construction	راهن	radiology	رادیولوژی
pawn; mortgager; pledger	راهنایی و راندگی	personally; directly	راشاً
traffic department	رایزن	briber	راشی (م ۱۳۹ ق م ع)
counsellor; adviser	رایزنی	heretic; heterodox	رافضی
counsellorship; consultation;	رایگان	rider	راکب
exchange of views	رایگان	stagnant; dull; sluggish;	راکد
free of charge; ex gratis; ex	رایگان	at a standstill	
gratia; gratis; gratuitous (ly)	رایگان	efficiency	راندمان/ بازده
purchase price	رایگان	narrator; reporter;	راوی
judgment; award; verdict;	رایگان	transmitter (of a tradition); historian	
vote; opinion; poll	رایگان	way; road; path; route;	راه
vote of censure or	رای اعتماد	roadway; drive; thoroughway;	
confidence	رای اعتماد	passage; channel; means; method;	
declaratory judgment	رای اعلامی	course	
eyewitness; witness	رای العین	to give way to;	راه دادن
of the eye	رای با نظر مشورتی	to admit; to let in; to allow to enter	
advisory opinion	رای بدوی (م ۵۱۶ آدم)	watercourse; aqueduct;	راه آب
initial judgment	رای تمیزی	gully (-hole)	
judgment given by	رای اعتماد	waterway; water- route;	راه آبی
the high court	رای خانوادگی	canal	
family vote	رای دادن	railway	راه آهن
to vote; to ballot;	رای دادن	Iranian State	راه آهن دولتی ایران
to pronounce a judgment; to cast		Railway	
one's ballot	رای داور (م ۵۶۰ آدم)	solution	راه حل
ARBITRIUM;	رای عدم اعتماد (م ۸۹ قاجار)	MODUS VIVENDI;	راه حل موقتی
arbitral award; award	رای سرنوشت ساز/ رای تعیین کننده	arrangement between disputants	
tie vote; deciding vote	رای عدم اعتماد (م ۸۹ قاجار)	pending settlement of dispute	
vote of no-	رای عمومی	carriage- drive	راه درشکه رو
confidence	رای قاطع	airway	راه هوایی
public opinion		robber; highwayman;	راهزن
casting vote		brigand; bandit	
		robbery; brigandage;	راهزنی



political relation	رابطه قراردادی	nuclear reactor	راکتور اتمی
privity of contract;	رابطه قراردادی	liaison; intermediary;	رابطه
contractual relationship	رابطه کارفرما - کارمند	go- between; connector	افسر رابط
privity of service	رابطه متعاقبین	liaison officer	رابطه
privity of contract	رابطه متقابل	relationship; privity;	رابطه
reciprocal relationship	رابطه مدنی	liaison; communication; connection;	رابطه ارتباطی
civil relationship	رابطه معنوی	relation; tie	رابطه ارتباطی
moral relationship	رابطه موجر و مستأجر	privity of blood	رابطه استیجاری
privity of estate	رابطه نامشروع	privity of estate	رابطه استیجاری
or lease	رابطه نامشروع	or lease	رابطه جنسی
illegitimate relationship	رابطه نامشروع	sexual relationship	رابطه جنسی نامشروع
	رابطه نامشروع مرد زن دار و زن شوهر دار/ زنای محصنه (م ۲۱۲ ق م ع)	DAMNATUS	COITUS; unlawful sexual connection
double adultery	راپرت/ گزارش	privity; legal relationship	رابطه حقوقی
report	راتبه	master- servant	رابطه حاد و مخدوم
pension; ration	رادیکال	relationship	رابطه خوونی
radical	رادیکالیسم	blood relationship;	رابطه دوجانبه
radicalism	رادیواکتیو	privity of blood	رابطه دوجانبه
radioactive	رادیوتراپی	bilateral or	رابطه دوجانبه
radiotherapy	رادیوتلوژیون ملی ایران	reciprocal relationship	رابطه زوجیت
National Iranian	رادیوسکپی	conjugal or matrimonial	رابطه سیاسی
Radio and Television (NIRT)		relationship	
radioscopy		diplomatic tie;	

polling	رای گیری	final judgment	رای قطعی
sight; seeing; vision	رویت	closure	رای کفایت مذاکرات
to see	رویت کردن	to take the vote;	رای گرفتن
after sight	پس از رویت	vote taking	
chief; head director;	رئیس	affirmative vote	رای مثبت
manager; chairman; principal; boss;		dissenting	رای مخالف (قاضی، داور)
superintendent; chancellor; president;		opinion; negative vote	
governor; speaker; master; magistrate;		secret ballot	رای مخفی
executive; dean (of a college)		award on	رای مرضی الطرفین (در داوری)
director; chief; manager;	رئیس اداره	agreed terms	
head; boss		advisory opinion	رای مشورتی
tetular head of state	رئیس اسمی مملکت	interlocutory judgment	رای مقدماتی
honorary chairman or	رئیس افتخاری	or award	
president		abstaining vote	رای ممتنع
prime minister; premier	رئیس الوزرا	negative vote; nay	رای منفی
	رئیس اول دیوان کشور (م ۵۵ آدم)		رای موافق (قاضی، داور)
chief justice of the High Court		concurring opinion; yea	
governor or manager	رئیس بانک		رای هیئت عمومی / رای وحدت رویه
of a bank		precedent	
scout executive	رئیس پیش آهنگی	verdict	رای هیئت منصفه
master of ceremonies;	رئیس تشریفات	pronouncement of judgment	اعلام رای
chief of protocol		to abstain from	امتناع از دادن رای
president of the	رئیس جمهور	voting	
republic		by secret ballot	با رای مخفی
president elect	رئیس جمهور منتخب		برای جمع آوری آراء فعالیت کردن
accountant general;	رئیس حسابداری	to canvas	
chief accountant		to give one's	به کسی رای دادن
head of the	رئیس خانواده / رئیس خانوار	vote to or for someone	
family		to put a	در مسئله ای رای گرفتن
judge advocate	رئیس دادرسی ارتش	question to the vote	
general		ballot box	صندوق رای
chief justice; president	رئیس دادگاه	polls	محل اخذ رای
of the court; presiding judge		ballot	ورقه رای

chief of the executive	رئیس قوه مجریه	justice of	رئیس دادگاه بخش / امین صلح
head of state	رئیس کشور / رئیس مملکت	the peace	
magistrate	رئیس کلانتری	judge advocate	رئیس دادگاه نظامی
grand master of	رئیس کل تشریفات	general	
ceremonies		dean of the college	رئیس دانشکده
	رئیس مجمع عمومی (سازمان ملل)	chancellor of	رئیس دانشگاه
president of the General Assembly		university	
immediate chief	رئیس مستقیم	secretary general	رئیس دبیرخانه
joint chairman	رئیس مشترک	officer - in - charge	رئیس دفتر
head of state	رئیس مملکت / رئیس کشور	head of state	رئیس دولت / رئیس کشور
the boss or chief	رئیس و مرنوس	or government	
and subordinate			رئیس دیوانعالی کشور
chairman of the	رئیس هیئت امانا	chief justice of the Supreme Court	
board of trustees		station master	رئیس راه آهن
dean; doyen	رئیس هیئت سفر	governor of jail;	رئیس زندان
foreman of the jury	رئیس هیئت منصفه	gaoler; jailer	
chairman of the	رئیس هیئت مدیره		رئیس ژوری / رئیس هیئت منصفه
board of directors		foreman of the jury	
usury; unlawful profit	ربا	chief of staff	رئیس ستاد
usurer; loan shark; scrivener	رباخوار	Speaker of the Senate	رئیس سنا
usury	رباخواری	president by age;	رئیس سنی
interest	ربح / بهره	chairman by seniority	
bank interest	ربح بانک	president; director;	رئیس شرکت
lawful interest	ربح قانونی	manager	
contractual interest	ربح قراردادی	president of the	رئیس شورای امنیت
compound interest	ربح مرکب	Security Council	
a quarter; one fourth	ربع	police commissioner;	رئیس شهرانی
to steal; to kidnap;	ربودن	chief of the police administration	
to hijack; to filch; to pilfer; to purloin;		mayor	رئیس شهرداری
to lift; to swipe; to pinch; to snatch; to		tribal chief; chief	رئیس قبیله
snatch; to carry off		of the tribe	
ربودن افراد (بویژه زنان و کودکان) (م ۱۹۵)		public relations	رئیس قسمت روابط عمومی
abduction; kidnap	رقم ع	officer (PRO)	

scoutmaster	رشد یار	voting down of the bill in the parliament	رذق
custom; usage; rule; rite;	رسم	daily bread; sustenance	رزم
form; convention; mores; drawing; design; draft	رسم فنی	war; battle; combat; action	رژمانو
technical drawing	رسماً	cruiser; battle ship	رژمنده
DE JURE; officially;		fighter; combatant	رژمی
regularly; formally; as a rule;		epic; epical; heroic; warlike	رژه
customarily		parade; procession	رژیم / سیستم
official; formal; regular;	رسمی	regime; system	
in session; competent to transact business; having a quorum		of government	رژیم اشتراک اموال
semi official	نیمه رسمی	antenuptial settlement based on communal estate	رژیم تفکیک اموال
state of being official	رسمیت	antenuptial settlement maintaining separate estate	رژیم دموکراتیک
or formal; formality; popular acceptance		democratic regime	رژیم دیکتاتوری
to have a quorum;	رسمیت پیدا کردن	dictatorial regime;	
to be in session; to become official		despotic or tyrannical regime	رژیم ریاست جمهوری
to enable to transact business (as by a quorum); to make official	رسمیت دادن	presidential form of government	رژیم سلطنتی
to recognize (officially)	به رسمیت شناختن	monarchical regime	رژیم کثرت گرا
the meeting was announced in session; the meeting was called to order	رسمیت جلسه اعلام شد	pluralistic regime	رژیم مالی زوجین
infamy; public disgrace; blot;	رسوایی	type of antenuptial settlement; community property of spouses	رژیم مشروطه
shame		constitutional form of government	رژیم مشروطه سلطنتی
scandal	رسوایی سیاسی	constitutional monarchy	
messenger; apostle; prophet	رسول	unitary regime	رژیم وحدت گرا
customs; mores;	رسوم (ج. رسم)	thesis; treatise;	رساله
conventions		pamphlet; dissertation	
excise (on alcoholic liquors)	رسومات	theological treatise	رساله علمی
receipt	رسید	police lieutenant	رشد بان
counter check	رسیدامانت گذار		

manhood	رد	to kidnap;	ربودن افراد به زور
rebuttal; denial; refusal;		to carry off	
restitution ; refutal ; refutation ;		to steal money	ربودن پول
disproval; giving; trace; track		abduction or seduction	ربودن طفل
refutation of argument	رد استدلال	of a minor	
challenging	ردامین صلح (م ۲۴۰ آدک)	plundrage	ربودن کالا از عرشه کشتی
of justice of the peace		abaction	ربودن مال غیر به عاف
to track down	رد پای کسی را گرفتن	hijack	ربودن هواپیما
a person; to follow a person's foot		stepson	رئییب
prints		stepdaughter	رئییه
recrimination	رد تهمت	distinguished men;	رجال
dismissal of complaint;	رد دادخواست	dignitaries; VIP's; bigwigs	
rejection		statesmen	رجال سیاسی
	رد دادرس - رد قاضی (م ۳۱۲ آدک)	return; relapse; returning;	رجعت
RECUSATIO JUDICIS; challenging		resurrection; restitution	
of the judge		to return; to restore	رجعت دادن
dismissal of action	رد دعوی	to return	رجعت کردن
	رد شاهد به دلیل عدم صلاحیت	returnable; revocable; voidable	رجعی
RECUSATIO TESTIS; rejection of a		lapidation; stoning to death	رحم
witness		reference; resort; returning;	رجوع
	رد عضو هیئت منصفه با ذکر دلیل	revoking	
challenge for cause		to refer; to have	رجوع کردن
	رد عضو هیئت منصفه بدون ذکر دلیل	recourse; to revoke	
peremptory challenge		to rescind permission;	رجوع از اذن
	رد قاضی / رد دادرس (م ۳۱۲ آدک)	withdrawal of one's permission	
RECUSATIO JUDICIS; challenging		withdrawal of testimony	رجوع از شهادت (م ۱۳۱۹ قم)
of the judge		revocation of divorce	رجوع از طلاق
to return; to refund;	رد کردن	ademption	رجوع از وصیت (م ۸۳۸ قم)
to reject; to refuse (to accept); to		to refer; to have recourse;	رجوع کردن
refute; to disprove; to rebut; to		to revoke	
gainsay		revocable; voidable	قابل رجوع
traverse of an indictment	رد کیفر خواست	masculinity; virility;	رجولیت
the defeating or	رد لایحه در محلس		

sufferance	رضایت طرفین
mutual consent	رضایت نامه
letter of satisfaction	رضایت نامه
testimonial	رضیع
baby; foster brother	رعایا (ج. رعیت)
peasants; farmers; subjects	رعایت
observance; regard; consideration	رعایت کردن
to observe; to follow	رعایت مقررات قانونی
observance of the provisions of law	رعیت
peasant; farmer; subject	رفاه
welfare; comfort; convenience	رفاه اجتماعی
social welfare	رفاه خانواده
family welfare	رفاه عمومی
general welfare	رفاه کودک
child welfare	رفتار ناروا
misconduct	رفتار وحشیانه
savage behavior	رفراندوم / همه پرسی
referendum	رفراندوم الزامی
obligatory referendum	رفراندوم تأسیسی
constituent referendum	رفراندوم تقنینی
legislative referendum	رفراندوم مشورتی
consultative referendum	رفض
heresy	رفع
removal; remedying; elimination	رفع آثار تجاوز (م ۲۶۴ ق.م.ع)
resolution	رفع اتهام
removal of the traces of encroachment	رفع اثر کردن
acquittal	رفع اختلاف
to nullify	
settlement (of dispute)	

duties	برای نگاهداری رازی به کسی رشوه (حق سکوت) دادن
to pay hush money	با رشوه راضی کردن
to a person for keeping a secret	رشوه خوار
to buy over	bribe- taker; corruptible;
to bribe- taker; corruptible;	bribeable; corrupt
bribeable; corrupt	رشید (م ۲۱۱ ق.م)
SUI JURIS;	mature; of legal age; of full age;
mature; of legal age; of full age;	intellectually balanced; prudent
intellectually balanced; prudent	رضا
will; pleasure; consent;	agreement; approval; free will;
agreement; approval; free will;	assent; acquiescence; concurrence;
assent; acquiescence; concurrence;	concord
concord	رضای اظهار شده
avowed will; declared	intention; express consent
intention; express consent	رضای باطنی
unavowed will;	undeclared intention;
undeclared intention;	unexpressed consent
unexpressed consent	رضاع
fosterage	رضاعت
fosterage; sucking the breast	رضاعی
breast	رضایت
foster	رضایت با سکوت
consent; agreement;	رضایت دادن
satisfaction; free will; willingness	رضایت دادن در دعوی
acquiescence	consent or agreement; to sanction; to approve
to express one's	to give up or
consent or agreement; to sanction; to approve	relinquish one's claim
to give up or	explicit consent
relinquish one's claim	implicit or tacit consent;
explicit consent	
implicit or tacit consent;	

inquisition	رسیدگی کردن
to investigate; to	examine; to verify; to audit; to take cognizance of
examine; to verify; to audit; to take cognizance of	رسیدگی کردن به حسابها
to verify or audit	the accounts
the accounts	hearing or
hearing or	رسیدگی ماهوی (م ۸ آدم)
examination on merits; examination on substance or merits of a case	on- the- spot
on- the- spot	investigation; investigation in loco
investigation; investigation in loco	preliminary hearing;
preliminary hearing;	رسیدگی نخستین
first cognizance	final hearing
final hearing	denial of justice
denial of justice	SUB JUDICE;
SUB JUDICE;	under judicial or court consideration
under judicial or court consideration	(mental) maturity; growth;
(mental) maturity; growth;	development; prudence
development; prudence	economic growth
economic growth	mental development
mental development	bribe; bribery; tip;
bribe; bribery; tip;	graft; hush money
graft; hush money	to bribe; to give a bribe
to bribe; to give a bribe	to; to corrupt; to grease palm of
to; to corrupt; to grease palm of	to receive a bribe
to receive a bribe	to tip
to tip	or bribe a person for revealing a secret
or bribe a person for revealing a secret	to bribe or bait a person for doing something
to bribe or bait a person for doing something	to receive graft for performing one's

trust receipt	رسید امانی
warehouse receipt	رسید انبار
FIATA Warehouse Receipt (FWR)	رسید انبار فیاتا
wharfinger's receipt;	رسید دارانداز
dock receipt	رسید بدهکار
debit note	رسید کاپیتان کشتی
mate receipt	رسید کمپانی حمل و نقل
house bill of lading; house B/L	رسید موقتی سود سهام
scrip dividend	رسیدی که مأمور ابلاغ پس از ابلاغ دریافت می کند
return or proof of service	رسیدگی
cognizance (of a lawsuit);	examination; investigation; audit;
examination; investigation; audit;	verification; hearing; trial;
verification; hearing; trial;	proceedings
proceedings	summary proceedings
summary proceedings	or trial
or trial	رسیدگی استینافی / رسیدگی پژوهشی
رسیدگی استینافی / رسیدگی پژوهشی	hearing in appeal by appellate court
hearing in appeal by appellate court	scrutiny
scrutiny	adversary proceedings
adversary proceedings	hearing in appeal
hearing in appeal	by the Supreme Court
by the Supreme Court	retrial proceedings
retrial proceedings	fair hearing
fair hearing	ordinary hearing
ordinary hearing	hearing in camera
hearing in camera	hearing
hearing	in appeal by the High Court;
in appeal by the High Court;	examination by the Court of Cassation
examination by the Court of Cassation	judicial settlement;
judicial settlement;	

or reprieve begins
 date of issue; date روز صدور برات
 which bills and bonds bear, and not
 date when they were actually issued
 the day the judgement becomes final روز قطعی حکم
 Resurrection Day; Day of روز قیامت
 Judgment; Doomsday
 day certain روز معین
 United Nations Day روز ملل متحد
 per day; per dime; daily روزانه
 newspaper; journal; paper روزنامه
 official journal; gazette روزنامه رسمی
 highly-circulating newspaper or paper; commonly read paper روزنامه کثیرالانتشار
 aperture; opening; window روزنه
 ray of hope روزنه امید
 village روستا
 method; manner; way; process روش
 appraisal روش تعیین هزینه استهلاک
 method of depreciation روش جاری بین‌المللی
 international practice روش جاری بین‌المللی
 dialectic method روش جدلی
 amicable arrangement روش صلح‌جویانه
 usual practice روش معمول
 methodology روش‌شناسی
 intellectual روشنفکر
 ROULEMENT; circulation; رولمان
 alternation; taking turns in duties
 prosperity; success; flourish رونق
 economic prosperity رونق اقتصادی

criminal روانشناسی جزائی / روانشناسی جنائی
 psychology روانیت
 narrative; tradition روح
 spirit; soul روح قانون (م ۳ آدم)
 MENS LEGIS; the purpose, spirit or intention of the law روح و مفاد قانون
 spirit and purport of laws رودخانه
 river رود بین‌المللی
 international river روز
 day روز آخر موعد
 DIES AD QUEM; the day on which a respite concludes;
 the date on which a bill falls due روز آخر مهلت
 the last day of grace روز ابلاغ
 the day the service (of notification) is made روز اقدام
 the day the action is taken; date of action روز انقضای مهلت
 the date of expiry of maturity روز انقضای مهلت
 the date of expiry of grace or reprieve روز اول موعد
 DIES A QUO; the day from which a respite begins روز تقویم
 calendar days روز رؤیت
 date of sighting روز سررسید مهلت
 date of maturity روز شروع اجرا
 the date when the enforcement proceedings are commenced روز شروع مهلت
 the day the grace

subsidiary organ رکن فرعی
 ACTUS REUS; a wrongful deed رکن مادی جرم
 MENS REA رکن معنوی جرم
 stagnation; depression رکود
 cipher; mystery; code رمز
 ascribing or charging رمی (م ۱۷۵ قح ق)
 someone with the commission of adultery allusively, indirectly or in passing reference روابط (ج. رابطه)
 relations; connections; dealings روابط بین‌المللی
 international relations روابط حسنه
 good relations روابط دیپلماتیک / روابط سیاسی
 diplomatic relations روابط عمومی
 public relations روابط کنسولی
 consular relations روابط متقابل
 inter relations روانامه
 EXEQUATUR; patent; enforcement order
 visa روادید / ویزا
 diplomatic visa روادید دیپلماتیک
 ordinary visa روادید عادی
 multiple journey visa روادید کثیرالمسافرت
 psychiatry روانپزشکی
 criminal psychiatry روانپزشکی جنائی
 medico-legal روانپزشکی قانونی
 psychiatry روانپزشکی قضائی
 psychiatric examination based on judicial expertise روانشناسی
 psychology روانشناسی

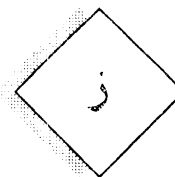
ejectment رفع تصرف عدوانی
 adjustment or settlement of dispute رفع دارع (م ۷۵۲ ق م)
 replevin رفع توقیف
 to release; to lift or remove the ban on رفع توقیف کردن از
 release of the seizure رفع توقیف از اموال بدهکار نزد اشخاص ثالث
 release of the ship رفع توقیف از کشتی
 release of the property رفع توقیف از اموال
 to satisfy needs رفع حاجت
 removal of removal of (م ۱۲۵۶ ق م)
 incapacity; raising of the interdiction; relief from interdiction رفع شبهه
 removal of doubt رفع شکایت
 redressing or rectification of grievance رفع مانع
 removal of obstruction رفع مزاحمت (م ۳۲۵ آدم)
 abatement of nuisance; cessation of interference رفع مصادره
 release of requisition رفع مهر و موم
 removal of the seals رفع نقص
 remedy or rectify the defect رقابت
 competition; emulation; rivalry رقابت انحصاری
 monopolistic competition رقابت مکارانه / رقابت نامشروع
 unlawful competition
 register of crown رقبه (م ۳۱ ق ث ۱)
 properties; possession; slave رقبی
 right (of exploitation) for prescribed period
 element; organ; essential (part) رکن

pertaining to mortgage;	رهنی	amortized mortgage	رهن مستهلک شده
hypothecary		equitable mortgage	رهن منصفانه
anything given in	رهینه (م ۵۱۴ ق ت)	to redeem;	از رهن درآوردن / فک رهن
pledge		to buy back; to free property from	
directorship; chairmanship	ریاست	pledge; to extinguish a mortgage; to	
presidentship; presidency		pay off a mortgage	
mayoralty	ریاست شهرداری	pawner; mortgager	رهن گذارنده
RIAL; Persian monetary unit	ریال	pawnee; mortgagee	رهن گیرنده

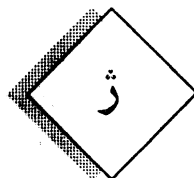
custom practice or	رویه گمرکی	prosperity or success of	رونق بازار
precedent		the market	
binding precedent	رویه لازم الاتباع	business prosperity	رونق کسب و کار
to release; to set free; to	رها کردن	copy; transcript	رونوشت
abandon		to transcribe	رونوشت برداشتن
exposure of	رها کردن طفل با سوءنیت	copy of documents	رونوشت اسناد
child		the transcription	رونوشت برابر اصل است
chief; leader; conductor	رهبر	or copy corresponds with the original	
leadership; guidance;	رهبری	notarial copy	رونوشت رسمی
conduction		ordinary or non-	رونوشت عادی
mortgage; pawn;	رهن (م ۷۷۱ ق م)	notarial copy	
pledge		carbon copy	رونوشت با کاربن
to obtain a mortgage on;	رهن کردن		رونوشت صادره توسط مأمور رسمی
to take on a pledge		office copy	
to mortgage; to	رهن گذاردن / رهن دادن	facsimile	رونوشت عین
pledge; to pawn		certified, attested or	رونوشت مصدق
leasehold mortgage	رهن اجاره‌ای	examined copy	
first mortgage	رهن اول	exemplified copy	رونوشت مصدق دادگاه
closed-end mortgage	رهن با مدت معین	true copy	رونوشت مطابق با اصل
open-end mortgage	رهن بدون سررسید	copying; transcription	رونویسی
level payment	رهن پرداخت ثابت	to facsimile	عیناً رونویسی کردن
mortgage		event; happening;	رویداد
consolidated mortgage	رهن ترکیبی	incident; circumstance	
second mortgage	رهن ثانی	practice; precedent	رویه
chattel mortgage	رهن در مقابل دارائی	international practice	رویه بین‌المللی
blanket mortgage	رهن عمومی / رهن کلی	the custom or practice	رویه دادگاه
refunding mortgage	رهن قابل استرداد	of a court	
(bonds)		ordinary or normal	رویه عادی
mortgage by contract	رهن قراردادی	practice	
mortgage by order of	رهن قضائی	judicial precedent;	رویه قضایی
court		case law	
blanket mortgage	رهن کلی / رهن عمومی	international	رویه قضایی بین‌المللی
straight mortgage	رهن مستقیم	case law	

adultery with a married woman زناى محصنه
double adultery زناى محصن با محصنه
adulterine; illegitimate child; bastard; flower child زنازاده
marriage; matrimony زناشویی
married life زندگى زناشویی
adulterer; adulteress زناکار
adultery زناکاری
prison; jail; gaol زندان
solitary prison زندان انفرادی
or confinement; cell
gaoler; jailer; turnkey زندانبان
prisoner; imprisoned; captive زندانی
prisoner of war (PoW); prisoners of war (PoWs) زندانى جنگی
political prisoner زندانى سياسی
to imprison; to jail; زندانى کردن
to take into custody; to incarcerate
dualism; atheism زندقه
life زندگى
eternal life زندگى ابدی
public life زندگى سياسی
cohabitation زندگى مشترک زن و مرد بدون ازدواج رسمى
effluxion of time زوال مدت
husband; couple; pair زوج
even number
wives زوجات (ج. زوجه)
wife زوجه
wife whose marriage has not been consummated زوجه غيرمَدْخوله

husband (esp, if divorced); widow
unpregnant woman زن حائض
pregnant woman زن حامل
permanent wife زن دائم
bigamist زن دو شوهره
feme covert; married woman زن شوهردار
temporarily married woman زن صیغه
wife in permanent wedlock زن عقدی
temporarily married woman زن مته
feme covert; married woman; a woman having a permanent husband زن محصنه
a woman having undue or excessive menstruation زن مطلقه
divorcee; divorced woman زن يائسه
woman on the wane; زن يائسه
woman on the decline (of life); woman who ceases to have menstruation زن کشي
polygyny; polygamy چند زنى
monogyny; monogamy یک زنى
uxoricide; femicide; one who murders his wife زن کش
uxoricide; femicide زن کشى
fornication; adultery زنا (م ۸۱ ق ح ق)
incest; incestuous adultery زناى با اقربا / زناى با محارم
rape زناى به عنف
adultery with an unmarried woman زناى غير محصنه
to commit adultery; to fornicate; to copulate زنا کردن



statesmanship; control; authority; tenure of office زمامداری
time; period; duration زمان
base period زمان پایه
tenure or term of office زمان تصدى
crash time زمان فشرده
the time when the contract is made زمان وقوع عقد
time study زمان سنجى
land; earth; soil; زمين / ارض
territory; landed property
tenementary land; زمين اجارى
tenanted or leased land
public domain; crown زمين خالصه
land; public land
loose earth زمين رخواه (م ۱۳۸ ق م)
collective or joint land زمين مشاع
paralytic; crippled زمين گير / مفلوج
territorial; inland زمينى
land forces نيروى زمينى
woman; wife; female زن
discover زن بى شوهر
feme sole; woman without زن بيوه
farmer; cultivator زارع
adulterer; fornicator زانى
incestuous adulterer زانى با محارم
ADULTERA; adulteress زانيه
ascetic (person) زاهد
birth certificate زايجه / ورقه ولادت
childbirth; delivery; labour زايمان
stillbirth زايمان بچه مرده
premature delivery زايمان زودرس
language زبان
legal parlance زبان حقوقى
source language زبان مبدأ (در ترجمه)
target language زبان مقصد (در ترجمه)
torture; persecution; torment زجر
to torture; to persecute زجر دادن
agriculture زراعت
mechanized agriculture زراعت مڪانيزه
cultivation; tilling زرع
(consummation of a) marriage زفاف
religious tax; poor- rate or alms as prescribed by Islam ركات
statesman (in authority); ruler زمامدار

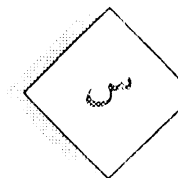


geophysics	ژئوفیزیک	gendarme; constable; policeman	ژاندارم
genocide	ژنوسید	gendarmerie	ژاندارمری
juror	زوره/ عضو هیئت منصفه	general	ژنرال
jury	ژوری/ هیئت منصفه	geopolitic	ژئوپولیتیک

tax delayed- payment	زیان دیرکرد مالیاتی	wife whose marriage	زوجه مدخوله
penalty		has been consummated	
to cause to sustain	زیان رساندن به	married couple; spouses;	زوجین
a loss; to injure		husband and wife	
	زیان معطلی (در تخلیه قطار، کامیون، کشتی)	asceticism; abstemiousness	زهد
demurrage		uterus	زهدان
loss and gain	زیان و سود	poison	زهر
aesthetics	زیبایی شناسی	toxicologist	زهرشناس
INFRA; below	زیر	toxicology	زهرشناسی
infrastructure	زیر بنا	drain (pipe)	زهکس
subordinate	زیر دست	drainage	زهکشی
subterranean; underground	زیرزمینی	loss; detriment; injury; damage	زیان
footnote; subtitle	زیرنویس/ پانویس	net loss	زیان خالص
biologist	زیست شناس	to incur or sustain a loss	زیان دیدن
biology	زیست شناسی	delayed - payment penalty	زیان دیرکرد

Plan and Budget Organization (PBO) سازمان برنامه و بودجه
The Ports and Shipping Organization (PSO) سازمان بندر و کشتیرانی
world Health Organization (WHO) سازمان بهداشت جهانی
Workers Social Insurance Organization سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران
international organization سازمان بین‌المللی
International Organization for Standardization سازمان بین‌المللی استاندارد
International Criminal Police Commission (Interpol) سازمان بین‌المللی پلیس جنائی
International Refugee Organization (IRO) سازمان بین‌المللی پناهندگان (آوارگان)
International Trade Organization (ITO) سازمان بین‌المللی تجارت
International Atomic Development Authority سازمان بین‌المللی توسعه هسته‌ای
International Disarmament Organization سازمان بین‌المللی خلع سلاح
International Radio and Television Organization سازمان بین‌المللی رادیو و تلویزیون
International Labour Organization (ILO) سازمان بین‌المللی کار (آی‌لو)
International Organization of Employers سازمان بین‌المللی کارفرمایان
International Marine Consulting سازمان بین‌المللی مشاورتی دریائی

Regional Water Board سازمان آب و برق خوزستان
Khuzestan Water and Power Authority (KWPA) سازمان آب و برق خوزستان
Palestine Liberation Organization (PLO) سازمان آزادی بخش فلسطین
United Nations (یونسکو) سازمان آموزشی، علمی، و فرهنگی ملل متحد
Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) سازمان آموزشی، علمی، و فرهنگی ملل متحد
social organization سازمان اجتماعی
administrative organization سازمان اداری
administrative organization سازمان اداری وزارتخانه
organization of a ministry سازمان اداری وزارتخانه
Land Reforms Organization سازمان اصلاحات ارضی
National Security and Information Organization (Savak) سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)
National Iranian Security and Information Organization (Savama) سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران (ساواما)
The State Organization for Administration and Employment سازمان امور اداری و استخدامی کشور
Atomic Energy Organization of Iran سازمان انرژی اتمی ایران
Iran Tourist and Tourism Organization سازمان ایرانگردی و جهانگردی
business organization سازمان بازرگانی
International Trade Organization (ITO) سازمان بازرگانی بین‌المللی



۱- سابق/ برنده مسابقه winner
۲- سابق/ پیشین former; previous; old;
preceding; formerly; former time; ex
وزیر سابق ex- minister
سابقه past record; antecedents;
previous record; precedent; example;
previous knowledge; precedence
سابقه ابلاغ record of service of
process
سابقه خدمت record or years of
service; seniority
سابقه شد it served as a precedent
سابقه قضائی judicial precedent
سابقه‌دار having a past record;
precedented
ساحل shore; bank; coast;
beach; seaside
ساحل دریا seashore
آنچه آب به ساحل می‌اندازد flotsam;
jetsam
ساحلی coastal; littoral; riparian
نواحی ساحلی the littoral regions
ساخت make; build; structure

social structure ساخت اجتماعی
economic structure ساخت اقتصادی
fictitious; artificial; sham; ساختگی
spurious; forged; feigned; simulated
commercial property ساختمان تجاری
public building ساختمان دولتی
residential property ساختمان مسکونی
garrison ساخلو
the descendants of سادات علوی
the Prophet سارق
thief سارق ادبی
plagiarist سارق گله و احشام
abigeous; a stealer of cattle; abactor; cattle rustler
conciliation; compromise; سازش
composition; arrangement سازش اجرایی
executory accord سازش کردن / مصالحه
to compromise; سازش کردن / مصالحه
to conciliate; to make a settlement سازش‌نامه / صلحنامه
deed of compromise سازش‌نامه
organization سازمان
to organize سازمان دادن
Tehran سازمان آب منطقه‌ای تهران

resident; domiciled	ساکن/مقیم	سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی
motionless	ساکن/بی حرکت	Financial Organization for the
AD LIB; improvisation	ابتدا به ساکن	Expansion of Ownership of
ANNUM; ANNO; year, age	سال	Industrial Units
policy year	سال بیمه نامه	Housing Organization
calendar year	سال تقویمی	United Nations
operational year	سال عملکرد	Organization (UNO)
ANNO ANTE	سال قبل از میلاد مسیح	regional organization
CHRISTUM (A.A.C); the year before Christ (B.C)		سازمان نظارت بر آتش بس در فلسطین وابسته
leap year	سال کبیسه	United Nations Truce
fiscal year; financial year	سال مالی	Supervision Organization in Palestine (UNTSO)
tax year; taxable year;	سال مالیاتی	military organization
year of taxation		سازمان نقشه برداری
fiscal year	سال محاسباتی	topographic
ANNO DOMINI; in the	سال میلادی	organization
year of the lord (A.D); of the Christian era; Gregorian calendar year		سازمان وحدت افريقا
ANNO	سال هجری/ سال هجرت	Organization of African Unity (OAU)
HEJIRAE (A.H)		سازمان همکاری اقتصادی اروپا
	سال همکاری بین المللی ملل متحد	Organization for European Economic Cooperation (OEEC)
United Nations International		Civil Aviation
Cooperation Year		سازمان هواپیمائی کشوری
(ten) consecutive years	سال متوالی (ده)	Organization
PER ANNUM; annual(ly);	سالانه	Iran
yearly		Meteorological Organization
negative	سال به انتفاء موضوع	organizational
proposition because of its subject being non-existent		سازمانی
AB INITIO; doctrine of frustration of purpose		ساقط
Strategic Arms Limitations	سالت	lapsed
Talks (SALT)		ساقط شدن
		to lapse; to cease to be
		valid; to become void
		forfeiture of option
		ساقط شدن اختیار
		to render null; to invalidate
		ساقط کردن
		to forfeit an option
		ساقط کردن اختیار
		it is null and
		از درجه اعتبار ساقط است
		void; it is no longer valid

سازمان خواروبار و کشاورزی (سازمان ملل متحد)	Food and Agriculture Organization (FAO)	Organization
سازمان خیریه	charity organization	سازمان بین المللی هواپیمائی کشوری (ایکائو)
سازمان دولتی	governmental organization	International Civil Aviation Organization (ICAO)
سازمان رسمی	formal organization	سازمان تأمین اجتماعی
سازمان ذوب آهن ایران	Iranian Steel	Organization (SSO)
سازمان سیاسی	political organization	سازمان تأمین خدمات درمانی
سازمان صنایع نظامی	Military Industries	Medical Services Organization
سازمان صنعتی	industrial organization	سازمان تخصصی
سازمان عفو بین المللی	Amnesty	specialized agency;
سازمان عمران جزیره کیش	Kish Island	functional organization
سازمان عمران منطقه ای	Regional	سازمان توسعه شهری خوزستان
سازمان غیردولتی	non-governmental organization	Khuzestan Urban Development Organization
سازمان فنی وزارتخانه	technical	سازمان توسعه صنعتی ملل متحد
سازمان فوق حکومتی	supra governmental organization	United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)
سازمان قضائی	judicial organization	سازمان توسعه و برنامه ریزی
سازمان کشورهای صادرکننده نفت	Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC)	Bureau of Organization, Planning and Development
سازمان کفن و دفن	funeral home	سازمان همکاری اقتصادی و توسعه
سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران	Industrial Development and Renovation Organization of Iran (IDRO)	Organization for Economic Cooperation & Development (OECD)
		سازمان تولیدی
		سازمان جغرافیایی کشور
		National Geographic Organization
		سازمان جهانگردی ایران
		Iran National Tourist Organization (INTO)
		سازمان جهانی مراقبت هوا
		World Weather Watch (WWW)
		سازمان جهانی هواشناسی
		World Meteorological Organization (WMO)
		سازمان حفاظت
		security organization

technical supervision	سرپرستی تخصصی	سجل کیفری/سجل جزائی (م ۴۰ ق ر م)
general supervision	سرپرستی کلی	criminal record
direct or immediate supervision	سرپرستی مستقیم	tax records
head teller	سرتحولدار	identity paper
end of beam	سرتیر	or card
chief accountant; accountant	سر حسابدار	tribadism; lesbianism; the
general	سرحد	rubbing of genitals by two females
frontier	سرحد	angaria; forced labor;
umpire	سر حکم/ سرداور	fatigue- duty
new paragraph	سرخط	prevarication
umpire; presiding arbitrator	سرداور	one-sixth
notary- public	سردفتر	PER CAPITA; per head;
notary- public;	سردفتر اسناد رسمی	capitation tax
notary		soldier; Jack; private
maturity; due date;	سرسید	private first class
date due; expiry		infantry man
the bill	سرسید برات منقضی شده است	reservist
is overdue		pioneer
current	سرسید جاری/ سرسید نزدیک	conscript
maturity		barrack
to fall due	سرسیدن موعد پرداخت	conscription; recruitment
	سرزمین/ کشور/ قلمرو سیاسی	levee EN MASSE;
country; territory; land		levy in mass
no man's land	سرزمین بی صاحب	to decapitate; to behead
trusteeship	سرزمین تحت قیمومت	brigadier- general
territories		(in the police)
non-self governing	سرزمین غیر خودمختار	sergeant (in the police)
territories		guardian; supervisor; tutor;
motherland	سرزمین مادری	superintendent; acting head; acting manager
overseas territories	سرزمین ماوراء بحار	immediate or direct
TERRA INCOGNITA;	سرزمین ناشناخته	supervisor
unknown or unexplored region		tutelage; supervision

Islamic	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	year book	سالنامه
Revolution's Guards Corps		censorship	سانسور
to entrust; to deposit	سپردن	ساواک/ سازمان اطلاعات و امنیت کشور	
entrusted; deposit; deposited	سپرده	National Security and Information Organization (Savak)	
primary deposit	سپرده اصلی	ساواها/ سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران	
bank deposit	سپرده بانکی/ ودیعه بانکی	National Iranian Security and Information Organization (Savama)	
reserve deposit	سپرده پشتوانه	ساهی (م ۲۹ ق ح ق)	one who habitually
guarantee fund	سپرده تضمینی	makes mistakes; negligent	
fixed or time deposit	سپرده ثابت	question	سؤال
demand deposit; sight deposit	سپرده دیداری	leading question	سؤال تلقینی
time deposit	سپرده غیر دیداری	to ask; to question	سؤال کردن
derivative or secondary deposit	سپرده فرعی	insulting; curse	سب/ توهین
legal deposit	سپرده قانونی	cause; means; reason;	سبب
short- term deposit	سپرده کوتاه مدت	occasion; source	
time deposit	سپرده مدت دار	CAUSA REMOTA;	سبب با واسطه
army staff	ستاد	remote or mediate cause	
technical staff	ستاد فنی	سبب بی واسطه (م ۷۲۸ آدم)	
general staff	ستاد کل	CAUSA CAUSANS ;	
general staff	ستاد مرکزی	CAUSA PROXIMA; the immediate,	
column; beam	ستون	nearest, or latest cause	
debit (side); debit column	ستون بدهکار	cause of action	سبب دعوی
credit (side)	ستون بستانکار	CAUSA JUSTA; a true or	سبب صحیح
fifth column	ستون پنجم	just cause, motive or ground	
storming column	ستون حمله	title of ownership	سبب ملک
remaks column	ستون ملاحظات	CAUSA SINE QUA NON;	سبب ناگزیر
register; record; personal	سجل	a necessary or inevitable cause	
particulars ; identity card ; identity certificate	سجل احوال	CAUSA FALSA; an	سبب نامشروع
identity certificate;		untrue ground or motive	
identity card		afterthought; deliberate;	سبق تصمیم
		planned; premeditated	
		causality	سببیت

declared capital	سرمایه اعلام شده	census	سرشماری
initial or basic capital	سرمایه اولیه	velocity	سرعت گردش پول
capital intensive	سرمایه بر	thievery; larceny;	سرقت (م ۲۲۲ ق م ع)
dead stock	سرمایه بیکار و راکد	theft; stealing; pilfering; burglary;	سرقت; سرکشی; سرکشی; سرکشی;
paid up or paid-in capital	سرمایه پرداخت شده	robbery	سرقت مسلحانه
subscribed capital	سرمایه تعهد شده	plagiarism	سرقت ادبی / سرقت اختراعات
registered capital	سرمایه ثبت شده	burglary	سرقت از خانه
circulating or working capital	سرمایه جاری	sacrilege	سرقت از اماکن مقدسه
foreign capital	سرمایه خارجی	grand larceny	سرقت بزرگ
circulating capital	سرمایه در گردش	burglary	سرقت بوسیله شکستن حوز
hot money	سرمایه سوداگری	stealing	سرقت پول
corporate capital	سرمایه شرکت	theft in the	سرقت جنحای (م ۹۱ ق م ع)
share capital	سرمایه شرکت سهامی	nature of a misdemeanor	سرقت جزئی
short-term capital	سرمایه کوتاه مدت	pilfering; pilferage;	سرقت جزئی
joint stock; joint capital	سرمایه مشترک	swiping	سرقت ساده
available capital	سرمایه موجود	simple theft; larceny	سرقت عادی
bank capital	سرمایه مورد احتیاج بانک	theft	سرقت کردن
requirement	سرمایه نقدی	to commit theft	سرقت مسلحانه
cash capital; liquid capital	سرمایه‌های به هم منضم شده	armed robbery	سرقت مفید
blended fund	سرمایه‌گذاری	compound, mixed or	سرقت مفید
investment	سرمایه‌گذاری برنامه‌ای	aggravated larceny	سرقتی
planned investment	سرمایه‌گذاری تولیدی	key money; lease	سرکارگر
productive investment	سرمایه‌گذاری حقیقی	premium; fee for unlocking	سرکلانتری
real investment	سرمایه‌گذاری مطمئن	foreman	سرکسول
secure investment	سرمایه‌گذاری ناخالص	police headquarters	سرکسولگری
gross investment	سرمایه‌گذاری ناخالص	consul general	سرمایه
head assessor	سر ممیز	consulate general	سرمایه احتیاطی (م ۱۱۳ ق ت)
auditor general	سر ممیز کل	capital	fund
clue	سرنج	loan capital	سرمایه استقراضی
on the date due;	سرموعد / سروعد	CORPUS; the principal	سرمایه اصلی
		sum or capital	

bill discounted	سفته نزول شده	as promised	سری
note receivable	سفته وصولی	series	سری
maker of promissory note	امضاکننده سفته	secret, confidential	کاملاً سری
allonge	کاغذ ضمیمه سفته	top secret	سریر
stock jobber	سفته باز	throne	سطح
stock jobbery; agiotage;	سفته بازی	level, class	سطح اشتغال
speculation	سفته‌بازی کردن	level of employment	سطح زندگی
to fly a kite; to speculate	سفر	standard of living	سعی باطل
travel; journey; voyage; trip	سفر دریا	futile or fruitless efforts	سفارت
voyage; passage	سفر کوتاه	embassy	سفارش
trip	سفسطه	recommendation; order;	سفارش تلگرافی
sophistry; fallacy	سفسطه‌آمیز	instruction	سفارش خرید
sophistic (al); fallacious	سفسطه‌گر	cable order	سفارش دادن
sophist	سفک دماء	purchase order	to place an order;
bloodshed	سفه	to order	to order
mental incapacity; imbecility;	سفه متصل به صفر	job order	سفارش کار
asininity; feeble-mindedness	سفه	to indent	سفارش کالا (به کسی دادن)
minority-related	سفه	(upon a person) for goods	سفارش کلی
mental incapacity	سفید مهر	blanket order	سفارشنامه
signature to a blank	سفیر	letter of recommendation	سفارشی
document; paper signed in blank	سفیر آکرده	recommended; registered;	سفارشی
ambassador	سفیر پاپ	ordered	سفاهت
accredited ambassador	سفیر دارای اختیارات تام	lunacy; lack of maturity;	سفاهت
papal nuncio; legate	سفیر عادی	foolishness; silliness	سفاهت
ambassador	سفیر فوق‌العاده	promissory note; bill of	سفاهت
plenipotentiary	سفیر سیار	exchange	سفاهت
roving ambassador;	سفیر عادی	note payable;	سفاهت
ambassador at large	سفیر عادی	bill payable	سفاهت
ambassador (sent on	سفیر عادی	accommodation bill or note	سفاهت
permanent mission)	سفیر عادی	or paper	سفاهت
ambassador extraordinary	سفیر عادی	short bill	سفاهت
lunatic; insane; a person	سفیه	bill time draft	سفاهت

adult age; full age	سن بلوغ	monarchy	
pensionable age	سن تقاعد	absolute monarchy	سلطنت مطلقه
legal age; adulthood;	سن قانونی	hereditary monarchy or	سلطنت موروثی
being of age		kingdom	
working age	سن کار	absolute monarchy	سلطنت نامحدود
majority; adult age; full	سن کبر	royalist; monarchist	سلطنت طلب
age; old age		royal	سلطنتی
senate	سنا	rule; sovereignty; authority;	سلطه
senator	سنا تور	hegemony; dominance; domination;	
nominal senator	سنا تور انصافی	control	
tradition; custom	سنت (م ۲ قاجار)	predecessor; ancestor;	سلف
Sunna(h); tradition or	سنت رسول	forward purchase or short sale; time-	
practice of the Prophet		bargain; dealing in futures	
tradition related by	سنت متواتر	forward purchase; buying in	سلف خری
successive witnesses		advance	
traditionalism	سنت گرایی	to make a forward	سلف خریدن
Central Treaty Organization	سترو	purchase; to buy in advance	
(CENTO)		to make a short sale	سلف فروختن
fixing (pyxing) the coin	سنجشی عیار سکه	advance money; advanced;	سلم
guild; union; class	سنگ	forward	
deed; document; act; muniment;	سند	position; designation; capacity	سمت
voucher; bill; evidence		EX	به لحاظ سمت / از لحاظ سمت
writ of execution;	سند اجرایی	OFFICIO; VIRTUTE OFFICII; by	
enforceable document		virtue of one's office	
marriage certificate	سند ازدواج	boneman; dealer in second-	سمسار
deed of	سند استیفای دین از ملک رهنی	hand goods; second- hand dealer	
trust; trust deed		dealing in second-	سمساری
credit instrument	سند اعتباری	hand goods	
escrow	سند امانی	jumble shop	سمساری جزئی
deed of transfer or	سند انتقال	age	سن
conveyance		marriage age	سن ازدواج
bankable bill	سند بانک پذیر	pensionable age;	سن بازنشستگی
due bill; credit note;	سند بدهی	retirement age	

occupancy		of unsound mind; silly (person)	
coin; currency	سکه	foolish (ly)	سفیهانه
counterfeit coin	سکه قلب (م ۹۳ ق م ع)	abortion;	سقط جنین (م ۱۸۰ ق م ع)
to coin; to mint	سکه زدن	miscarriage	
armour; arms	سلاح	to miscarry; to abort	سقط جنین کردن
disarmament	خلع سلاح	ceiling	سقف
negation; withdrawal; taking	سلب	fall (ing)	سقوط
away; denial; disclaim; disown		lapse of privileges	سقوط امتیازات
to deprive or divest	سلب اختیار کردن	termination of	سقوط تعهدات
someone of his powers		obligations, contracts or indebtedness	
deprival of privileges	سلب امتیازات	lapse of a case (by	سقوط دعوی
denial of	سلب حریت (م ۹۶۰ ق م)	prescription); extinction of an action,	
freedom; deprivation of liberty		no steps having been taken within the	
foreclosure of a	سلب حق فک رهن	period of limitations	
mortgage		fall of price	سقوط قیمت
disqualification	سلب صلاحیت	inhabitants	سکه (م ۱۰۷ ق م)
to negate; to divest;	سلب کردن	abode; residence	سکنی
to take away		to dwell; to reside;	سکنی گزیدن
expropriation; taking	سلب مالکیت	to settle	
of property; dispossession		platform	سکو
disavowal of responsibility	سلب مسئولیت		سکوی ثابت قابل نصب و برداشتن
withdrawal of immunity	سلب مصونیت	roll- on, roll- off ramp; ro - ro ramp	
chain of causation	سلسله علل	silence	سکوت
hierarchy	سلسله مراتب	LONGA	سکوت علامت رضاست
SULTAN; king	سلطان	PATIENTIA TRAHITUR	
autocrat	سلطان مستبد	AD CONSENSUM; long sufferance	
dominion; kingdom;	سلطنت	is construed as consent	
monarchy; sultanate		silence of law	سکوت قانون
autocracy	سلطنت استبدادی	SUB SILENTIO; under	در سکوت
parliamentary monarchy	سلطنت پارلمانی	silence	
limited monarchy	سلطنت محدود	to pass over	در سکوت گزار کردن
constitutional monarchy	سلطنت مشروطه	in silence	
parliamentary	سلطنت مشروطه پارلمانی	residence; habitation;	سکونت

documentary evidence; legal force; authenticity; genuineness	سند مالکیت	title or ownership deed
syndicate	سند مالکیت معارض	adverse title deed
banking syndicate	سند مالی (بطور اعم)	bill
producers' association	سند مالیاتی	tax deed
trade association; syndicate	سند معمول / سند مزور	faked or forged document
pool	سند معارض	conflicting deed or instrument
employers' association; federation	سند معامله	instrument of transaction
trade- union; (U.S) labor union	سند معتبر	valid document
union of agriculturists	سند وصولی	note receivable
financial syndicate	سند هزینه	voucher
syndicalism	سند هزینه حسابرسی شده	audited voucher
lapidation; stoning or stoned to death	اتخاذ سند کردن	to invoke something as proof or evidence; to take notice of
to lapidate; to stone to death	اصل سند	original document
years	انکار سند / تکذیب سند	denial of a document
future years	تراشیدگی در سند	erasure
service life; length of service	تنظیم سند	to draw up a document; to execute a document; to draw a bill
past years	خلاصه سند مالکیت	abstract of title; brief of title
records	قسمت اصلی سند (که ایجاد تمهید ناشی از آنست)	operative part of a deed
accounting records	محتویات سند	contents, purport or text of the document
permanent records	مندرجات زائد در سند	surplusage
antecedents; past history of a person	مندرجات سند	contents or text of the document
penal records	سندسازی	forgery
copy; transcription to copy; to make a	سندیت / اعتبار	validity; legality; binding value, force or effect;

purporting a conditional sale	سند برائت	promissory note
proof of debt; evidence of indebtedness	سند بیطرفی کشتی	note of discharge
ordinary document; deed	سند بیمه	sea letter
under private seal or signature; private document; non-notarial document; instrument not executed or drawn up by a notary	سند پرداختی	insurance policy
deed under private seal	سند تابعیت	note payable
bill of sale; receipt; voucher	سند تجاری	document of nationality
re- conveyance	سند ترک دعوی	mercantile paper (bill)
negotiable instrument	سند تودیع امانت	quitclaim deed
bond	سند ثبتی و لازم الاجرا	deed of trust; trust deed
bearer bond	سند جعلی	perfect instrument
treasury bond	سند خسارت	forged document
perpetual bond	سند در وجه حامل (م ۳۲۰ ق ۲)	indemnity bond
annuity bond	سند در وجه حامل بانکی	bearer bond
public bond	سند دریافتی	bond
irredeemable bond	سند دستنویس	bank note
preference bond	سند دیداری	note receivable
interim certificate	سند دین	holograph
final deed (transferring a property)	سند رسمی	sight draft
an irrevocable deed (of sale) encumbered with mortgage	سند قرضه ممتاز	proof of debt; evidence of indebtedness
freight note	سند قرضه موقتی	notarial document; instrument executed or drawn up by a notary
ordinary or notarial instrument enforceable without a court order, such as cheque	سند قطعی	letter of hypothecation; mortgage deed
		journal voucher
		identification papers
		diplomatic
		instrument (note, dispatch, memorandum, declaration, ultimatum or protocol)
		notarial document

negligence	سوش / نه چک
share; (U.S) stock; portion;	سهم
share of estate	سهم الارث
inheritance portion	سهم الارث
partner's	سهم الشریک (م ۱۰۳ ق ت)
portion; contribution	سهم الشریک غیر نقدی (م ۱۱۸ ق ت)
contribution not in cash	سهم با اسم (م ۲۴ ق ت)
listed share	سهم اعلام شده
unlisted share	سهم اعلام نشده
half of the KHOMS	سهم امام
dividend share	سهم انتفاعی
initial share	سهم اولیه
registered share	سهم با اسم (م ۲۴ ق ت)
cum- dividend	سهم با سود
ex- dividend	سهم بدون سود
bearer share;	سهم بی اسم (م ۲۴ ق ت)
non-registered share	سهم غیر قابل انتقال
implicit rent	سهم زمین از کل تولید
capital stock	سهم سرمایه
share; bond; (U.S) stock	سهم شرکت
issued share	سهم صادر شده
unissued share	سهم صادر نشده
ordinary share; (U.S.)	سهم عادی
common stock	سهم عادی
non- negotiable	سهم غیر قابل انتقال
share; (directors') qualification share	سهم غیر نقدی
non- cash share	سهم قرضه
debenture- bond (stock)	سهم کاملاً پرداخت شده
fully paid share	سهم مؤخر
deferred share or stock	سهم مؤخر
founder's share	سهم مؤسس
joint shares;	سهم مشاعی (م ۱۴۶ ق ت ۱)
stub; counterfoil	سوش / نه چک
(of cheque)	
strategic	سوق الجیشی
oath; adjuration;	سوگند (م ۱۵۴ آدم)
adjure	سوگند خوردن / سوگند یاد کردن
to take	سوگند خوردن / سوگند یاد کردن
an oath; to swear	سوگند دادن
to swear; to administer an	سوگند دادن
oath to; to put a person on his oath	سوگند دروغ
perjury	سوگند دروغ خوردن
to perjure oneself;	سوگند دروغ خوردن
to forswear oneself	سوگند به شرافت
swear upon one's	سوگند شکنی
honor	سوگند وفاداری
perjury	سوگند وفاداری
fidelity affidavit or	سوگند نامه
bond; oath of allegiance	سوگند نامه
perjurer	کسی که سوگند دروغ می خورد
affidavit; swearing	سوگند نامه
formula	سهم (ج. سهم)
shares	سهم بانک
bank shares	سهم تضمینی / سهام وثیقه (م ۸ ق ت)
qualification shares	سهم تمهیدی (م ۳۳ ق ت)
shares	سهم توزیع نشده
subscribed for	سهامدار
unallotted shares	سهامدار عمده
shareholder; stockholder	سهامی
leading shareholder	سه طهر
joint stock	سهل انگار
three periods of menstruation	سهل انگاری
nonchalant	
nonchalance; carelessness;	

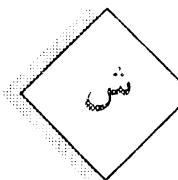
windfall profit	سود باد آورده
commercial benefit tax	سود بازرگانی
capital bonus	سود به صورت سهم
	سود پس افتاده و فعلی سهام ممتاز
cumulative preferential shares	سود توزیع شده
distributed profits	سود خالص
net profit	سود سهم / سود سهام
dividend	سود سهام اختیاری
optional dividend	سود سهام پایان سال
year- end dividend	سود سهام پس افتاده
dividend in arrears	سود تضمین شده
guaranteed dividend	سود سهام سرمایه
stock dividend;	
capital bonus	سود سهام فوق العاده
extra dividend	سود سهام غیر نقدی
property dividend	سود سهام متراکم
cumulative or	
accumulated dividend	سود سهام موقتی
interim or scrip	
dividend	سود قابل تقسیم
divisible dividend	سود ناخالص
gross profit	سود نقدی
cash dividend	سود و زیان
profit and loss	سود ویژه
net profit	سوره
chapter	سوسیالیست
socialist	سوسیالیستی
socialistic	سوسیالیستی کردن
socialization	سوسیالیسم
socialism	سوسیالیسم آرمانی
utopian socialism	سوسیالیسم صنعتی
guild socialism	سوسیالیسم علمی
scientific socialism	
copy of; to transcribe	سود
certified copy; true copy	سود مصدق
certified copy;	سود مطابق با اصل
true copy	سوء اجرای قرارداد
misfeasance	سوء استفاده
abuse; misuse	سوء استفاده از اختیار قانونی
misfeasance	سوء استفاده از حق
abuse of rights;	سوء استفاده از حق
misuse of law	سوء استفاده از سفید مهر
abuse of a	سوء استفاده از قانون
document, etc, signed in blank	سوء استفاده از قدرت
abuse of process	سوء استفاده کردن
misuse of authority	to abuse; to misuse;
to abuse; to misuse;	to take advantage of; to play on; to
to take advantage of; to play on; to	deceive; to act improperly
deceive; to act improperly	سوء تعبیر
misinterpretation	سوء تفاهم
misunderstanding	سوء رفتار
maltreatment	سوء سابقه
bad record	سوء شهرت
bad reputation	سوء ظن
suspicion; mistrust	سوء قصد
attempt on someone's life	سوء نیت
bad faith; bad intention	سوء نیت (عنصر معنوی جرم)
MENS REA;	criminal intent; guilty mind
criminal intent; guilty mind	سوء نیت قبلی
malice aforethought	از روی سوء نیت
MALA FIDE; in bad	faith
profit; benefit; interest	سود
anticipated profit	سود احتمالی
deferred dividend	سود اعلام شده و قابل پرداخت در تاریخ معین

of the place of one's descent or parentage	سیستم دو مجلسی / نظام دومجلسی	traditions of the learned system; method; model	سیستم عقلا
bicameral parliamentary system	سیستم قضائی / دستگاه قضایی	doctrine; theory	سیستم تملک واحد آپارتمانی در مجتمع
judicial system; judiciary	سیستم قیومت / نظام قیومت	condominium	مسکونی
trusteeship system	سیستم یک مجلسی / نظام یک مجلسی	cosmopolitanism	سیستم جهان وطنی
unicameral parliamentary system	سیف	mormon marriage	سیستم چند زنی
Cost, Insurance and Freight (CIF)		common law system	سیستم حقوقی انگلیس
		سیستم خاک / قاعده خاک / اصل خاک	
		JUS SOLI; doctrine of the law of the place of one's birth	
		سیستم خون / قاعده خون / اصل خون	
		JUS SANGUINIS; doctrine of the law	

LAPSUS; error; slip; oversight	سهو	shares held in common	
slip of the tongue	سهو زبان	apportioned share	سهم مفروز
LAPSUS CALAMI; slip of the pen	سهو قلم	preference share (م ۳۵ ق ت)	سهم ممتاز
to make an error or mistake	سهو کردن	or stock; preferred share or stock	
erroneously; by mistake; سهواً / سهوی		issued share	سهم منتشر شده
by oversight; inadvertently; mistakenly		unissued share	سهم منتشر نشده
having a share; sharing; سهم		scrip issue; provisional share	سهم موقت
partner; participant		cash share; share (م ۲۶ ق ت)	سهم نقدی
to have a share; سهم شدن		paid in money	
to participate		qualification	سهم وثیقه / سهم تضمینی
policy; ۱- سیاست / اداره امور مملکت		share	
diplomacy; politics		preferred stock (م ۳۵ ق ت)	سهم ویژه
monetary policy	سیاست پولی	or share	
سیاست تبعیض نژادی افریقای جنوبی		اضافه ارزش سهم (م ۱۵۸ ق ا ق ت)	
apartheid policy of racial segregation		premium	
foreign policy	سیاست خارجی	disposal or transfer of shares	انتقال سهم
punishment	۲- سیاست / تنبیه	share certificate	تصدیق سهم
to punish	سیاست کردن	to subscribe; to buy a share	خرید سهم
statesman; politician	سیاستمدار	stock- ledger; share register	دفتر سهام
diplomatic; political; politic	سیاسی	shareholder; stockholder	صاحب سهم
style; order; course; سیاق		leading shareholder	صاحب عمده سهام
trend; system of notation		to issue shares (at par, at a premium)	انتشار سهام
context; style of an expression	سیاق عبارت	bond	قطعه سهم (م ۲۴۳ ق ت)
proforma	سیاهه	گواهینامه حق خرید سهم (م ۱۷۱ ق ت)	
inventory	سیاهه اموال	subscription certificate	
proforma invoice	سیاهه موقت	balance in cash; cash distribution	معدل سهام
سیتو (پیمان آسیای جنوب شرقی)		form for the subscription of share	ورقه تمهیدسهم / ورقه خرید سهم
South East Asia Treaty Organization (SEATO)		quota; share; ration	سهمیه
life; tradition	سیره	quota; rationing	سهمیه بندی
biography of the Prophet	سیره النبی		

to misrepresent a case; القای شبهه کردن
 to instil doubts into one's mind
 to remove all doubt; رفع شبهه کردن
 to dispel doubt
 skull fractures شجاج (ج. شجه)
 ARBOR CIVILIS; pedigres; شجره نامه
 genealogy; genealogical tree; family tree
 skull fracture شجه
 person; individual; entity; شخصی
 party; man of credit
 person شخص بلاوارث (م ۱۴۹ ق م)
 without any heir
 third party or person شخص ثالث
 corporate شخص حقوقی (م ۸۵۳ ق ت)
 body; juridical person; legal entity; corporation
 شخص حقوقی (در حقوق خصوصی)
 commercial corporation or bank
 شخص حقوقی (در حقوق عمومی)
 government; municipality, ministries
 and profit-earning state institutions
 natural شخص حقیقی (م ۱۱۹ ق ا ق ت)
 person
 شخص دارای (سوء) سابقه در شهرداری
 person known to the police
 beneficiary; interested شخص ذینفع
 party
 natural شخص طبیعی (م ۲۰ ق ب ا ک)
 person
 شخص متعارف
 man of ordinary reason
 man of confidence شخص مورد اعتماد
 personal; private; in person شخصی

witness for the defense شاهد مدافع
 direct witness شاهد مستقیم
 rebuttal witness; شاهد معارض
 rebutting evidence
 credible witness شاهد معتبر
 to subpoena a witness احضار شاهد
 subornation of perjury; تهیه شاهد کاذب
 procuring a false witness
 suborner تهیه کننده شاهد کاذب
 communications network شبکه ارتباطی
 organization (grid) شبکه سازمانی
 likeness; analogue; similarity; شبهه
 quasi; sub
 quasi admission شبه اعتراف
 quasi-slavery شبه بردگی
 tort; quasi offense شبه جرم
 hypomania شبه جنون
 usufruct of fungibles شبه حق انتفاع
 tort شبه خطا
 tortfeasor شبه خطا کار
 quasi contract; شبه عقد / شبه قرارداد
 implied contract
 quasi intentional شبه عمد
 sub-continent شبه قاره
 quasi contract; شبه قرارداد / شبه عقد
 implied contract
 quasi judicial شبه قضائی
 doubt; dubiety; hesitation; شبهه
 skepticism; mistake
 error in law; mistake شبهه حکمی
 of law
 error in fact; mistake شبهه موضوعی
 of fact



principal witness شاهد اصل
 witness to a wedding شاهد ازدواج
 witness to a signature شاهد امضا
 or a deed
 subscribing or شاهد امضا کننده
 attesting witness
 witness for the شاهد تحقیق
 prosecution
 to witness something; شاهد چیزی بودن
 to bear a witness to something
 ear-witness شاهد سماعی
 competent witness شاهد صالح
 a righteous witness (in شاهد عدل
 religious sense)
 eye-witness شاهد عینی
 indirect witness شاهد غیرمستقیم
 secondary witness; شاهد فرعی
 second hand witness
 expert witness شاهد کارشناس
 false witness; perjurer شاهد کذب
 to call to witness شاهد گرفتن
 adverse or hostile شاهد متخاصم
 witness

index; indicator; criterion شاخص
 CHARGE D'AFFAIRES شارژدافر
 legislator; lawgiver شارع / قانونگذار
 road, way شارع / راه
 private road شارع خاص
 thoroughfare; highway; شارع عام
 public road
 employed; holding office; شاغل
 incumbent
 complainant; شاکی (م ۳۸ ق ک)
 petitioner شاکی (کارگر یا کارمند علیه کارفرما)
 grievant
 to sue; to complain شاکی بودن از
 complainant; claimant; شاکی خصوصی
 plaintiff
 libellant شاکی دعوی افترا
 blackmail شانتاژ
 REX; REGIS; king شاه
 regicide شاه کش / شاه کشی
 witness شاهد
 to cite as an example; to شاهد آوردن
 produce a witness; to adduce witness

شخصیت

personality	شخصیت
juridical personality; legal entity;	شخصیت حقوقی (م ۱۰۲ قاق)
corporate body	شخصیت حقوقی دادن
to incorporate	سراء/ خریدن
purchase; buying	شرایط (ج. شرط)
conditions; terms;	شرایط ارجاع (امر به داوری)
qualifications	reference
terms of	شرایط اساسی
essential or basic	conditions
emergency conditions	شرایط اضطراری
or situation	شرایط داوری
terms of arbitration	شرایط لازم
necessary or binding	conditions
conditions	شرایط مبادله
terms of trade	شرایط مخففه
attenuating, extenuating	or mitigating circumstances
agreed terms	شرایط مرضی الطرفین
aggravating circumstances	شرایط مشدده
conditions of sale	شرایط معامله
given conditions	شرایط معینه
conditions laid down;	شرایط مقرر
stipulated conditions	به اقتضای شرایط
as circumstances may	require
disqualified	فاقد شرایط
qualified; eligible;	واجد شرایط
having the right qualifications	شرح
description; explanation	شرح دادن
to give an account of;	

to describe; to explain	شرح ثبت
legend	شرح دعوی (در ادعانه/ کیفرخواست)
bill of particulars	شرح دعوی (در دادنامه)
record of	شرح و ظایف
proceedings before judgment	شرخی
statement of work;	شرط
job description	condition; clause; proviso;
champerty	stipulation; term; bet; wager
condition; clause; proviso;	شرط آزادی
stipulation; term; bet; wager	liberty clause
liberty clause	شرط ابتدایی
unilateral binding condition	شرط اختیاری
optional clause	شرط ارادی
potestative condition	شرط ارادی مطلق
absolute potestative	condition
condition	شرط اساسی (در عقد)
SINE QUA NON;	an indispensable or requisite condition
an indispensable or requisite condition	شرط اعتصاب، اغتشاش و غیره
strikes, riots, and civil commotions clause	شرط الحاق
adhesion clause	شرط انبار به انبار
warehouse to	warehouse clause
warehouse clause	شرط انتخاب قانون حاکم
choice of law	clause
choice of	شرط انتخاب مرجع رسیدگی
forum clause	شرط انتفاء حق
resolutive condition	شرط ایجاد حق
suspensive condition	شرط بارنامه و غیره
bill of lading, etc. clause	شرط برائت از عیب (م ۴۳۶ ق)
bill of lading, etc. clause	no responsibility for defect clause

guarantee	شرط بستن
proviso	شرط بقای اوضاع و احوال زمان انعقاد
no guarantee clause	REBUS SIC STANTIBUS clause
no responsibility clause	شرط به نفع ثالث (م ۱۹۶ ق)
impossible condition	favor of a third party
void condition	شرط پرداخت به طلا
termination clause	payment in gold clause
resolutive clause	شرط تبری از عیب
condition of performance (of a contract)	defects clause
condition of non-performance (of a contract)	شرط تصادم در موردی که هر دو کشتی مقصر باشند (تقسیم مسئولیت مشترک)
covenant real	both- to- blame- collision clause
covenant in law	suspensive condition
to make a provision; to stipulate; to lay down the condition	شرط تعلیقی
penalty clause	شرط تغییر مسیر
bailee clause	deviation clause
uncertain condition	شرط جزا/ شرط جزائی (م ۲۳۰ ق)
impossible condition	penalty clause
condition subsequent	شرط حداکثر مسئولیت
CONDITIO CAUSALIS; condition casuelle, or fortuitous condition which depends on a chance or hazard	maximum liability clause; restrictive clause
mixed condition, which depends partly on the will of the party and partly on the will of others	arbitration clause
rescinding clause	شرط حکمیت
	شرط خسارات مشترک
	general average clause
	شرط خلاف اخلاق
	immoral condition
	شرط خلاف قانون
	illicit condition
	شرط خلاف مقتضای عقد (م ۲۳۲ ق)
	condition contrary to the requirement of contract
	craft, etc. clause
	شرط دوه
	most favored nation clause
	شرط دولت کامله‌الوداد
	mortgage clause
	شرط رهن
	condition of description or qualification
	شرط صفت (م ۲۳۴ ق)
	condition of
	شرط ضمان (م ۶۴۲ ق)

شرکت تعاونی مصرف (م ۱۹۲ ق ت)	mutual insurance society	شرکت بیمه تعاونی
consumers cooperative company		
شرکت توسعه دامپروری و کشت و صنعت مغان	Bimeh Markazi	شرکت بیمه مرکزی ایران
Moghan Agrobusiness and Livestock Development Corporation	Iran; Central Insurance Company of Iran	
شرکت توسعه مهمانخانه‌های ایران	Iran	
Hotels Development Corporation	(U.S)	شرکت بی‌نام (م ۲۱ ق ت)
شرکت تولید نیرو و انتقال (توانیر)	incorporated company;	
Power Generation and Transmission Company (Tavanir)	public company; joint stock company	
شرکت خارجی	شرکت پشتیبانی لجستیکی (وزارت دفاع)	
Iran Housing	Logistics Support Corporation	شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپتر ایران
شرکت خانه‌سازی ایران	Iranian Helicopter Support and Renewal Company	
Company		
شرکت خدمات نفتی ایران	constituent company;	شرکت تابعه
Oil Services	subsidiary	
Company of Iran (OSCO)	commercial or trading	شرکت تجارتي
شرکت خدمات نفتی ایران با مسئولیت محدود	company	
Iranian Oil Service Company Limited (IROS)	controlled company	شرکت تحت کنترل
شرکت خیریه	شرکت تراکتورسازی ایران	
charitable or non-profit association; eleemosynary corporation		
going concern	Iran Tractor Company	
شرکت دایر	Manufacturing	
Iranian Tobacco	to form or to	شرکت تشکیل دادن
شرکت دخانیات ایران	organize a company	
Company (ITC)	Iranian Oil	شرکت تصفیه نفت ایران
شرکت راکد	Refining Company	
dormant company	general	شرکت تضامنی (م ۱۱۶ ق ت)
capital company	partnership	
شرکت سرمایه‌گذاری	شرکت تعاونی (م ۲۷ ق ک)	
investment company	cooperative	
شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران	company or society	
National	credit cooperative	شرکت تعاونی اعتبار
Investment Company of Iran (NICI)	society	
شرکت سهامی (م ۱ ق ا ق ت)		
joint stock company; (U.S) incorporated company		
شرکت سهامی خاص (م ۴ ق ا ق ت)		
private		
joint stock company		

شرکت تعاونی تولید (م ۱۹۰ ق ت)

producers cooperative company

شرکت جرم خود را لودادن (U.K)	condition precedent	شرط مقدم
to turn king's evidence; (U.S) to turn state's evidence; to be admitted as state's evidence	covenant	شرط منقسم به مالکیت زمین
شرکت (م ۱۹۵ ق ت)	running with land	
company; (U.S)	most favored	شرط ملتهای کاملاً الوداد
corporation; partnership; firm; concern	nations clause	
شرکت تشکیل دادن	impossible condition	شرط ممتنع
to form or to	illicit condition	شرط نامشروع
organize a company	condition	شرط نتیجه (م ۲۳۴ ق م)
voluntary partnership	of collateral events; condition of corollary	
شرکت اختیاری		
or participation	condition upon which	شرط نفوذ عقد
parent company	depends the enforcement of the contract	
شرکت اصلی		
credit society	condition unfulfilled	شرط واقع نشده
شرکت اعتبار	wagering; betting;	شرط بندی
voluntary	staking money on something	
شرکت اعیان / شرکت عقدی	to bet; to lay a	شرط بندی کردن
partnership	wager; to stake money on something	
شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران	sweepstake(s)	شرط بندی در اسب دوانی
Iranian	کسی که پول شرط بندی را به او می‌سپارند	
Oil Exploration and Producing Company (IOEPC)	stake holder	
شرکت امین	conditional; a conditional sale	شرطی
trust company	SHARIA; Islamic jurisprudence;	شرع
شرکت انبارسازی و انبارداری کشور	religious law; divine or canon law	شرعاً
Iran Warehouse Construction and Storage Company	according to religious	
شرکت ایرانی	law; religiously; canonically	
Iranian company	lawful; legal; religious;	شرعی
شرکت بازرگانی	spiritual; canonical	
trading company	legal device	کلاه شرعی
شرکت بازرگانی دولتی	religious laws; canon law	شرعیات
state trading	polytheism	شرک
corporation (STC)	partners;	شرکاء (ح. شریک)
company with	shareholders	
شرکت با سرمایه متغیر		
variable capital		
شرکت با مسئولیت محدود (م ۹۴ ق ت)		
limited liability company; a limited partnership		
شرکت بیمه		
insurance company		
شرکت بیمه انکائی		
reinsurance company		

unlimited liability شریک عمده / شریک اصلی
 senior partner شریک گرفته
 to take a partner شریک متعهد
 co- obligor شش دانگ
 entirety; the whole of a
 given property; the entire six parts
 into which a real estate is divided;
 entire; whole
 slogan شعار
 branch (office); section; شعبه
 chamber (of the tribunal)
 The First شعبه اول دیوان کشور
 Division of the High Court
 شعبه تشخیص دیوان عالی کشور (م ۴۳۹ آذک)
 Verification Branch of the High Court
 شعبه حقوقی دیوان کشور (م ۵۷۶ آذم)
 Civil Division of the High Court
 شعبه دادگاه
 division of the court
 employment; profession; شغل
 business; vocation; occupation
 self- employment; شغل آزاد
 independent occupation
 governmental شغل دولتی (م ۹۸۹ ق م)
 position
 official position شغل رسمی
 prostitution شغل فاحشگی (م ۲۱۳ ق م ع)
 salaried شغل موظف (م ۱۲۴ ق م م)
 position
 oral; verbal; parol شفاهی
 VIVA VOCE; verbally; by
 parol; by word of mouth شفاهاً
 preemption شفعه / حق شفعه
 preemptor; the person شفع

Iran National شرکت هواپیمایی ملی ایران
 Airlines Corporation
 شرکت نامه (م ۳۶ ق ت)
 memorandum;
 articles of association or me-
 morandum of association; charter
 شروط / شرایط (ج. شرط)
 conditions;
 terms; stipulations; provisos;
 covenants
 commencement شروع
 to attempt a crime شروع به ارتکاب جرم
 commencement of a crime شروع جرم
 LIS MOTA; a controversy شروع دعوی
 moved or begun
 SHARIA; the Divine Law شریعت
 of Islam
 partner; associate; participant شریک
 co- heir; joint heir شریک ارث
 nominal partner شریک اسمی
 senior partner شریک اصلی
 partner شریک المال
 شریک با مسئولیت محدود (م ۱۳۴ ق ت)
 limited partner
 co- conspirator; accomplice شریک توطئه
 in a sedition
 PARTICEPS شریک جرم (م ۲۷ ق م ع)
 CRIMINIS; accomplice; abettor
 شریک دز امضا
 cosignatory
 receiver of stolen goods شریک دزد
 sleeping partner شریک سرمایه رسان
 limited شریک سهامی (م ۱۷۴ ق ت)
 partner; partner limited by shares
 شریک ضامن (م ۱۲۵ ق ت)
 general
 or unlimited partner; partner with

Company
 parent or holding company شرکت مادر
 finance company شرکت مالی
 International شرکت مالی بین المللی
 Finance Corporation (IFC)
 close corporation شرکت محدود
 شرکت مخایرات ایران
 Telecommunications Company of Iran
 (TCI)
 joint- stock شرکت مختلط سهامی
 partnership
 limited شرکت مختلط غیر سهامی
 partnership
 civil partnership شرکت مدنی
 (company)
 holding company شرکت مرکزی
 National شرکت ملی پتروشیمی ایران
 Petrochemical Company of Iran
 National شرکت ملی صنایع مس ایران
 Iranian Copper Industries Company
 National Iranian شرکت ملی فولاد ایران
 Steel Company (NISC)
 National Iranian شرکت ملی گاز ایران
 Gas Company (NIGC)
 National Iranian شرکت ملی نفت ایران
 Oil Company (NIOC)
 wound- up company شرکت منحل شده
 controlling company شرکت ناظر
 proportional شرکت نسبی (م ۱۸۳ ق ت)
 liability partnership
 associated or affiliated شرکت وابسته
 company
 aviation company شرکت هواپیمایی

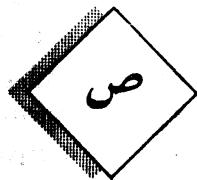
Iranian شرکت سهامی داروئی کشور
 Pharmaceuticals Institute (IPI)
 Iranian شرکت سهامی شیلات ایران
 Fisheries Company (IFC)
 public joint stock شرکت سهامی عام
 company
 leonine company شرکت شیر
 holding company شرکت صاحب سهم
 guarantee company شرکت ضمان تعاونی
 voluntary شرکت عقدی (م ۵۷۳ ق م)
 partnership
 corporation de facto شرکت عملی
 not-for- شرکت غیر انتفاعی / غیر تجاری
 profit corporation; non- profit,
 charitable or eleemosynary
 corporation
 شرکت غیر عقدی (م ۵۷۱ ق م)
 a combination of rights of several
 proprietors in one single thing by way
 of undivided shares
 subsidiary company شرکت فرعی
 corporation de jure شرکت قانونی
 voluntary شرکت قراردادی / شرکت عقدی
 partnership
 compulsory partnership شرکت قهری
 bogus company شرکت قلابی
 شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران
 Islamic Republic of Iran Shipping
 Lines
 parent شرکت کل / شرکت اصلی
 company
 controlling company شرکت کنترل کننده
 شرکت لبنیات پاستوریزه پاک
 Pak Dairy

primary evidence; original شهادت اصل
 evidence; first-hand evidence شهادت بر شهادت (م ۱۳۲۰ ق م)
 secondary evidence; second-hand evidence شهادت دادن
 to witness; to bear witness شهادت دادن
 to ; to give evidence of; to bear testimony شهادت دروغ
 perjury شهادت دروغ دادن (م ۲۱۵ ق م)
 to perjure شهادت خارج از دادگاه
 extrajudicial evidence شهادت در دادگاه
 judicial evidence شهادت زور/ شهادت دروغ
 perjury شهادت شفاهی
 parol or oral evidence شهادت فرع
 secondary or second-hand evidence شهادت کتبی
 written evidence; documentary evidence; deposition شهادت کذب
 perjury شهادت مؤثر در دعوی
 corroborating evidence شهادت مثبت دعوی
 probative evidence; conclusive evidence شهادت معارض
 rebuttal evidence اداء شهادت
 giving of evidence or testimony به شهادت طلبیدن
 to call to witness رجوع از شهادت
 withholding of evidence شهادت دهنده
 deponent شهادتنامه (م ۱۲۸۵ ق م)
 signed testimony; affidavit; deposition

Cooperation Council شورایعالی
 high council شورایعالی اقتصاد
 Economic High Council شورایعالی بهبود امور اداری
 Administrative Affairs Improvement High Council شورایعالی ثبت
 Registration High Council شورایعالی حفاظت فنی (م ۴۷ ق ک)
 Technical Safeguards High Council شورایعالی قضایی (م ۳ ق ر م)
 Judicial High Council شورایعالی کار
 Labour High Council شورایعالی کارآموزی و افزایش مهارت
 Training and Skill Improvement High Council شورایعالی مالی
 Finance High Council شورایی
 consultative شورش
 insurrection; mutiny; rebellion; revolt; revolution شورش کردن
 to mutiny; to rebel; to revolt شورش
 insurgent; rebel; mutineer; revolutionist شوهر
 husband شوهر دادن
 to give in marriage شوهر کردن
 to marry چندشوهری
 polyandry ۱- شهادت/ کشته شدن در راه خدا
 martyrdom به شهادت رسیدن
 to suffer martyrdom ۲- شهادت/ گواهی دادن (م ۱۳۰۶ ق م)
 testimony; evidence; witness شهادت از روی مسموعات
 hearsay evidence

for the first time شور دوم لایحه
 second reading of the bill شور کردن
 to deliberate; to consult شور
 council; assembly شورای اداری شهرستان
 Provincial Administrative Council شورای اصلاحات ارضی
 Land Reforms Council شورای امنیت
 Security Council شورای بخش
 district council شورای بین‌المللی آرشو
 International Council on Archives شورای بین‌المللی رفاه اجتماعی
 International Council on Social Welfare شورای پول و اعتبار بانک مرکزی
 Monetary and Credit Council of the Central Bank (MCCCB) شورای جهانی برای رفاه ناینبان
 World Council for the Welfare of the Blind شورای حکام
 Governors' Council شورای داور/ شورای حکمیت
 Arbitration Council شورای دولتی
 State Council شورای قیمومت
 Trusteeship Council شورای کارگاه (م ۱۵ ق ک)
 factory council شورای کشاورزی
 Agriculture Council شورای نگهبان (م ۳ ق ر م)
 Council of Constitutional Guardians; Guardian Council شورای وزرا
 council of ministers; cabinet شورای همکاری گمرک
 Customs

exercising the right of preemption شک
 doubt; suspicion شک را برطرف کردن
 to dispel doubt; to clear the air شکار
 hunting; prey; hunt شکار کردن
 to hunt; to prey upon شکار کردن در مناطق متنوعه
 to poach شکایت
 complaint; grievance شکایت کردن
 to complain شکایت متقابل
 counterclaim; cross-claim; cross-complaint; cross-bill شکجه
 torture; torment شکجه دادن یا کردن
 to torture; to exerceate; to torment شماره
 number شماره کردن
 to count; to reckon شماره ثبت
 registration number شمارش آراء
 counting votes شاحت منطقی
 logical cognition شناسایی
 recognition; reconnaissance شناسایی بالفعل
 de facto recognition شناسایی حقوقی / شناسایی دائمی
 de jure recognition شناسنامه
 identity card شناور
 floating; vessel شواهد (ج. شاهد)
 witness شواهد ظنی / اماره اتفاقی (م ۴۲ ق ح ق)
 circumstantial evidence شواهد و دلائل بظاهر قانع کننده
 prima facie evidence شور
 deliberation; consultation شور در مجلس
 reading شور اول لایحه تمام شد
 the bill was read



power of judgment صاحب سپرده
 depositor صاحب سهم
 shareholder; stockholder صاحب سهم اختصاصی
 allottee صاحب طلب ممتاز / طلبکار ممتاز (م ۵۲۲)
 preferential creditor (ق ت)
 owner of the cause صاحب عله
 owner of a share (in inheritance) صاحب فرض (م ۸۹۵ ق م)
 employer صاحب کار
 صاحب محضر / سردفتر اسناد رسمی
 notary public; person in charge of a notary public's office
 pension holder صاحب مستبری
 owner of property or land; landlord صاحب ملک
 landlord صاحب منصب
 civil official; functionary صاحب منصب امنیه
 high- ranking
 gendarmerie officer (old title) صاحب منصب پارک / صاحب منصب دادسرا
 officer of court; (م ۴۵۵ ق ت)
 prosecuting attorney (old title) صاحب منصب عالی رتبه
 high- ranking

صاحب owner; holder; possessor;
 master; lord
 patentee صاحب اختراع ثبت شده
 authorized person; man صاحب اختیار
 of authority
 CONCESSIONAIRE; صاحب امتیاز
 concessioner
 grantee (of a صاحب امتیاز روزنامه
 newspaper); proprietor
 signatory; authorized صاحب امضا
 signatory; person authorized to sign
 pawn broker صاحب بنگاه رهنی
 officer having financial responsibility (old title); purveyor صاحب جمع
 purveyor of supplies صاحب جمع جنسی
 purveyor of cash صاحب جمع نقدی
 artisan صاحب حرفه / پیشور
 landlord; owner of a house صاحب خانه
 صاحب دفتر اسناد رسمی (م ۸۱ ق ت)
 notary public
 financial administrator صاحب دیوان
 (old title)
 voter; person having the صاحب رأی

dual citizenship شهروندی مضاعف
 civic شهری
 tuition شهریه
 witnesses شهود (ج. شاهد)
 witness(es) شهود تحقیق (م ۱۴ آذک)
 for the prosecution; state's evidence
 to suborn شهود کاذب تهیه کردن
 conflict of evidence; اختلاف شهود
 conflicting evidence
 imposter شیاد
 money paid by husband to سبزهها
 wife's parents at the time of marriage
 in addition to marriage portion
 opium joint شیره کس خانه
 Shiite; follower or partisan (of شیعه
 Ali)
 the twelve- Imam Shiite شیعه اثنا عشری
 city; town; metropolis; month شهر
 month of truce شهر الحرام
 city- state (such as Vatican) شهر مستقل
 police شهرنانی
 State Police شهرنانی کل کشور
 Organization; National Police
 Administration
 (sur) name; renown; prestige; شهرت
 fame
 mayor; (U.K) Lord Mayor شهردار
 mayoress شهردار زن
 municipality; town council; شهرداری
 municipal council
 urbanization شهرسازی
 province شهرستان
 citizen شهروند
 citizenship شهروندی

inherited characteristic صلاحیت ارثی
competence; jurisdiction; صلاحیت
cognizance; power to try and determine causes صلاحیت تشخیص و تعیین سبب
additional jurisdiction صلاحیت اضافی
exclusive jurisdiction صلاحیت انحصاری
appellate jurisdiction صلاحیت پژوهشی
contentious jurisdiction صلاحیت توافقی
jurisdiction or صلاحیت دادگاه
competence of the court صلاحیت دادرس اختصاری
summary صلاحیت خلاصه
jurisdiction صلاحیت
inherent jurisdiction صلاحیت ذاتی دادگاه
of the court صلاحیت شخصی
jurisdiction based on صلاحیت شخصی
RATONE PERSONAE صلاحیت قضایی
judicial power or صلاحیت قضایی
competence صلاحیت
concurrent jurisdiction صلاحیت متقارن
jurisdiction or competence of the court; cognizance of the court; court's authority to judicially examine a matter صلاحیت محکمه (م ۱۷۱ ق م)
domestic صلاحیت محلی دادگاه
jurisdiction of the court صلاحیت مطلقه دادگاه / صلاحیت ذاتی دادگاه
absolute jurisdiction of the court صلاحیت مطلقه دادگاه
jurisdiction based on صلاحیت موضوعی
RATONE MATERIAE صلاحیت نسبی دادگاه
relative jurisdiction of the court صلاحیت هم عرض
parallel jurisdiction; صلاحیت هم عرض

specifies صراف
money changer صراف
money changer; cambist; صراف ارز
foreign exchange broker صراف و رشکسته
lame duck; صراف ورشکسته
defaulter on stock exchange; foreign exchange broker unable to meet his financial obligations صراف
exchange business صراف
agio صرف (پول، برات)
to waive; to relinquish; صرف نظر کردن
to give up; to abandon; to disregard; صرف نظر کردن از حق
to dispense with صرف نظر کردن از حق
to waive, forgo or relinquish one's right صرفه جویی
economization صرفه جویی
to economize; صرفه جویی کردن
to reduce expenses; to use sparingly صریح
express; explicit; clear صریح
categorical صعود
rise; elevating; climbing; صعود
soaring; ascension صعود
rise in prices; price hike صعود قیمتها
minority; juniority (م ۱۱۸۰ ق م) صغیر
minor premise; minor صغری (در منطق)
term صغیر
minor صغیر
a non- discerning minor صغیر غیرممیز (م ۱۲۱۵ ق م)
a discerning minor صغیر ممیز
minor sin صغیره / معاصی صغیره
strain; moral tendency صفت موروثی
forming part of a character; صفت موروثی

dower صدراعظم
chancellor; premier (obs) صدراعظم
truth صدق
customary application صدق عرفی
to apply to; to hold true صدق کردن
صدق ماثلت عرفی (م ۶۲ ق ح ق)
customary equality صدقه
charity; alms صدقه
charity of perpetual صدقه جاریه / وقف
benefit صدقه
alms- giver صدقه دهنده
almsman; eleemosynary صدقه گیر
injury; hurt; damage; harm صدمه
physical injury; صدمه بدنی / صدمه جانی
bodily harm or hurt صدمه جسمی ناشی از تصادف
accidental صدمه
injury صدمه دیدن
to be injured; to be صدمه دیدن
damaged; to be hurt صدمه زدن
to injure; to damage; to hurt صدمه زدن
issuance; export صدور
to draw a cheque صدور چک (در وجه)
(to the account of) صدور حکم
rendering of judgment; صدور حکم
making of award صدور حکم
arrest of خودداری از صدور حکم
judgment صراحت
clearness; explicitness; صراحت
specificity صراحت داشتن
to specify; صراحت داشتن
to be explicit; to be clear; to be clearly stipulated قانون صراحت دارد
the law stipulates or قانون صراحت دارد

official صاحب نظر
an authority on a particular subject; clear sighted person صادر کردن
exports صادر کردن
to export; to issue; صادر کردن
to send out صادر کردن
to underwrite سند بیمه دریایی
exporter; issuer صادر کننده
underwriter صادر کننده بیمه دریایی
outgoing; issued صادره
faster; fasting صائم
companions (esp. of the Prophet) صحابه
correctness; veracity; صحت
integrity; authenticity; validity; صحت
genuineness صحت امضا
authenticity of signature صحت دعوا
correctness of claim صحت عقل
soundness of mind صحت فعلی
propriety of a legal act صحت معامله
validity of a transaction صحت ساز
frame up صحت
signature; endorsement; صحت
approval; certifying; sanction صحت گذاشتن
to sign; to endorse; صحت
to sanction صحت ملوکانه
royal assent صحیح
correct; right; proper; صحیح
authentic; sound صحیح
health department (obs.) صحت
premiership (obs.) صحت
marriage portion; صداق (م ۱۰۷۹ ق م)
marriage settlement in favor of wife; صحت

co-ordinate jurisdiction
 incompetent فاقد صلاحیت
 competent; authorized; able صلاحیتدار
 peace; صلح (م ۷۵۲ ق م)
 settlement (arrived at by parties inter se); compromise; reconciliation;
 conveyance; transaction; transfer;
 mutual agreement; composition;
 accord and satisfaction
 gratuitous صلح بلا عوض (م ۷۵۷ ق م)
 or free transfer; settlement without a
 recompense; settlement with no
 consideration
 lasting peace صلح پایدار
 settlement of account صلح حساب
 permanent peace صلح دائم
 settlement in respect صلح در مقام دعوی
 of a claim
 صلح در مقام معامله (م ۷۶۱ ق م)
 settlement in respect of a transaction
 صلح در مورد تاراج (م ۷۶۱ ق م)
 settlement in respect of a dispute
 صلح دعوی به طور یکجا
 settlement by lump sum agreement
 صلح غیرمعمول
 settlement without consideration
 صلح کردن / to compromise; to convey;
 to transfer
 صلح مبنی بر تسامح / صلح مغایه ای (م ۷۶۱ ق م)
 settlement based on clemency صلح محاباتی (م ۷۵۸ ق م)
 settlement without equal
 considerations

armed peace صلح مسلح
 settlement صلح معروض (م ۲۴ ق م)
 against consideration
 settlement based on صلح مغایه ای
 clemency صلحنامه سازش نامه
 settlement agreement; deed of
 compromise صلحنامه در معاملات
 deed of conveyance or settlement صلحه دادگاه صلح
 peace court صلوة نماز
 daily prayers صلیب سرخ
 Red Cross صنایع (ح. صنعت)
 industries صنایع الکترونیک ایران
 Iran Electronics Industries (IEI)
 Iran Wood and صنایع چوب و کاغذ ایران
 Paper Industry, Inc (IWPI)
 Iran National صنایع دفاع ملی ایران
 Defense Industries (INDI)
 Computer صنایع و خدمات کامپیوتری
 Industries and Services Company
 (CISC)
 Iran Aircraft صنایع هواپیمائی ایران
 Industries (IACI)
 fund صندوق (م ۹۹ ق باک)
 ballot box صندوق آراء
 reserve fund صندوق احتیاط
 relief fund صندوق امانه
 pension fund صندوق بازنشستگی
 صندوق بازنشستگی مشترک کارکنان ملل متحد
 United Nations Joint Staff Pension
 Fund

bill; statement; list صورت
 panel صورت اعضای هیئت منصفه
 form of bill of exchange صورت برات
 inventory صورت برداری
 to make an صورت برداشتن (ازدارائی)
 inventory; to record صورت بستن (نطفه)
 to be conceived (in the womb)
 inventory صورت تحریر ترکه متوفی
 صورت تطبیق حساب
 reconciliation statement
 bank صورت تطبیق حساب بانکی
 reconciliation statement
 PROCES- VERBAL; صورت جلسه
 minutes
 statement of صورت جمع و خرج
 receipts and issues; statement of
 expenditure and income
 bill; invoice; صورت حساب (م ۱۰ ق ت)
 statement of account; debit note
 bank statement صورت حساب بانکی
 earning statement صورت حساب درآمد
 itemized statement صورت حساب ریز
 interim statement صورت حساب موقت
 to draw up a صورت حساب نوشتن
 statement of account
 صورت حسابی که به برات رجوعی ضمیمه
 می شود / حساب بازگشت (م ۳۰۰ ق ت)
 returned account
 to list; to bill; to render صورت دادن
 an account; to accomplish;
 to perform
 inventory صورت دارائی

صندوق بیکاری (م ۲۷ ق ک)
 unemployment fund
 صندوق بین المللی پول
 International Monetary Fund (IMF)
 صندوق پس انداز
 savings account
 صندوق تأمین خسارتهای بدنی (م ۸۲ ق م)
 Physical Injury Compensation Fund
 صندوق تثبیت ارز
 Exchange Stabilization Fund
 صندوق تعاون
 cooperative fund; aid fund
 صندوق تقاعد
 retiring fund
 صندوق دادگستری
 account of the Justice Administration
 صندوق دفاع و کمک بین المللی
 International Defence and Aid Fund
 صندوق قرضه الحسنه
 interest free loan fund
 صندوق کمک
 relief fund
 صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)
 United Nations Children's Fund
 (UNICEF); formerly United Nations
 International Children's Emergency
 Fund
 صندوق مخصوص ملل متحد
 United Nations Special Fund
 صندوق وجوه بیمه
 insurance fund
 صندوق ویژه
 special fund
 صنعت
 industry; craft; manufacture;
 workmanship
 صنف
 guild, trade; class
 صنف وراث
 class of heirs
 صور قبیحه
 obscene pictures

profit and loss account	صورت نفع و ضرر	asset and liability statement	صورت دارائی و بدهی
taxed bill of costs	صورت هزینه تقویم و تأیید شده (توسط دادگاه)	detailed or itemized statement ; break down (of expenditure, cost); cost analysis	صورت ریز
bill of costs	صورت هزینه دادرسی	bill of store	صورت ریز انبار
statement (of work)	صورت وضعیت	profit and loss statement	صورت سود و زیان
final statement	صورت وضعیت قطعی	appropriation bill	صورت ضبط اموال
fasting	صوم	account sales	صورت فروش
fictitious; superficial; sham; formal; outward; external	صوری	abstract of liabilities	صورت قروض (م ۵۴ ق)
Zionism	صهیونیزم	the free list	صورت کالای بی گمرک
conservation; protection	صیانت	PROCES- VERBAL; minutes	صورت مجلس
prey; hunting; fishing	صید	minutes (of the court)	صورت مجلس دادگاه
fishing	صید ماهی	protocol	صورت مجلس سیاسی
concubine; formula (of marriage or other contract)	صیغه	to draw up a proces- verbal	صورت مجلس کردن
to pronounce the formula (i.e complete the formalities) of a specified legal act	صیغه جاری کردن	statement of personal expenses	صورت مخارج شخصی
to pronounce the formula of marriage contract	صیغه عقد ازدواج جاری کردن	bill of materials	صورت مواد
divorce formula	صیغه طلاق	inventory	صورت موجودی
marriage formula	صیغه نکاح		

ض

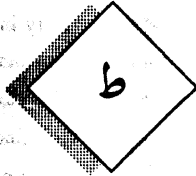
valid surety	ضامن معتبر	bailiff; law enforcement officer; judiciary police	ضابطه عدلیه
sureties liable	ضامین تهاشمی	order; rule; determining factor; criterion	ضابطه
jointly and severally		order of relationship	ضابطه نسب
sponsored by a surety	ضامن دار	person guilty of battery	ضارب
or guarantor		stray; astray; misleading	ضاله
archivist; filing clerk;	ضابط	surety; guarantor; sponsor	ضامن
filer ; keeper of the records ; recorder	۱- ضبط / بایگانی	bailman	ضامن حرفه‌ای
records; archives	ضبط کردن	to give security	ضامن دادن
to file; to keep on file; to record		guarantor (م ۷۰۸ ق م)	ضامن درک
current records	ضبط جاری	for faults in title; security against defects in title	ضامن درک ثمن (م ۳۶۲ ق م)
dead records	ضبط زاکد	responsible	ضامن درک ثمن (م ۳۶۲ ق م)
۲- ضبط / تصرف کردن / مصادره کردن		for claims in connection with the ownership of the consideration	ضامن درک مبیع (م ۳۶۲ ق م)
confiscation; forfeiture; restraint		for claims in connection with the ownership of the object of the sale	ضامن کسی شدن
forfeit to the state	ضبط دولت	to stand guarantor for a person	ضامن عین و منافع آن
ضبط کالا به دلیل عدم پرداخت حقوق گمرکی		responsible	ضامن عین و منافع آن
condemnation		for the object and its usufruct	
to confiscate; to forfeit; to restraint	ضبط کردن		
appropriation of goods	ضبط مال التجاره		
escheat	ضبط مال بدون وارث توسط دولت		
contrary; against; opposite;	ضد		
antagonist; counter; adverse; anti-;			

guarantee; guarantee of immediate payment
 security ضمان درک (م ۳۹۰ ق م)
 against faults in title
 personal surety ضمان شخصی
 ضمان مقیدی / عقد ضمان (م ۶۸۴ ق م)
 contract of guarantee; express trust
 ضمان عهده ثمن (م ۶۹۷ ق م)
 to guarantee the purchaser against the possible claims by a third party in connection with the ownership of the consideration
 ضمان عهده میع (م ۶۹۷ ق م)
 to guarantee the seller against the possible claims by a third party in connection with ownership of the object of sale
 ضمان عینی (م ۶۹۳ ق م)
 real guarantee ضمان قهری (م ۳۰۷ ق م)
 automatic
 guarantee or liability ; constructive trust
 ضمان مؤجل / ضمان مدت دار (م ۷۰۲ ق م)
 delayed or deferred guarantee
 ضمان مطلق (م ۷۰۴ ق م)
 general or
 absolute guarantee
 conditional ضمان معلق (م ۶۹۹ ق م)
 guarantee
 parties to contract اطراف ضمان
 of guarantee (the guarantor , the guarantee and the beneficiary)
 contract of ضمانت (م ۷۳۴ ق م)
 guarantee; contract of personal surety
 ضمانت اجرا

hardship
 most certainly; definitely ضرر قاطع
 necessity; exigency ضرورت
 historical necessity ضرورت تاریخی
 vital necessity ضرورت حیاتی
 case of necessity حالت ضرورت
 essentials of Islamic ضروری دین
 religion
 coefficient ضریب
 of feeble mind ضعیف العقل
 annexation ضم
 to add a trustee ضم امین
 to add a ضم ناظر (م ۱۲۲۲ ق م)
 supervisor
 guarantee; security; ضمان (م ۶۸۴ ق م)
 surety; guaranty
 ضمان اتلاف (م ۳۲۸ ق م)
 guarantee for
 deliberate destruction
 endorsement (on bill) ضمان احتاطی
 basic guarantee ضمان اصلی
 ضمان اعیان مضبونه (م ۳۱۱ ق م)
 guarantee to return the original of a thing
 ضمان بالتماس / ضمان عقدی
 contract
 of guarantee
 guarantee in its ضمان بمعنی اخص
 strict sense; a contract of guarantee
 guarantee in its ضمان بمعنی اعم
 general sense , including surety , security, guarantee
 joint and ضمان تضامنی (م ۴۰۳ ق م)
 several guarantee
 sight ضمان حال (م ۷۰۳ ق م)

future loss ضرر آینده
 constructive loss ضرر اعتباری
 loss caused by ضرر تأخیر انجام تعهد
 delay in performance of obligation
 to cause to sustain a loss ضرر زدن به
 loss caused by ضرر عدم انجام تعهد
 non- performance of obligation
 indirect damage ضرر غیر مستقیم
 to sustain a ضرر کردن / ضرر دیدن
 loss; to incur a loss
 tangible or ضرر مادی (م ۹ آدک)
 material damage
 DAMNUM ضرر محتمل الوقوع
 INFECTUM; threatened or
 impending damage
 direct damage ضرر مستقیم
 DAMNUM EMERGENS; ضرر مسلم
 actual damage
 mental ضرر معنوی (م ۹ آدک)
 injury (such as damage to reputation);
 intangible damage
 DAMNUM ضرر ناشی از قوه قهریه
 FATALE; fatal damage; damage
 from fate
 partial loss ضرر نسبی
 DAMNUM ضرر واقعی
 EMERGENS; actual damage
 preventing or avoiding دفع ضرر
 damage (such as by obtaining a preventive interdict)
 there shall be no لاضرر ولا اضرار
 unfair loss nor the causing of such
 loss; no hardship or the causing of

contra
 counter- revolution; ضد انقلاب
 counter- revolutionary
 deflation; counter- inflation ضد تورم
 deflationary ضد تورمی
 contradictory ضدو تقیض
 opposition; antagonism صدیت
 mint صراخانه
 coining; coinage ۱- ضرب / سکه زدن
 coinage of money ضرب سکه
 debasement ضرب سکه قلب
 battery; beating; blow; ۲- ضرب / زدن
 stroke
 battery; ضرب و جرح (م ۱۷۱ ق م ع)
 assault and battery
 aggravated ضرب و جرح با کیفیات مشدده
 assault and battery
 criminal assault ضرب و جرح جنائی
 simple assault and ضرب و جرح ساده
 battery
 assault with intent; ضرب و جرح عمد
 voluntary assault
 involuntary assault ضرب و جرح غیر عمد
 and battery
 common assault ضرب و جرح متعارف
 beating and use of ضرب و شتم
 foul language
 to commit battery; ایراد ضرب
 to inflict a blow
 grace(period); time limit ضرب الاحل
 crash صریتی
 crash course or program دوره صریتی
 DAMNUM; loss; damage ضرر



government bill	طرح دولتی	VERBATIM; literally; طابق النعل بالنعل
to initiate proceedings;	طرح دعوی	word for word; strictly to the letter;
to bring an action; to file a claim		exactly; corresponding
public bill	طرح عمومی	legal medicine طب قانونی
pre- investment	طرح قبل از سرمایه گذاری	IPSO FACTO; naturally طبعاً
project		social classes طبقات اجتماعی
legal draft; member's	طرح قانونی	classes of طبقات وراث (م ۸۶۱ ق م)
bill		heirs
tabling of a bill	تنظیم طرح	class; category; stage; طبقه
	طرز تنظیم سند (م ۱۶۱ ق م)	grade; order; group; story; floor
method of drawing up (a deed)	طرز عمل بین المللی	first generation طبقه اول از موقوف علیهم
international practice	طرف	of beneficiaries
party	طرف اصیل	classification طبقه بندی
a party who acts in his	طرف بازنده / محکوم علیه	mezzanine floor نیم طبقه
own right		draft; plan; design; طرح
judgment-	طرف برنده / محکوم له	project; scheme
debtor; losing party		to lay a foundation; to طرح ریختن
judgment- creditor; prevailing or winning party	طرف دلووری	draw a rough plan; to make a scheme
arbitrating party	طرف دعوی	to draw; to sketch; طرح کردن
party to the case;		to plan; to project; to propose, to set forth; to propound; to raise
opponent		draft regulation طرح آئین نامه
		private bill طرح خصوصی

ضمانتنامه برای استرداد پیش پرداخت	to be protected	ضمانت اجرا داشتن
L/G for refund of advance payment	by sanctions	
ضمانتنامه برای حسن انجام یا اجرای قرارداد	standby letter of credit	ضمانت احتیاطی
L/G for good performance; (good) performance guarantee	guarantee	ضمانت اصلی
ضمانتنامه جهت شرکت در مناقصه یا خرید	bank guarantee	ضمانت بانک
L/G for tender or bid participation	joint and	ضمانت تضامنی (م ۴۰۳ ق ت)
personal surety-bond	several guarantee	
ضمانتنامه شخصی	good performance	ضمانت حسن انجام کار
صمن عقد خارج لازم	bond	
by a separate binding contract	to vouch for	ضمانت درستی کسی را کردن
صمن عقد لازم	one's honesty	
irrevocable contract	to stand	ضمانت کسی را کردن
صمناً	quarantor for someone; to go	
incidentally; by the way; implicitly	guarantee for someone; to guarantee	
صمیمه	someone	
enclosed; enclosure; annex;	collateral or subsidiary	ضمانت فرعی
ضمیمه کردن	guarantee	
attached (to); supplement; addendum	automatic	ضمانت قهری (م ۳۵۵ آ د م)
to attach (to);	guarantee	
to annex; to supplement	sponsored by	به ضمانت
ضمیمه الحاقی	letter of	ضمانتنامه (م ۲۷۴ آ د م)
annex	guarantee (L/G)	
allonge	bank guarantee; standby	ضمانتنامه بانکی
ضمیمه سند (مثل برات، سفته)	letter of credit	
ضمیمه کردن		
to attach (to); to annex;		
to supplement		
annex to treaty		
ضمیمه معاهده		
codicil		
ضمیمه وصیتنامه		
estates; properties		
ضیاع		

bill of divorce or
divorcement; legal instrument of
divorce

طلاق نامه

debt; claim; sum outstanding to a
person's credit or due him by another
bank credit

طلب

bad debt
ordinary debt
bad debt
preferential or
privileged debt

طلب بانک

طلب سوخته

طلب عادی

طلب مشکوک الوصول

طلب ممتاز (م ۵۲۲ ق ت)

طلب وصول شدنی

طلبکار

طلبکار وثیقه دار

creditor secured
by pledge

طلبکار که رهینه در دست دارد (م ۵۱۴ ق ت)

creditor secured by pledge
free; unconditional; lawful;

طلب

(a property) free of all encumbrances
circumambulation (of the
Kaaba)

طواف

door to door salesman; hawker
NOLENS VOLENS;

طوعاً و کرهاً

unwillingly; willy- nilly; per force
scroll; roll

طومار

ceremonious purification
after easing nature

طهارت

legitimacy of birth
period of purity;

طهارت مولد

طهر

cleanness or purity (esp. of women
who are not menstruous); gap (of at
least 10 days) between two menses of

divorce;
divorcement; separation; breaking
up; dissolution

irrevocable or

permanent divorce

divorce

granted by the judge

repudiation of

marriage by wife (KHULA) based on

dislike of husband in exchange for a

compensation to him that may be

equal to, more, or less than her

marriage portion

to divorce (someone)

revocable

divorce

third divorce

(performed after three consecutive
marriages of the same parties)

religious divorce;

repudiation; divorcement

to be divorced from;

to be granted a divorce by

طلاق مبارات (م ۱۱۴۷ ق م)

a MUBARAT divorce is based on

mutual dislike of the spouses in which

case the wife seeks the divorce in

exchange for a compensation to the

husband which does not exceed the

value of her marriage portion

to petition for

divorce

divorced three times

سه طلاقه

ownership

diplomatic channels

طرق سیاسی

communication channels

طرق مواصلاتی

public ways;

طرق و شوارع عامه

common roads and highways

way; road; means;

طریق

path; manner; channel

amicable arrangement

طریق دوستانه

customary method

طریق متعارف

(Fegh) private road,

طریق مرفوع

such as a blind alley

(Fegh) public road

طریق نافذ

A FORTIORI; به طریق اولی/ به اقوی دلیل

all the more

(religious) way; rule

طریقیت

of life; religion

method; manner

طریقہ

accusatory system

طریقہ اتهامی

inquiry or inquisitorial

طریقہ تفتیشی

system

system of (trial by)

طریقہ وحدت قاضی

a single judge

piece; number; royal

طعری

monogram or signature

circumvention; subterfuge;

طفره

evasion; elusion

to circumvent

طفره رفتن

child

طفل

natural child; طفل حرامزاده

flower child; bastard

indiscerning child

طفل غیر ممیز

discerning child

طفل ممیز

illegitimate child; bastard

طفل نامشروع

طرف دعوی واقع شدن

party in interest; beneficiary

contracting party

offending party;

violating party; defaulting party

adverse party

adverse party; opponent

adherent; partisan; follower

طرفدار جدائی نژاد سفید و سیاه

segregationist

advocate for peace

to take the part of

somebody; to be partial; to side with

somebody

the two parties;

both parties; the two sides

parties to a contract

parties to an agreement

or treaty

طرفین متعاقبین / طرفین متعاهدین

contracting parties

the two parties to

a transaction

high contracting

parties

ways; roads; means

modes of proving; methods

of proof

administrative channels

rules of making an

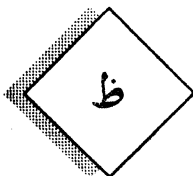
inference or deduction

remedies at law

modes of acquiring

طرق اعتراض

طرق تملک

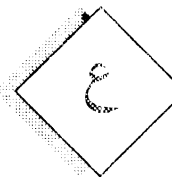


accommodation	ظهنويسى امدادى	tyrant; oppressor; cruel;	ظالم
endorsement		brutal; merciless; ruthless	
proxy endorsement	ظهنويسى توکيلی	exoteric; apparent	ظاهر
blank endorsement	ظهنويسى سفيد	form of the statute	ظاهر قانون
conditional endorsement	ظهنويسى شرطی	apparently; obviously;	ظاهراً
general endorsement	ظهنويسى عمومى	outwardly; seemingly	
to endorse; to indorse	ظهنويسى کردن	simulation	ظاهرسازى
restrictive endorsement	ظهنويسى محدود	conjecture; surmise; guess;	ظن
	ظهنويسى مشروط / ظهنويسى مقيد	presumption; suspicion; supposition;	
qualified endorsement		doubt; dubiousness; dubiety	
endorsement	ظهنويسى ناقل	violent presumption; ظن غالب / ظن قوی	
transferring the ownership of a bill to order or to the endorsee (special endorsement)		strong suspicion	
endorsement giving	ظهنويسى وثيقه‌ای	good or favorable opinion حسن ظن	
the endorsee the right of a pledge with regard to the endorsed bill		suspicion; mistrust سوء ظن	
special endorsement;	ظهنويسى ویژه	appearances (ج. ظاهر)	ظواهر (ج. ظاهر)
endorsement in full		outward appearances ظواهر خارجى	
endorsee	منتفع ظهنويسى	back; reverse side	ظهر
		overleaf	در ظهر ورقه
		endorser; (م ۲۳۷ ق ت)	ظهنويس (م ۲۳۷ ق ت)
		indorser	
		endorsement; indorsement	ظهنويسى

the period طهر موافقه (م ۱۱۴۱ ق م)
between two menses during which
sexual intercourse has taken place

a woman
clean period طهر غير موافقه (م ۱۱۴۱ ق م)
between two menses during which
sexual intercourse does not take place

agent in a contract of reward	عامل جملہ (م ۵۶۲ ق م)	into unauthorized contract	
claims collector	عامل خدقات	contracting parties	عاقدين / متعاقدين
sales agent	عامل فروش	SUI JURIS; sane; wise; of	عاقل
agent or farmer in a farmletting contract	عامل مزارعہ	sound or discerning mind; sensible	
farmer agent (in a contract for the irrigation and upkeep of fruit- trees in return for a specified share of the produce)	عامل مساقات	paternal relatives of a	عاقله (م ۱۲ ق م)
bailee agent	عامل مضارب	murderer, with the exception of women	
agency	عاملی / کارگزاری	learned; learned man;	عالم
PLEBIS; the public;	عامہ	scholar; scientist	
(Fegh) SUNNITE		theologian	عالم دین
income; earning; proceed	عایدی	knowingly; purposely;	عالماً
incomes; earnings;	عایدات (ج. عایدی)	intentionally; advertently	
proceeds		knowingly and purposely	عالماً و عمدتاً
worship	عبادت	an honorific title	عالیجاء
	عبادت زائد (در اقرارنامه، استشهادیہ، دادخواهی و غیره)	such as your honor	
proximity	عبور	common; popular; general;	عام
passage; passing;	عبور	public; vulgar; commoner; layman;	
crossing; transit	عبور آزاد	one who is neither a SAYED	
free passage	عبور بی ضرر	(Prophet's descendant) nor a	
innocent passage	عتیقہ	clergyman	
antique; relic; old or antiquated		of public utility	عام المنفعہ
antiquary	عتیقہ شناس	agent; factor; element;	عامل
justice; equity; fairness;	عدالت	active; skilled	
righteousness		exchange broker; mercantile	عامل ارز
justice before truth	عدالت قبل از حقیقت	broker	
to dispense or administer	عدالت کردن	prime factor	عامل اول
justice		insurance agent	عامل بیمہ
justly; righteously; just; fair	با عدالت	official in charge;	عامل تابع
		servant; employee	
		commercial agent	عامل تجارتی
		instigator; agent	عامل تحریک
		provocateur	
		factor of production	عامل تولید



petitioner; suitor		passer- by; wayfarer	عابر
to lodge a	از دست کسی عارض شدن	pedestrian	عابر پیاده
complaint against s.o; to bring an		disabled; impotent;	عاجز
action against s.o		crippled; unable	
contingent; accidental;	عارضی	aliquot part; any definite interest	عاد
adventitious		custom; habit	عادت
gnostic; learned person	عارف	social custom	عادت اجتماعی
loan; borrowing	عاریہ (م ۶۳۵ ق م)		عادت زنانگی (م ۱۱۴۰ ق م)
to loan; to lend;	عاریہ دادن	menstruation; menses; monthly period	
to give as a loan		individual habit	عادت فردی
to take a loan;	عاریہ گرفتن	customary rule	عادت مرسوم
to borrow; to have the loan of		recognized custom;	عادت مسلم
on loan; as a loan;	عاریدای	a custom, usage, habit or practice of	
(by way of) lending		the people which has been established	
lender	عاریہ دہندہ / معیر (م ۶۳۵ ق م)	by long usage	
	عاریہ گیرندہ / مستعیر (م ۶۳۵ ق م)	common habit or custom	عادت مشترک
borrower		righteous;	عادل (م ۱۱۳۴ ق م)
disobedient; anathematized;	عاق	just; fair; upright	
disinherited		justly; equitably;	عادلانہ
a contracting or transacting	عاقد	righteously; fairly; reasonably	
party; concluder (of a contract); priest		fair; reasonable	عادلہ
or notary marrying a couple		ordinary; usual	عادی
person entering	عاقد فضولی (م ۲۴۷ ق م)	complainant;	عارض / شاکی (م ۸۷ ق م)

period of abstention in the case of divorce (3 consecutive menses) عده نسیخ نکاح (م ۱۱۵۱ ق م)
 period of abstention in the case of revocation of marriage (3 consecutive menses) عده وفات (م ۱۱۵۴ ق م)
 period of abstention in the case of husband's death (4 months and 10 days) عده وفات (م ۱۱۵۴ ق م)
 punishment; torture; tribulation; pain عذاب
 excuse; justification; pretext عذر
 acceptable, justifiable or authorized excuse عذر موجه (م ۹ ق ب اک)
 unacceptable, unjustifiable or unauthorized excuse عذر غیرموجه
 PECCATUM عذر گناه بدتر از گناه است
 PECCATO ADDIT QUI CULPAE QUAM FACIT PATROCINIA DEFENSIONIS ADJUNGIT; he adds fault to fault who sets up a defense of a wrong committed by him
 building site; ground عرصه (در مقابل اعیان)
 the site and the superstructure عرصه و اعیان
 reputation; honor عرض
 petition; request عرضحال/ دادخواست
 petition to court of appeals عرضحال استثنائی
 petition to restore full rights عرضحال اعاده اعتبار
 petition of bankruptcy عرضحال افلاس

religious disability عدم صلاحیت کلی
 general disability عدم صلاحیت مدنی
 civil disability عدم صلاحیت موضوعی
 incompetence based on RATIONE MATERIAE عدم عطف قانون به گذشته
 non-retroaction of law عدم کفایت دلیل (م ۱۸۰ آذک)
 insufficiency of evidence عدم مداخله
 non-intervention; non interference عدم مواظبت
 carelessness عدم مهارت
 incompetence; unskillfulness عدم نفوذ (عقد، مامله) (م ۲۰۳ ق م)
 invalidity عدوان
 unjustly به نحو عدوان (م ۳۰۸ ق م)
 unjustly; without authorization بدعدوان (م ۳۰۸ ق م)
 taking possession of another's property without authorization عدوانی
 unjust; forcible; adverse عدواناً
 unjustly; forcibly; adversely عدول
 deviation; departure; revocation عده (م ۱۱۵۰ ق م)
 legal period of abstention of a widow or divorcee before her re-marriage; term of widowhood عده بائه
 period of abstention of wife (to remarry) in the case of an irrevocable divorce عده رجیمه
 period of abstention in the case of a revocable divorce

or incapacity عدم پرداخت برات
 dishonor a bill by non-payment عدم تجاوز
 non-aggression عدم تحقق
 frustration; non-realization; non-materialization عدم تسری
 inapplicability عدم تصریح به آنچه که تلویحاً مشمول حکم می گردد موثر در مقام نیست
 OMISSIO EORUM QUAE TACITE INSUNT NIHIL OPERATUR; the omission of those things which are tacitly implied is of no consequence عدم تمرکز اداری
 (administrative) decentralization عدم حضور
 non-attendance; failure to appear عدم حضور متهم در محل وقوع جرم به هنگام وقوع جرم
 alibi عدم رشد/ سفه
 immaturity; insanity عدم رعایت
 failure to observe; non-observance عدم سوء سابقه/ عدم سوء پیشینه
 clean record; security clearance; freedom from evil record عدم شناسایی
 non-recognition عدم صلاحیت
 disability; incompetence; non-jurisdiction عدم صلاحیت حقوقی
 legal disability عدم صلاحیت شخصی
 personal disability; incompetence based on RATIONE PERSONAE عدم صلاحیت شرعی
 canonical or

بی عدالت
 unjust; unfair عدد
 number; figure; numeral; piece عدد اصلی
 cardinal number عدد زوج
 even number عدد شاخص
 index number عدد طاق
 odd number عدد وضعی
 ordinal number عددی
 numerical; sold by the piece ۱- عدل/ عدالت
 justice; equity; fairness عدل الهی
 divine justice عدل و انصاف
 justice and equity ۲- عدل/ لنگه
 bale; half a load عدل بندی
 packing; packaging; bailing عدلین
 two men qualified to be witness عدلیه/ دادگستری
 justice administration عدلیه چی
 an employee of justice administration or a judge (obs) عدم اجرا
 non-performance عدم اجرای تعهد/ تخلف از تعهد
 failure to meet obligations; non-fulfilment of an undertaking عدم استحقاق (م ۹۵ ق م)
 absence of right; disentitlement عدم استقلال
 dependence عدم اشتغال
 unemployment; idleness عدم اقرار به جرم
 pleading not guilty عدم القع (م ۷۲۸ آذم)
 LUCRUM CESSANS; a ceasing gain as distinguished from DAMNUM عدم انجم وظیفه
 DATUM, an actual loss; loss of anticipatory profits; interest damage عدم اهلیت قانونی
 nonfeasance legal incompetence

Court of Appeals who is responsible for drawing up a report from the file
EX OFFICIO عضو من حيث است
member عضو
regular member عضو هادی
observer member عضو ناظر
juror; juryman; عضو هیئت منصفه
jurywoman عضو هیئت منصفه
membership عضویت
to affiliate; to admit به عضویت پذیرفتن
to membership عضویت
adverting; turning عطف
retrospection; عطف به ماسبق کردن
to be or make retroactive; to look backward; contemplating what is past عطف به ماسبق کننده
retrospective; عطف به ماسبق کننده
retroactive عطف
EX POST FACTO عطف قانون به ماسبق
law; retrospective or retroactive law عطف قانون به آینده
prospective law عطف قانون به آینده
chastity; modesty عفت
public morality and decency عفت و اخلاق عمومی
public morals; public decency عفت عمومی
pardon; forgiveness; (م ۵۵ ق م ع) عفو
remission; amnesty عفو
special amnesty عفو خصوصی
general amnesty عفو عمومی
chaste; modest (م ۱۷۷ ق ح ق) عقیف
landed property; عقار (م ۵۰۶ ق م)
real estate عقار
outstanding عقب افتاده / پرداخت نشده

INTERRUPTUS; withdrawal
 dismissal; عزل / از کار برکنار کردن
 discharge; removal from office; deposal
 to depose; to dismiss; to عزل کردن
 discharge
 tenth عشر
 tithe; ten percent dues عشریه
 chastity; immunity from sin; عصمت
 inerrancy عضو
 member عضو افتخاری
 honorary member عضو اصلی
 original or principal member
 municipal councillor عضو انجمن شهر
 retiring or outgoing member عضو بازنشسته
 permanent member عضو ثابت
 member of عضو جامعه بین المللی
 international community
 permanent member عضو دائمی
 state functionary عضو دولت
 councillor عضو شورای
 plebian; commoner عضو طبقه عوام
 alternate, substitute عضو علی البدل
 or reserve member
 full or regular member عضو کامل
 a member of the bar عضو کانون وکلا
 life member عضو مادام العمر
 apprentice or probationary member عضو مبتدی
 constituent عضو مجلس مؤسسان
 a judge in عضو ممیز (م ۴۴۹ آدک)

particular custom عرف خاص
 prevailing custom عرف شایع
 a particular trade practice, عرف صنعتی
 such as banking practice
 general custom عرف عام
 judicial practice عرف قضایی
 customary meaning of a word عرف لفظی
 عرف محل می بایستی محترم شناخته شود
CONSUETUDO MANERII ET LOCI OBSERVANDA EST; the custom of a place is to be observed
 local custom عرف محلی
 religious custom عرف مذهبی
 established custom عرف مسلم
 custom of a country عرف مملکتی
 custom and usage عرف و عادت
 commercial usage عرف و عادت تجارت
 and practice
 local established عرف و عادت محل
 custom and usage عرفاً
 customarily; according to common law عرفان
 SUFISM; gnosis; gnosticism; knowledge عرفانی
 based on gnosticism عرفی
 common; admitted by usage; customary; secular; temporal عروس
 bride; daughter-in-law عریضه
 petition; request عریضه تمیزی
 petition in appeal عرب
 bachelor; unmarried عزل (در جماع)
 COITUS
 petition to court of first instance عرضحال بدوی
 counterclaim عرضحال تقابل
 petition for عرضحال جلب ثالث
 impleader or to join a third party
 petition to recover damages عرضحال خسارت
 to sue for damages عرضحال خسارت دادن
 damages
 petitioner; suitor عرضحال دهنده
 supply عرضه
 fixed supply عرضه ثابت
 counteroffer عرضه متقابل
 supply and demand; offer and demand عرضه و تقاضا
 supplier عرضه کننده
 CONSUETUDO; custom; usage عرف
 practice عرف بازرگانی
 local custom; عرف بلد (م ۴۸۶ ق م)
 customary law of the place
 CONSUETUDO عرف به منزله قانون است
 EST ALTERA LEX; custom is another law
 عرف بهترین شارح قانون است
 CONSUETUDO EST OPTIMUS INTERPRES LEGUM; custom is the best expounder of the laws
 international custom or practice عرف بین المللی
 usage of trade; commercial practice عرف تجاری
 local trade custom or practice عرف تجاری محل

contract of temporary marriage	عقد موقت	contract of guarantee	عقد ضمان (م ۶۸۴ ق م)
definitive or commutative contract, as opposed to chance contract	عقد محقق	real contract, such as contract of deposit	عقد عینی
civil contract (one which is subject to provisions of the Civil Code, and not the Commercial Code)	عقد مدنی (م ۱۰ ق م)	contract by correspondence, letter, telegraph or messenger	عقد غائبین
contract of farmletting; sharecropping contract	عقد مزارعه	contract of hazard; aleatory contract	عقد غرر
successive contract; agreement for periodically renewable performance such as lease	عقد مستمر	contract CONTRA BONOS MORES	عقد غیراخلاقی
conditional contract	عقد مشروط	immediate contract	عقد غیرتدریجی / عقد فوری
absolute contract (one stipulating no condition)	عقد مطلق	consensual contract	عقد غیرتشریفاتی / عقد رضائی
consensual contract	عقد معاطاتی	absolute conveyance	عقد غیرخیاری
contract of exchange	عقد معاوضه	unilateral contract	عقد غیرمعاوضی
conditional contract	عقد ملحق	such as loan, deposit	
contract for a valuable consideration	عقد معوض	NUDUM PACTUM;	عقد غیرمعوض
a nominated contract, such as sale, insurance, marriage, etc	عقد معین	nude contract; a bare agreement such as settlement without consideration	
aleatory contract	عقد مضایقه / عقد شانس	nameless contract	عقد غیرمعین
contract by correspondence (through letter or telegraph)	عقد مکاتبه	void contract	عقد غیرموجود / عقد باطل
forced contract; contract under duress	عقد مکره (م ۳۴۶ ق م)	unenforcible contract	عقد غیرنافذ
synallagmatical or bilateral contract	عقد ملزم طرفین	void contract	عقد فاسد
CONTRACTUS	عقد ملزم یکطرف	unauthorized contract	عقد فضولی (م ۲۴۷ ق م)
UNILATERALIS; unilateral contract		immediate contract	عقد فوری
		revocable contract	عقد قابل فسخ
		judicial contract	عقد قضایی (م ۶۳۰ آ د م)
		irrevocable or binding contract; absolute conveyance	عقد لازم
		contract of beneficence	عقد لطفی
		executory contract	عقد مؤجل

agreement for periodically renewable performance or service (lease , employment, etc)	عقب افتاده ذهنی	mentally retarded	عقب ماندگی فرهنگی
formal or solemn contract	عقد تشریفاتی	culture lag	عقد / قرارداد
consensual contract	عقد تصویبی	contract; agreement;	conclusion of an agreement or contract
temporary marriage	عقد تمتع (م ۱۰۷۵ ق م)	aleatory contract	عقد اتفاقی
permissive, revocable or voidable contract	عقد جایز	LOCATIO REI; hiring;	عقد اجاره
collective contract	عقد جمعی	letting; contract of hire, lease or renting	
separate binding contract	عقد خارج لازم	charter- party	عقد اجاره کشتی
optional contract; terminable contract	عقد خیاری (م ۱۸۴ ق م)	social contract	عقد اجتماعی
arbitration agreement	عقد داوری	aleatory contract	عقد احتمالی
formal or solemn contract	عقد رسمی / عقد شکلی	benevolent contract;	عقد احسانی
consensual contract, as opposed to formal one	عقد رضائی	contract of beneficence	
pledge; collateral security	عقد رهن	administrative contract	عقد اداری
contract of mortgage	عقد رهن غیرمنقول	marriage contract	عقد ازدواج
contract of pledge	عقد رهن منقول	to marry; to conclude marriage contract with	عقد ازدواج بستن
of chattels; pawn		principal contract;	عقد اصلی
aleatory or chance contract	عقد شانس / عقد غرر	basic contract	
partnership (agreement)	عقد شرکت (م ۵۷۳ ق م)	constructive contract	عقد اعتباری
formal or solemn contract	عقد شکلی	contract of deposit	عقد امانت
proper contract	عقد صحیح	to conclude a contract;	عقد بستن
contract of settlement	عقد صلح (م ۷۶۷ ق م)	to enter into a contract	
formal or solemn contract; sham transaction	عقد صوری (م ۴۶۳ ق م)	void contract; contract null and void	عقد باطل
		simple contract	عقد بسیط
		sale contract	عقد بیع
		insurance contract	عقد بیمه
		contract of beneficence	عقد تبرع
		accessory contract	عقد تبعی
		commercial contract	عقد تجاری
		successive contract;	عقد تدریجی

material cause	علت مادی	signs; marks; signals; (ج. علامت)	علائم (ج. علامت)
direct, immediate or proximate cause	علت مستقیم	identification marks	علامت اختصاصی
VIS PROXIMA;	علت مستقیم صدمه	effeminacy; (م ۱۳۹ ق م)	علامت انانیت (م ۱۳۹ ق م)
proximate force or immediate cause of the injury		indications of femininity	علامت دریایی
CAUSA	علت مستقیم و نهایی	sea marks	علامت راهنمایی و رانندگی
PROXIMA; the immediate, nearest or latest cause		traffic signs	علامت رجولیت (م ۱۳۹ ق م)
RAISON D'ETRE;	علت وجودی	indications of masculinity	علامت
purpose or reason that justifies thing's existence		mark; sign; proof;	علامت گذاشتن
RATIO	علت و دلیل تصمیم و بارای	signal; token; standard; flag	علامت انگشت (م ۶۷ ق ت ۱۱)
DECIDENDI; the ground or reason for decision; the point in a case which determines the judgment		to mark	علامت تجارخانه
cause and effect	علت و معلول	finger print	علامت تجارتنی
A CAU A DE CY; for this reason	به این علت	shop sign; sign (board)	علامت صنعتی
bloodclot; coagulum; embryo	علقه	trade mark	علت
	علقه زوجیت (م ۱۰۳۵ ق م)	industrial mark	علت بید
VINCULUM MATRIMONII;		cause; reason	علت نام
matrimonial relation; marriage ties		CAUSA REMOTA;	علت نام
causes; reasons	علل (ج. علت)	a remote or mediate cause; a cause operating indirectly by the intervention of other cause	علت جنگ
FORCE	علل قهری (م ۳۲ ق م)	CAUSA SINE QUA NON; a necessary or inevitable cause	علت خارجی (م ۲۲۷ ق م)
MAJEURE factors or events; acts of God		CAUSUS BELLI; cause of war	علت صوری
mitigating circumstances	علل مخففه	outside cause	علت عمده
science; learning; knowledge;	علم	formal cause	علت غائی
scholarship		principal cause	علت غائی
general	علم اجمالی (م ۲۱۶ ق م)	CAUSA CAUSANS; final or ultimate cause	علت غیرقانونی
knowledge		illicit or immoral cause	علت غیرمستقیم صدمه
criminal sociology	علم الاجتماع کیفری	VIS IMPRESSA;	علت اصلی
		the original act of force out of which an injury arises	

sagacity ; judiciousness ; sapience;	عقد ممتاز / عقد تدریجی	successive	عقد متدرج
prudence		contract; agreement for periodically renewable performance or services	عقد منجز
common sense; sound	عقل سلیم	unconditional contract;	عقد نکاح
judgment		absolute conveyance	عقد واقعی
agent intellect	عقل فعال	marriage contract	عقد ودیعه (م ۶۰۷ ق م)
injurious; imprudent;	خلاف عقل	real contract; contract in rem	عقد وقف (م ۷۹ ق م)
unwise; against reason		contract of	عقد وکالت
rational; reasonable	عقلانی	endowment	عقد یک تمهیدی
intellectual	عقلی	contract of attorneyship	تنفیذ عقد
requital; punishment	عقوبت	unilateral contract	حین العقد
contracts; agreements (عقد ج. عقد)		ratification of a contract	contract is made
contracts inter absentes	عقود غیابی	at the time when the	ضمن عقد
innominate contracts	عقود غیرمعینه	contract is made	مکان وقوع عقد
nominate contracts	عقود معینه	under the terms of a contract	CONTRACTUS; the place where a contract is made
عقود منافعی اخلاق حسنه باطل و ملغی الاثر می باشد		LOCUS	فانون محل وقوع عقد حاکم بر قرارداد است
contracts CONTRA		CONTRACTUS; the place where a contract is made	LOCUS CONTRACTUS REGIT
BONOS MORES are void		ACTUM; the place of the contract governs the act	موضوع عقد
contracts and obligations	عقود و تعهدات	the subject- matter of the contract	نفوذ عقد
belief; faith; creed; opinion	عقیده	binding force or validity of a contract	وعده عقد
public opinion	عقیده عمومی	promise of a contract	عقدنامه
barren; sterile; infertile;	عقیم	marriage deed	عقل
castrated; abortive		intellect; reason; wisdom;	عقل
to castrate; to make barren;	عقیم کردن	rationality; wits; intelligence; brains;	عقل
to frustrate		common sense ; true discernment ;	
to render abortive;	عقیم گذاردن		
to forestall			
to come to naught; to be left abortive; to be forestalled	عقیم ماندن		
photograph; photo;	عکس		
picture; image			
photocopy of documents	عکس اسناد		
VICE VERSA; A	برعکس		
CONTRARIO; to the contrary			

OMNE عمل مبین نیت است / الاعمال بالنیات
 ACTUM AB INTENTIONE
 AGENTIS EST JUDICANDUM;
 every act is to be judged by the
 intention of the doer
 reciprocal act عمل متقابل
 ACTUS عمل مجرمانه / عنصر مادی جرم
 REUS; a wrongful deed
 criminal conversation; عمل متافی عفت
 unchaste act; act against decency
 DE FACTO; in practice; عملاً
 practically
 revenue operation; revenue عملکرد
 annual operation عملکرد سالانه
 laborer(s); unskilled worker(s) عمله
 operations; activities; actions عملیات
 execution operations or عملیات اجرایی
 formalities
 commercial transactions عملیات تجاری
 delimiting operations عملیات تحدیدی
 sabotage عملیات تخریبی
 liquidation عملیات تصفیه (م ۵۰۴ ق ۲)
 proceedings
 hostilities; war عملیات جنگی
 operations
 peace-keeping عملیات حفظ صلح
 operations
 (production) cycle عملیات کامل تولید
 preliminary عملیات مقدماتی ثبت
 registration formalities
 the beginning of عملیات مقدماتی جرم
 the preparation for the crime
 paternal uncle عمو

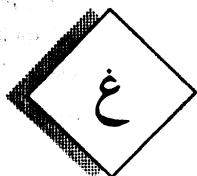
urban development عمران شهری
 community development عمران محلی
 regional development عمران منطقه‌ای
 life estate; عمری (م ۱۰۷ ق ۱۱)
 life interest; gift of property to the
 donee for his lifetime
 act; action عمل
 administrative act عمل اداری
 declaratory act عمل اعلامی
 FAIT ACCOMPLI; deed عمل انجام شده
 accomplished
 در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتن
 to be presented with a FAIT ACCOMPLI
 commercial act عمل تجاری
 administrative act or action عمل تصدی
 act of state عمل حاکمیت
 measure of conservation; عمل حفاظتی
 protective measures
 legal act عمل حقوقی
 bilateral legal عمل حقوقی دو جانبه
 act; convention; agreement
 unilateral legal عمل حقوقی یک جانبه
 act, such as waiver or cancellation
 hostile act عمل خصمانه
 irregular act عمل خلاف رویه
 political act عمل سیاسی
 shameful act; عمل شنیع (م ۱۰۵۶ ق ۲)
 pederasty; sodomy
 sham act عمل صوری
 act of parties عمل طرفین
 reflex action عمل غیرارادی
 judicial act عمل قضائی
 possessory action عمل مالکانه

against; con علیه / بر علیه
 paternal uncle قلم
 aunts عقات (ج. عمه)
 aunts related عقات ابی (م ۱۳۰ ق ۲)
 through father
 aunts related عقات ابوی (م ۱۳۰ ق ۲)
 through both parents
 aunts related through عقات امی
 mother
 building; edifice; construction; عمارت
 public building عمارت دولتی
 governor's office or عمارت فرمانداری
 residence
 agents; functionaries; عمال (ج. عامل)
 factors; officials
 diplomatic corps or staff عمال سیاسی
 will; intention; purpose; عمد
 design; intent
 MENS REA; criminal عمد جنائی
 intent; malicious or wrongful intent or
 purpose
 specific intent عمد معین
 intentionally; on purpose; عمداً
 deliberately; of set purpose
 whole saler; whole sale عمده فروشی
 dealer (trade)
 premeditated; wilful; voluntary; عمدی
 aforethought; prepense; deliberate;
 intentional
 life (time) عمر
 average life عمر متوسط
 application years عمر مفید یک دستگاه
 development عمران

anatomy علم تشریح
 exegetics علم تفسیر (کتابهای آسمانی)
 accounting علم حسابداری
 acquired science علم حصولی
 immediate science or علم حضوری
 gnosis
 the law علم حقوق
 political science علم سیاست
 knowledge علم فاضی (م ۲۷ ق ۲)
 of the judge; judicial notice; judge's
 personal knowledge of the facts
 theoretical science علم نظری
 ontology علم هستی
 learned men; scientists علماء (ج. عالم)
 the distinguished spiritual علمای اعلام
 leaders
 openly; publicly; in public علناً
 open; public; overt; open علنی
 to public; manifest; observable
 sciences علوم (ج. علم)
 social science علوم اجتماعی
 natural science علوم طبیعی
 intellectual sciences علوم عقلی
 transmitted sciences علوم نقلی
 descendant of Ali علوی
 a supporter of Ali
 causal علّی
 alternate علی البدل
 on account; in part علی الحساب
 payment
 PRIMA FACIE; on the علی الظاهر
 face of it; apparently; presumably
 causality علت

impotency	عین (م ۱۱۰۱ قم)	the public	عموم
impotent	عین (م ۱۱۲۲ قم)	public; general	عمومی
charges; taxes; dues; duties	عوارض	paternal aunt	عمه
wharfage charges	عوارض اسکله	agents of production	عناصر تولید
ad valorem duties	عوارض بر حسب ارزش	titles; pretexts	عناوین (ج. عنوان)
municipal	عوارض بلدی / عوارض شهرداری	forged titles	عناوین مجعول
taxes		under various pretexts	به عناوین مختلف
port charges, dues or	عوارض بندری	or various grounds	
tolls; harbor rates		when occasion arises	عند الاقتضا
state taxes	عوارض دولتی	in case of need; as occasion	عند اللزوم
toll (tax)	عوارض راه / حق العبور	arises	
surface tax	عوارض سطح شهر	on demand; at call	عند المطالبة
municipal taxes	عوارض شهرداری	on or upon receipt;	عند الوصول
public tax	عوارض عمومی	upon collection	
customs duties; tariffs	عوارض گمرکی	element; factor; ingredient	عنصر
local taxes	عوارض محلی	common element of	عنصر عمومی جرم
toll- gate	دروازه محل اخذ عوارض	crime	
common people; illiterate	عوام	legal element of crime	عنصر قانونی جرم
persons		ACTUS REUS;	عنصر مادی جرم
plebian	عوام (در روم قدیم)	physical element of crime	
the vulgar; commoners;	عوام الناس	PERSONA GRATA;	عنصر مطلوب
masses		person wanted; a desirable person	
demagogy; demagogism	عوامفریبی	MENS REA; mental	عنصر معنوی جرم
demagogical	عوامفریبانه	element of crime	
agents; factors;	عوامل (ج. عامل)	PERSONA NON	عنصر نامطلوب
elements		GRATA; person not wanted; an	
fixed factors	عوامل ثابت تولید	undesirable person	
agents of production	عوامل تولید	violence; force	عنف (م ۹۹ ق ح ق)
natural agents	عوامل مؤثر طبیعی	obtaining of signature	اخذ امضا به علف
aggravating circumstances	عوامل مشدده	by force	
incomes; earnings;	عواید / عایدات	obtaining of a deed	اخذ سند به علف
proceeds		by force	
QUID PRO QUO;	عوض	by force; by violence	عقفاً

Bank		consideration; compensation;	
to undertake (to do);	برعهده گرفتن	substitute; exchange; return	
to assume the responsibility		to remunerate; to reward;	عوض دادن
responsible; incumbent;	عهده دار	to give in exchange; to recompense	
charged or entrusted with		equivalent of the pledged	عوض رهن
to undertake; to take	عهده دار شدن	property	
charge of		known consideration	عوض معلوم
obligations; treaties;	عهود (ج. عهد)	CAUSA TURPIS;	عوض نامشروع
times		immoral or illegal consideration	
international treaties	عهود بین المللی	the considerations	عوضین
standard (of coins);	عیار	(in a transaction for consideration,	
fineness; carat		e.g., the object sold and the price	
fineness of coins	عیار سکه	thereof)	
to assay	عیار گرفتن	obligation; covenant; treaty;	عهد
assayer	عیارگیر	testament; time; era; epoch; promise	
wife	عیال / زوجه	treaty; convention; pact	عهدنامه
defect; fault	عیب	neutralizing treaty	عهدنامه بیطرف کننده
defect	عیب حادث (م ۴۲۵ قم)	treaty of neutrality	عهدنامه بیطرفی
occurring after sale but before		international treaty	عهدنامه بین المللی
delivery		trade convention	عهدنامه تجارت
previous defect	عیب سابق (م ۴۲۵ قم)	treaty for limitation	عهدنامه تحدید حدود
patent defect	عیب ظاهر (م ۴۲۴ قم)	of boundaries	
latent defect	عیب مخفی (م ۴۲۴ قم)	treaty granting	عهدنامه تفویض اراضی
festival; feast; holiday	عید	territory (to another state)	
legal or statutory holiday	عید قانونی	treaty; contract	عهدنامه قراردادی
national feast; national	عید ملی	consular convention	عهدنامه کنسولی
holiday		treaty of amity or	عهدنامه مودت
new year gratuity	عیدی (م ۱۲۴ قمم)	friendship	
CORPUS; object; substance;	عین	liability; charge; responsibility;	عهده
source; original; the thing itself;		undertaking; trust; obligation	
identical; article; chose		onus of proof; (م ۱۲۵۷ قم)	عهده اثبات
original of documents	عین اسناد	burden of proof	
concrete object	عین خارجی (م ۴۰۲ قم)	(drawn) on the National	عهد بانک ملی



extreme limit; end; غایت/ غرض
(desired) object or goal; motive;
cause; reason
interests of minor غبطه صغیر و مجنون
and insane person
interests غبطه مولی علیه (م ۱۲۴۱ ق م)
of a ward
fraud; loss; deception; غبن
cheat; injury; wrong
gross fraud or غبن فاحش (م ۴۱۶ ق م)
loss; evident deception
oncology غده شناسی
pool; pond; (only in EID-E غدیر
GHADIR festival celebrated on the
occasion of Ali being appointed
successor of Mohammad: so-called
because the event took place near a
pool in Arabia called Ghadir-e Khom)
indemnity; damages; غرامت
reparations; fine; mulct;
compensation; restitution
unemployment غرامت بیکاری
benefit or compensation

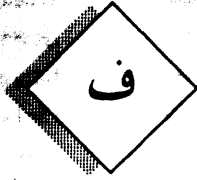
missing; absent; غائب
absentee; invisible
غائب مفقودالامر (م ۸۷۲ ق م)
a continually absent (person); lost and
untraceable (person)
disturbance; riot; quarrel غائله
final; ultimate غائی
person causing loss to the غابن
other party in a transaction; injuring
party
pillage; plunder; looting; غارت
havoc; booty
rapine of people's غارت اموال مردم
property
plunderage غارت کالا از کشتی
to pillage; to loot غارت کردن
to play havoc with
plundered (person) غارتزده
plunderer; robber غارتگر
usurper; غاصب (م ۲۰۸ ق م)
extortioner; usurping; tyrant
considered to be guilty در حکم غاصب
of usurpation

definite or specified object عین معین
the usurped عین منسوب (م ۳۰۸ ق م)
property or thing
chose transitory; عین منقول
movable property
object or عین موقوفه (م ۵۹ ق م)
substance of endowment; endowed
property
given property; gifted عین موهوبه
property
corpus and usufruct عین و منافع
exactly; just; in the original form; عیناً
identically; literally; in kind
to make facsimile عیناً رونویسی کردن
identical; exact; عینی (درمقابل مثلی)
irreplaceable, as a right or property
objective; physical عینی
to materialize عینیت یافتن
defects; faults عیوب (ج. عیب)

عین خارجی غیرمعین / عین غیرمعین
unspecified concrete object
specified concrete عین خارجی معین
object
the relief itself عین خواسته
unspecified object عین غیرمعین
CHOSE LOCAL; عین غیرمنقول
immovable property
thing of a عین کلی (م ۴۸۲ ق م)
general nature
original or actual property عین مال
thing which is عین مجهول (م ۴۷۲ ق م)
imperfectly known
thing which is عین مردد (م ۴۷۲ ق م)
uncertain
collateral property; عین مرهونه
the object pledged
object of lease; عین مستأجره
leased premises; the thing rented or
hired; rented premises

inadvertently;	بطور غیر عمدی	bootys; spoils	غنائم (ج. غنیمت)
unintentionally		booty; spoil; windfall;	غنیمت
inevitable; unavoidable	غیر قابل اجتناب	pillage	
unexecutable;	غیر قابل اجرا	to take as booty	غنیمت گرفتن
unenforceable		prize	غنیمت بحری (در زمان جنگ)
that which cannot be	غیر قابل استرداد	war spoils	غنیمت جنگی
reclaimed, restored or recovered;		IN ABSENTIA; in one's	غیاباً
irretrievable		absence; by default	
unappealable	غیر قابل استیناف	IN ABSENTIA; passed in	غیابی
non-transferable;	غیر قابل انتقال	default of a person	
unassignable		(Fegh) occultation	۱- غیبت / اختفا
irrevocable;	غیر قابل برگشت	minor occultation	غیبت صغری
not refundable		major occultation	غیبت کبری
incalculable	غیر قابل تخمین	absence;	۲- غیبت (م ۴۲ ق ک)
unquestionable	غیر قابل تردید	absenteeism; being away; backbiting	
unchangeable; unalterable;	غیر قابل تغییر	unjustified absence	غیبت غیر موجه
immutable		justified absence	غیبت موجه
indivisible	غیر قابل تقسیم	involuntary; automatic	غیر ارادی
indefensible	غیر قابل دفاع	cleemosynary; non-profit;	غیر انتفاعی
barren; arid	غیر قابل زرع	charitable	
irrevocable; irremovable	غیر قابل عزل	out of commission	غیر دایر
unpardonable	غیر قابل عفو	unofficial; informal	غیر رسمی
irrevocable; irrepealable	غیر قابل فسخ	immature	غیر رشید (م ۱۲۰۸ ق م)
uncollectable (-ible);	غیر قابل وصول	unlawful; illegal; not	غیر شرعی
irrecoverable		permitted by religious law	
ULTRA VIRES; illegal;	غیر قانونی	unreasonable; irrational;	غیر عقلانی
unlawful		injudicious; imprudent	
indecisive; uncertain;	غیر قطعی	IN CAMERA; in private;	غیر علنی
not final		not open to public	
unbeliever; infidel;	غیر کتابی	to hold the	غیر علنی بودن جلسه دادگاه
heathen; heretic		court session in camera	
unnecessary	غیر لازم	PER INFORTUNUM;	غیر عمدی
SUI JURIS; of full age	غیر مجبور	unintentional; inadvertent; involuntary	

creditors;	غُرما (م ۵۰۱ ق ت)	war reparation; war	غرامت جنگی
body of creditors in bankruptcy		indemnity	
to distribute among	به غرما تقسیم کردن	wage	غرامت دستمزد (م ۲ ق ت)
the creditors in proportion to their		compensation	غرامت خسارات کسی را دادن
claims, as a bankrupt's property		to indemnify someone for his loss; to	to compensate for one's loss
to rank as creditor	در غرما داخل شدن	to indemnify; to make	غرامت دادن
in the estates of a bankrupt		reparation; to compensate	
instinct; nature	غریزه	daily fine for delay	غرامت قصائی
innate; instinctive	غریزی	in performance of contract or in	payment of debt
creditor	غریم	penal fine	غرامت کیفری
dividend; a creditor's	حصه غریم	to receive compensation	غرامت گرفتن
share out of a bankrupt's liabilities		tax penalty	غرامت مالی
swooning; fit; syncope; fainting	غش	civil fine or amercement	غرامت مدنی
to faint; to swoon;	غش کردن	indemnitor	غرامت دهنده
to fall into a fit		idmnitee	غرامت گیرنده
habitually swooning;	غشی	alea; the chance of gain	غرر
epileptic; syncopal		or loss in a contract; risk	
fraud; counterfeit coin	غش	planting; plantation	غرس
usurpation;	غصب (م ۲۱۴ ق ح ق)	planting trees	غرس اشجار
misappropriation; extortion; seizing ;		motive; purpose;	غرض
expropriation; dispossession		grudge; interestedness	
conversion	غصب اموال	motive of crime	غرض جرم
to usurp; to	غصب کردن	private or personal motive	غرض شخصی
misappropriate; to extort; to seize		having no private motive	بی غرض
trover	غصب مال منقول	partial; based on	غرض آلود
	غصب نام خانوادگی (م ۹۹۸ ق م)	private motives	
usurpation of a family name		partiality; act(s) based	غرض ورزی
considered as or	در حکم غصب	on private motives	
amounting to usurpation		to show partiality;	غرض ورزی کردن
negligence; neglect; carelessness	غفلت	to be biased; to entertain a grudge	
to neglect; to disregard	غفلت کردن		
careless; neglectful	غفلت کار		
errata; corrigenda	غلط نامه		



agent; factor
 invoice فاکتور فروش
 feudal فئودال
 feudalism فئودالیسم
 interval; intermission فترت / فاصله
 religious injunction; judgment; فتوی
 judicial decree; rescript; sentence
 to pronounce a judgment; فتوی دادن
 to pronounce a decree on a point of
 religious jurisprudence; adjudge
 فته طلب / سفته (م ۳۰۷ ق ت)
 promissory note
 debauchery فجور / زنا
 scurrilous; abusive; فحاشی
 blackguardy; foul- mouthed
 scurrility; abusiveness فحاشی
 to use foul language فحاشی کردن
 foul language; abusive language فحش
 obscene act; فحشاء (م ۲۱۳ ق ع)
 fornication
 federation فدراسیون
 فدراسیون اطافهای تجارت ممالک مشترک
 Federation of Common المنافع

gross فاحش
 prostitution; whoredom; فاحشگی
 harlotry
 prostitute; whore; فاحشه (م ۲۱۳ ق م ع)
 harlot
 BORDELLO; brothel; فاحشه خانه
 house of ill repute
 corrupt; depraved; فاسد (شخص)
 vicious
 immoral; depraved; of فاسد الاخلاق
 corrupt morals
 to be depraved; to فاسد شدن (شخص)
 degenerate
 to vitiate فاسد کردن (عقد، معامله)
 perishable (food, etc) فاسد شدنی
 corruptible (individual)
 sinner; lewd (person); فاسق
 libertine; paramour
 fascist فاشیست
 fascism فاشیسم
 disqualified; unqualified فاقد شرایط
 incompetent فاقد صلاحیت
 invoice; list; bill; فاکتور

recompense; without consideration
 غیر ملکی / معسر (م ۶۹۰ ق م)
 destitute; insolvent
 undiscerning غیر ممیز
 immovable غیر منقول
 unjustified; implausible; غیر موجه
 unfounded; untenable; poor
 unsalaried غیر موظف
 invalid; not binding غیر نافذ
 stranger in blood غیر نسبی
 non- cash; non- monetary; غیر نقدی
 non- pecuniary

and capacity; independent
 unmarried (man) غیر محصل
 discover; unmarried غیر محصنه
 (woman)
 unbounded; غیر محصور (م ۵۶ ق م)
 unfortified; unwalled; unlimited
 irresponsible; غیر مسئول
 not accountable
 uninhabited غیر مسکونه
 unlawful; illegal; illegitimate غیر مشروع
 invalid; unauthentic; not good غیر معتبر
 without غیر معوض (م ۷۵۷ ق م)

merits	فرجام‌خواسته (م ۴۳۹ آدک)	dodging debt	فرار از زندان
object of	فرجام‌خواسته (م ۴۳۹ آدک)	jailbreak; breach of prison	فرار از زندان با رضایت و کمک زندانبان
claim in respect of which an appeal is made to the Supreme Court; relief sought under appeal	فرجام‌خوانده (م ۴۳۹ آدک)	voluntary escape	فرار از زندان بدون رضایت و اطلاع زندانبان
appellee;	فرجام‌خواه (م ۴۴۰ آدک)	negligent escape	فرار از زندان با اخلال
respondent (in Court of Cassation)	فرجام‌خواه (م ۴۴۰ آدک)	tax evasion	فرار از مالیات
appellant;	فرجام‌خواه (م ۴۴۰ آدک)	to put to flight;	فرار دادن
pleader for appeal	فرجام‌خواهی (م ۳۰۰ آدک)	to cause to escape	فرار کردن
pleading to the Supreme Court	فرجام‌خواهی (م ۳۰۰ آدک)	to run away; to flee;	فرار کردن
individual	فرد / شخص	to desert	فراری
SERIATIM; severally;	فرداً فرد	deserter; fugitive; runaway	فراری از تبعید
separately; individually; one by one; each one	فردگرا	fugitive from exile	فراری از خدمت سربازی (م ۹۷۹ ق م)
individualism	فردگرایی	deserter from military service	فراری از قانون
missing person	فرد گمشده	fugitive from justice	فراری از مالیات
offspring; child	فرزند	tax dodger	فراری دهنده
son worthy of his father	فرزند خلف	rescussor; rescuer	فراراش
adoption (of a child)	فرزندخواندگی	marriage bed	تجدید فراش
adopted child; godchild	فرزندخوانده	re-marriage	فراغ
filicide; prolicide	فرزندکشی / فرزندکشی	leisure; rest; ease;	فراغ دادگاه
filial (relation)	فرزندی	peace of mind	فراغ دمه‌ضامن
foundling	فرزند یافته	court recess	فراغ دمه‌ضامن
messenger; envoy; apostle	فرستاده	release of the guarantor	فراق
apostolic delegate;	فرستاده پاپ	from his undertaking	فرجام
papal nuncio	فرستاده فوق‌العاده	separation	فرجام (U.S) Supreme Court
envoy extraordinary	فرستاده مخصوص	appeal; Court of Cassation;	فرجام خواستن
special envoy	فرستاده	(U.S) Supreme Court	فرجام‌بندی (م ۵۴۴ آدک)
sender; exporter; transmitter	فرستنده	to appeal to the	فرجام‌مهری (م ۴۶۳ آدک)
shipper; consignor	فرستنده بار	Supreme Court	
unit of length	فرسخ / فرسنگ	ancillary appeal	
equal to 6.24 kilometers		appeal on	

Disabled Workmen and Civilian Handicapped	فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری مسیحی
International Federation of Workers' Educational Associations	فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های متصدیان حمل و نقل
International Federation of Library Associations	فدراسیون بین‌المللی تنظیم خانوادگی
International Federation of Workers' Travel Associations	فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر
International Shipping Federation Ltd	فدراسیون بین‌المللی مترجمان
International Federation of Translators	فدراسیون بین‌المللی فضانوردی
International Astronautical Federation	فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران
International Federation of Women Lawyers	فدراسیون بین‌المللی وکلای زن
World Federation of Trade Unions	فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری
federalism	فدرالیسم
ransom; money paid by	فدیه
wife to husband in lieu of KHOL divorce granted her by him	فرائض
religious duties; aliquot	فرائض
shares of inheritance, such as one-half, one-fourth, one-third, etc	فرار
escape; running away;	فرار از انجام وظیفه
flight; evasion	فرار از خدمت
evasion of duty	فرار از دین
desertion	
evasion of debt;	
Wealth Chambers of Commerce	فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری مسیحی
International Federation of Christian Trade Unions	فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های متصدیان حمل و نقل
International Federation of Freight Forwarders Association (FIATA)	فدراسیون بین‌المللی تنظیم خانوادگی
International Planned Parenthood Federation	فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر
International Federation for the Rights of Man	فدراسیون بین‌المللی مترجمان
International Federation of Social Workers	فدراسیون بین‌المللی فضانوردی
International Federation of Journalists	فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران
International Federation of Free Journalists	فدراسیون بین‌المللی وکلای زن
International Federation of University Women	فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری
International Federation of Women in Legal Careers	فدراسیون بین‌المللی تنظیم خانوادگی
International Federation of Business and Professional Women	فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر
International Federation of	فدراسیون بین‌المللی مترجمان

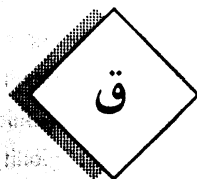
governorship; governor's office or residence	فرمانداری
gubernatorial	مربوط به فرمانداری
commander	فرمانده
commander-in-chief	فرمانده کل
governor-general; ruler; commander	فرمانفرما
superordination; command; sovereignty; office of a governor-general (obs)	فرمانفرمایی
sale; selling; vending	فروش
forced sale; sale by order of the court; compulsory sale	فروش اجباری / فروش به حکم دادگاه
execution sale	فروش اجرائی
voluntary sale	فروش اختیاری
public sale	فروش از طریق درج آگهی
sale on credit	فروش اعتباری
sale on instalments	فروش اقساطی
sale with right of redemption; sale with option to repurchase	فروش با حق استرداد مبیع
sale for futures	فروش به وعده
judicial sale;	فروش توسط مقام قضائی
sale by order of the court; execution sale	
auktion or clearance sale	فروش حراجی
private sale	فروش خصوصی
	فروش دارائی به سبب بازداشت یا ورشکستگی
distress sale	
tax sale	فروش به جهت عدم پرداخت مالیات
short sale; short bear sale	فروش سلف
fictitious sale	فروش صوری

FORCE MAJEURE;	فرس مازور
superior or irresistible force	
opportunist	فرصت طلب
۱- فرض / سهم الارث ثابت (م ۸۹۵ ق م)	
fixed portion of inheritance	
۲- فرض بر / صاحب فرض (م ۸۹۴ ق م)	
heir whose portion of inheritance has been determined by law; owner of portion of inheritance	
presumption	فرض / بندا داشتن
presumption of innocence	فرض بیگناهی
presumption of survivorship	فرض تأخر موت
legal fiction	فرض حقوقی
presumption of law; legal fiction	فرض قانونی
to suppose; to imagine; to assume; to presume	فرض کردن
ARGUENDO;	بر فرض محال
granting an impossibility	
to take for granted	مسلم فرض کردن
duty	۳- فرض / وظیفه
collective duty	فرض کفایی
hypothesis; theory	فرضیه
interest	فرع / ربح پول
calculation of interest	فرع بندی
sect; caste; faction	فرقه
sectarianism	فرقه گرایی
form	فرم
formality; ceremony	فرمالینه
FIRMAN; decree; charter	فرمان
presidential decree	فرمان رئیس جمهور
governor	فرماندار

portion of inheritance	فروش عمومی
defect; corruption;	فروش فاکتوری
perverseness; sedition; vitiation	فروش فوری
annulment; dissolution;	فروش قانونی
revocation; cancellation; termination; abolition; rescinding; rescission	فروش قسطی
withdrawal of an undertaking	فروش قطعی
loss or extinction of the option	فروش کمیسیون
quash or reversal (of judgment); the annulling or setting aside by an appellate court of a decision of a lower court	فروش متقلبانه
revocation or rescinding of a partnership	فروش مشروط
invalidation of a treaty	فروش مشروط (موکول به تصویب خریدار)
termination or cancellation of a contract	فروش با تایید
to cancel; to annul;	فروش با تایید
to dissolve; to terminate; to nullify; to rescind	فروش با تایید
debauchery; fornication; immoral life	فروش با تایید
pressure; compression;	فروش با تایید
squeeze; stress; strain; force; urge	فروش با تایید
inflationary pressure	فروش با تایید
irresistible force	فروش با تایید
in the grip of poverty	فروش با تایید
the settling of dispute	فروش با تایید
LEBENSRAUM; living space	فروش با تایید
outer- space	فروش با تایید
public sale	فروش عمومی
pro forma sale	فروش فاکتوری
outright sale	فروش فوری
forced sale	فروش قانونی
sale on instalments	فروش قسطی
absolute sale	فروش قطعی
sale on commission	فروش کمیسیون
fraudulent sale	فروش متقلبانه
conditional sale	فروش مشروط
	فروش مشروط (موکول به تصویب خریدار)
sale on approval	فروش با تایید
bargain sale	فروش معاملی
sale on credit	فروش نسیه
cash sale; cash on delivery	فروش نقدی
sale by sample	فروش نمونه ای
to put up for sale	به معرض فروش گذاشتن
chain stores;	فروشگاههای زنجیره ای
multiple store	
seller; vendor; dealer;	فروشنده
salesman	
culture; education; dictionary;	فرهنگ
lexicon	
lexicographer	فرهنگ نویس
academy	فرهنگستان
cultural; educational;	فرهنگی
an employee of the Ministry of Education	
deceit; fraud; seduction	فریب
deceitful	فریب آمیز
(religious) duty;	۱- فریضه / وظیفه دینی
precept (of God)	
specified	۲- فریضه / سهم ثابت از ارث

right of option	با قید دو فوریت	Continental Shelf	فلس
with two- starred urgency or priority		indigence; insolvency;	
SUPRA; above; foregoing	فوقاً	poverty; bankruptcy; small copper coin	
extraordinary	۱- فوق العاده	philosophy; real reason	فلسفه
allowance	۲- فوق العاده/ مزایا	philosophy of illumination	فلسفه اشراق
field allowance;	فوق العاده خارج از مرکز	rationalism	فلسفه اصالت عقل
out station allowance		materialism	فلسفه اصالت ماده
	فوق العاده سختی معیشت (م ۲۲ ق باک)	metaphysics	فلسفه الهی
job hardship bonus		economic	فلسفه جبر اقتصادی
cash deficit	فوق العاده کسر صندوق	determinism	
allowance; cashier's allowance to cover cash deficit		jurisprudence	فلسفه حقوق
master's degree	فوق لیسانس	scepticism	فلسفه شکاکیت
Master of Arts (M.A.)	فوق لیسانس ادبیات	materialism	فلسفه مادی
Master of Commerce (M.Com.)	فوق لیسانس بازرگانی	existentialism	فلسفه وجود
LEGUM MAGISTER; حقوق	فوق لیسانس حقوق	unpacked; loose	فله
Master of Laws (LL.M.)		feminism	فمینیسم/ جنبش دفاع از حقوق زن
Master of Science	فوق لیسانس علوم	art; branch of knowledge;	فن
(M.Sc.)		science; technique; trick	
Master of Education (M.Ed.)	فوق لیسانس علوم تربیتی	free on board (FOB)	فوب
Master of Business Administration (MBA)	فوق لیسانس مدیریت بازرگانی	death; decease;	فوت (م ۱۷۴ ق مم)
supranational	فوق ملی	demise; dying	
list; index; catalog(ue); table	فهرست	presumptive or presumed death	فوت فرضی
inventory	فهرست اموال	die intestate	فوت قبل از انشاء وصیت
schedule	فهرست راهنمای قانون	loss of profits	فوت منفعت
short title	فهرست عناوین قانون	actual death	فوت واقعی
table of contents	فهرست مندرجات	wasting or waste of time	فوت وقت
inventory	فهرست موجودی	urgency	فوریت
at the rate of; unit cost	فی	urgency	فوریت اخذ به شفعه (م ۸۲۱ ق مم)
		to exercise the right of preemption	
		first urgency	فوریت اول
		urgency to exercise the	فوریت خیار

demonstrative	فقه استدلالی	trade effluent; industrial waste	فضولات صنعتی
jurisprudence			
SHI'ITE FEGH; religious	فقه خاصه	meddling;	فضولی (م ۲۴۷ ق مم)
jurisprudence as practised by the Shi'ites		officiousness; unauthorized action	
SUNNITE FEGH; religious	فقه عامه	to meddle; to blab	فضولی کردن
jurisprudence as practised by the Sunnis		inborn; natural; innate	فطری
principles of religious jurisprudence	اصول فقه	alms given on Eid-e Fetr	فطریه
the jurists	فقها (ج . فقیه)	activity; effort; action;	فعالیت
jural; juratory	فقهی	endeavour	
poor	فقیر	profit-	فعالیت انتفاعی (م ۸۰ ق مم)
the jurist; jurisconsult (in Islamic law); specialist in Islamic jurisprudence	فقیه	yielding activity	
redemption; removal; separation; disjunction	فک	non- profit-	فعالیت غیرانتفاعی
settlement of loan	فک دین (م ۴۲ ق مم)	yielding activity	
release of mortgage;	فک رهن	فعالیت فرعی (رفاهی در مؤسسات اقتصادی)	
redemption		auxiliary activity	
to release a mortgage;	فک رهن کردن	cultural activity	فعالیت فرهنگی
to redeem		economic	فعالیت و برنامه اقتصادی
to redeem	فک کردن	activity and program	
redemption of	فک وثیقه (م ۵۱۶ ق ت)	act; action; deed	فعل (م ۲ ق رم۱)
pledge or security		conditional act	فعل مشروط
to redeem a security	فک وثیقه کردن	DE FACTO; IPSO FACTO	بالفعل
or pledge		to perform; to put in	به فعل درآوردن
حق فک رهن ملک را از مالک آن سلب کردن		practice; to carry into effect	
to foreclose a mortgage	کردن	AD INTERIM; for the meantime	فعلاً
plateau; mesa	فلات	(unskilled) labor; coolie	فعله/ عمله
continental shelf	فلات قاره	actuality	فعلیت
North Sea	فلات قاره دریای شمال	(knowledge of) religious jurisprudence	فقاهاست
		clause; passage; item;	فقره
		entry; point	
		FEGH; divine law; religious jurisprudence	فقه



imputable	قابل انتساب	LOCUM TENENS; successor;	قائم مقام
imputable	قابل انتقال	substitute; deputy	
alienable; transferable	قابل برگشت	commercial procurator or	قائم مقام تجاری (م ۳۹۸ ق ت)
revocable; refundable;		representative	
rectifiable	قابل پژوهش	real representative	قائم مقام حقیقی
appealable	قابل پیش بینی	AD HOC deputy;	قائم مقام خاص
foreseeable	قابل تردید	particular or specific devisee and/	
dubitable	قابل تسخیر	or legatee	
convertible	قابل تقویم	residuary devisee	قائم مقام عام
appraisable; assessable	قابل حمل	and legatee	
portable	قابل داد و ستد	legal representative,	قائم مقام قانونی
justiciable	قابل رجوع	substitute or proxy; assign; rightful	
revocable; voidable	قابل رسیدگی	claimant or owner; beneficiary	
verifiable	قابل رسیدگی قضایی	consular agent	قائم مقام کنسولی
actionable	قابل زرع	deputy prime	قائم مقام نخست وزیر
arable	قابل عزل	minister	
liable to dismissal;		deputy minister	قائم مقام وزیر
removable; revocable	قابل عفو	communicable	قابل ابلاغ
pardonable	قابل فروش	demonstrable; provable	قابل اثبات
saleable; vendible	قابل فسخ	executable; enforceable	قابل اجرا
revocable; terminable	قابل فک	appealable	قابل استیناف
redeemable	قابل قبول	attributable; ascribable;	قابل اسناد
acceptable			

on the spot	فی المجلس	to assess; to estimate	فی اردن
intrinsically; in itself	فی حد ذاته	FIATA; International Federation of	فیاتا / فدراسیون بین المللی اتحادیه های متصدیان
IPSO FACTO; PER SE;	فی نفسه	Freight Forwarders Associations	حمل و نقل
by the fact itself; by the mere fact; by		to sum up	فی الحمله
nature; inherently; by itself; in itself;			
intrinsically			

تولد او
JUS SOLI; the principle that a person's citizenship is determined by place of birth rather than by the citizenship of one's parents
 قاعده داراشدن غیرعادلانه
 theory of unjust enrichment
 قاعده سابقه
 rule of precedent
 قاعده عدل و انصاف
 rule of equity
 قاعده هیچ عذاب باین
NULLA PAENA SINE LEGE;
 no punishment except in accordance with the law; **NULLUM CRIMEN NULLA PAENA SINE LEGE**; there is no crime nor punishment except in accordance with law
 قاعده کلی
 general rule; maxim;
 axiom
 قاعده لاضرر
SIC UTERE TUO UT ALIENUM NON LAEDAS; use your own property in such a manner as not to injure that of another; there shall be no unfair loss nor the causing of such loss
 قاعده ید
 rule of possession
 (possession as owner is a proof of ownership unless the contrary is proved)
 قاعده
 according to the rule;
 as a rule
 قانون
 law; act; statute; rule;
 enactment
 قانون (در سیستم حقوقی امریکا)
 Act of

قاعده اعاده حقوق
JUS POSTLIMINII;
 the right of a person who had been restored to the possession of a thing or to a former condition, to be considered as though he had never been deprived of it
 قاعده اصالة الصحة (اصل بر صحت همه اعمال است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود)
OMNIA RITE ACTA PRAESUMUNTUR; all things are presumed to have been rightly done
 قاعده الاقرب يمنع الابد / قاعده حجب
 the nearer (of kin) excludes the remoter
 قاعده الولد للفرش
 the child belongs to the marriage bed
 قاعده اوفوا بالمقود
PACTA SUNT SERVANDA; agreements (and stipulations) of the parties (to a contract) must be observed
 قاعده پرچم
 law of flag
 قاعده تساوی افراد در برابر قانون
 rule of equality of persons before law
 قاعده حجب
 the nearer (of kin) excludes the remoter
 قاعده حقوقی
 rule of law
 قاعده حقوقی تعیین تابعیت طفل از روی تابعیت والدین او
JUS SANGUINIS; the right of blood; the principle that a person's citizenship is determined by the citizenship of the parents
 قاعده حقوقی تعیین تابعیت طفل از روی محل

قاچاقچی شبانه
 moonshiner
 قاچاقچی مواد مخدر
 drug trafficker
 قاذف
 one attributing the commission of adultery or sodomy to another
 قاصد
 messenger; courier; one capable of forming an intention; a person who contemplates any result
 قاضی / دادرس
 judge; justice; magistrate
 قاضی اختصاصی
 ad hoc judge
 قاضی اشتباه کننده
 erring judge
 قاضی القضاة
 chief justice
 قاضی استاده
 public prosecutor
 قاضی تحقیق
 examining magistrate;
 قاضی دربار
 judicial interrogator; judge in charge of legal inquiry
 قاضی تحکیم
 arbitrator
 قاضی سیار
 itinerant justice
 قاضی شرعی
 religious judge
 قاضی عرفی
 secular judge as
 opposed to religious judge
 قاضی فارغ (م ۱۵۵ آدم)
 judge
FUNCTUS OFFICIO
 قاضی کنسول
CONSUL
 sitting as
MERCHAND; tradesman
 قاضی نشسته
 judge in commercial court
 قاطع طریق
 judge at chambers
 highway robber;
 highwayman
 قاعدگی
 menstruation; monthly period;
 the menses
 قاعده
 rule; method; formula;
 doctrine; theory; principle

قابل مسامحه (م ۴۱۷ ق م)
 susceptible of
 being overlooked
 قابلیت
 ability; fitness; worth;
 قابلیت
 capability
 قابلیت انتخاب شدن
 eligibility
 قابلیت زیستن
 viability
 قابلیت صحت ازدواج (م ۱۰۴۱ ق م)
 medical fitness for marriage
 قابلیت عزل و نقل
 removable and
 قابلیت فروش در بازار
 transferable (official)
 قابلیت نقل و انتقال
 marketability
 قابلیت نقل و انتقال
 transferability
 قاتل
 murderer; killer; slayer;
 قاتله
 assassin; cutthroat; homicide; deadly; fatal; murderous
 قاتله
 murderess
 قاچاق
 contraband; smuggled;
 قاچاق اسلحه
 illicit; illegal; unauthorized
 قاچاق جنگی
 smuggling of weapons
 قاچاق خارجی
 war contraband
 قاچاق داخلی
 foreign smuggling
 قاچاق عوارض بلدی
 domestic smuggling
 قاچاق عوارض بلدی
 domestic
 قاچاق بدون پرداخت هزینه
 transportation of goods without paying municipal charges
 قاچاق کردن
 to smuggle; to swindle;
 قاچاق گمرکی
 to bootleg; to moonshine
 قاچاق گمرکی
 export- import of
 قاچاق گمرکی
 permitted goods without paying customs duties
 قاچاق مطلق
 absolute contraband
 قاچاقچی
 smuggler; contrabandist;
 قاچاقچی
 bootlegger

canon law, law Christian
recent, latter or
subsequent act or law
قانون لاحق قانون سابق را در صورت مطابقت
فسخ می کند
LEGES POSTERIORES PRIORES
CONTRARIAS ABROGANT; later
laws abrogate prior laws that are
contrary to them
binding law قانون لازم الرعایه
The Lessor- قانون مالک و مستأجر
Lessee Act; The Tenant and the
Landlord Act
Direct Taxation Act قانون مالیاتهای مستقیم
substantive law قانون ماهوی / قانون مالموی
subsequent, recent قانون لاحق
or latter act or law
Act قانون متمم قانون بودجه
Supplementary to the Budget Act
law fallen into desuetude قانون متروک
positive law قانون مثبت
Penal Code; penal قانون مجازات عمومی
statute
State Audit Act قانون محاسبات عمومی
LEX LOCI; the law قانون محل
of the place
LEX LOCI قانون محل ارتکاب جرم
DELICTUS; LEX DELICTI; the law
of the place where the crime took
place
LEX SITUS; قانون محل استقرار مال
LEX LOCI REI SITAE; the law of
the place where the property is

The Protection قانون حمایت خانواده
of Family Act
The Protection قانون حمایت و تملک جنگلها
and Ownership of Jungles Act
Law of Punishment قانون حدود و قصاص
and Retaliation
hard and fast law قانون خشک و سخت
domestic or internal law قانون داخلی
LEX FORI; the law قانون دادگاه
of the forum or court
applicable law قانون ذیربط
previously existing law قانون سابق
Sharia, canon or قانون شرع
ecclesiastical law
law of procedure; قانون شکلی
procedural law; adjectival law
the law stipulates قانون صراحت دارد
or specifies that
law of necessity قانون ضرورت
EX POST FACTO قانون عطف به ماسبق
law; retroactive law
law has قانون عطف به ماسبق نمی شود
no retroactive effect
LEX NON SCRIPTA; قانون غیرمدون
unwritten law
LEX TALIONIS; law قانون قصاص
of retaliation or retribution
Labour Act قانون کار
Official Experts قانون کارشناسان رسمی
Act
LEX TERRAE; the law قانون کشور
of the land
JUS CANONICUM; the قانون کلیسا

Non- litigious قانون امور حسبی
Jurisdiction Act
Law of Elections قانون انتخابات
Planning Act قانون برنامه
Budget Act قانون بودجه
Workers قانون بیمه های اجتماعی کارگران
Social Insurance Act
Social Security Act قانون تأمین اجتماعی
nationality law قانون تابعیت
Organization of قانون تشکیلات عدلیه
the Ministry of Justice Act
the قانون تشکیل دیوان کیفر کارکنان دولت
Establishment of the Civil Servants
Tribunal Act
interpretative law قانون تفسیری
imperative قانون تکلیفی / قانون الزامی
or prohibitive law
Registration Code قانون ثبت اسناد
Registration قانون ثبت اسناد و املاک
of Deeds and Properties Act
Registration of قانون ثبت شرکتها
Companies Act
penal or criminal law قانون جزا
prevailing or governing قانون حاکم
law
LEX CAUSAE; قانون حاکم بر دعوی
law governing the case
LEX LOCI قانون حاکم بر قرارداد
CONTRACTUS; the law by which the
contract is to be governed, which may
or may not be the same as that of the
place where it was made
martial law قانون حکومت نظامی

Congress
Act of (در سیستم حقوقی انگلیس)
Parliament; Parliamentary Act
code of procedure; قانون آئین دادرسی
procedural or adjective law
Criminal قانون آئین دادرسی کیفری
Procedure Code
Civil Procedure قانون آئین دادرسی مدنی
Code
mandatory statute; قانون آمره
imperative law
adjective law قانون اجرائی
facultative law قانون اختیاری
law of inheritance قانون ارث
directory statute قانون ارشادی
constitutional law; قانون اساسی
the organic law
قانون اساسی عادی (ordinary) constitution
customary constitution; قانون اساسی عرفی
unwritten constitution
rigid constitution قانون اساسی غیرعادی
unwritten قانون اساسی غیرمدون
constitution
written constitution قانون اساسی مدون
Islamic law; Sharia law قانون اسلام
State Civil Service قانون استخدام کشوری
Act
Code of Procedure; قانون اصول محاکمات
law of procedure
Prevention of قانون اقدامات تأمینی
Crimes Act
imperative or قانون الزامی
prohibitive law

taking delivery; seizing; entering into;	نشر قانون	promulgation or proclamation
taking possession of	of law	
قبض پیش پرداخت مالیاتی (م ۱۶۹ ق.م.م)	نص قانون	letter of a statute or law
receipt for advance tax payments	نقص قانون	deficiency, brevity,
قبض رسید / قبض دریافتی		inconsistency or silence of law
receipt form	نقص قانون	breach of law;
or slip		infringe the law
debit memo or note	قبض طلب	FRAUDE A LA LOI;
bill of debt;	قبض عندالمطالبه	نیرنگ به قانون
(U.S.) due bill		against the law; legal device
to seize; to enter	قبض کردن	enactment or passing of law
into possession; to take possession		jurist; jurisconsult;
taking delivery	قبض و اقباض	قانون دان
and handing over; to give and take		legal expert; jurisprudent; legalist
delivery of		legislator; lawgiver;
receipts; bills	قبوض (ج. قبض)	قانونگذار
accept; accepting;	قبول	lawmaker
acceptance; admitting; agreement;		legislation; lawmaking
consent; acquiescence		قانونگذاری
naturalization	قبول تابعیت	DE JURE; legal; statutory;
acceptance of inheritance	قبول ترکه	قانونی
acceptance of bill	قبول سفته	licit; legitimate; regular; lawful;
express acceptance	قبول صریح	forensic
implied acceptance;	قبول ضمنی	forensic
implicit acquiescence		forcible; powerful; قاهر (م ۶۲۱ ق.م)
verbal acceptance	قبول لفظی	the person exercising force
acceptance of legacy	قبول وصیت	deed; deed of قباله / سند
acceptance	قبولی	sale; title deed
acceptance; to (م ۲۲۸ ق.ت)		certificate of land قباله زمین
accept a bill; to honour a draft		deed of marriage قباله نکاح
قبولی برات به وسیله شخص ثالث پس از		contract; marriage certificate
اعتراض به منظور حفظ حیثیت محال علیه		indecent; indecent nature قبیح
acceptance supra protest		intrinsic indecenty قبیح ذاتی
to accept a	قبولی برات را نوشتن	religious indecenty قبیح شرعی
		قیح عقاب بلیان / اصل قانونی بودن جرم
		NULLA PAENA SINE LEGE; no
		punishment except in accordance
		with the law
		bill; note; receipt; قبض

earlier law; previously	قانون مقدم	situated
existing law		قانون محل اقامت
law fallen into	قانون منسوخ	LEX DOMICILII;
desuetude		the law of the domicile
anti- hoarding law	قانون منع احتکار	LEX LOCI ACTUS;
substantive	قانون موجدحق / قانون ماهیتی	قانون محل انجام فعل
law		the law of the place where the act
substantive law	قانون موضوع / قانون ماهیتی	was done
applicable law	قانون ناظر	قانون محل انعقاد قرارداد یا تنظیم سند
Conscription Law	قانون نظام وظیفه	LEX LOCI CONTRACTUS; the law of the
Advocacy Act	قانون وکالت	place where the contract was made
law of succession	قانون وراثت	LEX FORI; LEX
brevity of law	اجمال قانون	قانون محل دادگاه
publication of law	انتشار قانون	ORDINANDI; the law of the forum
drafting of law	انشاء قانون	or court
in accordance with	به حکم قانون	LEX LOCI
law; according to provisions of law;		قانون محل وقوع عقد
by virtue of law	تدوین قانون	CONTRACTUS; the law of the place
compiling of law	تدوین علمی قانون	where the contract was concluded
codification of law	تدوین علمی قانون	قانون محل وقوع عقد حاکم بر قرارداد است
	تقلب نسبت به قانون / نیرنگ به قانون	LOCUS CONTRACTUS REGIT
FRAUDE A LA LOI; against the		ACTUM; the place of contract
law; legal device		governs the act
ignorance of law	جهل به قانون	قانون محلی
purview; application	دامنه شمول قانون	قانون مدنی
of law		JUS CIVILE; civil law,
spirit of the law	روح قانون	act or code
silence of law	سکوت قانون	the Civil Code of Iran
sanctions	ضمانت اجرا قانون	قانون مدنی ایران
enacting terms of a	عبارت قانون	قانون مدون
statute (as opposed to its preamble)		LEX SCRIPTA; written,
abrogation or	نسخ قانون	statutory or codified law
repeal of a law		statute of limitations
		قانون مرور زمان
		law of torts
		قانون مسئولیت مدنی
		approved or ratified law
		قانون مصوب
		statute
		قانون مصوب مجلس
		Press Law
		قانون مطبوعات
		law of treaties
		قانون معاهدات
		قانون مفسر اراده / قانون مکمل اراده
		interpretative law

sister, on the mother's side	داد گامهای تالی	power of review
relationship in collateral line	اعمال قدرت	exercise of power
relationship in direct line	به دست گرفتن قدرت	accession to power
foster relationship	خارج از قدرت	not within the competence (of); beyond the power or authority
relationship by marriage; affinity	قدر متیقن	sure; certain
relationship in ascending line	قدر متیقن آنست که	so much is certain that
consanguinity; half-brother, half-sister, on the father's side	قذف (م ۱۶۹ ق ح ق)	attribution of commission of adultery to someone; false accusation of sexual intercourse indications; conjectures; context; analogy; evidence
relationship in direct line	قرائن ظن	conjectural signs or indications
relationship in descending line	قرائن مالیاتی (م ۱۲۸ ق م م)	tax indications
consanguinity; relationship by blood	قرائن و امارات	indications and clues; circumstantial evidence; signs and indications
degree of relationship	قربانیت (م ۱۰۳۱ ق م)	consanguinity; affinity; kinship; relationship whether by marriage or by blood
a relation whose share of inheritance is not fixed under law (e.g. one-third, one-fourth, one-sixth, etc.)	قربانیت ابونی	kinsmen related through both parents, such as brother and sister from same father and mother; full brother and full sister
order; writ; decree; award; interlocutory judgment	قربانیت ابی	consanguinity; half-brother, half-sister, on the father's side
writ of execution	قربانیت امی / قربانیت بطنی	FRATER
writ of provisional execution	قربانیت امی / half-brother, half-sister, on the mother's side	UTERINUS; half-

murder in the second degree;	bill; to write one's acceptance
manslaughter	قبولی کفالت
voluntary manslaughter	قبولی نویسی (م ۲۲۸ ق ت)
involuntary manslaughter	قتل
excusable homicide; (U.S.) murder in the second degree	murder; killing; homicide; (U.S.) murder in the first degree; massacre; assassination; slaying
PER INFORTUNUM homicide	قتل ناشی از تصادف
involuntary manslaughter	قتل ناشی از یک حادثه ناگوار
homicide; manslaughter (with or without malice aforethought)	قتل ناشی از عدم مهارت یا تصادف
garroting	قتل خطا
to kill; to murder; to put to death; to slay; to assassinate; to immolate	HOMICIDE PER INFORTUNUM; accidental homicide; homicide by misadventure (misfortune); culpable homicide
power; ability; might; authority; force; strength; potency	قتل خطای محض
executive power	mistake
legislative power	قتل در اجرای قانون
bargaining power	قتل در مقام دفاع از خود
purchasing power; value of money	SE DEFENDENDO; self defence
taxing power	homicide
public powers	قتل سیاسی
legal force	قتل شبه عمد
judicial power	قتل عام
	قتل عام در جنگ
	قتل عام منظم
	قتل عمد
	murder; felonious homicide; (U.S.) murder in the first degree
	قتل غیر عمد (م ۱۷۴ ق م ع)
	unpremeditated or unintentional murder; culpable homicide; (U.S.)

قرارداد امانی (هزینه + دستمزد ثابت)	interlocutory order	قرار موقوف ماندن تعقیب / قرار منع پیگرد
cost-plus-a-fixed-fee contract;	order suspending prosecution	قرار نهایی
nominee agreement	final order	قرارداد
know -	contract; treaty;	convention; agreement; arrangement
how contract; technical assistance	to enter into an	قرارداد بستن
agreement	agreement	قرارداد آموزش حرفه‌ای
unilateral contract	articles of	apprenticeship; indenture
open contract	customs union	قرارداد اتحاد گمرکی
or convention	charter;	قرارداد اجاره کشتی
commercial treaty;	bareboat charter	قرارداد اجاره کشتی برای مدت معین
trade agreement	time charter	قرارداد اجاره کشتی برای سفر خاصی
life annuity contract	voyage charter	قرارداد اجاره کشتی به منظور واگذاری آن
consensual contract	demise charter	قرارداد اجتماعی
firm contract or	social contract	قرارداد اداری
convention	contract concluded	by public services
sanitation convention	by public services	قرارداد ارفاقی (م ۴۷۹ ق ت)
sale contract	composition; scheme of composition;	legal settlement between merchant
insurance contract	and creditors by surrender of	property
reinsurance	contract concluded	قرارداد استخدام
exchange	by public services	قرارداد استرداد
marine insurance	treaty of extradition	قرارداد اقامت
policy	treaty granting right	to an alien to fix his residence in the
international	to an alien to fix his residence in the	country
treaty, contract or agreement		
postal convention		
alternative obligation		
clearing agreement		
goods clearing		
agreement; barter		
supply agreement		
collective contract		
collective labour		
bargain		

writ of	قرار رد دعوی (م ۵۲۴ آد)	قرار احاله دعوی از دادگاه تالی به دادگاه عالی	
rejection of a suit		writ of CERTIORARI	
writ of	قرار سقوط دعوی (م ۵۲۴ آد)	order to obtain a	قرار اخذ کفیل
disposal of a suit		bail (from the accused)	
writ	قرار عدم استماع دعوی (م ۵۲۴ آد)	writ to refer	قرار ارجاع به کارشناس
of non- suit		(an issue) to an expert	
	قرار عدم اهلیت یکی از اصحاب دعوی	writ to refer	قرار ارجاع به مصدق
writ of incapacity of one	(م ۵۲۴ آد)	(an issue) to a certifier	
of the parties to a suit		interlocutory judgment,	قرار اعدادی
writ	قرار عدم صلاحیت (م ۲۰۲ آد)	decree, award or order	
of incompetence; writ of non-		mandatory order	قرار الزامی
jurisdiction		writ of litispendencia	قرار اناطه
appealable	قرار قابل پژوهش (م ۱۱۲ آد)	writ of	قرار تأمین (م ۲۳۵ آد)
writ		attachment	
final or perpetual order;	قرار قطعی	writ of local	قرار تحقیق و معاینه محل
final award; decree absolute		investigation and inspection	
writ of	قرار کارشناسی (م ۵۵۴ آد)	قرار تصحیحی / قرار تصحیح حکم	TAM
expert opinion		QUAM; writ of error	
(bill of) indictment	قرار مجرمیت	(writ of)	قرار توقف اجرای حکم
consent	قرار مرضی الطرفین	supersedeas; stay order; order liable	
award; judgment on agreed terms;		to stay of execution	
judgment by consent		warrant of arrest	قرار توقیف افراد
protested	قرار معترض علیه (م ۵۸۶ آد)	(in criminal matters); writ of capias	
writ		(writ of)	قرار توقیف جریان دادرسی
interlocutory decree	قرار مقدماتی	supersedeas; writ to stay; stay order	
قرار منع تعقیب / قرار منع پیگرد (م ۵ قرا)		writ of	قرار توقیف مال (اموال)
writ of NOLLE PROSEQUI;		attachment	
writ of non- prosecution		partial award	قرار جزئی (در داوری)
قرار منع خروج از کشور		perpetual order	قرار دائمی
writ of NE EXEAT		writ; court	قرار دادگاه (م ۲۵۲ آد)
restraining order;	قرار منع موقت	order	
injunction		writ	قرار رد دادخواست (م ۵۲۴ آد)
provisional, interim or	قرار موقت	of rejection of a plaint	

lot; ballot	قرعه	to be	قرار گرفتن در مقابل عمل انجام شده
to draw lots; to cast lots	قرعه کشیدن	presented with a fait accompli	
by drawing lots	به تید قرعه	(Fegh) bailment; capital	قراض
lottery; drawing	قرعه کشی	invested by sleeping partner	
lots; prize- drawing		ulcer; wound; sore	قرحه/ زخم
protrusion of	قرن (م ۱۱۲۳ ق م)	simple loan; contract	قرض/ وام
the womb		of loan; debt; liability	
quarantine	قرنطینه	interest free loan;	قرض الحسنه
loans	قروض (ج. قرض)	money loaned without interest	
imminent; impending	قریب الوقوع	collateral loan; secured	قرض با وثیقه
	قرینه (م ۱۰۹ ق م)	loan	
ADMINICULUM; adminicle;		loan without security	قرض بی وثیقه
imperfect proof; indirect evidence;		private loan	قرض خصوصی
context; analogy; conjecture;		long term loan	قرض درازمدت
indication		usurious loan; loan	قرض ربوی
circumstantial evidence	قرینه حالی	at interest	
semantic proof	قرینه لفظی	mortgage loan	قرض رهنی
infer the rest	قرین علیهذا	floating debt	قرض شناور
from this; so forth; etc		short term loan	قرض کوتاه مدت
compurgation	قسامه (م ۲۷ ق ح ق)	to borrow; to take as	قرض گرفتن
instalment; payment	۱- قسط	a loan	
on account		loan payable	قرض عندالمطالبه/ وام دیداری
annual instalment	قسط سالیانه	on demand	
monthly instalment	قسط ماهیانه	deferred loan	قرض مؤجل
provisional instalment	قسط موقت	loan payable on demand	قرض معجل
final instalment	قسط نهایی	lender	قرض دهنده
on fixed instalment	به اقساط ثابت	borrower	قرض گیرنده
basis		loan	قرضه/ قرض
to pay by instalment	پرداخت به اقساط	national debt; national	قرضه ملی
(arrangement for)	قسط بندی	loan	
payment by instalment		bond	اوراق قرضه
justice	۲- قسط/ عدل	paper	قرطاس
Islamic justice	قسط اسلامی	officialism; red- tape	قرطاس بازی

vitiated contract	قرارداد مخدوش	multilateral agreement;	قرارداد چند جانبه
civil contract	قرارداد مدنی	collective treaty	
contract on agreed	قرارداد مرضی الطرفین	real contract; contract	قرارداد حقیقی
terms		IN REM	
articles of partnership;	قرارداد مشارکت	carriage	قرارداد حمل و نقل (م ۳۷۸ ق ت)
participation arrangement;		contract	
participation agreement;	partnership	separate binding	قرارداد خارج لازم شفاهی
deed		verbal contract	
LOCATIO OPERIS;	قرارداد مقاطعه کاری	private agreement	قرارداد خصوصی
work by contract agreement		arbitration agreement	قرارداد داوری
binding agreement	قرارداد ملزم		قرارداد دوجانبه/ قرارداد دو عهده
regional	قرارداد (های) منطقه ای	bilateral or reciprocal agreement	
arrangement(s)		treaty of amity	قرارداد دوستی
compromis; treaty	قرارداد مودت	bilateral contract	قرارداد دو عهده
of amity		Geneva Convention	قرارداد ژنو
publication agreement	قرارداد نشر	political treaty	قرارداد سیاسی
military treaty	قرارداد نظامی	parol, oral, verbal	قرارداد شفاهی
	قرارداد یک جانبه/ قرارداد یک عهده	or simple contract or agreement	
unilateral agreement		leonine convention;	قرارداد شیر
	ابهام در متن قرارداد بایستی به ضرر تدوین کننده آن تفسیر گردد	unconscionable bargain ;	oppressive agreement
VERBA AMBIGUA ACCIPUNTUR		peace treaty	قرارداد صلح
CONTRA PROFERENTEM;	an	non- aggression pact	قرارداد عدم تعرض
ambiguous provision is construed		public contract	قرارداد عمومی
most strongly against the person who		time bargain	قرارداد فروش سلف سهام و غیره
selected the language		cultural convention	قرارداد فرهنگی
misfeasance	سوء اجرای قرارداد	jurisdictional treaty	قرارداد قضائی
nonfeasance	عدم اجرای قرارداد	consular convention	قرارداد کنسولی
contractual; conventional;	قراردادی	trusteeship agreement	قرارداد قیمومت
based on a contract; stipulated in a		work contract	قرارداد کار (م ۳۰ ق ک)
contract or agreement		articles of	قرارداد کارآموزی
residence; resting	قرارگاه	apprenticeship; indenture	
place; quarters		bottomry	قرارداد گروگذاری کشتی

intention to make a gain or profit

فصاص قبل از جنایت

or procedural laws	قمارباز	gambler
current laws; laws in force and effect	قمارخانه	gambling house; casino
JUS BELLI; the law of war; articles of war	قمر مصنوعی	satellite
JUS PRIVATUM; private law	قنات	QANAT; subterranean water
foreign laws	قنول / کنسول	conduit
court martial	قواد	consul
procedure	قوادی (م ۱۶ ق ح ق)	pimp; panderer
JUS STRICTUM; strict law	قواعد (ج. قاعده)	panderingism;
JUS PERSONARUM; personal law	قواعد آمره (م ۵۶۶ آد م)	pimping
JUS	قواعد اختصاصی	rules; principles
CANONICUM; canon law; JUS ECCLESIASTICUM; ecclesiastical law; SHARIA law	قواعد عدالت فصری	imperative
anti-monopoly or antitrust laws	قواعد عمومی	rules
JUS NATURAE; the law of nature; JUS NATURALE; the natural laws	قوانین (ج. قانون)	special rules
JUS PUBLICUM; public law	قوانین آمره	the rules of
JUS NON SCRIPTUM; the unwritten law	قوانین اجرائیه	natural justice
expository statute	قوانین اختصاصی	general rules
substantive laws	قوانین آمره	rules; laws;
Code of Civil Procedure	قوانین اختیاری	codes; regulations
local laws	قوانین اصلاحی	affirmative statutes
special laws	قوانین اصیه (م ۱۶۷ ق م)	adjective or procedural laws
	قوانین اعلامی	JUS
	قوانین بی طرفی	SINGULARE; peculiar or individual
	قوانین تحیری	rules or laws established for some special reason
	قوانین تضمینی / قوانین شکلی	optional laws
		remedial statutes
		substantive laws
		declaratory statutes
		neutrality laws
		permissive statutes
		adjective

transmutation	قضاء دین	discharge of a debt
anastrophe	قضات (ج. قاضی)	judges
misrepresentation of facts	قضائی	judicial; legal; jury; jury;
eradication; evulsion;	قضیه	jural
demolition	قضیه غیرمختومه	case; issue; circumstance(s)
to pull up trees	قضیه مختومه	RES INTEGRA; a
to eradicate; to extirpate	قضیه مختومه	point of law which has not been decided or touched by decision of court
to extirpate	قضیه محکوم بها / امر مختومه	RES
the source of dispute	قضیه محکوم بها / امر مختومه	JUDICATA; a matter adjudged; a thing judicially acted upon or decided
to eradicate;	قطاع الطريق / راهزنان	robbers;
to extirpate	قطاع الطريق / راهزنی	highwaymen
fort	قطع رابطه	robbery
alteration; cancellation;	قطع عضو (م ۵۵ ق ح ق)	breaking off ties
erasure	قطع عضو (م ۵۵ ق ح ق)	(of relationship)
altered; cancelled;	قطع عضو (م ۵۵ ق ح ق)	mayhem;
crossed out	قطع عضو (م ۵۵ ق ح ق)	maihem; maiming; amputation; cutting off of a limb
to write off; to cross	قطع مرور زمان	interruption of
out; to cancel	قطع مرور زمان	prescription; (U.S.) toll of the statute (of limitations)
to write to great length	قطع مرور زمان	detached accessories
dominion; territory;	قطع مرور زمان	resolution; manifesto;
realm; jurisdiction; area	قطع مرور زمان	declaration
sovereign territory	قطع مرور زمان	piece; fragment
IMPERIUM; the right to command, which includes the right to employ the force of the state to enforce the laws	قطع مرور زمان	tract; plot
DOMINIUM	قطع مرور زمان	final; definite; decisive;
realm or territory of state	قطع مرور زمان	positive; peremptory
public domain	قطع مرور زمان	faked; phony
customs territory	قطع مرور زمان	forts
nursery (for raising trees)	قطع مرور زمان	base; forged; counterfeit
gambling	قطع مرور زمان	

price; cost; value; rate; consideration	قیمت	forcible; natural; obligatory; automatic; compulsory	قهری
AGIO	قیمت ارز	analogy; comparison; deduction; syllogism	قیاس
nominat value; par value	قیمت اسمی	argument A FORTIORI	قیاس اولویت
par value of shares	قیمت اسمی سهام	argument A POSTERIORI;	قیاس خلف
posted price	قیمت اعلان شده	from the effect to the cause	
market price	قیمت بازار	paralogism	قیاس کاذب
cost price	قیمت تمام شده	an analogy deprived of relevance	قیاس مع الفارق
computed price	قیمت تخمینی	to infer by analogy; to analogize; to syllogize	قیاس کردن
current price	قیمت جاری	on the analogy of	به قیاس
charm price	قیمت چشمگیر	A PRIORI;	قیاسی/ بر اساس قیاس
price at which shares are bought and sold at the stock exchange	قیمت حقیقی سهام	analogical	
price (of the goods)	قیمت حین الادا	resurrection; revival;	قیامت
at the time of its payment		rising from the dead	
value (of the goods)	قیمت حین معامله	clause; condition	قید/ شرط
at the time the contract was signed or transaction was made		pledge of one's honor	قید التزام
pit head price	قیمت سرخرمن	forum exclusion	قید استثنای مرجع
fair price	قیمت عادلانه	clause	
free	قیمت کالا تا تحویل پهلوی کشتی	choice of law	قید انتخاب قانون حاکم
alongside ship (FAS)		clause	
price ceilings	قیمت گذاری توسط دولت	forum selection	قید انتخاب مرجع رسیدگی
value of the property	قیمت مال	clause; choice of forum clause	
proper price	قیمت مناسب	acceleration clause	قید تسریع
regional price	قیمت منطقه‌ای (م ۲۲ ق م م)	guardian; tutor	قیم
spot price	قیمت نقد	CURATOR AD	قیم اتفاقی (م ۵۶ ق ا ح)
basis cost; unit price	قیمت واحد	LITEM; guardian ad litem	
value of the goods	قیمت بوم‌التلف	guardian	قیم مجنون/ قیم صغیر
on the day they were destroyed		interim guardian	قیم موقت
the price on	قیمت بوم‌الرد (م ۶۴۸ ق م)	certificate of	قیم نامه
the day of payment		guardianship or tutorship	

agreement; written promise		coastal	قوانین مربوط به آبهای ساحلی
power; force; strength;	قوه	or littoral laws	
energy; faculty; potency		creative	قوانین موجد حق (م ۶۵۸ آ د م)
probative or conclusive	قوه الثانی	laws; creative part of a law	
force		LEX SCRIPTUM;	قوانین موضوعه
enforcement power	قوه اجرائی	written laws; statutes	
executive power; the	قوه اجرائیه	fishery laws	قوانین ناظر به صیدماهی
executive		succession laws	قوانین وارثت
faculty of	قوه تمیز (م ۳۵ ق م ع)	statute law; sanctioned	قوانین مصوبه
discrimination; discerning power		laws or regulations	
the judiciary; that	قوه حکمیه	A VERBIS	الفاظ قوانین لازم الاتباع هستند
branch of government which is intended to interpret, construe and apply the law		LEGIS NON EST	
spending power	قوه خربیه	RECENDENDUM; the words of a statute must not be departed from	
deterrent	قوه دافعه قوه بازدارنده	codification	گردآوری قوانین
or repelling force		code	مجموعه قوانین
FORCE	قوه قهریه قوه قهریه	forces; powers; faculties	قوا (ج. قوه)
MAJEURE; VIS MAJOR;		security forces	قوای امنیه
superior		the three powers	قوای ثلاثه
or irresistible force		(executive, judicial, legislative)	
judicial power;	قوه قضائیه	irregular	قوای چریکی قوای غیرنظامی
the judiciary; judicature		forces; irregulars; guerilla forces	
the executive or	قوه مجریه	armed forces	قوای مسلحه
administrative power		police force	قوای نظمیه
the legislative power;	قوه مقننه	retaliation for murder	قود
legislature		arsenal	قورخانه
National Consultative	قوه مقننه عادی	promise; word	قول
Assembly and Senate		to break one's	قول خود را شکستن
constituent	قوه مقننه فوق‌العاده	promise	
assembly		to promise; to give word	قول دادن
violence; force	قهر	word of honor	قول شرف
by force; forcibly;	قهرآ	to pledge one's honor	قول شرف دادن
naturally; automatically		letter of intent; preliminary	قولنامه

price level	سطح قیمت	scarcity price	قیمت يوم الاعواز
to depreciate in value	کاهش یافتن قیمت	to appreciate in value	افزایش یافتن قیمت
price chiseling	کلاه گذاری در قیمت	maximum price	بالا ترین قیمت
guardianship;	قیمومت (م ۱۲۵۴ ق م)	legal maximum price	بالا ترین قیمت قانونی
tutorship; mandate; protectorate		price tag	بر چسب قیمت
a female guardian or tutor	قیمه	AD VALOREM;	بر مبنای قیمت
non- fungible (things);	قیمی	according to value	
priceable (things)		upset price; lowest price	پائین ترین قیمت
*o be appraisable	قیمی بودن	price inflation	تورم قیمت



whatever may باشد هر چقدر
 be
 cable کابل
 submarine cables کابلهای زیر دریا
 marriage portion کابین / مهر
 cabinet کابینه
 coalition cabinet کابینه ائتلافی
 capitulation کاپیتولاسیون
 CADASTRE; کاداستر
 cadastral survey; land registry; (U.S.)
 Real Estate Register
 work; labour; employment; کار
 job ; business ; task ; affair ;
 occupation; duty; workmanship; act;
 operation; function; calling; trade;
 profession ; office ; toil ; action;
 performance; doing; deed; case;
 vocation; process
 forced or statutory کار اجباری / کار قهری
 labour
 overtime work کار اضافی (م ۱۲ ق ک)
 relief work کار امدادی
 accomplished کار انجام یافته (م ۳ ق م)

work
 productive work کار تولیدی
 malfeasance; unlawful کار خلاف قانون
 act
 manual work or labour; کار دستی
 hand labour
 day labour کار روزمزدی
 hard work کار سخت
 unproductive work کار غیر تولیدی
 seasonal work کار فصلی
 forced labour کار قهری / کار اجباری
 to work; to labor; to
 operate; to do business
 salaried work کارموظف
 shift duty or کارنوبی (م ۱۱ ق ک)
 work
 physical از کار افتادگی (م ۵۹ ق ب اک)
 disability
 partial disability از کار افتادگی جزئی
 total از کار افتادگی کلی (م ۲ ق ت)
 disability
 temporary disability از کار افتادگی موقت
 to be disabled; to become از کار افتادن

casual labour کارگر اتفاقی
stevedore کارگر بارانداز
daysman کارگر روزمزد
construction worker کارگر ساختمان
ordinary or unskilled labour کارگر عادی
unskilled worker کارگر غیرمتخصص
seasonal worker کارگر فصلی
brain worker کارگر فکری
trained or experienced workman کارگر کارآموده
workman کارگر کارمزد
workman working on piece- work wage basis کارگر کشاورزی
farm labour; agricultural labour کارگر ماهر
skilled worker; journeyman کارگر معدن
miner; mine worker کارگر موقت
casual worker کارگر مهاجر
migrating labour خانه کارگر
labour quarter سرکارگر
foreman طبقه کارگر
the proletariat; working class کارگزار
agent; correspondent کارگزار امانی
escrow agent کارگزار حمل و نقل
forwarding agent کارگزاری
agency کارگزاری اختصاصی
specialized agency کارگزاری اروپائی انرژی اتمی
European Nuclear Energy Agency کارگزاری بین‌المللی انرژی اتمی
International Atomic Energy Agency کارگزاری کمک و کار ملل متحد برای

work place; workshop کارخانه کشتی‌سازی
shipyard; shipbuilding کاردار
CHARGE D'AFFAIRES (CDA) کاردار دائم
permanent CHARGE D'AFFAIRES کاردار موقت
CHARGE D'AFFAIRES AD INTERIM کارسازی (م ۲۷۰ ق ت)
promoting کارشناس رسمی
affairs کارشناس نظامی
obstructionist کارشناسی
obstruction کارشناس رسمی
expert; specialist کارشناس نظامی
official expert کارشناسی (م ۷۵ ق م)
unofficial expert کارشناسی/ لیسانس
military expert کارشناسی ارشد/ فوق لیسانس
expert advice or opinion ۱- کارشناسی
bachelor's degree ۲- کارشناسی/ لیسانس
master's کارشناسی ارشد/ فوق لیسانس
degree کارفرما (م ۱ ق ک)
employer; master; boss کارکنان
staff; personnel; employees کارکنان سازمان ملل متحد
staff of the United Nations کارگاه
working place; workshop; factory; (U.S.) job site; (U.K.) work yard کارگاه خانوادگی (م ۷ ق ک)
family establishment کارگر (م ۱ ق ک)
worker; workman; labourer; proletariat کارخانه

unserviceable; to be laid up; to go out of commission از کار انداختن
to put out of commission; to lay up; to disable به کار انداختن
to commission; to operate; to work (as a mine); to invest; to utilize; to put into operation تقسیم کار
division of labour زبان کار
work language کارآموده
experienced; veteran; skilled; tested کارآگاه
secret agent; detective کارآگاه خصوصی
private detective; private eye کارآگاهی
detective work کارآموز
trainee; apprentice; probationer کارآموز وکالت
trainee lawyer کارآموزی
apprenticeship; probation; training کارآبی
efficiency کارآبی مطلق
absolute efficiency کاربرگ
report کارپرداز
supplier; commissionaire; person in charge of supplies کارپردازی
supply department کارت
card کارت انتخاباتی
electoral card کارت بازرگانی
trade card کارت ویزیت
visiting card کارتل
cartel کارتن
carton کارخانه
factory; works; mill;

۲- کاشف/ پیدا کننده چیزی یا حایي (کاشف)

discoverer

discoverer of a mine کاشف معدن

it was found out; کاشف به عمل آمد

it transpired that

allonce کاغذ ضمیمه سفته

scrap paper; discarded کاغذ باطل

paper

infidel; unbeliever; کافر (م ۷ ق ح ق)

heathen; heretic; pagan

born or non- apostate کافر اصلی

infidel

infidel deserving کافر حربی

to be fought against

infidel living in an کافر ذمی

Islamic country and paying tribute

unbeliever proclaiming کافر کتابی

Christianity or Judaism or

Zoroastrianism

a Muslim turned apostate کافر مرتد

hopeless infidel کافر مطلق

goods; merchandise; commodity کالا

flotsam کالای آب آورده (م ۱۷۷ ق م)

free goods کالای آزاد

standard goods کالای استاندارد

economic goods کالای اقتصادی

durable goods کالای بادوام

substitutional کالای بدل / کالای جانشین

goods

packaged goods کالای بسته بندی شده

bulk cargo کالای بسته بندی نشده

inferior goods کالای پست

substitutional کالای جانشین / کالای بدل

goods

prestige goods کالای حیثیتی

goods of a dangerous کالای خطرناک

nature

joint demand کالای دارای تقاضای مشترک

goods

joint cost goods کالای دارای هزینه مشترک

first order goods کالای درجه اول

capital goods کالای سرمایه ای

hard goods کالای سخت

higher goods کالای عالی

staple goods کالای عمده

smuggled goods کالای قاچاق

RES DERELICTA; کالای متروکه

abandoned goods

fungible goods کالای مثلی

impulse goods کالای محرک

fashion goods کالای مد

consumer or consumption کالای مصرفی

goods

shopping goods کالای مغازه ای

complementary goods کالای مکمل

banned goods کالای ممنوع ورود

competitive goods کالای مورد رقابت

goods covered by the کالای موضوع پته

permit

producer's goods کالای مولد

soft goods کالای نرم

semi- durable goods کالای نیمه بادوام

intermediate goods کالای واسطه ای

convenience goods کالای وسیله آسایش

specialty goods کالای ویژه

back order کالا که از قسمتی تحویل نشده است

Communication Research

کانون بین المللی پیشبرد پژوهشهای آموزشی

International Association for the
Advancement of Educational
Researchکانون بین المللی توسعه و حمایت از
سرمایه گذارهای خصوصی خارجیInternational Association for
Promotion and Protection of Private
Foreign InvestmentInternational کانون بین المللی حقوق جزا
Association of Penal Law

کانون بین المللی حمایت از اموال صنعتی

International Association for the
Protection of Industrial Property

کانون بین المللی حمل و نقل هوایی

International Air Transport
Association (IATA)International کانون بین المللی دانشگاهها
Association of Universities

کانون بین المللی رادیوی دریایی

International Marine Radio
AssociationInternational کانون بین المللی روابط عمومی
Public Relations AssociationInternational کانون بین المللی علم حقوق
Association of Legal ScienceInternational کانون بین المللی علوم سیاسی
Political Science AssociationInternational کانون بین المللی عمران
Development Association (IDA)

کانون بین المللی فضات ویژه امور جوانان

International Association of Youth

autopsy; necropsy; post

کالبدشکافی

mortem examination

anatomist کالبد شناس

anatomy کالبد شناسی / تشریح

comparative anatomy کالبدشناسی تطبیقی

descriptive anatomy کالبدشناسی توصیفی

pathological anatomy کالبدشناسی مرضی

necroscopy; autopsy; کالبد گشایی

post mortem examination

کالی به کالی / بیع کالی به کالی

sale in which payment of price and
delivery of object of sale are both
deferred

most favoured کامله الوداد

commonwealth کامنولث

mineralogist کان شناس

mineralogy کان شناسی

null and void کان لم یکن

society; club; center; کانون

association

juvenile کانون اصلاح و تربیت اطفال

institution; (U.S.) reformatory;

house of correction

International کانون بین المللی ادبی و هنری

Literary and Artistic Association

کانون بین المللی استادان و دبیران دانشگاه

International Association of

University Professors and Lecturers

کانون بین المللی سادرو و سگرگاهها

International Association of Ports and
Harbours

کانون بین المللی پژوهشهای ارتباطات عمومی

International Association for Mass

(of a coin)	پس کرایه	balance of freight
clothing; garments	کرایه نشین	tenant
کسود (ج. کسر) (م ۲۴ ق ک)	کر دیپلماتیک	diplomatic corps
deductions	کرسی	seat; department
retirement or pension	کرسی خطابه	rostrum; tribune; pulpit
deductions	کرسی خطابه و کلا	bar
income deductions	کرسی ریاست	the chair of presidency
basic deficit	کرها	or management
eclipse of the sun	کساد	AB INVITO; reluctantly;
partial eclipse	کسب	against one's will
total eclipse	کسب تکلیف (از رأی دهندگان)	depression; recession
cultivation; plantation;	AD REFERENDUM	business; trade; acquisition
farming	کسبه (ج. کاسب)	tradesmen;
agribusiness; agro-	کسبه جزء	businessmen; traders; tradesfolk
industry	کسر	small tradesmen
killing; slaughter; butchery	کسر بودجه	fraction; deduction;
human massacre;	کسر بودجه دولت	discount; deficit
genocide	کسر تحویل	budget deficit; deficit
holocaust	کسر تخلیه	spending
to kill; to murder; to slay	کسر تمبر داشتن	government deficit
feticide; destruction of	کسر داشتن	spending
the fetus in utero	کسر صندوق	short delivery
infanticide	کسر کردن	short- landed
killed; murdered; slayed	کسروزن سکه (دراثر سائیدگی)	to be under stamped;
ship		to be insufficiently stamped
ocean liner		to be deficient
sailing vessel;		cash deficit; cashier's
sailboat		deficit allowance
freighter; barge; cargo ship		to decrease; to deduce;
merchantman; merchant		to deduct
ship; argosy		abrasion
steamship; steamboat		
merchant ship; merchant		

truth	کتمان حقیقت نه منزله اظهار خلاف واقع است	Mauistrates
SUPPRESSIO VERI. SUGGESTIO		کانون بین المللی کمک به زندانیان
FALSI; suppression of truth is		International Prisoners' Aid
(equivalent to) the suggestion of		Association
what is false		کانون بین المللی مبادلات دانشجویی برای کمک به کسب تجربیات فنی
pluralist	کرت گرا	International Association for the
pluralism	کرت گرایی	Exchange of Students for Technical
village headman	کدخد	Experience
acting as an arbitrator	کدخد امشی	International
arbitration (such as is	کدخد امشی	Schools Association
practised by the headman of village)	کذاب	کانون بین المللی ناشران
great liar	کذب	Publishers' Association
falsehood; lie;		International
false; untrue		کانون بین المللی و کلا
to nail a	کذب موضوعی را ثابت کردن	Bar Association
line to the counter; to prove the		International
falsehood of an issue		کانون حقوق بین الملل
fare; freight; transport	کرایه	Law Association
charges; cost of transport; hire, rent;		کانون سردفتران
rental; lease		Notaries Public
bus fare	کرایه اتوبوس	Association
freight of the cargo;	کرایه بار	کانون شکارایران
freight charge	کرایه پرداخت کردن	Iran Game Association
to pay rental	کرایه حمل برداخت شده (تا)	کانون معالجه مسائل جهانی پناهندگان
freight paid (to)	کرایه خانه	Association for the Study of the
house rent	کرایه دادن	World Refugee Problem
to hire out; to rent	کرایه علق امتداد	کانون وکلای دادگستری
back rent	کرایه کردن	کسر کسرس
to hire; to rent; to lease	کرایه کشی	majority
passage; freight	کرایه معینی کشتی یا قطار	کسری (در معنی)
demurrage	درست کرایه کردن	کسر
to charter		کسر مورد تکلف

SUPPRESSIO VERI; کتمان حقیقت
suppression (concealment) of the

personal surety or **کفیل**
 bail; supporter (of a family); acting
 to give bail **کفیل دادن**
 to stand or go bail **کفیل شدن**
 mayor protem **کفیل شهرداری**
 acting minister **کفیل وزارت**
 acting minister **کفیل وزارت دادگستری**
 of justice
 to release on **به قید کفیل آزاد کردن**
 bail; to bail out; to admit to bail
 IN TOTO; entirely; completely; **کلاً**
 fully; totally; in whole
 brother and sister **کلاله (م ۸۹۷ ق م)**
 of the deceased
 brother **کلاله‌ای / کلاله‌پدري (م ۹۲۹ ق م)**
 and sister of the deceased from the
 father's side
 brother **کلاله‌امی / کلاله‌مادری (م ۹۰۳ ق م)**
 and sister of the deceased from the
 mother's side
 theology; speech; **کلام**
 word; discourse; commandment
 to sum up; in short **خلاصه کلام**
 sheriff; police **کلانتر**
 superintendent
 frontier official **کلانتر مرز**
 police station **کلانتری**
 fraudulent; **کلاه بردار (م ۲۳۶ ق م ع)**
 fraudulent; defrauder; swindler
 fraud; defraudation; **کلاه برداری**
 swindling; swindle; fraudulent
 representation
 constructive fraud **کلاه برداری اعتباری**

the debtor (obligor) within the
 specified time or when demanded by
 the obligee
 guarantee **کفالت به مال**
 absolute **کفالت حال / کفالت مطلق**
 personal surety
 (personal) surety to **کفالت مؤجل**
 produce the person of debtor or
 obligor at a specified subsequent date
کفالت مطلق / کفالت بدن (م ۷۳۷ ق م)
 absolute personal surety
 temporary **کفالت موقت (م ۷۳۷ ق م)**
 bail-bond
 acting minister **کفالت وزارت**
 under bail or guardianship **تحت کفالت**
 on bail; as a bail; on **کفالتاً**
 behalf of; acting as manager
 bail bond **کفالت نامه**
 pigeon **کفتر**
 pigeon- fancier **کفتر باز**
 pigeon flyer; loafer; idler **کفتربران**
 to fly pigeons; to loaf about **کفتربراندن**
 blasphemy; profanity; **کفر**
 infidelity; unbelief; irreligion
 to blaspheme; to utter **کفر گفتن**
 blasphemy
 blasphemous; profane; **کفر آمیز**
 impious
 shroud; winding sheet **کفن**
 (of the corpse)
 to shroud; to wrap in **کفن کردن**
 winding-sheet
 shrouding and burial **کفن و دفن**

killer; murderer
 country; land; region **کشور**
 mother country; country **کشور اصلی**
 of origin
 protectorate; protected **کشور تحت‌الحمايه**
 state
 developed country **کشور پیشرفته**
 self-supporting country **کشور خودکفا**
 developing country **کشور در حال توسعه**
 sea power **کشور دریایی / قدرت دریایی**
 less-developed country **کشور کم رشد**
 the country of dispatch **کشور مبدأ**
 the country of destination **کشور مقصد**
 civic; civil; pertaining **کشوری**
 to the state
 civil and military **کشوری و لشگری**
 floor; bed; bottom **کف**
 ocean-bed; ocean floor **کف اقیانوس**
 sea-bed **کف دریا**
 expiation; **کفاره (م ۲۰۰ ق م)**
 atonement
 to atone; to make an **کفاره دادن**
 atonement
 guardianship; **کفالت (م ۷۳۴ ق م)**
 (personal) surety; guarantee; bail;
 bailing; bail bond; deputy; acting as
 deputy
 to act or manage **کفالت کردن (جانشینی)**
 on behalf of someone
 to act as surety; to **کفالت کردن (قضائی)**
 act as guardian; to stand bail
کفالت بدن / کفالت به نفس
 undertaking to produce the person of

marine; argosy
 yacht **کشتی تفریحی**
 warship; cruiser; frigate **کشتی جنگی**
 ship of the line **کشتی جنگی بزرگ**
 dredging- boat; dredger **کشتی لارویی**
 fishing boat; trawler **کشتی ماهیگیری**
 convoy **کشتی محافظ کشتی تجاری و غیره**
 liner; passenger boat **کشتی مسافری**
 tanker **کشتی نفت کش**
 Noah's ark **کشتی نوح**
 tug-boat; tow-boat **کشتی یدک کش**
 to disembark **از کشتی پیاده شدن (کردن)**
 to ship **با کشتی فرستادن**
 to embark; to go **سوار کشتی شدن**
 on board a ship; to board a ship
 to embark; to **سوار کشتی کردن**
 take on board a ship
 navigation; shipping **کشتیرانی**
 to navigate **کشتیرانی کردن**
 Islamic **کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران**
 Republic of Iran Shipping Lines
 cabotage **کشتیرانی ساحلی**
 navigable; shippable **قابل کشتیرانی**
 shipbuilding **کشتی سازی**
 shipwreck **کشتی شکستگی**
 discovery; detection; **کشف**
 exploration
 crime detection; exposure **کشف جرم**
 of a crime
 discovery of smuggled **کشف قاچاق**
 articles
 discoveries **کشفیات**
 pestilent; deadly; fatal; **کشنده**

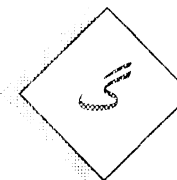
social development	توسعه اجتماعی	to fraud; to defraud; to commit a fraud; to swindle	کلاهبرداری کردن
legal aid	کمک قضائی	legal device	کلاه شرعی
financial aid	کمک مالی	to get round the law; to play a legal trick	دور شرعی سرچیزی گذاشتن
allowance; subsidy	کمک هزینه	VERBATIM; LITERATIM	کلمه به کلمه
scholarship; fellowship; stipend	کمک هزینه تحصیلی	word by word; word for word; literal	کلمه به کلمه
quantitative	کمی	general; total; great	کلی
quantitative and qualitative	کمی و کیفی	considerable; totally; absolutely	تقریباً
quantity; magnitude	کمیت	general and particular; the whole and details	عموم و جزئیات
rare; scarce	کمیاب	as a general rule; generally, on the whole	عموماً
to become rare or scarce	کمیاب شدن	complete works; generalities	کتاب کامل
scarcity; rarity; dearth	کمیابی	general principles	اصول کلی
contrived scarcity	کمیابی مصنوعی	generalization	تعمیم
committee; society	کمیته	key; switch	کلید
European Committee on Legal Cooperation	کمیته اروپائی همکاری حقوقی	key to a code; cipher key	کلید رمز
Accounting	کمیته‌های حسابداری	skeleton key; master key	کلید اسکلتی
Standards Committee (ASC)	کمیته استانداردها	church; cathedral	کلیسا
main committee	کمیته اصلی	ecclesiastic (al)	کلیسائی
Contributions Committee	کمیته اعانات	company; corporation	کمیسه
Credential Committee	کمیته اعتبارنامه	help; aid; assistance; contribution; relief; support; sustenance	کمک
European Economic Committee	کمیته اقتصادی اروپا	marriage allowance	کمک ازدواج
International Committee of the Red Cross	کمیته بین‌المللی صلیب سرخ	subsidy	کمک اقتصادی دولت
standing committee	کمیته ثابت	grant	کمک بلاعوض
sessional committee	کمیته دوره اجلاس	grant-in-aid	کمک بلاعوض دولتی
Military Staff Committee	کمیته ستاد نظامی	family allowance	کمک خانواده‌بندی (م ۲ ق باک)
general committee	کمیته عمومی		
sub-committee	کمیته فرعی	technical assistance for economic and	کمک فنی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی

on Radiation Units and Measurements	کمیته مشترک بین‌المللی برای حفاظت خطوط و مجاری مخابرات دور	Joint International Committee for the Protection of Telecommunication Lines and Ducts	کمیته مشترک بین‌المللی برای حفاظت خطوط و مجاری مخابرات دور
International Commission of Jurists (ICJ)	کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان	advisory committee	کمیته مشاوره
International Commission of Radiological Protection	کمیسیون بین‌المللی صید نهنگ	ad hoc committee	کمیته موردی (مورد بخصوص)
International Whaling Commission (IWC)	کمیسیون بین‌المللی مهاجرت کاتولیک‌ها	special committee	کمیته ویژه
International Catholic Migration Commission	کمیسیون بین‌المللی مبارزه با اردوگاه‌های کار اجباری	commissar; magistrate	کمیسر
International Commission Against Concentration Camp Practices	کمیسیون پارلمانی	police superintendent	کمیسر پلیس / رئیس کلانتری
parliamentary commission	کمیسیون پزشکی (م ۸۴ ق باک)	frontier official; frontier controller	کمیسر سرحدی / مرزبان
medical committee	کمیسیون پناهندگان شورای بین‌المللی	high commissioner	کمیسر عالی
Commission on Refugees of the International Council of Voluntary Agencies	کمیسیون تجدیدنظر (م ۸۴ ق باک)	United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)	کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان
revision committee	کمیسیون تحقیق	commission; brokerage	کمیسیون / کارمزد
enquiry commission or committee; fact-finding body	کمیسیون ثابت و قانون بین‌المللی بهداشت	۲- کمیسیون / انجمن	کمیسیون / انجمن
Permanent Commission and International Association on Occupation Health	کمیسیون حقوق بشر	committee; gathering	کمیسیون اقتصادی منطقه‌ای
Commission on	کمیسیون اقتصادی منطقه‌ای	Regional Economic Commission	کمیسیون امور قضائی مجلس
	کمیسیون امور قضائی مجلس	Majlis Judicial Affairs Committee	کمیسیون پزشکی
	کمیسیون پزشکی	Atomic Energy Commission	کمیسیون انرژی اتمی
	کمیسیون انرژی اتمی	committee of first instance	کمیسیون بدوی
	کمیسیون بدوی	Securities and Exchange Commission (SEC)	کمیسیون بورس
	کمیسیون بورس	International Commission	کمیسیون بین‌المللی اندازه‌ها و واحدهای
	کمیسیون بین‌المللی اندازه‌ها و واحدهای		تشمیناتی

mitigation or commutation of penalty	تخفیف کیفر	Organizations of the Teaching - Profession	
aggravation or increase of penalty	تشدید کیفر	conference; lecture	کنفرانس
to be duly punished for one's acts; to undergo one's punishment	به کیفر اعمال خود رسیدن	United Nations Conference on - Trade and Development (UNCTAD)	
bill of indictment	کیفرخواست (م ۱۹ ق م ع)	peace conference	کنفرانس صلح
traverse of an indictment	رد کیفرخواست	general conference	کنفرانس عمومی
qualitative	کیفی	congress	کنگره
circumstances; (ج. کیفیت)	کیفیات (ج. کیفیت)	World Muslim	کنگره جهانی مسلمانان
manner		Congress	
mitigating or (م ۳۵ ق م ا)	کیفیات مخففه (م ۳۵ ق م ا)	convention	کنوانسیون
extenuating circumstances or factors		international	کنوانسیون بین‌المللی
aggravating	کیفیات مشدده	convention	کنوانسیون پولی
circumstances		monetary convention	کوپن
quality; circumstances;	کیفیت	coupon	کود
manner		fertilizer	کودتا
quality and quantity	کیفیت و کمیت	COUP D'ETAT	کودتای عقیم مانده
circumstantial;	کیفیتی	abortive coup	کودن/ کندمن
qualitative (ness)		imbecile; unintelligent;	
measure (for grains, etc)	کیل	dull; stupid	کمونست
to measure; to gauge	کیل کردن	communist	کمونسم
rancor; hatred; grudge	کینه	communism	کهولت
feud; vendetta	کینه خانوادگی	old age; senility; indolence	کیفر
racial hatred	کینه نژادی	punishment; penalty;	
revengeful; hater;	کینه‌توز	reward; sentence	کیفردادن
vindictive		to punish; to sentence	کیفر اصلی
revengefulness; vengeance	کینه‌جویی	principal penalty	کیفر انضباطی
to take vengeance;	کینه‌جویی کردن	disciplinary punishment	کیفر تبیی
to act vindictively		accessory penalty	کیفر تکمیلی
		additional penalty	بخشودگی کیفر
		remission	

to retire from business	کناره‌گیری از کار	Human Rights	
to renounce a	کناره‌گیری از مقام	International Law	کنسیون حقوق بین‌الملل
position; to leave or resign from a		Commission (H.C)	
post		commission	کنسیون حل اختلاف
abdication	کناره‌گیری از سلطنت	(committee) of conciliation	
control; inspection; checking	کنترل	Disarmament	کنسیون خلع سلاح
exchange control	کنترل ارز	Commission	
pest control	کنترل آفت	Commission on	کنسیون داروهای مخدر
budget control	کنترل بودجه	Narcotic Drugs	
disease control	کنترل بیماری	United Nations Commission	کنسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق تجارت بین‌المللی
consortium	کسرسوم	on International Trade Law	
consul	کسول	(UNCITRAL)	
honorary consul	کسول افتخاری	general commission	کنسیون عمومی
vice- consul	کسول بار	sub- commission	کنسیون فرعی
consul- general	سرکسول	consortium	کنسیون فرعی جلوگیری از تبعیضات بین‌المللی
consulate	کسولگری	Prevention of Discrimination Sub	
consular	کسولی	Commission	
consulship	سمت کسولی		کنسیون کلیساها در امور بین‌المللی
action; doing; deed	کدش	Commission of Churches on	
action and reaction	کنش و واکنش	International Affairs	
confederation	کنفدراسیون	joint	کنسیون مشترک مجلسین
	کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های تجارت آزاد	commission of the two Majlises ; joint	
International Confederation of Free		Majlis commission	
Trade Unions		functional	کنسیون‌های موظف
	کنفدراسیون بین‌المللی انجمنهای موافان و	commissions	
International Confederation of	مصطفیان	regional	کنسیون‌های اقتصادی منطقه‌ای
Societies of Authors and Composers		economic commission	
	کنفدراسیون بین‌المللی کانون‌های کارشناسان و	ambush	کنس
International Confederation	مشاورین	to ambush; to lay in wait	کین کردن
of Associations of Experts and		to resign; to renounce;	کناره‌گیری
Consultants		to retire or withdraw from	
	کنفدراسیون جهانی سازمانهای حرفه آموزش	to resign from office	کناره‌گیری از شغل
World Confederation	of		

amended report	گزارش اصلاحی	hostage; a person who is	گروه شخصی
progress report	گزارش پیشرفت کار	given into the possession of the	
detailed report; verbatim report	گزارش تفصیلی	enemy, his freedom (or life) to stand	
feasibility report	گزارش توجیهی	as security for the performance of	
to submit a report;	گزارش دادن	some promise	
to report; to give an account of		to pledge; to put in	گروه گذاشتن
annual report	گزارش سالانه	pledge; to give as a pledge	
quarterly report	گزارش سه ماهه	to take out of	از گروه درآوردن
six-monthly report;	گزارش شش ماهه	pledge; to redeem	
biannual report		to bet; to wager	گروه بستن / شرط بستن
monthly report	گزارش ماهانه	wagering; betting	گرو بندی / شرط بندی
report on SUPER	گزارش معاینه جسد		گروکشی / توقیف اموال (م ۳۹ ق ت)
VISUM CORPORIS; report on post mortem examination;		distrain	
post mortem report		to distrain (upon)	گروه کشیدن
preliminary report	گزارش مقدماتی	pledge; thing pledged;	گروه گان
provisional report	گزارش موقت	hostage	
interim report	گزارش میان دوره ای	to take (as) pawn;	گروه گان گرفتن
final report	گزارش نهایی	to take (as) hostage	
report generation	تهیه گزارش	pawner; pledger	گروه گذار
report form	شکل گزارش	pawning; pledging	گروه گذاری
reporting	گزارش نویسی	pledgee; pawn broker	گروه گیرنده
night- watch	گزمه	pledge(d); pawned; hostage	گروبی
opening;	گشایش / افتتاح کردن	to furnish a bond or bail	گروبی دادن
inauguration		property secured by	دارای گروبی
opening or establishing	گشایش اعتبار	pledge	
of letter of credit		group; crowd; band; block	گروه
conversation; talk;	گفتگو	working group	گروه عامل
dispute; dialogue; argument		pressure group	گروه فشار
parley	گفتگو درباره شرایط دست کشیدن از جنگ	United Nations military observer group	گروه ناظران نظامی سازمان ملل متحد
political talks; talk	گفتگوی سیاسی	sergeant	گروه بان
		sergeant major	گروه بان یکم
		report; account; statement	گزارش

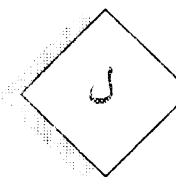


conditional	گذشت مشروط (م ۳۶ ق ر م)	گات / موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت
remission		General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)
unconditional	گذشت منجر (م ۳۶ ق ر م)	gallon
remission		گالون
revocation of remission	عذول از گذشت	collusion; partnership
passport	گذرنامه / پاسپورت	گتاوبندی / تبانی
service passport	گذرنامه خدمت	in illicit gains
	گذرنامه سیاسی / گذرنامه دیپلماتیک	گتاوبندی کردن
diplomatic passport		to collude; to enter
regular passport	گذرنامه عادی	into a secret deal
special passport	گذرنامه مخصوص	safe
overcharger; profiteer	گران فروش	گتاو صندوق
overcharging; profiteering	گران فروشی	Gheber; fireworshipper;
dearness; expensiveness;	گرانی	Zoroastrian
high cost		بدائی
tendency; inclination	گرایش	begging; beggary; mendicity;
codification	گردآوری قوانین	mendicancy
abstract of	گردشکار / خلاصه پرونده	to beg; to ask alms
record		گدائی کردن
PIGNUS; pledge;	گروه (م ۷۷۱ ق ت)	گذر / معبر
pawn		passage; transit;
to distrain	گرو برداشتن مال بابت دین	cross-way
(upon)		remission;
		concession; indulgence
		گذشت شاکی / گذشت مدعی خصوصی (م)
		remission by complainant;
		remission by private plaintiff
		to remit; to overlook;
		گذشت کردن
		to waive

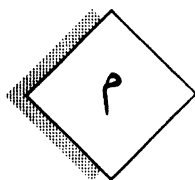
to hold guilty;	گناهکار دانستن	politics	
to incriminate		grappling	گراپلینگ
treasure	گنج	to grapple; to scuffle;	گراپلینگ کردن
witness	گواه	to struggle; to be at close quarters with	
to call someone	گواه آوردن	bullet; shot	تلوله
to witness; to cite as an example		cannon ball	تلوله توپ
to call	گواه خواستن / گواه گرفتن	belief; opinion;	گمان
to witness		supposition; surmise	
false witness; perjurer	گواه کاذب	misled; astray; lost	گمراه
witness; testimony;	گواهی	to be misled; to be	گمراه شدن
evidence; certification; attestation		seduced; to go astray	
signature verification;	گواهی امضا	to mislead; to seduce;	گمراه کردن
jurat; certificate of officer before whom writing was sworn to; in common usage, certificate of administering officer that writing was sworn to by person who signed it		to lead astray; to deceive	
performance (of work)	گواهی انجام کار	customs	گمرک
certificate		to lay duties (on)	گمرک مسن (به)
decree of	گواهی انحصار وارثت	Iran Customs	گمرک ایران
heirship		Administration	
bill of	گواهی بهداشت (در بندر)	duty paid; cleared from	گمرک شده
health		the customs house	
certificate of	گواهی پایان کار	clearing from	از گمرک در آوردن
completion		the customs	
conjectural	گواهی حدسی (م ۹۴ ق ح ق)	duty-free; customs-free	بی گمرک
testimony		customs house	گمرک خانه / اداره گمرک
to call in evidence	گواهی خواستن از	pertaining or payable	گمرکی
to give evidence (of);	گواهی دادن	to the customs	
to bear witness (to)		lost; lost person; missing	گمشده
consular	گواهی سالم بودن کالا	sin; crime; fault; guilt	گناه
certificate of health		venial sin	گناه صغیره
scrip issue	گواهی سهم	to sin; to commit a	گناه کردن
		sin or crime	
		mortal sin	گناه کبیره
		sinner; sinful; at fault; guilty	گناهکار

driving licence	گواهی نامه رانندگی	testimony of a witness	گواهی شاهد
mortgage certificate	گواهی نامه رهن	scrip (bonus)	گواهی صدور سهم جایزه ای
certificate of deposit	گواهی نامه سپرده	issue of shares	
share certificate	گواهی نامه سهم	certificate of no fault	گواهی عدم خلاف
preference share	گواهی نامه سهم ممتاز	certificate of	گواهی عدم سوء سابقه
certificate		freedom from evil record; security clearance certificate	
	گواهی نامه عدم سوء پیشینه (م ۶۹۲ آدم)	death	گواهی فوت (م ۹۸۷ ق م)
certificate of clean record		certificate	
share certificate	گواهی نامه مالکیت سهم	perjury	گواهی کذب (م ۲۱۵ ق م ع)
inventory	گواهی نامه موجودی کالا	to certify; to attest; to	گواهی کردن
certificate		testify	
	گواهی نامه موقت سهم (م ۲۷ ق ا ق ت)	to grant	گواهی کردن صحت وصیتنامه
scrip certificate; provisional share		probate of a will	
certificate		consular	گواهی کنسولی کشور وارد کننده
fraud; deceit;	گول	invoice	
fraudulence; deception			گواهی کتبی (با التزام به فید سوگند)
to be cheated; to be	گول خوردن	deposition	
deceived		to depose	گواهی کتبی دادن
to deceive; to cheat;	گول زدن	share certificate	گواهی مالکیت سهم
to defraud		certificate of origin	گواهی مبدأ
receiver; receptor;	گیرنده	certifier; verifier	گواهی کننده
recipient; payee		certificate; licence;	گواهی نامه
consignee	گیرنده بار	testimonial	
payee of the check	گیرنده چک	letters patent	گواهی نامه اختراع
alienee;	گیرنده مال مورد انتقال	decree of heirship	گواهی نامه انحصار وراثت
transferee		liability certificate	گواهی نامه بدهی
addressee; recipient	گیرنده نامه	receiver's certificate	گواهی نامه تصفیه
of the letter		registration certificate	گواهی نامه ثبتی
payee;	گیرنده وجه (م ۳۰۸ ق ت)	decree of heirship	گواهی نامه حصر وراثت
beneficiary			گواهی نامه حق خرید سهم (م ۱۷۱ ق ت)
GUILLOTINE	گیوتین	subscription certificate	

hoaxes; subterfuge;	trickery;	(legal) brief (درداوری)	لايه توجیهی (درداوری)
fraudulent devices			لايه جوابیه (خوانده) (م ۳۷۷ آدم)
solemn imprecation (م ۱۹۲ ق ح ق)	لعان	rejoinder; the second pleading on the part of the defendant, being his answer to the plaintiff's replication	
or malediction			
FAUX PAS; error;	لغزش	Bill of Rights	لايه حقوق
mistake; offence; slip; blunder		memorial of law (درداوری)	لايه حقوقی (درداوری)
nullification; cancellation;	لغو	statement of defense;	لايه دفاعیه
repealing; abrogation		cross- bill	
nullification	لغو قرارداد		
or cancellation of a contract ,		government (sponsored) bill	لايه قانونی (تقديم شده توسط دولت)
agreement or treaty			
cover	لغافه	pre- hearing memorial	لايه قبل از استماع مقدماتی (در داوری)
word	لفظ	rebuttal brief (درداوری)	لايه معارض (درداوری)
literally; orally	لفظاً	inexplicable; insolvable	لايه غير قابل توضیح / لايتحلی
foundling	لقیطر / بچه سرراهی		لايتز بين المللی / سازمان بين المللی شیرمردان
arid; barren; uncultivated	لم بزرع	Lions International	
bale	لنگه / عدل	inseparable; integral	لايه تفک
accessory	لوازم یدکی	full dress; formal	لباس تمام رسمی
buggery;	لواط (م ۱۳۹ ق ح ق)	clothes	
pederasty; sodomy		naked; bare; nude	لخت
bills; pleadings;	لوايح (ج. لايحه)	IN PURIS	لخت مادرزاد
filings; submissions		NATURALIBUS; stark naked	لدى الاقتضا
government (-sponsored)	لوايح قانونی	when occasion arises	لدى الورود
bills		on arrival	لزووم (م ۱۸۵ ق م)
exchange of pleadings	تبادل لوايح	the binding	لايه را تصویب کردن
pollution;	لوث / آلودگی	characteristic of contracts; need;	لايه از مجلس گذشت
contamination ; tainting ; defilement;		necessity; requirement	
soiling		language; speech; lingo;	لسان
to confuse an issue	لوث کردن مطلب	parlance; tongue	لسان حقوقی
instances of doubt	از باب لوث	legal parlance	لشکر
submarine cables	لوله های زیر دریا	army; division (of an army)	لطايف الحیل
pro, for	له	a thousand and one	
pros and cons; for and against	له و عليه		



corpse; carcass	لاشه	pederast; sodomite	لانظر / هم جنس باز
retired draft	لاشه برات	secular	لائیک / عرفی / غیر شرعی / غیر مذهبی
retired cheque	لاشه چک	coming next; following;	لاحق
necrophilism	لاشه دوستی	adjoining ; supplement ; annex ;	
doctrine of LA (م ۱۳۲ ق م)	لاسرر (م ۱۳۲ ق م)	context ; connection ; precedent ;	
ZARAR: use your own		attached ; appurtenance ; affixed;	
property in such a manner as not to		subsequent	
injure that of another		dredging	لارویی
lottery	لاطاری (م ۴۶ ق م م)	SINE QUA NON; binding;	لارم
dumb	لال	irrevocable; enforceable ; obligatory;	
irreligious; athiest; impious	لامذهب	necessary ; essential ; required ;	
secularism	لامذهبی	requisite; integral to	
inseparable; integral part	لايتجزا	binding; obligatory on	لازم الاتباع
bill; plea; pleading;	لايه (م ۲۳۵ آدم)	indispensable; binding;	لازم الاجرا
brief; memorial; submission; filing		enforceable	
to ratify the bill	لايه را تصویب کردن	mandatory; imperative;	لازم الرعايه
the bill got	لايه از مجلس گذشت	binding	
through the Majlis		to be necessary; to be	لازم بودن
supplementary bill	لايه الحاقیه	requisite	
parliamentary bill	لايه پارلمانی	to deem (it) necessary	لازم دانستن
	لايه پس از استماع مقدماتی (در داوری)	inseparable;	لازم غير مفارق / لازم لايفک
post hearing memorial		integral	
budget allocation bill	لايه تفريغ بودجه	correlative; interdependent	لازم و ملزوم



matricidal مادرکشی
 matricide ماده
 article; clause; section ماده استنادار
 saving clause ماده اصلاحی
 amendment article
 amendatory article ماده الحاقی / ماده الصاقی
 rider; appended article; supplement
 most favored ماده دولت کامله الوداد
 nation clause
 single article (act) ماده واحده قانونی
 by virtue of article بموجب ماده
 abovementioned; مارا الاشعار / مارا الذکر
 aforesaid; foregoing
 marxism مارکسیسم
 surplus; excess; oversupply; مازاد
 balance
 franking machine ماشین ابطال تمبر
 staff car ماشین سازمانی
 billing machine ماشین صدور صورتحساب
 RES; property; wealth; asset; مال
 goods; merchandise; commodity;
 object

relief; judgment debt مایه الادعا
 difference; excess مایه التفاوت
 relief; judgment debt مایه الدعوی
 estate (of a ماترک / ترکه (م ۸۶۱ قم)
 deceased person); legacy; heirloom;
 patrimony
 intestate property ما ترک بدون وصیه
 adventurism ماجراجویی
 for the term مادام العمر / مادام الحیات
 of his life; for life; during one's
 lifetime
 mother مادر
 grandmother مادر بزرگ
 paternal grandmother مادر پدر / جدّه
 sponsor mother مادر تمعیدی
 foster mother مادر رضاعی
 mother-in-law (wife's مادر زن
 mother)
 mother-in-law (husband's مادر شوهر
 mother)
 surrogate mother مادر قراردادی
 maternal grandmother مادرمادر / جدّه
 parenticide; matricide; مادرکشی

(B.S.); (B.Sc) liberalism لیبرالیزم
 Bachelor of لیسانس / کارشناسی
 Education (B.Ed.) (B.E.) Bachelor of Arts (B.A.) لیسانس ادبیات
 Bachelor of لیسانس الهیات
 Divinity; (B.D.)
 Business Administration (BBA) لیسانس بازرگانی
 Bachelor of Engineering لیسانس مهندسی
 (B.Eng) Bachelor of Commerce لیسانس بازرگانی
 (B.Com.)
 Bachelor of Civil لیسانس راه و ساختمان
 Engineering (BCE) LEGUM لیسانس حقوق
 waiting list لیست انتظار
 black list لیست سیاه BACCALAUREATE; Bachelor of Laws (LL.B.)
 Bachelor of Science لیسانس علوم

proprietary; possessory	مالکانه	property and its accessories or usufruct	مالدار
proprietary interest	بهره مالکانه	wealthy; rich; opulent	مالدار
proprietary rights	حق مالکانه	to be solvent (م ۶۹۰ ق م)	مالدار بودن / ملی
possessory action	عمل مالکانه	wealth; opulence	مالداری
proprietorship; ownership;	مالکیت	owner; master; landlord;	مالک
property; estate; possession		lessor; proprietor	
collective	مالکیت اجتماعی / مالکیت جمعی	owner of root (م ۳۲ ق م)	مالک اصله
ownership		sole owner of stock	مالک انحصاری سهام
private	مالکیت اختصاصی / مالکیت خصوصی	undisputed owner	مالک بلامتنازع
ownership		small holder	مالک جزء
	مالکیت اختیاری / مالکیت قراردادی	owner of seed	مالک حبه
conventional estate		owner of right	مالک حق
copyright	مالکیت ادبی و هنری	bare owner	مالک رقبه
title by	مالکیت از طریق مرور زمان	landowner	مالک زمین
prescription		reputed	مالک ظاهری (بر اساس ظواهر)
collective	مالکیت اشتراکی / مالکیت جمعی	owner; one who has to all	
ownership		appearances the title to, and	
exclusive ownership	مالکیت انحصاری	possession of, property	
	مالکیت انفرادی در مجتمع مسکونی	ground landlord	مالک عرصه
condominium		absolute owner;	مالک قطعی
adverse possession	مالکیت با معارض	unconditional owner	
indisputed possession;	مالکیت بلامعارض	shipowner	مالک کشتی
clear or good title		co-owner; joint owner	مالک مشاع
collective or joint	مالکیت جمعی	part owner	
ownership		co-owner	مالک مشترک
literary property	مالکیت حق تألیف	owner of divided or	مالک مفروز
patent rights	مالکیت حقوق صنعتی	partitioned estate	
special property	مالکیت خاص	beneficial owner	مالک منافع
private ownership	مالکیت خصوصی	sole owner	مالک منحصربه فرد
right of a	مالکیت سرقفلی	rightful owner	مالک واقعی
tradesman to receive a compensation		owner and tenant	مالک و مستاجر
for goodwill if a prolongation of lease		paramount landlord	بزرگ مالک
is refused			

immovable property; real estate;	مال استهلاکی	consumable goods	مال استهلاکی
landed property; tenement		rent; rental; the (م ۲۲۰ ق م)	مال الاجاره
CHOSE IN POSSESSION;	مال فعلی	price of hire	
a thing in possession		patrimony; hereditament	مال الارث
RES NON FUNGIBILES;	مال قیمی	merchandise; goods	مال التجاره
non fungible things		contraband merchandise قاچاق	مال التجاره قاچاق
RES CORPORALES;	مال مادی	pledged asset	مال الرهانه / مال مرهون
corporeal things		property belonging	مال الشریکه
allowable, free or open things	مال مباح	to the partnership	
RES DERELICTA;	مال مبروکه	object of (م ۷۶۸ ق م)	مال الصلاح
abandoned property		settlement; object conveyed	
RES LITIGIOSAE;	مال متنازع فيه	consideration or subject matter of a	
things which are in litigation		settlement	
RES FUNGIBILES;	مال مثلی	مال الکفاله / وجه الکفاله (م ۷۶۱ ق م)	
fungible things		the property constituting the subject	
pledged assets	مال مرهون / مال مرهونه	matter of the contract of personal	
RES FURTIVAE;	مال مسروقه	surety	
stolen property		object of bailment;	مال الذماریه
INDIVISUM;	مال مشاع / مال مشترک	capital invested by sleeping partner	
undivided or joint estate		RES NULLIUS;	مال بلا صاحب
goods confiscated,	مال مصادره شده	property of nobody; a thing which has	
forfeited, or expropriated		no owner	
RES INCORPORALES;	مال معنوی	RES ACCESSORIA;	مال تبعی
incorporeal things; such things as the		an accessory thing	
mind alone can perceive		personal estate;	مال شخصی
usurped	مال مضموب (م ۳۱۱ ق م)	personality; personal things	
property		RES CORPORALES;	مال عینی
RES MOBILES; movable	مال منقول	corporeal things; tangible assets	
things; chattel		non- consumable	مال غیر استهلاکی
hereditaments	مال موروثی	goods	
deposited property	مال ودعی	indivisible property;	مال غیر قابل تقسیم
original	اصل مال و نمائات با منافع آن	inalienable interests	
and derivative estate; the corpus of		RES IMMOBILES;	مال غیر منقول

مالکیت شخصی / مالکیت خصوصی	personal
مالکیت شخصی یا خصوصی	or private property
مالکیت صنعتی	patent rights
مالکیت عینی	real property
مالکیت فردی / مالکیت خصوصی	private ownership
مالکیت قانونی / مالکیت قضائی	legal title, estate or ownership
مالکیت قلمرو کشور	title of territory
مالکیت قراردادی / مالکیت اختیاری	conventional estate
مالکیت قهری	automatic ownership
مالکیت مافی الذمه (م ۳۰۰ ق م)	confusion
مالکیت مشاع	tenancy in common; co-ownership; joint ownership; coparcenary
مالکیت محدود	restricted ownership; qualified property
مالکیت مستمر اعداها	continuous ownership of claims
مالکیت مشترک	(U.K.) joint tenancy; joint ownership; condominium
مالکیت مشکوک	doubtful title
مالکیت مطلق	absolute estate; freehold estate; estate in fee; fee simple estate; absolute ownership
مالکیت معلق	contingent estate

مالکیت منافع	beneficial ownership
مالکیت هنری	copyright
مالی	financial; fiscal; pecuniary
اشکالات مالی	financial difficulties or problems
امور مالی	financial affairs
سال مالی	fiscal year
کمک مالی	financial aid
مالیات	tax; taxes; taxation
مالیات ارضی / خراج	toll; tribute
مالیات اضافه بر مالیات عادی	supertax; surtax
مالیات بر ارث	inheritance or legacy tax; probate, estate, death or succession duty
مالیات بر اراضی	land tax
مالیات بر ارزش افزوده	value added tax (VAT)
مالیات بر اساس ارزش مال	AD VALOREM tax
مالیات بر اموال	property tax
مالیات بر اموال منقول	personal tax
مالیات بر درآمد	income tax
مالیات بر درآمد تصاعدی	graduated income tax
مالیات بر شرکت	corporation tax; corporate duty; (U.K.) advanced corporation tax (ACT)
مالیات بر شغل	occupation tax
مالیات بر فروش	sales tax; turnover tax
مالیات بر مستغلات	real estate tax; rental tax
مالیات بر مصرف	excise taxes

مالیات بر واردات	import; import duty
مالیات بستن بر	to levy a tax;
مالیات پرداختن	to excise; to assess a tax to pay tax
مالیات تصاعدی	progressive taxation; graduated tax
مالیات تکلیفی	withholding tax (deduction at source)
مالیات تکمیلی (م ۱۱۶ ق م م)	supplementary tax
مالیات جنسی	tax in kind
مالیات جنگی	war levy
مالیات حقوق	payroll tax
مالیات دولت	state tax
مالیات سرانه	poll tax; capitation
مالیات سنگین (بستن بر)	tax; head tax (to) overtax
مالیات شخصی	tax on personalty
مالیات عبور از زمین اختصاصی	toll traverse
مالیات عمومی	public tax
مالیات غیر شخصی	tax on realty
مالیات کالاهای تولیدی در منازل	excise duties
مالیات کالاهای داخلی	excise tax
مالیات غیر مستقیم	indirect taxation; indirect taxes; excise taxes
مالیات قطعی	final tax
مالیات گمرکی	customs duties
مالیات مستغلات	rental tax; real estate tax
مالیات مستقیم	direct taxation; assessed taxes
مالیات مضاعف (م ۱۶ ق م)	double tax
مالیات ملکی	property tax; capital tax; capital levy
مالیات منطقه‌ای	local tax
مالیات نزولی	regressive tax; degressive taxation; tax on descending scale
مالیات نسبی	proportional tax
مالیات نقدی	tax in cash
مالیات نقل و انتقال	transfer tax
نوار از مالیات	tax evasion
قدرت دولت در وضع مالیات	taxing power
معاف از مالیات	tax free
مالیات بندی	taxation
مالیاتی	pertaining to taxes or taxation
استثنای مالیاتی	tax exclusion
انگیزه مالیاتی	tax incentive
بقایای مالیاتی	tax arrears
راه گریز مالیاتی	tax loophole
مؤدی مالیاتی	taxpayer
مالیت	possessory value; proprietary worth
از مالیت افتادن	to lose possessory value
مالیه	finance
مالیه عمومی	public finance
مانحن فیه	subject at hand or at issue
مانده	balance
مانده بدهکار	debit balance
مانده بستانکار	credit balance
مانده حساب	account balance
مانع	obstacle; hindrance; impediment; holdback; preventive; barrier; obstruction; blockade

relevant	مؤثر در مقام	to prevent, to obstruct;	مانع شدن
is of no consequence;	مؤثر در مقام نیست	to hinder; to hold back	
is irrelevant		religious impediment	مانع شرعی
ultimate; postponed; deferred	مؤجل	to obstruct passage	مانع عبور شدن
hired (worker); leased	ماجور	legal impediment	مانع قانونی
property		to obstruct passage	مانع قانونی برای انکار و یا اقرار پس از اقرار و یا انکار
posterior; later; latter;	مؤخر	estoppel	مانع مشروع
placed behind; delayed		legitimate excuse	مانع الجمع
basis; origin; source	ماخذ	mutually exclusive;	
tax base; basis of tax	ماخذ مالیات	incongruous; incompatible	ماوقع
taken; derived	ماخوذ	circumstances; events;	
the property taken as a	ماخوذ به سوم	incidents	ماه/ فدر
sample		moon	ماه/ یک دوازدهم سال
payer	مؤدی	month	ماه جاری
taxpayer	مؤدی مالیاتی (م ۱۱ ق م م)	current or instant month	ماهوی
payee	مؤدی له	substantive; substantial;	
authorized; permitted	مأذون	of or pertaining to merits	ماهانه
to have authority	مأذون در اخذ	permensem (p.m.); monthly;	
to receive		per month	ماهیت
to be permitted; to be	مأذون شدن	merits; substance; essence;	
authorized		nature	ماهیت حقوقی
promoter;	مؤسس (م ۴ ق ت)	judicial nature	ماهیت دعوی (م ۱۵۴ آدم)
founder; organizer; constituent		merits of the case	ماهیت عرفی
promoter of a company	مؤسس شرکت	customary nature	ماهیت قانونی
establishments;	مؤسسات (ح. مؤسسه)	legal nature	دفاع در ماهیت
institutions; foundations		defense on merits	مایملک
state profit-	مؤسسات انتفاعی دولت	property; possessions;	
making institutions		assets; belongings; estates; effects;	
state trading	مؤسسات بازرگانی دولت	chattels; movables	مایملک فرهنگی
institutions		cultural property	مواخذه کردن از
municipal institutions	مؤسسات بلدی	to call to account	مؤثر
charity institutions;	مؤسسات خیریه	effective; effectual; active	
charitable establishments			

functionary; delegate; commissioner;	مؤسسات غیر تجاری	non-profit	
appointed; charged; commissioned;		association	
sent on duty	مأمور فرهنگی	cultural associations	
detective; secret agent;	مأمور آگاهی	state agencies	مؤسسات مملکتی
intelligence officer		organizations	مؤسسات وابسته به دولت
process-server; communicant	مأمور ابلاغ	affiliated to the government;	
مأمور انتظامات دادگاه یا نهاد قانونگذار		government affiliated institutions	
sergeant-at-arms		Constituent	مؤسان/ مجلس مؤسان
bailiff; executive	مأمور اجرا/ دادورز	Assembly	
officer		institute; organization;	مؤسسه
administrative functionary	مأمور اداری	establishment; institution; foundation;	
hangman; executioner	مأمور اعدام	concern	
hangman	مأمور اعدام به وسیله دار		مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران
paymaster	مأمور پرداخت	Iranian Standards and Industrial	
police official or	مأمور پلیس	Research Institute (ISIRI)	
officer		International	مؤسسه بین المللی آمار
inquisitor	مأمور تحقیق	Statistical Institute (ISI)	
water bailiff	مأمور تفتیش کشتیا در بندر		مؤسسه بین المللی بانک پس انداز
tollager	مأمور جمع آوری مالیات و عوارض	International Savings Bank Institute	
government official;	مأمور دولت	Economic	مؤسسه توسعه اقتصادی
civil officer; state officer; government		Development Institute	
agent or functionary		Institute of	مؤسسه حقوق بین الملل
official authority;	مأمور رسمی	International Law	
government official		charitable institution	مؤسسه خیریه
official authority	مأمور رسمی تنظیم اسناد	going concern	مؤسسه دایر
charged with the drawing up of		state agency	مؤسسه دولتی/ موسسه کشوری
documents; law official; notary (U.S.)		Institute of	مؤسسه روابط بین المللی
ministerial officer		International Relations	
emissary; secret agent	مأمور سری	public utility	مؤسسه عام المنفعه
diplomatic	مأمور سیاسی/ دیپلمات	institution	
agent or officer; political agent or			مؤسسه غیر تجاری (م ۵۸۴ ق ت)
functionary		non-commercial organization	
foreign	مأمور سیاسی دولت خارجه	agent; official;	مأمور

followed; obeyed	متنوع	public endowments	میرات مطلقه
aggressor; offensive;	متجاوز	chapter; treatise;	مبحث
trespasser		subject of discourse	
at war; belligerent	متحارب	innovator	مبتکر
ally; allied; united	متحد	sum; amount; fee	مبلغ
circular	متخذ المال / بخشنامه	par value; (م ۱۵۸ قاق)	مبلغ اسمی
suffering; bearing;	متحمل	nominal value	
undergoing; enduring; experiencing		total sum	مبلغ کلی
to bear; to suffer;	متحمل شدن	ambiguous; vague; obscure;	مهم
to sustain; to incur		of doubtful classification; of uncertain	
to sustain losses	متحمل خسارت شدن	issue	
to incur or bear	متحمل هزینه شدن	prevarication; equivocation	مهم گویی
expenses		object of sale; the thing sold	مبیع
hostile; at war; belligerent	متخاصم	object of conditional sale	مبیع شرطی
expert; specialized;	متخصص	ignorance of object of sale	جهل به مبیع
specialist			برقراری مدت برای تسلیم مبیع
camdist	متخصص ارز	backwardation	
actuary	متخصص بیمه	clear; doubtless; true	ثبیین
medico-legal	متخصص پزشکی قانونی	explanatory	تبیین
expert		discontinuation; abandonment;	متارکه
jurist	متخصص حقوق	separation	
handwriting expert	متخصص دستخط	truce; armistice	متارکه جنگ
financier	متخصص مالی	commodity; goods	متاع
offender; violator;	متخلف	recent; subsequent; later;	متاخر
infringer; wrongdoer; defaulting party		modern	
litigants; litigating	متداعیین	married (man)	متاهل
parties; parties to a suit		to marry (a woman, girl);	متاهل شدن
synonym; synonymous	مترادف	to form a family	
translator; interpreter	مترجم	the seller and (م ۳۶۳ ق)	متبايعین
official translator	مترجم رسمی	the purchaser; the transacting parties	
interpreter	مترجم شفاهی	(in a sale); parties to sale	
deserted; derelict;	متروک / متروکه	inconsistent; distinct;	متباين
abandoned		different; prime	

dealing; conversion; interchange	مبادله اسناد (مربوط به تفویض اختیارات نام)	diplomatic officer	مأمور شهرداری
exchange of full powers	مبادله اسناد (مورد توافق یا تصویب)	municipal functionary	مأمور عالیرتبه
exchange of instruments of		high-ranking official	مأمور قضائی
ratification		law-officer; judge	مأمور کردن
barter; exchange of	مبادله جنسی	to commission; to	appoint; to order; to delegate; to send on duty
goods for other goods		crime investigator	مأمور کشف جرم
population exchange	مبادله سکنه	consular	مأمور قسولی / مأمور کنسولی
exchange; trade; barter;	مبادله کردن	official	مأمور کسولی دولت خارجه
dealing; conversion; interchange		foreign	consular official
tax free exchange	مبادله معاف از مالیات	income tax	مأمور مالیات بردرآمد
exchange	مبادله یادداشتها / مبادله نامهها	inspector	مأمور ناظر (در دوره تعلیق مجازات)
of notes or letters		probation officer	مأمور وصول
elements of law	مبادی حقوقی	collector	مأموریت
fighting; campaign; combat	مبارزه	duty; commission;	secondment; official transfer (temporarily to another department)
election or electoral	مبارزه انتخاباتی	open to anyone;	مباح (م ۵۳ ق)
campaign		property belonging to no one;	impunible; indifferent; allowable; permissible
press campaign	مبارزه مطبوعاتی	rights or properties	مباحات (ج. مباح)
steward;	مباشر (م ۲۰۸ آد)	belonging to no particular person;	religious acts that may or may not be performed
supervisor; conductor; commissary;		to supervise; to oversee;	مباشرت کردن
foreman; overseer; administrator;		to manage; to conduct; to steward	مباشره
reeve		administratrix	مبانی قضائی
principal	مباشر جرم (م ۲۱ ق)	judicial basis	میرات
stewardship; supervision;	مباشرت	donations; charities;	charitable deeds
supervisorship; foremanship; sexual intercourse		exchanges	مبادله
to supervise; to oversee;		exchange; trade; barter;	

rebellious; a rebel; mutinous; mutineer
 having (pecuniary) power; متمكن
 rich; solvent
 supplement; complement; متمم
 supplementary; complementary
 supplementary متمم قانون اساسی
 constitutional law
 codicil متمم وصیت نامه
 text متن
 litigant متنازع
 controversial; contentious; متنازع فيه
 litigious; disputed about; at issue
 proportional; proportionate متناسب
 contradictory; inconsistent متناقض
 alternate; recurring; متناوب
 periodic (al)
 alternately; intermittently متناوباً
 successive; sequential متواتر
 successively متواتراً
 successive; consecutive; متوالی
 continuous
 consecutively; successively متوالیاً
 deceased; decedent; متوفی (م ۸۶۶ ق م)
 dead; late
 testate (person) متوفای با وصیت
 intestate (person) متوفای بی وصیت
 insolvent متوقف / مسر (م ۲۲۵ آ د م)
 to become insolvent متوقف شدن
 to put under the ban; متوقف کردن
 to stop; to halt
 born متولد
 born متولد به موجب ازدواج قانونی
 in lawful wedlock

RES NULLIUS; the متعلق به هیچ کس
 property of nobody; a thing which has
 no owner
 appurtenances; متعلقات (م ۳۲ ق م)
 attachments; accessions; accessories
 temporary marriage; concubine متمم
 warrantor; obligor; متعهد (م ۶۸۴ ق م)
 promisor; covenantor; guarantor
 warrantee; متعهدله (م ۲۹۲ ق م)
 obligee; guarantee; covenantee;
 promisee
 branching; متفرع (م ۳۸ ق ا ق ت)
 branched out; derived
 derivatives; by- products متفرعات
 ally; allied; united; متفق
 agreeing with each other; concurrent
 unanimous; in agreement متفق الرأی
 the Allies متفقین
 counter; reciprocal; mutual متقابل
 mutually; reciprocally متقابلاً
 applicant متقاضی
 pensioned (off); متقاعد / بازنشسته
 retired; superannuated; annuitant
 (a person) مقرب به پدر (م ۶۳۸ ق م)
 related through the father
 (a person) مقرب به مادر (م ۶۳۸ ق م)
 related through the mother
 enjoying; benefiting from; متمتع
 husband in temporary marriage
 entitled to civil متمتع از حقوق مدنی
 rights
 wife in temporary marriage متمتعه
 disobedient; متبرد (م ۱۶۱ ق م ع)

joint possessors
 to take possession of متصرف شدن
 incurring or having متضرر (م ۵ ق ا د م)
 incurred a loss; losing; having lost
 to sustain or incur a loss متضرر شدن
 comprising; including; متضمن
 containing; involving; requiring;
 embodying
 to comprise; to entail; متضمن بودن
 to enclose; to include; to involve
 having a grievance متظلم
 or complaint; petitioner
 customary; common; معارف
 ordinary; usual
 in a normal way به نحو معارف
 to the extent به مقدار معارف
 recognized by common usage
 customary methods طرق معارف
 parties to a contract; متعاقدين
 contracting parties
 party to a transaction; متعامل
 person with whom a transaction is
 made
 transacting parties (ج. متعاملین)
 parties undertaking متعاهدین
 an obligation; parties to a contract
 impossible; difficult; مستعذر
 resorting to a specified excuse
 belonging; pertaining متعلق
 RES COMMUNIS; متعلق به عموم
 things common to tall, e.g., light and
 air

equal; part; equivalent
 PARI DELICTO; مساوی القصیر
 in equal fault; equal in guilt or in
 legal fault
 PARI PASSU; equally; مساوياً
 equably; ratably; without preference
 resorting; to resort مستحب
 complainant; complaining فتنکی
 urantee; متضامع (م ۲۴ ق م)
 the accepting party in a contract of
 settlement
 (person) in charge; مقصدی
 incumbent
 auctioneer مقصدی حراج
 forwarding agent; carrier; freight
 forwarder مقصدی حمل و نقل (م ۳۷۷ ق ت)
 international freight forwarder
 national or مقصدی حمل و نقل داخلی
 domestic freight forwarder
 to be charged with مقصدی شدن
 funeral undertaker مقصدی کفن و دفن
 wharfinger مقصدی انبارگاه
 tax collector; مقصدی وصول عوارض
 toll gatherer
 possessor; متصرف (م ۵۱۲ ق م)
 occupier; occupant; possessing
 possessed; possessed of
 possessor bona fide متصرف با حسن نیت
 possessor mala fide متصرف با سوء نیت
 things common to tall, e.g., light and
 sole or exclusive possession متصرف بالاحصان (م ۱۲۶ ق م)

gratuitously; freely; without charge
EX GRATIS; free of مجانی
charge; gratuitous
lunatics مجانین (ج. مجنون)
adjacent; neighboring مجاور
adjacence; vicinity; مجاورت
neighborhood
compelled; forced; obliged; مجبور
(the one) under compulsion
to compel; to coerce مجبور کردن
complex مجتمع
condominium مجتمع مسکونی
jointly and severally مجتمعاً و منفرداً
an authority on Divine مجتهد
law; clergyman practicing religious jurisprudence
fully- مجتهد جامع الشرایط (م ۸۵ ق ۱)
qualified jurist of Islamic jurisprudence
channel; canal; duct; قنرا
passage; passageway
water- channel; watercourse مجرای آب
channel for مجرای آب باران
rain water
international مجرای آبی بین‌المللی
waterways
judicial channel مجرای دادرسی
sewage; drain- pipe مجرای فاضل آب
legal channel مجرای قانونی
abstract; single; مجرد
unmarried; solitary; incorporeal
criminal; guilty (person) مجرم
habitual criminal; مجرم به عادت

colonial punishment مجازات مستمرانی
مجازات مشدد (برای تکرار و تعدد جرم)
cumulative punishment
suspended مجازات معلق (م ۴۰ ق ۱)
sentence
pecuniary punishment مجازات نقدی
accumulative اجتماع چند مجازات
sentence; sentences running
concurrently
mitigation of penalty تخفیف مجازات
aggravation or increase تشدید مجازات
of penalty
cumulative sentence; تعدد مجازات
concurrence of penalties
reprieve تعلیق مجازات
commutation; change تغییر مجازات
of punishment to another less severe
degree of punishment درجه مجازات
double punishment ضعف مجازات
type of punishment نوع مجازات
هیچ کس برای یک جرم دوبار مجازات
نمی‌شود
NON BIS IN IDEM (not twice for
the same); a man shall not be twice
tried for the same crime
هیچ مجازاتی را نمی‌توان اعمال کرد مگر به
حکم قانون
no punishment except
in accordance with the law
مجازی
figurative; metaphorical
sessions; meetings; مجالس (ج. مجلس)
parliaments
sexual intercourse مجامعت
A GRATIA; gratis; مجاناً

authorized; licensed; مجاز
permissible; admissible
to be authorized; مجاز بودن
to be eligible
figuratively; metaphorically مجازاً
punishment; penalty مجازات / کفر
مجازات اداری (م ۱۶۱ آد م)
administrative punishment
maximum punishment مجازات اشد
principal penalty مجازات اصلی
disciplinary مجازات انتظامی (م ۴۰ ق ۱)
punishment
international sanctions مجازات بین‌المللی
correctional punishment; مجازات تأدیبی
punishment for a misdemeanor
accessory penalty مجازات تبعی
disciplinary punishment مجازات تربیتی
penalty involving مجازات تزدیلی
loss of civil rights
afflictive مجازات تزهیبی (م ۱۸۲ آد ک)
punishment
punishment of a minor مجازات نکدیری
offence
additional penalty مجازات تکمیلی
punishment for a felony مجازات جانی
imprisonment مجازات سالب آزادی
mild penalty مجازات سبک
cruel and unusual مجازات ظالمانه
punishment
penalty مجازات محدوده کننده آزادی
involving personal restraint (such as
exile and forced stay or prohibition to
stay, at a definite place)

administrator مغولی (م ۵۶ ق م)
or custodian of a pious foundation
texts متون (ج. متنی)
authentic texts متون معتبر
donee; منتهب موهوب له (م ۷۹۵ ق م)
recipient of a gift; grantee
accuser شهم
accused; charged (person) منتهب
person accused of a crime منتهب به جرم
to accuse; to charge with منتهب ساختن
to be accused of; to be منتهب شدن به
charged with
charged in his or منتهب غایب
her absence
alibi عدم حضور منتهب در محل هنگام وقوع جرم
counterpart; equivalent; similar مثل
equivalent of a property; مثل مال
similar property
exemplary مله (م ۴۹ ق ح ق)
punishment; mutilation
to mutilate (by way منته کردن
of exemplary punishment)
ملی (در مقابل قیمی) (م ۵۹۸ ق م)
fungible; replaceable (things)
to have a counterpart مثلی بودن
exemplar; proverbial مثلی / مثالی
polemic مجادله
channels; tubes; مجاری / راهها
ducts; passageways
administrative channels مجاری اداری
diplomatic channels مجاری دیپلماتیک
official channels مجاری رسمی
aqueducts مجاری میاه

identity; fameless; of ignoble birth
opposite; parallel (م ۱۵۷ ق م)
enemy (م ۱۹۹ ق ح ق)
of God; one waging war or fighting
against God; belligerent; combatant;
fighter

محاربه (م ۲۰۱ ق ح ق)

disturbance of public peace with or
without the use of arms, whether
followed by plunder or not; enmity-
with God; combat; fighting

محارم (ج. محرم) (م ۲۰۷ ق م ع)
relationship; confidants; (Fegh)
persons within the prohibited degrees
of marriage

محارم نسبی (م ۹۹ ق ح ق)
within the prohibited degrees of
marriage

محاسب accountant; book keeper
محاسبات (ج. محاسبه) accounts;
calculations; reckonings

محاسبات تجارتی commercial accounts
محاسبات عمومی public accounts
محاسباتی relating to accounts;

accounting; fiscal
accounting اشکالات محاسباتی

difficulties
accounting; counting; محاسبه

calculation; computation; reckoning
yearly account محاسبه سالانه

to calculate; محاسبه کردن
to compute; to count; to figure out
siege; blockade; محاصره

general meeting
lawful general مجمع عمومی قانونی
meeting

مجمع عمومی مؤسس (م ۱۷ ق ا ق ت)

founders general meeting
unlawful assembly مجمع غیرقانونی

special meeting مجمع فوق العاده
witness مجمع گواهان / مجمع شهود

assembly
code مجمع القوانين / مجموعه قوانین

insane; lunatic; مجنون / دیوانه
mad; of unsound mind; demented

periodic lunatic مجنون ادواری
permanent مجنون دائمی / مجنون مطبق

lunatic
injured مجنی علیه (م ۱۶۴ ق م)

party; wronged party; victim;
offended person

مجوز license; sanction;
justification

بدون مجوز without license or
justification

مجوس / گبر / زرتشتی Magian;
Zoroastrian

مجهول unknown; passive;
unrecognized; unperceived

مجهول المالك BONA VACANTIA;
(goods) without apparent owner; of

unknown ownership
مجهول المصروف of unknown use

or purpose
مجهول النسب of unknown parentage

مجهول الهویه anonymous; of unknown

House of Commons
Constituent Assembly مجلس مؤسسان

advisory council; مجلس مشاوره
consultation meeting

Legislative Assembly مجلس مقننه
SCRIBA REGIS; مجلس نویسان

scribe
party impleaded مجلوب (م ۲۷۴ آدم)

third party brought مجلوب ثالث
into (litigation)

magazine; review; periodical مجله
gazette مجله رسمی / روزنامه رسمی

مجله رسمی وزارت عدلیه (م ۷۷ ق ت)

Gazette of the Ministry of Justice
technical periodical مجله فنی

monthly periodical; مجله ماهیانه
monthly

weekly periodical; weekly مجله هفتگی
مجمع assembly; association;

meeting; convention
witness مجمع شهود / مجمع گواهان

assembly
regular meeting مجمع عادی

general meeting مجمع عمومی
General مجمع عمومی سازمان ملل متحد

Assembly of the United Nations
annual general مجمع عمومی سالانه

meeting
regular general مجمع عمومی عادی

meeting
specially held regular general meeting مجمع عمومی فوق العاده

special مجمع عمومی فوق العاده

recidivist
dangerous criminal مجرم خطرناک

political delinquent; مجرم سیاسی
state criminal

to find or pronounce مجرم شناختن
guilty

quilt; criminality; مجرمیت
offence; culpability

enforcer; executive; one مجری
who executes (enforces)

enforced; executed مجری
to carry out; to مجری داشتن

enforce
forged; fictitious; معقول

fabricated
parliament; House; Chamber; مجلس

assembly; session; meeting
مجلس اداری عالی (م ۱۸۸ آ د ک)

supreme administrative committee
مجلس اشراف / مجلس اعیان (U.K.) House

of Lords
Assembly of Experts مجلس خبرگان

Senate مجلس سنا
Parliament; مجلس شورایی / مجلس شورا

National Consultative Assembly
مجلس شورای اسلامی (اصل ۶ ق ا ح ۱)

the Islamic Consultative Assembly
مجلس شیوخ / مجلس اشراف / مجلس سنا

(U.K.) House of Lords
Upper House; مجلس عالی / مجلس اشراف

(U.K.) House of Lords
session of the contract مجلس عقد

Lower House; (U.K.) مجلس عوام

to deprive of inheritance	محجوریت	interdiction
to disfranchise	محروم کردن از حق رأی	(Fegh) narrator
(in ancient Athens, etc.) to ostracize; to deprive of civil rights	محروم کردن از حقوق اجتماعی	or relator of traditions
to deprive of civil rights	محروم کردن از حقوق مدنی	limited; bounded; محدود
privation; deprivation	محرومیت	confined; restricted; circumscribed
to suffer or undergo privation	محرومیت کشیدن	to limit; to bind; محدود کردن
disinheritance	محرومیت از ارث	to restrict; to confine; to circumscribe
denuding of	محرومیت از امتیازات	confined; restricted محدود
privileges		area; within the boundary; (city) limit
disfranchisement	محرومیت از حق رأی	Tehran city limit محدود شهر تهران
	محرومیت از حق وکالت دادگستری	outside the خارج از محدوده شهر
disbarment		city limit
deprivation	محرومیت از حقوق اجتماعی	curtailment محدودیت بازرگانی
of civil rights; civil degradation		writer; secretary; محرر
civil degradation	محرومیت از حقوق مدنی	clerk; amanuensis (obs) مُحرِر
or death		fortified مُحرِر
outlawry	محرومیت از حقوق قانونی	confirmed; established; مُحرِر
dispossession of	محرومیت از دارایی	proved محرز شدن
properties		to be confirmed; محرز شدن
divesting one of his authority; depriving one of his position	محرومیت از مقام	to be made certain
married man	محصن (م ۱۰۰ ق ح ق)	instigator; inciter محرک
FEME COVERT; married	محصنه	of close relationship; مُحرَم
woman		(Fegh) one with whom marriage is prohibited (usually because of kinship); confidant; intimate; privy
limited; surrounded; محصور		confidential; private; secret محرمانه
walled; bounded; fenced; enclosed; محصور		deprived; dispossessed; محروم
besieged		divested (of) محروم از حقوق قانونی
unlimited; unbounded	غیر محصور	outlaw محروم شدن
		to be deprived محروم شدن
		to deprive; to divest; محروم کردن
		debar
		to disinherit; محروم کردن از ارث

court	محاكمه مدنی / محاكمه نظامی	besieging; surrounding
martial		محاصره بحری / محاصره دریایی
open trial	محاكمه علنی	blockade by sea
mistrial	محاكمه غلط	naval commercial محاصره بحری تجاری
trial in camera	محاكمه غیر علنی / محاكمه سری	blockade
to try (judicially)	محاكمه کردن	pacific blockade محاصره غیر جنگی
court martial	محاكمه نظامی	effective blockade محاصره کامل
pendency of action	در جریان محاكمه / در طول محاكمه	to besiege; محاصره کردن
	مجال علیه برات گیر (م ۲۲۳ ق ت)	to (lay) siege; to run the blockade; to surround
drawee; transferee; assignee; endorser of cheque; holder of a bill		to raise the siege محاصره
payee; obligee	مجال له	siege or blockade محاصر (ج. محضر)
jail; gaol; prison	محبس	notary (public's) offices
imprisoned; prisoner;	محبوس	conservative محافظه کار
jailed; captive		conservatism محافظه کاری
creditor	مجال / طلبکار (م ۷۲۴ ق م)	courts محاكم (ج. محكمه)
inflammable; explosive	محرق	lower محاكم ابتدایی / محاكم تالی
municipal or police officer	محبس	courts; courts below
moribund; in a dying state	محتضر	courts of law محاكم حقوقی
hoarder; speculator	محتکر	ecclesiastical or محاكم شرعی
stock jobber	محتکر سهام	religious courts محاكم عالی
contingent; capable	محمّل الوقوع	higher courts; courts above
of arising		temporal tribunals محاكم عرفی
incapacitated; محجور (م ۱۲۰۷ ق م)		trials; محاكمات (ج. محاكمه)
interdicted; disqualified; a ward; one under guardianship; incompetent to make a contract; disqualified from making a will		cross-examinations; hearings
to become ward; محجور شدن		ordinary trials محاكمات عادی
interdicted; to be placed under guardianship		trial; court محاكمه / دادرسی
		procedure; hearing
		summary محاكمه اختصاری (م ۲۳۵ آدم)
		trial
		mistrial محاكمه بی جهت

allocation	محکوم	condemned; sentenced;
place of stay; محل اقامت		convicted; convict; adjudged
residence; domicile	محکوم به اعدام	sentenced to death
commercial محل تجاری / ساختمان تجاری	محکوم به پرداخت خسارت	adjudged to pay damage
property		
sanctuary محل تحصن	محکوم به طور غیابی	condemned or sentenced in absentia
a place frequented by محل تردد		
public; thoroughfare	محکوم شدن	to be found guilty
place of delivery محل تسلیم	محکوم شدن در دعوی	to lose the case
venue محل تشکیل دادگاه	محکوم کردن	to condemn; to sentence;
the place where محل تشکیل جلسه		to adjudge ; to find guilty ; to
a meeting is held		incriminate; to inculcate
residence محل توقف	محکوم به (م ۴۳ آدک)	judgment debt
venue محل دادرسی	محکوم علیه	judgment debtor;
dwelling place محل سکنی (م ۱۱۰۷ قم)		condemned party; losing party
LOCUS PUBLICUS; محل عمومی	محکوم له	judgment creditor;
a public place		winning party
residential محل مسکونی / ساختمان مسکونی	محکومیت	conviction; condemnation;
property		guilt; incrimination; inculcation
LOCUS CRIMINIS; the محل وقوع جرم	محکومیت اختصاری	summary conviction
place where a crime was committed	محکومیت انتظامی (م ۴۵ آدک)	
LOCUS DELICTI; محل وقوع جنحه		disciplinary condemnation
the place where an offense was committed	محکومیت تعزیری	a sentence below
LOCUS محل وقوع عقد		the full amount prescribed by law
CONTRACTUS; the place where a contract is made	محکومیت تعلیقی	suspended sentence
LOCO در محل ذکر شده (در نوشته)	محکومیت جزایی / کیفری	penal conviction
CITATO; at the passage quoted	محکومیت حقوقی	legal condemnation
solvent; resolvent; (Fegh) one محل	محکومیت قبلی	former conviction
who marries a "thrice-divorced" woman and dismisses her after consummation of marriage so that she	محکومیت کیفری / جزایی	penal conviction
	محکومیت مؤثر	substantial condemnation
	محکومیت مدنی	civil condemnation
	محل	LOCO; LOCUS; place;
		locality ; venue ; location ; credit

disciplinary tribunal محکمه نظامی	محصول	crop; product;
or court		output; produce; production
court of first instance محکمه بدایت	محصول زمین زراعی	emblems; profits
lower court محکمه نالی		of sown land; (natural) products of soil
commercial court محکمه تجارت	محصول فرعی	by- product
Court of محکمه تمیز / دیوان تمیز	محصول ناخالص ملی	gross national product (GNP)
Cassation; High Court; (U.K.)	۱- محضر / در حضور	presence
judiciary committee of the House of Lords; (U.S.) Supreme Court	۲- محضر / دفترخانه اسناد رسمی	notary
criminal court محکمه جزا		public's office
criminal court; محکمه جایی	محضری	notarial; registered
court of felony		by a notary public
trial court; محکمه حاکمه	محق	rightful; deserving; entitled
competent court	محقق	certain; ascertained;
court of law or justice محکمه حقوق		verified; sure
police court محکمه خلاف	محقق داشتن	to ascertain; to verify
ecclesiastical or محکمه شرع	محقق شدن	to be effective; to become
religious court		complete; to materialize
peace court محکمه صلحیه	محقق / پژوهشگر	researcher;
higher court; court above محکمه عالی		investigator; inquirer
court of justice or law محکمه عدلیه	محقق ثبت	judge- registrar
court of محکمه عمومی (م ۱۹۳ آدک)	محک زدن	to assay; to test
justice		by a touchstone
property court محکمه ملکی	محکمه / دادگاه	court
court martial محکمه نظامی	محکمه ابتدایی	court of first
pecuniary court محکمه نقدی		instance; inferior court; court below
Court محکمه نقص و ایرام / دیوان تمیز	محکمه اجنبی (م ۱۷۱ قم)	foreign court
of Cassation ; high court ; (U.K.)	محکمه اداری	administrative
judiciary committee of the House of Lords; (U.S.) Supreme Court		tribunal or court
court of last resort محکمه نهایی	محکمه استئناف (م ۱۸۸ آدک)	court of
(statements محکمه پسند (بیانات، ادله)	appeal	
or evidence) acceptable to court	محکمه امور حسبی	probate court

for an indefinite time $\rightarrow$ ∞

مدعى العموم during the whole ^{وقت} period, all the time ^{دائما}

(Fegh) wife having	مدخوله	has committed contempt of court	مختنت
had sexual intercourse or penetration		effeminate; hermaphrodite	مختنت
school; academy	مدرسه	having the option (to); at liberty	مختیر
United	مدرسه بین المللی ملل متحد	interference; intervention	مداخله
Nations International School		collective intervention	مداخله دسته جمعی
law school or college	مدرسه حقوق	to interfere; to	مداخله کردن
document; paper(s);	مدرک	intervene	
evidence; proof; muniment(s)		documents;	مدارک (ج. مدرک)
proof of a claim	مدرک ادعا	papers; evidence; proofs	
credit instrument	مدرک تمهید	inconsistent evidence	مدارک مانع الجمع
CORPUS DELICTI; the	مدرک جرم	conclusive evidence	مدارک متقن
object of the crime		defense; advocacy	مدافعه
scintilla of	مدرک جزئی / حداقل دلیل	to defend; to plead;	مدافعه کردن
evidence		to advocate	
ocular proof	مدرک عینی	pleas in bar,	مدافعات مسقط دعوی
incompetent	مدرک غیر قابل قبول	such as bar of statute of limitations	
evidence		period; duration; time; term	مدت
inconclusive evidence	مدرک قابل ابطال	term or period of lease	مدت اجاره
conclusive evidence	مدرک قاطع	tenor or term of a bill	مدت برات
claim	مدعا	period of extension	مدت تمديد
relief; object	مدعا به / مدعی به	period of	مدت دآوری (م ۶۴۱ آدم)
of claim; thing claimed		arbitration; period of authority of	
plaintiff; claimant	مدعی	arbiters	
counterclaimant	مدعی تقابل (م ۷۴۴ آدم)	term of office	مدت مأموریت
petitioner; private	مدعی خصوصی	customary period	مدت متعارف
plaintiff; relator; relatrix		period	مدت مرور زمان (م ۷۳۷ آدم)
demandant	مدعی در دعوی ملک غیر منقول	of limitations or prescription; term of	
to claim; to allege; to assert	مدعی شدن	limitations	
public	مدعی العموم (م ۳ آذک)	specified period	مدت معین
prosecutor		prescribed or stipulated	مدت مقرر
public	مدعی الموم بدایت (م ۱۲۱۹ قم)	time limit	
prosecutor of the court of first	--	payable at maturity;	مدت دار
instance		due at a specified date	

(court) costs	مخارج عدلیه / هزینه دادرسی	may lawfully marry her former	
preliminary	مخارج مقدماتی / هزینه مقدماتی	husband	
costs		district; (in a city)	محله
salvage	مخارج نجات کشتی	quarter; parish; neighborhood	
hostility; hostile activities	محاصره	local	محلی
cessation of hostilities	ترک محاصره	local court	دادگاه محلی
opposed; averse;	مخالف	local law; local	قانون محلی
contrary; disagreeing; discordant;		and special legislation	
opposer; antagonist		local rules	مشرقات محلی
rapporteur	مخبر (کمسیون)	consigned, shipped	محمول
free in one's action;	مختار	consignee	محمول الیه
independent; empowered		consignment; shipment	محموله
to be at liberty to;	مختار بودن	spot cargo	تک محموله
to be empowered to; to have free		to remove; to wipe	محو کردن
agency		out; to efface; to obliterate	
NON	مختل المشاعر (م ۸۹ آدک)	environment	محیط زیست
COMPOS MENTIS; not sound of		marine environment	محیط زیست دریا
mind; (Criminal law) a person who is		drawer	۱- محیل / حواله دهنده / برات کش
held semi responsible for his action		(of a cheque) ; alienator; assignor;	
embezzler	مختلس	conveyor	
narcotic; opiate	مخدر	tricker;	۲- محیل / حيله گر
altered; erased; having	مخدوش	trickster; deceiver	
signs of alteration; vitiated		debtor	محیل / مدیون (م ۷۲۴ ق م)
master; lord	مخدوم	telecommunication	مخابرات دور
extenuating; mitigative	محففه	communication	مخابره
محفی شدن (بمنظور احتراز از تعقیب قانونی)		to communicate; to	مخابره کردن
to abscond		send a telegram or telex	
to conceal; to hide;	محفی کردن	costs; expenses;	مخارج
to cover		expenditure	
intruder; disturber;	مخل	carriage paid (to)	مخارج باربری
disturbing; interrupting			پرداخت شده (تا)
disturbing good order	مخل نظم	personal disbursement	مخارج شخصی
contemner; one who	مخل نظم دادگاه	or expenses	

in default; the debtor who refrains from discharging his debt and performing his obligation
 مذاکرات (ج. مذاکره)
 deliberations;
 negotiations; talks
 مذاکرات جمعی
 collective bargaining
 مذاکرات سری
 secret or
 confidential negotiations
 مذاکرات صلح
 peace negotiations
 مذاکرات مجلس
 proceedings of the
 Parliament; deliberations of the assembly
 خلاصه مذاکرات
 minutes; proceedings
 مذاکره
 negotiation; parley;
 deliberation; discussion
 مذاکره درباره صلح موقت
 parley
 مذاکره کردن
 to negotiate; to parley
 مذاهب (ج. مذهب)
 religions; faiths;
 creeds
 مذاهب اریبه
 (Fegh) the four
 SUNNI schools of jurisprudence:
 HANAFITE, MALEKITE,
 SHAFIITE and HANBLITE
 مذهب
 religion; faith; belief
 مذهب رسمی
 state religion
 مزایحه
 percentage; (Fegh) usury sale
 مراتب
 circumstances; facts
 مراتب فوق الذکر
 the foregoing facts
 مراتب وراثت
 hierarchy of heirs
 مراجع (ج. مرجع)
 authorities; places
 to refer to; resorts
 مراجع صلاحیتدار
 competent authorities
 or officials

مدعی محرم محل
 local public prosecutor
 مدعی نه/ مدعیه (م ۲۵۸ آذم)
 relief;
 object of claim
 مدعی علیه
 defendant; respondent
 مدعیه
 female plaintiff
 مدلل
 documented; well- reasoned;
 convincing; proved; demonstrated
 مدلول
 content; purport; context
 مدیر
 director; manager
 مدیر اجرا
 executive manager
 مدیر ترکه
 administrator
 مدیر تصفیه (م ۱۳۸ ق ت)
 liquidator;
 administrator; trustee in bankruptcy
 مدیر تصفیه (امور ورشکستگان)
 receiver
 مدیر تصفیه موقت (در مورد ورشکسته)
 provisional assignee
 مدیر ثبت
 registrar
 مدیر دفتر دادگاه
 chief clerk of
 the court
 مدیر عامل (م ۱۲۴ ق ت)
 managing
 director
 مدیر کل
 director general
 مدیره
 administratrix
 مدیریت
 directorship; management
 مدیریت اجرائی
 enforcement agency
 مدیریت صنعتی
 industrial management
 مدیریت مدنی
 civilian agency
 مدیون/ مدین (م ۶۸۵ ق م)
 debtor;
 indebted
 مدیون بودن
 to owe; to be indebted to
 مدیون اصلی
 principal or
 original debtor
 مدیون ماطل
 (Fegh) a debtor

father is Muslim but he himself renounces Islam
 مردن ملی
 one whose father
 was a non- Muslim but he himself became a Muslim and renounced Islam subsequently
 مرتشی
 bribee; bribe- taker
 مرتع
 pasture
 مرتع طبیعی
 natural pasture
 مرتع مشجر
 a pasture covered with wild trees
 مرتکب
 perpetrator; doer
 مرتکب جنایت شدن
 to commit a crime
 مرتکب حنبه
 misdemeanor
 مرتکب شدن
 to perpetrate; to commit
 مُرتَنَن
 mortgaged
 مُرتَنَن (م ۷۷۱ ق م)
 pawnee; mortgagee;
 secured creditor
 مرجع
 authority; source;
 resort; place to refer to
 مرجع پژوهشی
 appellate authority
 مرجع حل اختلاف
 authority to resolve
 the dispute
 مرجع رسیدگی
 forum; deciding
 court or tribunal
 مرجع صالح
 competent authority
 مرجع قانونی
 legal authority
 مرجعیت
 religious office
 مرتد
 of authority
 مرجعیت علمی
 religious authority
 مرحله
 stage; phase; process
 مرحله بدوی
 initial stage; stage
 of first instance
 مراجع قضائی
 judicial authorities
 مراجعه
 reference; recourse
 مراجعه به آراء عمومی
 referendum;
 plebiscite
 مراجعه قلبی و مقدمانی مدعی به مقامات داخلی
 exhaustion of local remedies
 مراجعین (م ۶ ق ک)
 clients; customers;
 patrons; applicants; petitioners
 مراحل (ج. مرحله)
 stages; phases
 مراسلات (ج. مرسله)
 letters;
 correspondence
 مراسلات سری
 confidential
 correspondence
 مرصات
 mutual consent and
 concurrence of two parties
 مرافعه/ دعوی
 adversary proceeding;
 litigation; lawsuit; contentious matter
 مراکز (ج. مرکز)
 centers
 مراهن
 (Fegh) a minor who
 has not attained majority according to Sharia but who has obtained maturity through ejaculation of sperm or the growth of pubic hair
 مراهنه
 (Fegh) betting; wager
 مرتبه
 degree; rank; (Fegh)
 hierarchy within each class of the three classes of heirs
 مرئوس
 subordinate
 مرتد
 apostate; backslider;
 (Fegh) one who renounces Islam after professing it
 مرتد شدن
 to apostatize
 مرتد فطری
 (Fegh) one whose

Procurement and Distribution Center
مرکز تهیه و توزیع محصولات صنایع سبک

Light Industry Production
مرکز تهیه و توزیع منسوجات

Procurement and Distribution Center
Textiles
مرکز تهیه و توزیع منسوجات

Procurement and Distribution Center
(TPDC)
مرکز تهیه و توزیع مواد پلاستیکی

Plastic
Materials Procurement and
Distribution Center
مرکز تهیه و توزیع مواد شیمیایی

Chemicals
Procurement and Distribution Center
(CPDC)
مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی

Foodstuffs
Procurement and Distribution Center
(FPDC)
مرکز صلح جهانی از طریق قانون

World Peace Through Law Center
operations center;
headquarter
مرکز عملیات

central
MORT; death; decease
مرگ
natural death
مرگ طبیعی
مرگ غیر طبیعی (ناشی از صدمات خارجی)

violent death
post-mortem
پس از مرگ
statute of limitations;
مرور زمان
statutory limitations ; prescription ;
limitation of actions ; barring by
limitation
مرور زمان اجراء استاندارد
prescription
of enforcement of notarial documents
مرور زمان اجرائی (Cr.Law) prescription

Center for Wholesale Trade
مرکز بین المللی مناقشات سرمایه گذاری (حل
اختلاف)

International Center on
Investment Disputes (Bank)
مرکز تجارت بین المللی

center of commerce;
market; mart
مرکز توسعه صنعتی ملل متحد

International Trade Center
United Nations Center for
Industrial Development
مرکز تهیه و توزیع فلزات

Metals
Procurement and Distribution Center
(MPDC)
مرکز تهیه و توزیع فلزات ساختمانی

Structural Metals Procurement and
Distribution Center (SMPDC)
مرکز تهیه و توزیع قطعات و دستگاههای

Electronic Elements
and Instruments Procurement and
Distribution Center (EEIPDC)
الکترونیک

مرکز تهیه و توزیع قطعات و لوازم برقی

Electronic Goods and Parts
Procurement and Distribution Center
(EGPPDC)
مرکز تهیه و توزیع قطعات و ماشین آلات

Industrial Machines and Parts
Procurement and Distribution Center
Paper
مرکز تهیه و توزیع کاغذ و چوب

and Wood Procurement and
Distribution Center (PWPDC)
مرکز تهیه و توزیع ماشین آلات و قطعات یدکی

Machines and Spare Parts

mortuary
مرده شوخانه

hearse; ambulance;
مرده کش

undertaker
مرز

frontier; border
مرز خروج

port of embarkation
مرزدار / مرزبان

frontier officials;
frontier guard
مرزدار / مرزبان

control or
guarding of the frontiers
فرستنده / فرستنده

consignor; sender
consignee;
نرسنالیه (م ۳۷۷ ق ت)

addressee; payee; recipient
shipments;
مرسولات (ج. مرسوله)

consignments
shipment; consignment
مرسوله

custom; customary; habitual
illness; disease; sickness
مرض

nurse
مرضه / دایه

mutually agreed to
observed; regarded;
مرعی

considered
to observe; to consider
مرعی داشتن

center; headquarters;
head office
مرکز

head office of
a company
مرکز اصلی شرکت

مرکز بین المللی آموزش فنی و حرفه‌ای عالی

International Center for Advanced
Technical and Vocational Training
مرکز بین المللی اطلاعات اعتبار محلی

International Information Center for
Local Credit
مرکز بین المللی عمده فروشی

International

appellate stage
مرحله پژوهشی

stage of appeal
مرحله فرجامی

in the High Court
مرحوم

late; deceased; decedent
مرخص کردن

to dismiss; to
discharge; to release; to allow to leave
مرخصی

leave; leave of absence
earned leave;
مرخصی استحقاقی

due leave
medical leave
مرخصی استعلاجی

earned leave; leave
with pay; (U.S.) paid vacations
مرخصی بدون حقوق

leave without pay
maternity leave
مرخصی زایمان

French leave
man; male
مرد

bigamist
widower
مرد دوزنه

male chauvinism
people; men
مردسالاری

the masses; the
common people
مردم

maneater;
cannibal; anthropophagous
مردم خوار / هم جنس خوار

cannibalism
dead; deceased; decedent;
مردم خواری

passed away
necrophobia
مرده

necrolatry
morgue; deadhouse
مرده پرستی

necrophilia
patrimony; heritage;
مرده خانه

inheritance
مرده دوستی

مرده ریگ

nonchalant; negligent; careless	مسامحه کار	maritime questions	مسائل دریایی
neglect; neglectfulness; carelessness; nonchalance	مسامحه کاری	political questions	مسائل سیاسی
to neglect	مسامحه کردن	points of law; legal issues	مسائل قانونی / حقوقی
equality	مساوات	points of fact;	مسائل ماهوی
equality before	مساوات در تأدیه مالیات	substantive or factual issues	مسائل متنازع فیہ
taxation	مساوات در مشاغل و مناصب	points at issue	مسائل ملکتی
equality in	مساوات در مقابل دادگاههای دادگستری	state affairs	مسابقه
jobs and positions	مساوات در مقابل قانون	competition; race; match	مسابقه تسلیحاتی
equality before courts of law	مساوات سیاسی	armament race	مساحت
equality before law	مساوات مدنی	area	مساحت کردن
political equality	مسئله	to measure; to survey	مساحقه (م ۱۵۷ ق ح ق)
civil equality	مسئله نمایندگی چین در سازمان ملل متحد	lesbianism;	مساعده (م ۳۶۸ ق ت)
problem; question;	مسئله قابل رسیدگی قضائی	tribadism	مساعده بانک
affair; difficulty; matter	مسئله متنازع فیہ	advance (money)	مساعده پول
legal question or issue	مسئله از بدیهیات است / اظهر من الشمس	bank advance	مساعده دادن
judicial	مسئله متنازع فیہ	imprest	مساعده در برابریه
question	مسئله از بدیهیات است / اظهر من الشمس	to make an advance	مساعده
contested question;	مسئله متنازع فیہ	secured advance	مساعده در برابر وثیقه
question in dispute	مسئله از بدیهیات است / اظهر من الشمس	efforts; endeavors	مساعی
China question of representation in the United Nations	مسئله هندوپاکستان	good offices	مساعی جمیلہ
India- Pakistan	مسئله از بدیهیات است / اظهر من الشمس	unauthorized or	مسافر قاچاق
question	مسئله از بدیهیات است / اظهر من الشمس	stowaway passenger	مسافرات (م ۵۴۳ ق م)
RES IPSA LOQUITUR; the thing speaks for itself	مسئله موضوعاً منتفی است	contract for	harvesting against a share; (U.S.)
the issue	مسئله موضوعاً منتفی است	share-crop system	مسالمت
is moot; the issue has lost its point	مسئله	peace; peacefulness;	مسالمت آمیز
in charge;	مسئله	pacifism	مسامحه (م ۳۳۵ ق م)
		peacefully	negligence; nonchalance; dereliction
		peaceful	customary indulgence

farmletting (U.S.)	مزارعه (م ۵۱۸ ق م)	of enforcement of a judgment	مرور زمان اسقاط حق
share-crop system	مزاوحت	extinctive or	negative prescription
marrying; matrimony;	مزاوحت کردن	acquisitive or	positive prescription
marriage; conjugation	مزاوحت کردن		مرور زمان تجاری (م ۲۸۶ ق ت)
to marry; to wed	مزاوحت کردن		commercial prescription
benefits	مزاوحت کردن		prescription of
termination benefits	مزاوحت کردن		a crime
	مزاوحت کردن		criminal prescription
recurring benefits	مزاوحت کردن		prescription of a suit
bid; auction	مزاوحت کردن		prescription of
to put up to auction;	مزاوحت کردن		penalty
invite offers for the sale of	مزاوحت کردن		civil prescription
to sell by auction	مزاوحت کردن		negative
highest bidder	مزاوحت کردن		prescription
to be the highest	مزاوحت کردن		acquisitive or
bidder	مزاوحت کردن		positive prescription
wage; reward;	مزاوحت کردن		interruption of
remuneration; pay	مزاوحت کردن		prescription [U.S.] toll of the statute
fall back pay	مزاوحت کردن		(of limitations)
wage- earner; hired worker;	مزاوحت کردن		period of limitations
hireling; mercenary;	مزاوحت کردن		or prescription; term of limitations
agent	مزاوحت کردن		barred by statute
problems;	مزاوحت کردن		of limitations; time barred
issues; points; questions; affairs;	مزاوحت کردن		interferer; intruder
matters; difficulties	مزاوحت کردن		to interfere;
pollution questions	مزاوحت کردن		to cause inconvenience
statistical questions	مزاوحت کردن		nuisance; inconvenience
social questions	مزاوحت کردن		farms; plantations
administrative	مزاوحت کردن		farm
and budgetary questions	مزاوحت کردن		lessor; owner of land in a contract of
security questions	مزاوحت کردن		farmletting
points of law;	مزاوحت کردن		
legal issues	مزاوحت کردن		

absolute		liability	مسئولیت ناشی از قرارداد
exceptional; excepted	مستثنی	out of contract	
to except; to exclude;	مستثنی کردن	liability	مسئولیت ناشی از قوانین مصوبه
to make an exception of		created by statute	
person or thing	مستثنی منه	existing liability	مسئولیت موجود
that follows the rule		removing or	سلب مسئولیت
exceptions	مستثنیات (ج. مستثنی)	disclaiming a responsibility	
(property and articles) not liable to distraint for debt	مستثنیات دین (م ۴۳۹ ق ت)	aware; informed; knowing;	مسبق
legal exceptions	مستثنیات قانونی	precedented	
a woman	مستحاضه (م ۱۰۸ ق ح ق)	having been refused	مسبق به رد
having undue menstruation		previously	
reclaimed (from the sea	مستحدث	this	این امر مسبوق به سابقه است
or forest); building; superstructure;		case has precedent(s)	
built; created		drunk; intoxicated; drunkard	مست
buildings; creations	مستحدثات	to get drunk	مست شدن
warden; keeper;	مستحفظ (م ۸۹ ق م ع)	to make drunk;	مست کردن
guardian; custodian; guard; caretaker		to intoxicate	
entitled; deserving; worthy	مستحق	intoxicating	مست کننده
to be entitled	مستحق بودن	tenant; lessee;	مستأجر (م ۴۶۶ ق م)
belonging to a	مستحق للغير	leaseholder	
third party		subtenant	مستأجر دست دوم
servant; employee	مستخدم	lodger	مستأجر جزء
civil servant	مستخدم دولت	tenant from year	مستأجر یکساله
permanent employee	مستخدم رسمی	to year	
daily wage worker	مستخدم روزمزد	tenantry	کلیه مستأجرین یک ملک
temporary employee	مستخدم غیررسمی	object of lease	مستأجره/ مورد اجاره
contractual employee	مستخدم قراردادی	woman or female	مستأجره/ زن مستأجر
domestic servant	مستخدم منزل	lessee	
extracted; exploited	مستخرج	(Fegh) safe- conduct holder	مستامن
finder; exploiter	مستخرج	appellant	مستأنف (م ۳۴۲ آ ذ ک)
one who requests	مستدعی (م ۱۹ ق ت ا)	appellee; respondent	مستأنف علیه
or asks; applicant; movant		object of appeal	مستأنف عنه
		despotic; arbitrary; tyrant;	مستبد

collective liability	مسئولیت جمعی	responsible for; liable; on duty	
personal liability	مسئولیت شخصی	to be responsible	مسئول بودن
liability	مسئولیت صاحبان سهام (م ۲۱ ق ت)	(for something); to be liable (for something)	
of shareholders		liable for	مسئول خسارت
contractual liability	مسئولیت عقدی	damages; responsible to pay damages	
vicarious liability	مسئولیت عمل غیر	supervisor or	مسئول کارگاه
(for damage caused by an agent)		superintendent of the workshop	
extra- contractual	مسئولیت غیرقراردادی	semi responsible	نیمه مسئول
liability		liability; responsibility	مسئولیت
several or individual	مسئولیت فردی	social liability	مسئولیت اجتماعی
liability		moral responsibility	مسئولیت اخلاقی
several and	مسئولیت فردی و تضامنی	administrative	مسئولیت اداری
joint liability		responsibility	
implied trust	مسئولیت فرضی (م ۱۷۱ ق م)	disciplinary	مسئولیت انضباطی
secondary liability	مسئولیت فرعی	responsibility	
liability created by statute	مسئولیت قانونی / مسئولیت ناشی از قوانین مصوبه	several liability;	مسئولیت انفرادی
contractual liability;	مسئولیت قراردادی	individual liability	
liability out of contract		international	مسئولیت بین المللی
criminal liability	مسئولیت کیفری	responsibility	
financial liability	مسئولیت مالی	liability for	مسئولیت پرداخت خسارت
employer's	مسئولیت متبوع از طرف تابع	damages	
liability; vicarious liability		joint and several	مسئولیت تضامنی
limited liability	مسئولیت محدود	liability	
tort; tortious or	مسئولیت مدنی	delictual	مسئولیت تقصیری
civil liability		responsibility	
individual civil	مسئولیت مدنی فردی	criminal or penal	مسئولیت جزائی
liability		responsibility	
joint responsibility	مسئولیت مشترک	liability arising	مسئولیت حادثه
qualified or	مسئولیت مشروط	out of accident	
conditional liability		legal liability	مسئولیت حقوقی
absolute liability	مسئولیت مطلق	extra-	مسئولیت خارج از قرارداد
contingent liability	مسئولیت معلق	contractual responsibility	

residential; inhabitative; habitable	مسکونی	one refusing to perform his obligation	مستکف از انجام نهمد
Muslim; Moslem	مسلم	trustee;	مستودع/ امین (م ۶۰۸ ق م)
certain; indisputable;	مستلم	bailee	
proved; granted		state accountant	مستوفی
of indisputable	مسلم الصدور	amortized; absorbed	مستهلك
genuineness		drunkenness; intoxication;	مستی
to take	مسلم دانستن / مسلم فرض کردن	alcoholism; insobriety;	dipsomania;
for granted; to consider certain		hangover	
so much is	قدر مسلم اینست که	in a state of	در عالم مستی
certain that; the fact is that		drunkenness	
deprived of	مسلوب الاختیار	intoxicating; intoxicant	مستی آور
control or authority		confirmed; registered	مسجل
deprived of reason	مسلوب العقل	contagious	مسمی
unproductive;	مسلوب المنفعه	causing to lapse;	مُسْقِط
unutilized		lapsing; rendering null	
heard; justifiable;	مسموع	birthplace	مَسْقِط الرأس
acceptable		alcoholic liquor;	مسكر
to be sustainable;	مسموع بودن	intoxicating; intoxicant	
to be acceptable; to be admissible		dwelling; abode; house	مسكن
senile; elderly; old	مسن	left unsaid;	مسكوت/ مسكوت عنه
course; route	مسیر	kept in abeyance	
shipment route	مسیر حمل و نقل	to leave unsaid;	مسكوت گذاردن
debate; dispute;	مشاجره	to put in abeyance	
quarrel; argument		to fall into	مسكوت ماندن
altercation; wrangle;	مشاجره لفظی	abeyance; to be left unsaid	
brawl		specie; coin; coined;	مسكوك
he; the said (man)	مشارألیه	currency; money	
she; the said (woman)	مشارألیها	gold coin	مسكوك طلا
they; the aforesaid men	مشارألیهم	habitable; inhabited; dwelt	مسكون
they; the aforesaid	مشارألیهما	in; settled in	
two persons		inhabited	مسكونه
partnership; participation;	مشارکت	inhabited areas	نقاط مسكونه

realty; real estate;	مستعل (م ۲۰ ق م)	defendant	مستدعی علیه
landed property		documented; proven; well	مستدل
real estates;	مستعلات (ج. مستعل)	reasoned	
landed properties; tenements		restored; returned; refunded;	مسترد
(of or pertaining to)	مستلانی	reimbursed; paid back; given back	
real estate		to return;	مسترد داشتن / مسترد کردن
borrower; one who	مسترض	to reimburse; to restore; to refund	
asks for a loan		advisor;	مستشار (م ۴۴۱ آدک)
independent	مستقل	counsellor	
life pension;	مستمری (م ۲۰ ق بابک)	associate justice	مستشار دادگاه
pension; permanent salary		judge advocate	مستشار دادگاه نظامی
disability pension	مستمری از کار افتادگی	counsellor of legation	مستشار سفارتخانه
earned	مستمری استحقاقی (م ۶۹ ق بابک)	or embassy	
pension		orientalist	مستشرق
retirement pension	مستمری بازنشستگی	(Fegh) plaintiff	مستعدی
survivors' pension	مستمری بازماندگان	(Fegh) defendant	مستعدی علیه
annuity	مستمری سالانه	colonial	مستعمراتی
life annuity	مستمری مادام العمر	colony	مستعمره
based; supported; basis;	مستند	colony of exploitation,	مستعمره انتفاعی
ground; support; well reasoned out;		such as Java and French Indo- China	
document; attributed to		commercial colony,	مستعمره بازرگانی
RATIO DECIDENDI	مستند اصلی تصمیم	such as Hong Kong	
based on observation	مستند به مشاهده	prisoners' settlement,	مستعمره زندانی
documents or evidence	مستندات	such as the French overseas	
invoked; corroborating evidence;		possessions	
citations		colony of	مستعمره سکونی
(Fegh) jurisconsult	مستنظر/ مجتهد	inhabitation, such as Canada	
cross- examiner;	مستنطق (م ۸۸ ق م ع)	plantation colony,	مستعمره کشاورزی
interrogator; examining magistrate		such as the Antilles	
refuser; refusing	مستکف	mixed colony,	مستعمره مختلط
(to pay taxes)		such as Algeria	
one	مستکف از احقاق حق (م ۴ آدم)	borrower	مستعیر (م ۶۳۵ ق م)
committing a denial of justice		occidental	مستغرب

authorities of the state
responsible authorities;
those in charge of affairs
confiscation; expropriation;
appropriation; taking; sequestration;
requisition; seizure; forfeiture
PETITIO PRINCIPII;
(lit; a begging of the question); in
logic, the fallacy of assuming in the
premise of an argument the
conclusion which is to be proved;
(pop), evade difficulty
to confiscate;
to expropriate ; to sequester ; to
commandeer; to requisition
expenses; uses
costs
ordinary expenses;
reasonable expenses
donor (by
compromise); grantor
consideration of
a compromise or settlement
consideration
donee (by compromise);
grantee
interests; materials
construction materials
political interests
higher
national interests
public

مصادر (ج. مصدر)

مصادر امور

مصادره

مصادره به مطلب

مصارف (ج. مصرف)

مصارف عدليه

مصارف متعارف

مُصالح (م ۲۴ ق م)

مُصالح به وجه المصالحه

مُصالح عنه

مُصالح/ متصالح

مُصالح (ج. مصلحت)

مُصالح ساختمانی

مُصالح سیاسی

مُصالح عالیہ مملکتی

مُصالح عامه / مصالح عمومی

or legal obligation; indebted
doubtful; dubitable;
suspicious ; skeptical ; dubious ;
questionable; uncertain
included; covered;
liable to; falling under; subject to;
draftee; conscript(ed)
liable to fine
conscript;
draftee; (person) liable to military
service
customable
subject to law
taxable; liable to
taxation; subject to tax
barred by statute
of limitations; time barred; subject to
statute of limitations
to taint one's mind
consultation; deliberation;
advice; counsel
legal advice or
consultation
to take counsel
(with) ; to consult ; to hold a
consultation
advisory
the subject-
matter of evidence
one against whom
evidence is given
one in whose favor
evidence is given

مشکوک

مشمول

مشمول جرمه

مشمول خدمت نظام وظیفه

مشمول عوارض گمرکی

مشمول قانون

مشمول مالیات

مشمول مرور زمان

مُشوب کردن

مُشورت

مُشورت حقوقی

مُشورت کردن (با)

مُشورتی

مُشهود به

مُشهود علیه

مُشهود له

distinct; clear; specific;
distinguished; specified;
explicit
definite answer
distinctive or
distinct habits
specifications;
particulars ; characteristics ; details;
qualifications
(Fegh) polytheist; dualist
irrigated; alcoholic
liquor or drink
to drink alcohol
to irrigate; to
supply with water
spirits; liquors
explained; detailed
conditioned; conditional;
contingent on or upon
on condition that;
provided that
one against
whom a condition is made
the person
in whose favor a condition is made
constitution; constitutional
(government)
parliamentary monarchy
constitutionality
legitimate; lawful; legal
legitimacy; lawfulness
having a moral

مشخص

distinctive;

پاسخ مشخص

عادات مشخص

مشخصات (ج. مشخص)

مُشرك

مُشروب

مُشروب خوردن

مُشروب کردن

مُشروبات الکلی

مُشروحه

مُشروط

مُشروط بر اینکه

مُشروط علیه (م ۲۳۹ ق م)

مُشروط له (م ۲۴۰ ق م)

مُشروطه

مُشروطه پارلمانی / سلطنت مشروطه پارلمانی

مُشروطت

مُشروع

مُشروعیت

مُشغول الذمه

contribution
civil partnership
held in undivided
shares; held in common
joint owners; co-
owners; coparceners
jointly; in common
jobs; occupations;
professions
independent occupations
advisor; counsellor
legal advisor;
counsellor at law; consulting lawyer
tax consultant
consultation; deliberation
observation; perception
common; joint; held
in common
party telephone or line
party wall
commonwealth
things common to all; public property
buyer; purchaser;
customer; vendee
purchaser in a
conditional sale
ordinary customer
complainant
defendant
identifier; one who
distinguishes or specifies

مشارکت مدنی

مشاع

مالکین مشاع

مشاعاً

مشاغل

مشاغل آزاد

مشاور (م ۷۵ ق م)

مشاور حقوقی

مشاور مالیه

مشاوره

مشاهده

مشترک

تلفن مشترک

دیوار مشترک (م ۱۰۹ ق م)

مشترک المنافع

مشترکات / مشترکات عمومی

COMMUNES; RES PUBLICAE

things common to all; public property

مُشتری

مُشتری شرطی

مُشتری عادی

مُشتری

مُشتری

مُشتری

مُشتری

مُشتری

مُشتری

accounts receivable	مطالبات قابل وصول	immunity	
bad debts (م ۱۲۴ ق م)	مطالبات لاوصول	unqualified immunity	مصونیت مطلق
bad debts;	مطالبات مشکوک الوصول	bailee investor; (م ۵۴۶ ق م)	مضارب
doubtful accounts		sleeping partner; farmer (in a contract of farmletting)	
outstanding claims	مطالبات موقوفه	bailment; bailment (م ۵۴۶ ق م)	مضاربه
preferential claims	مطالبات ممتازة (م ۴۹ ق ت)	of a capital ; contract of capital - investment by sleeping partner	
claiming; demanding;	مطالبه	agricultural tenancy	مضارعه
claim; demand		dual; doubled;	مضاعف
formal notice;	مطالبه اجراء نموده	redoubled; multiplied	
summons to do something		kept (on file); preserved	مضبوط
trover; demanding	مطالبه خسارت	injurious; detrimental;	مضر
indemnity; claim for damages		harmful	
publications; printed	مطبوعات	beaten (person); struck	مضروب
matter; the press		contents; subject	۱- مضمون/ محتوا
SUB JUDICE; under	مطروح/ مطروحه	matter; purport	
consideration; propounded		MODO ET FORMA;	مضمون و شکل
well- informed (م ۱۴ آدک)	مطلعین	in manner and form	
persons		guaranteed (sum)	۲- مضمون/ ضمانت شده
absolute; unconditional; full	مطلق	person on (م ۷۰۹ ق م)	مضمون عنه
divorced woman; divorcee	مطلقه	whose behalf a guaranty is made;	
injustices; cruelties	مظالم	principal (debtor)	
quotation; market price;	مظنه	person to whom (م ۶۸۴ ق م)	مضمون له
current rate		a guaranty is made or given;	
to quote prices	مظنه دادن	guarantee	
jointly	معا	conformity; conformance;	مطابقت
resurrection (day)	معاد (م ۲ قاجا)	agreement	
equivalent	معادل	conforming with	مطابقت با اصل
equation; parity	معادله	the original	
adverse; rebutting;	معارض	claims; sums (ج. مطالبه)	مطالبات
conflicting ; opposing ; opponent ;		due to a person; assets	
contrary ; interrupter ; hindering ;		commercial dues	مطالبات تجاری
interfering			

or compromise		interests; public good	
interest; policy;	مصالح	national interests	مصالح ملی
best thing to do		compromise; exchange	مصالحه
vital interest	مصالح حیاتی	settlement or	مصالحه برده
crucified	مصلوب (م ۲۰۷ ق ح ق)	settling of alimony	
to crucify; to hang	مصلوب کردن	to compromise; to	مصالحه کردن
one who sanctions	مُصوب	(agree to) exchange	
approved; ratified	مُصوب	deed of compromise	مصالحه نامه
ratified laws; sanctioned	مصوبات	relationship by (م ۱۰۴۷ ق م)	مصاهره
laws or regulations ; ratifications ;		marriage	
approvals		applicability; justification;	مصدق
approved; ratified; passed	مضوبه	evidence; proof, sense	
immune; privileged;	مضون	to apply; to	مصدای پیدا کردن
secure; inviolable		prove; (become) applicable	
infallible	مضون از خطا	outstanding example	مصدای بارز
immunization	مضون ساختن	or illustration	
immunity; inviolability;	مصونیت	certified	مُصدّق
security; privilege		certified or true copy	رونوشت مصدق
inviolability	مصونیت از تعرض	certifier; one who	مُصدّق
privilege from arrest	مصونیت از توقیف	confirms or certifies; arbitrator	
infallibility	مصونیت از خطا	stipulation; stipulated;	مصرّح/ مصرحه
parliamentary immunity;	مصونیت پارلمانی	explicit; specified	
privilege of parliament		consumption; use;	مصرف
	مصونیت دیپلماتیک/ مصونیت سیاسی	utility; expense; application; service	
diplomatic immunity; extraterritoriality		conspicuous consumption	مصرف تجلی
(of diplomatic personnel)		for different	برای مصارف مختلف
immunity from	مصونیت قضائی	services	
jurisdiction		consumer	مصرف کننده
penal jurisdiction	مصونیت کیفری	(Feqh) the	مصطلح/ متصالح
immunity		acceptor (in a contract of settlement or compromise)	
tax immunity;	مصونیت مالیاتی	(Feqh) the	مصطلح/ متصالحین
exemption from taxation		two parties in a contract of settlement	
civil jurisdiction	مصونیت مدنی		

complete or final transaction	معامله قطعی	restitution	معامله بازگانی / معامله تجاری
speculation	معامله قمار	deal or transaction	
to transact (business); to do business; to negotiate	معامله کردن	banking transaction	معامله بانکی
reciprocal	معامله متقابل (م ۲ ق م)	exchange	معامله برواتی (م ۲ ق ت)
treatment		transaction	
gratuitous	معامله محاباتی (م ۲۳ ق ت)	gratuitous	معامله بلاعوض (م ۴۶ ق م)
transaction		dealing	
transaction	معامله مع واسطه	fraudulent	معامله به قصد اضرار غیر
through a middleman		conveyance	
prior transaction	معامله مقدم	transaction	معامله به قصد فرار از دین
property or real estate transaction	معامله ملکی	in order to avoid liability; fraudulent conveyance	
unconscionable	معامله نامعقول	retortion; reciprocity;	معامله به مثل
bargain		repaying (humiliations, insult, attack)	
credit transaction	معامله نسیه	in kind	
spot deal; cash	معامله نقد	to retort; to repay	معامله به مثل کردن
transaction		in kind; to pay someone in his own coin	
to break a contract	بهم زدن معامله	commercial deal	معامله تجاری
registration of	ثبت معامله	or transaction	
transaction		interest deal;	معامله ربوی
reason of transaction	جهت معامله	usury transaction	
object of transaction	مورد معامله	mortgage transaction	معامله رهنی
meanings; senses	معانی (ج. معنی)	white slavery	معامله زنان
customary meanings;	معانی عرفیه	forward deal	معامله سلف و سلم
meanings understood commonly		or purchase; time bargain; short sale	
exchanges;	معاوضات / عقود معاوضی	fictitious	معامله صوری (م ۵۴۱ ق ت)
contracts of exchange; barter		transaction	
exchange; barter;	معاوضه (م ۴۶۴ ق م)	aleatory transaction	معامله غرر
contract of barter		unauthorized transaction	معامله فضولی
assistant; deputy;	معاون	illicit transaction	معامله قاچاق
assistant director; chief of a ministry;		or traffic	

customs exemption	معافیت گمرکی	to oppose; to raise	معارض شدن
tax exemption	معافیت مالیاتی	a claim against; to interfere	
time-	معافیت مدت دار (م ۹۸ ق م)	unchallenged; unopposed	بلامعارض
restricted exemption		opposition; contention;	معارضه
medical	معالجه (م ۴۵ ق باک)	dispute	
treatment; therapy; curing; remedy		exercise of power	معارضه بعمل
nevertheless; yet; even so	مع الوصف	to the detriment of another state	
one who transacts	معامل	which has committed an act against the rules of international law	
business with another; one who makes a contract with another		culture	معارف
person	معامل فضولی (م ۲۶۰ ق م)	Islamic culture	معارف اسلامی
performing transaction on behalf of another without latter's authorization		divine sciences;	معارف الهی
transactions;	معاملات (ج. معامله)	metaphysics	
dealings; bargains		sins; guilts;	معاصی (ج. معصیت)
state transactions	معاملات دولتی	transgressions	
credit transactions	معاملات مؤجل	minor sins	معاصی صغیره
cash transactions	معاملات نقدی	major sins	معاصی کبیره
transactions in securities	معاملات وثیقه‌ای	judicial assistance;	معاذت قضائی
transaction; bargain;	معامله	legal aid	
dealing; deal; business		exempt; excused	معاف
foreign exchange	معامله ارزی	duty or tax free	معاف از حقوق گمرکی
transaction		tax exempt or free	معاف از مالیات
borrowing transaction	معامله استقراضی	to be or become exempt	معاف شدن
credit transaction	معامله استیمالی	to exempt	معاف کردن
foreign	معامله اسعاری / معامله ارزی	exemption	معافیت
exchange transaction		exemption from territorial jurisdiction	معافیت از تبعیت از سیستم حقوقی یک کشور
transaction on	معامله افساطی	impunity	معافیت از زیان
instalment basis		exemption from age restriction	معافیت از شرط سن (م ۱۰۴۱ ق م)
security	معامله اوراق بهادار و ذخایر	impunity	معافیت از مجازات
transaction and reserves		exemption	معافیت از هزینه دادرسی
transaction with the right of	معامله باحق استرداد (م ۳۳ ق ت)	from court fees and charges	

undersecretary
معاون از نظر حکم تابع مباشر است RES
ACCESSORIA SEQUITUR REM
PRINCIPALEM;
the accessory follows the principal
accessory (to (م ۲۸ ق م ع)
a crime); abettor; accomplice
معاون پس از وقوع جرم
accessory after the fact
معاون پیش از وقوع جرم
the fact
accessory
before the fact
معاون حین ارتکاب جرم
accessory
during the fact
معاون وزیر
deputy (minister);
undersecretary
معاونت
assistance; office of an
assistant or undersecretary; abetment
معاونت در جرم پس از ارتکاب (م ۱۱۸ ق م ع)
accessory after the fact
معاونت در جرم پیش از ارتکاب (م ۲۸ ق م ع)
accessory before the fact
معاهده
treaty; convention;
pact; compact; agreement
معاینه (م ۴۵ ق ب ا ک)
inspection;
examination; check up
معاینه جسد
SUPER VISUM CORPORIS
(upon view of the body); post mortem
examination
معاینه طبی
medical examination
visit of
معاینه محل (م ۴۳۶ آ د م)
experts, officials, etc. to the scene of
the occurrence; site inspection
معاینه و تحقیق محلی
inspection and

investigations carried out by officials
at the scene of occurrence
معبور
passage; thoroughfare; road; etc.
path; ford
معتاد
addicted; addict
معتاد به مواد مخدر
drug addict
معتبر
valid; in force;
authoritative; creditable; reputable; of
good standing; authentic; reliable
معتبر بودن
to be reputable,
authentic or valid
معتبر ساختن
to authenticate;
to validate
invalid; null and void
غیرمعتبر
objector; protester; opposer
معتراض
third party opposition;
معتراض ثالث
opposition by a third person to a
judgment in a suit to which he is not
a party but by which he suffers
prejudice
معتراض علیه
one against whom
protest is made
معتراض عنه
object of protest
معتقدات
beliefs; articles of faith
معتقد
reliable or trustworthy
معتقد محل
person
trustworthy person
of the locality
معدن
mine
معدن باطنی / معدن تحت الارضی
subterranean mine
معدن ظاهری / سطح الارضی
open mine
معدوم
non-existent;

معیب / عاریت دهنده (م ۶۳۵ ق م)
lender; loaner
معیشت
(means of) livelihood
معیوب
defective; faulty; damaged
معیوب کردن
to cause damage
مغازه
(U.K.) shop (U.S.) store
مغایر
bonded
مغایر عمومی / انبار عمومی
warehouse
مغایر
contrary; contradictory;
adverse; repugnant; inconsistent;
مغایر بودن
incompatible; negatory
to be contradictory to;
مغایر بودن
to be inconsistent with
مغایر با
contrary to; repugnant to
مغایرت
contradiction; disagreement
مغیوب
cheated (in business)
مغیوب کردن
to cheat; to deceive
مغرور
deceived (in a transaction)
مغصوب
usurped; seized by force
مغاد
purport; substance;
provisions
مغاد حکم
DISPOSITIF; enacting terms
of a judgment
مغاد سند
contents of a document
مغاد قانون
purport of law
مغاد ماده
purport or stipulation
of an article
مقاصا
clearance; certificate
of liquidation
مقاصا حساب (م ۱۱۴ ق ا ق ت)
clearance
مقاصا
certificate; account settled; settlement
certificate; certificate of liquidation;
letter of discharge; certificate of

annihilated; lost; destroyed
معدوم کردن
to annihilate;
cause to destroy; to destroy
معرّف
referee
معرّف
gnosis; knowledge
معرّفی نامه
letter of recommendation
معرّض / مشتکی عنه
one against
whom a petition or complaint is made
معزول
deposed; removed from
one's office
معزول کردن
to depose; to dismiss
معسر (م ۶۰۶ ق م)
insolvent; indigent;
destitute; pauper
معسر شدن
to become insolvent
or indigent
معصیت
sin
معلق
pendent; conditional;
suspended
معلق کردن (از کار)
to suspend
(from service)
معلول
effect; consequence;
result; invalid; infirm
معلول جنگی
war invalid
معنا / معنی
meaning; sense
به معنای اخص
STRICTO SENSU;
in strict sense; strictly speaking
به معنای اعم
LATO SENSU; in
general sense; generally speaking
معوض
consideration
معوق / معوقه
in arrears
معهدا
nevertheless; all the
same; just the same
معیر / عیارگیر
assayer

appropriate; advisable; شایسته / مقتضی ۲-
expedient; fit
to consider proper مقتضی دانستن
circumstances; مقتضیات (ج. مقتضی)
exigencies
required indications مقتضیات وقت
of time; exigencies of time
murdered or slain person مقتول
quantum; quantity; amount مقدار
prior; preferred; antecedent مُقَدَّم
doyen (fem. doyenne) مقدم السفراء
or dean of the diplomatic corps
posterior and مقدم و مؤخر
anterior; later and prior
explanatory statement مقدمه
(to a bill); preamble (in acts, legal documents); introduction; preface;
preliminary step; premiss
to premise; to syllogize مقدمه چیدن
grounds for judgment مقدمه حکم
preamble of a statute مقدمه قانون
preamble of a contract مقدمه قرارداد
exchange of pleadings مقدمه کتبی دعوا
preamble of مقدمه منشور ملل متحد
the United Nations Charter
person accused of adultery; مقذوف
one to whom the commission of adultery or sodomy is attributed
seat; domicile; residence مَقَر / جایگاه
country town مقر استانداری
seat of government مقر حکومت
seat of court مقر دادگاه
the person making an مُقَرَّر / اقرار کننده

judicial authorities مقامات قضائی
agreement; conferences; مقابله
negotiations before an agreement
military agreement مقابله نظامی
(between heads of belligerent armies after occupation which is enforceable without ratification by the head of state or the parliament)
written (international) مقابله نامه
agreement; protocol
International Labour Convention
resistance; opposition; مقاومت
withstanding
مقاومت در برابر ضابط عدلیه در حین انجام
وظیفه
resisting an officer; the
offence of obstructing, opposing
(with or without actual force) a peace officer in the lawful discharge of his duty
admissibility of مقبولیت ارتباط
relation
received; seized مقبوض
consideration مقبوض به عقد غیرنافذ
of an unenforceable contract
consideration مقبوض به عقد فاسد
of a void contract
borrower; debtor مقرض (م ۶۴۹ ق م)
exigency; necessity ۱- مقتضی / مدلول
the per se consequence مقتضای اطلاق عقد
of a contract
مقتضای ذات عقد / مقتضای عقد
requirements of a contract

argument A FORTIORI مفهوم اولویت
A CONTRARIO SENSU; مفهوم مخالف
in the opposite sense; argument A CONTRARIO
to extend the مفهوم را تعمیم دادن
meaning of
sexual intercourse مفارقت
contract مقاطعه
to put out to (نه) مقاطعه دادن
contract; to award to a contract
to contract (for) مضاطعه کردن
by contract; by the job بطور مقادعه
contractor مقاطعه کار
contract work; مضاطعه کاری
contractual assignment
position; place; office; rank مقام
official authority; مقام رسمی
state official
the leader مقام رهبری (م ۳ ق ر م)
status of woman مقام زن
political office مقام سیاسی
EX OFFICIO; by به علت مقام
virtue of the office
is of no مؤثر در مقام نیست
consequence; irrelevant
authorities مقامات (ج. مقام)
مقامات اداره کننده سرزمینهای تحت قیمومیت
administrative authorities of trust
territories مقامات صالحه قانونی (م ۲۰۷ ق م)
competent judicial authorities
competent authorities مقامات صلاحیتدار
or officials

nonencumbrance
tax مقاصد حساب مالیاتی (م ۲۳۳ ق م)
settlement certificate
acquittal; discharge; مقاصدنامه
receipt; settlement certificate;
acquittance
EX GRATIA; gratis; منت
gratuitous; free of cost
calumniator; مشغری (م ۲۶۹ ق م ع)
slanderer; libeler; accuser
libeled (person) مشغری علیه
inspector; detector مفسش (م ۲۸۷ ق م ع)
MUFTI; jurisconsult; مفتی
expounder of Islamic law
divided; منوروز (م ۱۴۲ ق م ع)
separated; partitioned; delimited;
delineated; demarcated
مفسد فی الارض (م ۱۹۹ ق ح ق) (Feqh)
corruptor on earth; one spreading mischief in the land
مفسر کتابهای آسمانی
cancelled; terminated; مفسوخ
dissolved
one against whom مفسوخ علیه
a contract is cancelled
insolvent; destitute; مُفْلِس (م ۵۵۱ ق م)
indigent; bankrupt
to become destitute مفلِس شدن
one who has مُفْلِس (م ۳۸۰ ق م)
been declared insolvent or bankrupt
by the court
import; purport; sense; مفهوم
concept; meaning

beneficiary (in مكفوله (م ۷۳۴ قم)
a personal bail); one to whom it has
been undertaken to produce the
presence of a person
having attained مكلف/ بالغ
puberty; adult bound to perform
religious precepts; person liable to
pay taxes
complementary; supplementary مکمل
financial standing; ملالت (م ۷۲۸ قم)
solvency; pecuniary ability to justify
bail
to justify bail ملالت خود را ثابت کردن
CORAM POPULO; in the ملأعام (در)
sight of the public
atheists ملأحه (ج. ملحد)
the process of ملأعنه (م ۸۸۲ قم)
solemn malediction between spouses
before a Sharia judge ملاک
basis; criterion ملت
nation ملت و دولت
the body politic ملتزم
pledger; one who is bound ملتزم
or undertakes (to do something)
to undertake; to be ملتزم شدن
bound over ملحد
atheist ملأحات
CAUSA REI; ACCESSIO; ملأحات
accessories; thing accessory; thing
appurtenant; supplements;
appendages; additions
bound ملزم
to be bound ملزم بودن/ ملزم شدن

assessor; appraiser مقوم
stipulated; written down مقید
resident; settler مقیم
residing abroad مقیم خارج
correspondence مکاتبه
to correspond مکاتبه کردن
fair مکاره/ بازار مکاره
disagreeable مکاره (ج. مکرهه)
things; abominables
common carrier; مکاری (م ۳۷۷ قت)
carrier
retribution; retaliation مکافات
to inflict مکافات کردن/ مکافات دادن
a retaliation or punishment upon
place; locality مکان
holy place مکان مقدس
school مکتب
مکتب تفسیر فنی قانون/ تفسیر تحت اللفظ
school of literal interpretation of law
school of مکتب ملاحظات علمی
method of scientific observation
letter مکتوب
registered letter مکتوب سفارشی
BIS; twice; repeated مکرر
ter مکرر در مکرر
repeater of a crime مکرر جرم
reprehensible; disapproved مکرهه
(but not absolutely unlawful)
object مکفول/ مکفوله (م ۷۳۴ قم)
of personal guarantee; guaranteed
(person); one whose presence must be
produced by a person who has
undertaken to do so

local rules مقررات محلی
regional arrangements مقررات ناحیه‌ای
decree; order مقررات وزارتی
in council; (U.S.) departmental order
against regulations خلاف مقررات
according to regulations طبق مقررات
regular salary; مقرری (م ۳۷ قباک)
pension; stipend (obs.)
basic salary مقرری اداری/ مقرری خدمت
of a regular government employee
perpetual annuity مقرری مادام‌العمر
loaner; lender مقرص (م ۶۵۱ قمام)
the person in مقرله (م ۱۲۶۶ قم)
whose favor a confession is made
having a (specified مقروض
amount of) debt; indebted; owing
divider; distributor مقسم
destination مقصد
guilty (person); criminal; مقصر
offender; culpable (person)
state criminal مقصر سیاسی
non-military مقصر مدنی
criminal
intention; purpose; object; مقصود
aim; intended
intended مقصود بالاصاله (م ۵۶۶ قم)
from the outset
(Fegh) the holder مقطع
of a parcel of waste or unutilized land
given to him by Imam or his deputy
for his personal use
follower مقلد
legislator مقنن

admission
the subject- matter موضوعه
of an admission
the person in مقرله
whose favor an admission is made
prescribed; ordained; مقرر
laid down; appointed; fixed; arranged;
agreed
regulations; provisions; مقررات
stipulations; requirements
International مقررات بین‌المللی بهداشتی
Sanitary Regulations
subordinate legislation مقررات تبعی
delegated legislation مقررات تفویضی
standing regulations; مقررات جاری
regulations in force
penal regulations مقررات جزائی
special provisions مقررات خاص
(municipal) مقررات شهرداری
by (c) - law
treaty stipulations مقررات عهد
particular or individual مقررات فردی
regulations
insurance regulations مقررات قانون بیمه
provisions of law مقررات قانونی
general orders or مقررات کلی
regulations
مقررات داوری کمیسیون سازمان ملل متحد
در باره حقوق تجارت بین‌المللی
Arbitration Rules of the United
Nations Commission on International
Trade Law
financial regulations مقررات مالی

resources		nationalism	ملی گرائی
water resources	منابع آب	nationality	ملیت
human resources	منابع انسانی	abstaining; refusing party;	ممتنع
sources of income	منابع حقوق	abstaining party; the party in default	
natural resources	منابع طبیعی	one in default	ممتنع از اداء دین
untapped resources	منابع کشف نشده	of payment of his debt	
reliable authorities	منابع موثق	pass; passage; outlet; path	ممر
or sources		hermaphrodite	ممسوح
litigant	منازع (م ۱۲۷۳ ق م)	signed	ممنوع
contention; litigation; dispute	منازعه	acquisitive	مملک
international relations	مناسبات بین المللی	country; the state	مملکت
dividing in two equal	مناصفه	belonging to the	مملکتی
parts; halving		country or state	
half and half; fifty fifty	بالمناصفه	possessed; owned; slave	مملوک
basis; criterion	مناظر / ملاک	forbidden; prohibited	ممنوع
zones; regions;	مناطق (ج. منطقه)	to disbar	ممنوع الوکاله کردن
territories		prohibition; restriction;	ممنوعیت
zone(s) of occupation	مناطق اشغالی	proscription; bar	
trust territories	مناطق تحت قیمومت	legal prohibition or bar	ممنوعیت قانونی
hypocrite	منافق	stamped; sealed	ممهور
interests; profits; usufruct	منافع	auditor; examiner; verifier;	ممیز
secondary interests	منافع ثانویه	controller; assessor	
emblems	منافع حاصله از زمین مزروعی	person against whom	ممیز علیه
vital interests	منافع حیاتی	appeal has been made to the Supreme	
dividend	منافع سهم	Court	
praedial; natural produce	منافع طبیعی	chief assessor	ممیز کل
public interests	منافع عمومی	tax assessor	ممیز مالیاتی
actual profit	منافع عین	assistant assessor	کمک ممیز
non- recurring profits	منافع غیرمستمر	assessment; audit;	ممیزی (م ۱۱ ق م م)
mutual interests	منافع متقابل	control; survey	
income of capital	منافع مدنی	to assess; to audit;	ممیزی کردن
fruit; income; profit;	منافع مستمر	to survey	
produce		sources; authorities;	منابع (ج. منبع)

estate burdened with	ملک متزلزل	to bind; to oblige	ملزم کردن
encumbrance(s); encumbered estate		required	ملزوم
estate not burdened with	ملک مستقر	supplies; necessities	ملزومات
encumbrance; unencumbered estate		fastened; pinned; attached	ملصق
perpetual estate	ملک مستمر	cancelled; null and	ملغی
INDIVISUM;	ملک مشاع	void; rescinded; nullified; invalidated;	
coparceny; common property; estate		annulled; abrogated	
in common; joint ownership;		to cancel; to rescind;	ملغی کردن
undivided (or joint) estate		to abrogate; to abolish	
partitioned or divided	ملک مفروز	DOMINIUM; DOMAIN; landed	ملک
estate; partitioned property		property; estate; possession; realty	
movables; personal	ملک متقول	optional ownership	ملک اختیاری
property; personality; assets; goods		tenement; leased	ملک استیجاری
and chattels		estate; leasehold property	
inherited or hereditary	ملک موروثی	absolute property	ملک تام / ملک طلق
property; hereditament; estate		feoff; fief; feud	ملک تیول شده
bequeathed estate;	ملک موقوفه	voidable or revocable	ملک جائز
endowed property		ownership	
(Fegh) a type of	ملک بعین	vacant possession;	ملک حالی
marriage contract with a woman slave		ownerless property	
(obs)		NUDUM DOMINIUM;	ملک رقیبه
fixtures	مضامات ملک	ownership without usufruct or use ;	
REGINA; queen	ملکه	bare ownership	
ownership	ملکیت	public domain; public	ملک شاهی
nations; peoples	ملل (ج. ملت)	property; state property; crown lands	
United Nations	ملل متحد	estate in severalty;	ملک شخصی
Commonwealth	ملل مشترک المنافع	private property	
Countries		specified and tangible	ملک عین
solvent; able	ملی / توانگر	property	
to justify bail		immovable (or fixed)	ملک غیرمتقول
national	ملی	property; landed property; realty; real	
to nationalize; nationalization	ملی کردن	estate	
supranational	فوق ملی	irrevocable ownership	ملک لازم

demilitarized zone (DMZ)	منطقه غیر نظامی	origin; source	منشاء
contiguous zone	منطقه مجاور	cause of action (م ۷۶۶ ق م)	منشاء دعوی
prohibited zone or area;	منطقه ممنوعه	root of title	منشاء مالکیت
restricted area		charter	منشور
contested area	منطقه مورد نزاع	Edict of Emancipation	منشور آزادی
oil-producing	منطقه نفت خیز	North Atlantic	منشور آتلانتیک شمالی
region; oil field		Charter	
regional	منطقه‌ای	Covenant of the	منشور جامعه ملل
to allow or provide	منظور کردن	League of Nations	
for; to carry (into an account)		Bill of Rights	منشور حقوق
to conclude; to enter;	منعقد کردن	United Nations Charter	منشور ملل متحد
to hold (a meeting)		secretary; clerk	منشی
dismissed; discharged;	منزل	clerk of the court	منشی دادگاه
deposed; dethroned		secretary of embassy	منشی سفارت
(Fegh) one who is	من علیه‌الحق	or legation	
required to observe a particular right		private secretary	منشی محرم
or rights, such as a debtor or an obligor		appointed	منصوب
(Fegh) one against	من علیه الخيار	to appoint	منصوب کردن
whom an option is stipulated		annexed; joined; enclosed;	منضم
without any right;	من غیر حق	attached	
unrighteously; unlawfully; unjustifiably		to annex; to add;	منضم کردن
severally; alone; individually	منفرداً	to attach; to join; to inclose	
cancelled; dissolved;	منسوخ	annexes; enclosures;	منضمات
wound up		appurtenances	
separate; detached;	منفصل	fixtures	منضمات ملک
discharged; dismissed		zone; region; territory; area	منطقه
to discharge or	منفصل کردن از خدمت	neutral zone	منطقه بی‌طرف
dismiss from service		European	منطقه تجارت آزاد اروپا
benefit; profit; gain	منفعت	Free Trade Area	
contingent profit	منفعت احتمالی		منطقه تحت الحمايه جزایر اقیانوس آرام
dividend	منفعت سهم	Pacific Islands' Trust Territory	
		danger zone	منطقه خطر
		strategic zone	منطقه سوق الجیشی

elector; selector; chooser	منتخب	earnings	منافع مستوعی
one on the standby duty	منتظر خدمت	national interests (م ۶۰ ق ت)	منافع ملی
usufructuary; profiting;	منتفع	fictitious dividends	منافع موهوم
deriving a benefit or profit		actual profits; dividends	منافع واقعی
endorsee	منتفع طهرنویسی	actual profits; dividends	منافع و لذا آت متصله مال (م ۲۸۷ ق م)
assign; assignee;	منتقل‌الیه	the profits and accretions which are an integral part of the property	
transferee; grantee		inconsistent with;	منافی
assignee; transferee; grantee	منتقل‌عنه	derogatory to; repugnant to	
INTER ALIA; among other	مجمله	to be an	منافی اخلاق بودن
things; including; such as		offence to morality	
in all respects	من جمیع الجهات	CONTRA BONOS	منافی اخلاق حسنه
or particulars		MORES; prejudicial to public	
unique; single in kind;	محصر بفرد	morality; against good morals	
reduced to one; the only one;		عقود منافی اخلاق حسنه باطل و منافی الاثر	
exclusive		contracts CONTRA	منافی باشد
dissolved; wound up;	منحل	BONOS MORES are void	
disbanded; disorganized		to be incompatible (with)	منافی بودن (با)
outlawed; dissolved	منحله	prejudicial to	منافی نظم عمومی
on the whole; all in all	من حیث المجموع	public order	
EX OFFICIO;	من حیث سمت	(low) bid; (low) tender	مناقصه
VIRTUTE OFFICII; from office; by		proprietary interests	منال خالصه
virtue of the office		of public; state property revenues	
published; written; inserted	مندرج	AB INITIO; from the	من البدو
contents; insertions	مندرجات	beginning; from the first act; from the inception	
purport or the	مندرجات سند	ARGUENDO;	من باب بحث / فرضاً
language of document		in arguing; in the course of the argument	
recommended; said	مندوب / مستحب	hereinafter; henceforth	مسعد
of certain religious precepts		source	منبع / مأخذ
lodging; dwelling;	منزل / مسکن	elected; chosen; selected	منتخب
accommodation; house; quarters		those elected	منتخبین
dwelling house	منزل مسکونی		
desuetude; abrogated;	منسوخ		
obsolete; abolished; out of practice			

reasonable profit	منفعت عقلایی
legitimate profit	منفعت مشروع
supporter; (م ۱۲۰۲ ق.م)	حمیل / یقه‌دهنده
one who provides the maintenance or alimony	صافی علیه / واجب‌النفقه
one entitled	صافی علیه / واجب‌النفقه
to receive maintenance or alimony	منفعت مشروع
deficiency; decrease; loss;	نقص
defect	نقص
expired; overdue; elapsed;	منقضی
matured	منقضی شدن
to expire; to elapse; to come	منقضی شدن
to maturity; to become overdue	منقطع
cut off; interrupted	منقطع
a woman married (م ۱۰۷۵ ق.م)	منقطع
by temporary marriage	۱- موقوف / مال موقوف
movable property	۲- موقوف / روایت شده
narrated; quoted;	موقوف
traditional or historical science	موقوف
denier; abnegator	موقوف
denied; prohibited; unlawful	موقوف
(Fegh) one in whose	موقوف
favor a particular right or obligation	موقوف
is stipulated, such as a creditor or an	موقوف
obligee or the owner of an option	موقوف
(Fegh) one in	موقوف
whose favor an option is stipulated	موقوف
CUIUS EST	موقوف
COMMODUM EIUS DEBET ESSE	موقوف
INCOMMODUM; whose is the	موقوف
advantage, his also should be the	موقوف
disadvantage	موقوف
the one to whom	موقوف

general	موافقتنامه عمومی متارکه جنگ
armistice agreement	موافقتنامه مبادله اسرای جنگی یا سربازان فراری
cartel	موقعه
sexual intercourse	موالید
births; number of new	موالید
born children	موالید
impediments; obstacles;	موانع
hindrances	موانع
impediments (م ۸۷۵ ق.م)	موانع ارث
to inheritance (blasphemy, solemn	موانع ارث
imprecation, bastardy, etc.)	موانع نسبی نکاح
absolute bars to	موانع نسبی نکاح
marriage; diriment impediments	موانع نسبی نکاح
relative impediments	موانع نسبی نکاح
diriment (م ۱۰۴۵ ق.م)	موانع نسبی نکاح
impediments	موانع نسبی نکاح
death; dying (م ۸۶۷ ق.م)	موت
real death	موت حقیقی
supposed (م ۱۰۱۹ ق.م)	موت فرضی
or presumed death; death presumed	موت فرضی
by order of court; civilly dead; dead	موت فرضی
in the view of the law	موت فرضی
at the moment (م ۸۷۵ ق.م)	موت فرضی
of death	موت فرضی
authentic; reliable	موت فرضی
cause; motive	موت فرضی
to cause; to occasion;	موت فرضی
to bring about	موت فرضی
causes; motives; (موجب)	موت فرضی
means	موت فرضی
causes of inheritance	موت فرضی
mitigating (م ۲۰ ق.م)	موت فرضی
specified circumstances	موارد معینه
estates; inheritance (ج. میراث)	موارد معینه
balance; equilibrium	موالید
balance of payment	موالید
balance of	موالید
international payment	موالید
political balance	موالید
balance of power	موالید
principles; rules;	موالید
standards; criteria; bases	موالید
principles of (م ۳۲ ق.م)	موالید
Sharia; religious requirements	موالید
collusion (م ۶۳ ق.م)	موالید
to collude	موالید
time limits; grace-	موالید
periods; maturities	موالید
special graces	موالید
accord; agreement; approval;	موالید
consent; concurrence; concord	موالید
agreement in principle	موالید
conditional acceptance	موالید
convention; covenant;	موالید
accord; agreement; letter of	موالید
agreement	موالید
executive agreement	موالید
موافقتنامه مذهبی (بین دولت و کلیسا)	موالید
concordat	موالید
gentleman's agreement	موالید
Geneva Convention	موالید
(22 August 1864)	موالید
موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)	موالید
General Agreement on Tariffs and	موالید
Trade (GATT)	موالید

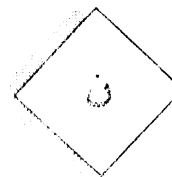
AD INTERIM;	موقتاً	an unauthorized transaction
PRO TEMPORE; for the time being;		to deviate from از موضوع خارج شدن
temporarily; provisionally		the main subject
temporary; provisional	موقتی	irrelevant; not to خارج از موضوع
interlocutory (تصمیم یا حکم)	موقتی	the point
appointed time	موقع مقرر	to the point در حدود موضوع
situation; position;	موقعیت	relevance موضوعیت
circumstances		bound; charged (with a موظف
world social	موقعیت اجتماعی جهانی	duty); stipendiary; salaried
situation		time- limit; (fixed) موعد
strategic situation	موقعیت استراتژیکی	time; maturity; respite; period of
suspended;	۱- موقوف/ تعطیل شده	grace; date on which a bill falls due
stopped; put off		term of enjoyment موعد انتفاء حق
suspended	موقوف الاجرا	of a right
to suspend	موقوف الاجرا کردن	grace for reply; موعد پاسخ
suspension of	موقوف شدن تعقیب	period within which to respond
prosecution		maturity; term of موعد پرداخت
endowed for a	۲- موقوف/ وقف شده	payment
pious foundation; bequeathed		date on موعد پرداخت برات یا سفته
private endowed	موقوف خاص	which a bill falls due
property		unspecified term موعد غیرمعمین
endowed for	موقوف عام (م ۱۵ ق م ع)	legal term (opp. موعد قانونی
a pious foundation; public endowed		period of grace)
property		time granted by court موعد قضائی
CESTUI QUE	موقوف علیه (م ۷۲ ق م)	final respite موعد قطعی
TRUST; beneficiary of trust		full respite; one in موعد کامل
beneficiaries	موقوف علیهم (م ۵۶ ق م)	the counting of which the day of
of trust; those who have a right to a		announcement (commencement) and
beneficial interest in or out of an		the day of action are not included
estate		respite for distance موعد مسافت
pious foundation;	موقوفه	stipulated or prescribed time موعد مقرر
endowed property; endowment		specified time موعد معین
endowment	موقوفه خاص (م ۸۱ ق م)	on due date سر موعد

legatee; devisee;	موصی له (م ۸۲۶ ق م)	circumstances or factors
beneficiary		lessor; landlord موجر (م ۴۶۶ ق م)
testatrix	موصیه	sublessor موجر دست دوم
wound exposing	موضعه (م ۱۱ ق م)	lessor and lessee; موجر و مستأجر
bone		landlord and tenant
object; subject; topic;	موضوع	a being; anything موجود/ آفریده
subject- matter; case; issue		that exists; creature
point of issue;	موضوع بحث	in succession به تسبیح موجود (م ۶۹ ق م)
question under consideration; matter		from living
on hand; moot point		credit balance; stock; موجودی
object of obligation	موضوع تعهد	cash on hand; balance in hand
RES NOVA; a new	موضوع جدید	inventory موجودی انبار
matter; a new case		credit balance موجودی بانکی
person owing a right	موضوع حق	dead stock موجودی بی ارزش
subject(s)	موضوع حقوق بین الملل	inventory موجودی کالا
of the international law		good; acceptable; plausible; موافق
persons subject	موضوع حکم	justified; well- founded
matter of a law		cordiality مودت
issue of fact	موضوع خارجی	depositor; bailor مودع (م ۶۰۷ ق م)
subject of debate	موضوع دعوی	causing; cause ۱- مودث/ سبب
or action		devisor; ۲- مودث/ ارث گذارنده
object of the company	موضوع شرکت	bequeather; legator
the subject matter	موضوع عقد	bequest مودث/ میراث
of the contract		devisor; bequeather; مودث/ ارث گذارنده
RES IPSA	موضوع گویاست	legator
LOOUITUR; the thing speaks for		devisor; bequeather; مودث/ وارث
itself		object of lease; مورد اجاره
RES	موضوع متنازع فیه	leasehold; subject of hire
CONTROVERSA; a matter		hereditary; patrimonial موروثی
controverted (in controversy); a point		distributor موزع
in question; a question for		legator; testator; موصی (م ۸۲۶ ق م)
determination		devisor
the object of	موضوع معامله فضولی	legacy; bequest موصی به (م ۸۲۶ ق م)

whose blood	مهدورالدم (م ۲ ق م)	to the private individual; private
may be shed with impunity		endowment
seal; stamp	مهر	public endowment; (م ۸۱ ق م)
fingerprint	مهر انگشت	endowment to the public
weight stamp	مهر توزین	موقوفه معذورالمصرف (م ۲۹ ق م)
to seal; to set (one's) seal to	مهر زدن	endowment which for some reason
lead seal	مهر سربی	cannot be utilized for its original
to seal up; to stamp	مهر کردن	purpose
to seal; to affix	مهر و مهر کردن	موقوفه مجهول مصرف
leads to (goods, etc.); to mark or		uncertain purposes
stamp with lead; to confiscate and		client; principal
keep under lock and key		موکل
under (my) hand	به امضا و مهر اینجانب	موکل علیه
and seal		the third party,
signature to a blank	سفید مهر	where the power delegated to an
document; paper signed in blank		attorney is against such third party
marriage	مهر / مهریه (م ۱۱۰۲ ق م)	موکل نه
portion; marriage settlement		contingent upon or on;
reasonable	مهر المتعه (م ۱۰۹۳ ق م)	depending on; subject to
marriage portion; marriage portion		new- born
due to the wife with regard to the		مولود زنده
social station of the husband		مولود قابل زندگی
marriage	مهر المثل (م ۱۰۸۷ ق م)	master; lord
portion ordinarily due to the wife		مولی
(with regard to all circumstances and		سولی علیه
social station of the wife); equivalent		ward; a person especially
of marriage portion		a child, or incompetent, placed by the
specified	مهر المسمى (م ۱۱۰۰ ق م)	court under the care of a guardian
marriage portion		موهبت الهی / فره مند
deferred marriage portion	مهر مؤجل	charisma; divinely
marriage	مهر معجل / مهر عند المطالبه	conferred power, talent or gift
portion payable on demand		given; made gift of
respice; statute of	مهلت	موهوب له / متب

water	مياه (ج. ماء)	limitations; time; time-limit; grace
unclaimed water	مياه مباحه	(period); reprieve; delay
dead (person); deceased	میت	to ask for a respice
(person); decedent		مهلت خواستن
pact; agreement; alliance	ميثاق	to grant respice
pact of the	ميثاق جامعه ملل	مهلت دادن
League of Nations		مهلت عادل
public open place	ميدانگاه عمومی	fair respice;
legacy; heritage;	ميراث	reasonable period of grace
inheritance; hereditaments		period after
inheritance by patronage	ميراث الولاء	مهلت عده (م ۱۱۵۰ ق م)
inheriting by the	ميراث يگانه	decease of or divorce from husband
national of a country from an alien		during which a widow is not allowed
dower	ميراث زوجه	to marry again
common heritage	ميراث مشترك بشریت	term of notice from
of mankind		مهلت فسخ
freehold estate	ميراث مطلقه (م ۲۹ ق م)	employer to employee or vice versa
of inheritance		مهلت قانونی
games of chance	فيسر / قمار	statutory period; legal
mission	ميسيون	respice; days of grace; moratorium
diplomatic mission	ميسيون ديپلماتيك	مهلت قانونی (عرفی) برای پرداخت برات یا
nautical mile (1852 meters)	ميل بحری	سفته
mother (father) land	میهن	days of grace or
patriot	میهن پرست	مهلت قضائی
patriotism	میهن پرستی	respice, granted by court
		stipulated time-limit
		ایام مهلت
		days of grace
		قطع مهلت / تعلیق مهلت
		toll
		مهلك
		fatal; deadly; pestilent
		میانجی
		mediator; arbitrator
		میانجیگری
		mediation; good offices
		average
		میانگین

name		MATRIMONII; from the bond of
family name; surname	نام خانوادگی	matrimony
first name	نام شخصی / نام کوچک	EX CONTRACTU; ناشی از قرارداد
middle name	نام وسط	from or out of a contract
unlimited; infinite;	نامحدود	controller; supervisor; observer ناظر
endless; boundless		to provide for ناظر به چیزی بودن
SINE DIE; indefinitely	بطور نامحدود	something; to govern; to apply
stranger; outsider; one	نامحرم	receiver ناظر تصفیه
in front of whom a Moslem woman is		government comptroller ناظر حساب
supposed to veil herself		observer; ناظر مجمع عمومی شرکت
betrothed;	نامزد (م ۱۰۳۶ ق م)	scrutineer
engaged; nominated; designated -		valid; effective; binding; نافذ
candidate; fiancé; fiancée		penetrating; permeating
to put up	نامزد انتخابات کردن	to be binding; to be نافذبودن
or propose candidate for election		in force and effect
presidential	نامزد ریاست جمهوری	defective; deficient; ناقص
nominee		imperfect; mutilated
betroth; to affiancé;	نامزد کردن	to mutilate; to ناقص کردن
to nominate; to designate		injure severely
betrothal; candidature;	نامزدی	deformed; malformed ناقص الخلقه
promise to marry; engagement		handicapped; one ناقص العضو
REPUDIUM;	بهم زدن نامزدی	having a physical deformity
breaking off of the contract of		to maim ناقص العضو کردن
espousals or of a marriage intended		foolish; stupid; ناقص العقل
to be solemnized		dull; mentally deranged
unlawful; illegal;	نامشروع	(Fegh) one conveying
illegitimate; legally prohibited		or transferring property to another;
honour; chastity; reputation	ناموس	conveyor; transmitter; narrator
letter; deed	نامه	lawful transferor ناقل قانونی
commercial correspondence;	نامه تجاری	name; christian name; نام
business letter		first name
official letter	نامه رسمی	trade name نام بازرگانی
letters	نامه تقاضای نیابت قضائی	pseudonym; alias; false نام جعلی



abolisher; order superseding previous	ناشم / نايم (م ۲۹ ق ح ق)	a sleepy
one		person; one who is asleep
(Fegh) two or	ناسخ و منسوخ	minor; under age نابالغ
more narrations some superseding the		discerning minor نابالغ مميز
others		blind نابینا
nationalism	ناسیونالیسم	North Atlantic Treaty ناتو
publisher	ناشر	Organization (NATO)
(Fegh) a husband who	ناشر	physical incapacity; ناتوانی جنسی
fails to perform his conjugal duties		impotence; inability to accomplish -
vis- a- vis his wife		sexual coition
shrew; shrewish woman	ناشره	of half blood ناتنی
or wife; (Fegh) a wife who fails to		unjust; unjustified; undue ناحق
perform her conjugal duties vis- a- vis		district; region; ward; area ناحیه
her husband		littoral region ناحیه ساحلی
arising from	ناشی از / در نتیجه	gross; adulterated; mixed ناخالص
or out of; resulting; consequent		captain (of a ship); ناخدا
EX DELICTO	ناشی از جرم	naval colonel
EX DEBITO JUSTITIAE;	ناشی از حق	(naval) lieutenant colonel ناخدا دو
of right; as a matter of right		(naval) major ناخدا سه
EX AEQUO	ناشی از عدالت و انصاف	captain; naval colonel ناخدا یک
ET BONO; in justice and fairness;		step- daughter; نادختری
according to equity and conscience		irreconcilable; incompatible ناسازگار
VINCULO	ناشی از علقه زوجیت	abrogating; abolishing; ناسخ

tussle; scuffle;	تضاعف	primogeniture ; right of succession
quarrel; dispute		belonging to the first- born
affray; fighting	تضاعف در شارع عام	prime minister
in public		نخستین
courtesy; etiquette	نزاکت	first
COMITAS	نزاکت بین المللی	vow; oblation; dedication
GENTIUM; international courtesy or		نذر کردن
etiquette ; comity between nations		to vow; to dedicate by
coitus; sexual	نزدیکی / مقاربت	a vow; to distribute charitably
intercourse		rate; (current) price
matrimonial	نزدیکی پس از ازدواج	rate of exchange
intercourse		نرخ اسمی
sexual	نزدیکی به شبهه (م ۱۰۵۵ قم)	nominal interest rate
intercourse through mistake		parity ratio
to have sexual intercourse; کردن		نرخ برابری
to lie		interest rate; rate
agony of death	نزع	of interest
descent; fall;	۱- نزول / پایین آمدن	bank rate
descending		نرخ بهره بانکی
social descending	نزول اجتماعی	money interest rate
interest of money;	۲- نزول / ربح	نرخ پولی
(borrowing money on) interest; usury		نرخ پیشنهادی درون بانکی لندن
discounting of a bill	نزول برات	Interbank Offered Rate (LIBOR)
anatocism; compound	نزول در نزول	equilibrium interest rate
interest		نرخ تعادل
usurer	نزول خوار	rate of discount
usury; defeneration	نزول خوارگی	marine charge
decreasing; interest- bearing	نزولی	نرخ حمل و نقل دریایی
race	نژاد	official rate
racist	نژاد پرست	نرخ رسمی
racism	نژاد پرستی	bank rate of discount
lineage; parentage;	نسب	نرخ رسمی تنزیل
consanguinity; blood relation		fair price
		نرخ عادلانه
		non- default
		نرخ غیرتخلف قراردادی
		contractual rate
		legal rate of interest
		نرخ قانونی بهره
		commodity rate
		نرخ کالا
		tax rate
		نرخ مالیات
		real interest rate
		نرخ واقعی
		flat rate
		نرخ یکدست
		tariffication; rating;
		نرخ بندی
		fixing prices
		نرخ بندی کردن
		to rate; to tariff

director; vice president	نایب رئیس مجلس شورا	rogatory; rogatory letters
deputy speaker	نایب رئیس هیئت مدیره	open letter
vice- chairman	نایب کنسول	نامه سرگشاده
of the board of directors	نایم نائم	نامه سفارشی
vice- consul;	نرد	registered mail;
consular agent	نیش قبر	registered letter; special delivery letter
a sleepy person;	نیش قبر کردن	نامه سفارشی دوقبضه
one who is asleep	نبوت	registered letter
battle; conflict;	نسی	with returned receipt
combat; struggle	نتایج / ج. نتیجه	petition
exhumation; disinterment	نتایج حیوانات / موالید حیوانات (م ۳۴ قم)	نامه شکوائیه
to exhume; to disinter	نتیجه / ماحصل	outgoing letter
prophecy; prophetic mission	نجات	نامه صادره
propheet	نجات دادن	unofficial or
breed; progeny	نجات (ج. نجیب)	نامه غیررسمی
results;	نجات	friendly letter
outcomes; consequences	نجات	confidential letter
progeny of animals	نجات	نامه محرمانه
result; outcome;	نجات	postman; mailman;
consequence; conclusion	نجات	نامه رسان
great grandchild	نجات	postboy; courier
deliverance; salvation	نجات	warship; battleship;
to save; to deliver	نجات	ناو
the nobles;	نجات	battle- cruiser; frigate; boat
the nobility; aristocrat	نجات	ناو هواپیما
(ceremonially) unclean or	نجات	flagship
impure; the untouchable	نجات	ناو اسوار
decent; noble; gentle;	نجات	navigator
aristocrat	نجات	ناوبر
gift; donation	نجات	navigation
the elite	نجات	ناوچیه
right of	نجات	ناوشکن
		destroyer
		fleet; battle fleet
		merchant fleet;
		merchant marine
		LOCUM TENENS; deputy;
		نایب
		substitute; representative
		deputy custodian
		نایب التواهی
		deputy governor
		نایب الحکومه
		regent; viceroy
		نایب السلطنه
		vice- president;
		نایب رئیس
		deputy- chairman
		vice- president
		نایب رئیس جمهور
		deputy manager or
		نایب رئیس شرکت

erection; installation;	نصب	address	نشانی
appointment		publishing; spreading	نشر
(one-) half; fifty per cent	نصف	about; publication	
to reduce to	نصف کردن	publication of false news;	نشر اکاذیب
half; to divide in halves		communication of libelous matters to a third person; the act of making the defamatory matter known publicly	
share; portion; lot;	نصيب	scrip issue	نشر سهم جایزه
part; destiny		publication; leaflet	نشریه
appointed or	نصب مفروض	vulgar publication	نشریه مستهجن
apportioned share		sitting; meeting;	نشست / جلسه
sperm; the male	نطفه (م ۱۹۴ ق م)	session	
seed; descent; progeny; embryo; germ		shrewishness; (Fegh)	نشوز
supervision; control	نظارت	disobedience (on the part of a spouse, esp. a wife)	
high supervision	نظارت عالی	text; wording	نص
to control; to	نظارت کردن	the text	نص صریح اینست که
supervise; to oversee		clearly states that	
order; system;	نظام	the letter or text	نص قانون
arrangement; discipline		of the law; the letter of a statute	
special regulations	نظامات مخصوصه	quorum; estate or	نصاب
Medical Association	نظام پزشکی	quantity liable to taxation; taxable limit	
	نظام تک مجلسی / قوه مقننه یک مجلسی	portion of inheritance	نصاب ارث
unicameral system		(that must devolve upon the heirs);	
	نظام قضائی مبتنی بر سوابق قضائی و آراء محاکم	under the laws of Iran it is two- thirds of a person's property	
judge- made law		quorum of the meeting	نصاب جلسه
	نظام دو مجلسی / قوه مقننه دو مجلسی	share of estate	نصاب وصیت
bicameral system		at the free disposal of the testator;	
guilds system	نظام صنفی	disposable portion of an estate (one- third, under Iranian law)	
the aggregate of laws	نظام قضائی	Nazarenes; Christians	نصاری
and regulations in force in a given society at a given time			
trusteeship system	نظام قیمومت		
compulsory military	نظام وظیفه		
service; draft service; conscription			
by- law; regulation(s)	نظامنامه		

implied abrogation	نسخ ضمنی	collateral	نسب به خط اطراف
de facto abolition	نسخ عملی	consanguinity	
repealing or abrogation	نسخ قانون		نسب به خط عمودی صعودی (م ۱۲۰۱ ق م)
of law		lineal consanguinity in direct ascending line	
to abrogate; to abolish	نسخ کردن		نسب به خط عمودی نزولی (م ۱۲۰۱ ق م)
general abrogation	نسخ نوعی	lineal consanguinity in direct descending line	
copy	نسخه	lineal consanguinity	نسب به خط مستقیم
original copy	نسخه اول	legitimate parentage	نسب قانونی
first of exchange	نسخه اول برات	illegitimate parentage	نسب نامشروع
file copy	نسخه بایگانی	order of relationship	ضابطه نسب
presentation copy	نسخه تقدیمی	pedigree; genealogy;	نسب نامه
duplicate copy	نسخه ثانوی / نسخه دوم	genealogical tree	
second of (م ۲۵۹ ق ت)	نسخه ثانوی برات	relation; connexion;	نسبت
exchange		consanguinity; ratio; proportion	
third of exchange	نسخه ثالث برات	PRO RATA; proportionately;	به نسبت
manuscript (copy)	نسخه خطی	proportionally; in the ratio of; in the proportion of; according to a certain rate, percentage or proportion	
facsimile	نسخه عین	to divide,	به نسبت صحیح تقسیم کردن
in duplicate	در دو نسخه	share or distribute proportionally	
in triplicate	در سه نسخه	pro rata; relative;	نسبی
in quadruplicate	در چهار نسخه	proportional	
in quintuplicate	در پنج نسخه	consanguineous; genealogical	نسبی
in sextuplicate	در شش نسخه	copies	نسخ (ج. نسخه)
transcription	نسخه برداری	rescission; abrogation;	نسخ / باطل کردن
generation; race; offspring;	نسل	abolition; repeal; annulment;	---
stock		revocation	
from generation	نسلاً بعد نسل	derogation	نسخ جزئی
to generation		particular abrogation	نسخ شخصی
credit transaction; on credit	نسیه	(opp. general a.)	
to buy on credit	نسیه خریدن	express abrogation	نسخ صریح
extended credit	نسیه طولیل المدت		
to sell on credit	نسیه فروختن		
decoration; badge;	نشان		
emblem; insignia; order			

social order	نظم اجتماعی	internal regulations	نظامنامه داخلی
decorum of the court	نظم دادگاه	military	نظامی
law and order; (م ۱۷۵ قم)	نظم عمومی	militarization	نظامی کردن
public order, peace or tranquillity		opinion	نظر
legal order	نظم قضائی	whereas; in view of	نظر به اینکه
police	نظمیه	the fact that; considering that; since	
(Fegh) lochia; (م ۱۱۴۰ قم)	نقاس	to expertize; to	نظر فنی دادن
blood discharged from uterus after childbirth		give expert opinion	
petroleum; oil	نفت	judge's finding	نظر قضائی
crude oil	نفت خام	expert (م ۴۴۵ آدم)	نظر کارشناس
kerosene	نفت سفید	advice, appraisal or opinion	
black oil; fuel oil	نفت سیاه / نفت کوره	dissenting opinion	نظر مخالف
gas oil	نفت گاز / گازوئیل	advisory opinion	نظر مشورتی
oil tanker	نفت کش	concurring opinion	نظر موافق
breath; respiration	نفس	the	نظر موافق و مخالف در موضوعی
soul; self; life; the	نفس	pros and cons of a subject	نظری که هیأت متصفه در ذیل برگ بازجویی
individual thing; the vital principle; itself; essence		inquisition	می دهد
carnal soul	نفس اماره	opinion; view; theory;	نظریه
the thing itself;	نفس امر	recommendation; suggestion	
the essence (of a thing or affair)		theory of attribution	نظریه اسناد
universal soul	نفس کلی	original	نظریه اصالت قدرت تصمیم گیری
personally; in person	به نفس	power of decision theory	
PER SE; in itself;	فی نفس	theory of fault	نظریه تقصیر
by himself; intrinsically; inherently		the alter ego	نظریه جزء لاینفک
profit; interest; benefit;	نفع	doctrine	
gain; advantage		theory of risk	نظریه خطر
alimony; allowance (م ۱۰۸۵ قم)	نقشه	alter ego	نظریه شخصیت ثانوی
for necessities; subsistence;		doctrine; doctrine of second self	
maintenance expenses		theory of agency	نظریه نمایندگی
allowance to (م ۱۲۰۴ قم)	نقشه اقارب	order; good order;	نظم
family members		regularity; system; arrangement;	
		discipline	

cash; ready money;	نقدینه	prisoner's allowance	نقشه زندانی
precious articles or possessions;		alimony; (م ۱۱۰۷ قم)	نقشه زوجه
articles that can easily be converted into cash		maintenance allowance	
map; plan; drawing; (م ۶۵ قم ع)	نقشه	ratification of agreement	نقشه عقد
design		negation; denial;	نقشه نفی
defense charts	نقشه تحصنات	disproving; rejection; the negative	
strategic plan	نقشه نظامی	double negative	نقشه نفی در نفی
topography; mapping;	نقشه برداری	negation; denial;	نقشه نفی موجب اثبات است
survey (ing)		two negatives make a positive	
oceanography	نقشه برداری از اقیانوسها	to negate; to deny;	نقشه نفی کردن
aerosurvey;	نقشه برداری هوایی	to disprove	
aerial topography		exile; banishment;	نقشه نفی بلد
draftsman; cartographer	نقشه کش	deportation; expatriation	
drawing; cartography	نقشه کشی	to exile; to banish	نقشه نفی بلد کردن
deficiency; defect;	نقص	disavowal of	نقشه نفی ولد
decrease; diminution		paternity; disowning of offspring	
defect or deficiency	نقص عضو	defects; deficiencies; (ج. نقیصه)	نقص
of a limb		lacunas; shortcomings; imperfections	
depreciation; deficiency;	نقصان	cash; ready money;	نقد / پول رایج
decrease; shortage; deficit; loss		coin; specie	
quash; breach; violation	نقض	to sell for cash	نقد فروختن
anticipatory (قرارداد)	نقض پیش از موعد	to cash	نقد کردن
breach and repudiation		to discount a bill	نقد کردن سندی پیش از سر رسید و با دادن
quash or (م ۵۵۸ آدم)	نقض حکم	cash and credit	نقد و تسویه
reversal of judgment; vacating		in or for cash;	نقد آ
annuling or setting aside of judgment		for the present; for the time being	
abjuration; breach of	نقض عهد	cash; pecuniary; monetary	نقدی
promise or covenant		liquidity	نقدینگی
breaking,	نقض قانون / قانون شکنی	liquidity of banks	نقدینگی بانکها
breach or violation of law		international	نقدینگی بین المللی
breach of contract;	نقض قرارداد	liquidity	
violation of an agreement		asset liquidity	نقدینگی دارائی

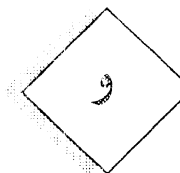
to violate; to break;	نقض کردن	to marry;	به حلاله نکاح در آوردن
to disaffirm; to reverse; to breach; to quash		to take in marriage	
denunciation of treaty	نقض معاهده	diriment impediments;	موانع نکاح
conveying; transfer;	نقل	bars to marriage	
quotation; narration; tradition		diriment or	موانع دائمی نکاح
transfer; conveying	نقل و انتقال	absolute impediments	
transfer; conveying	نقل و انتقال	relative impediments	موانع نسبی نکاح
transfer with no consideration;		marriage deed or	نکاح نامه
gratuitous transfer		certificate	
tactical march	نقل و انتقال جنگی	rejecting; refusing	نکول
or movement		to accept; dishonoring (a bill)	
absolute transfer	نقل و انتقال قطعی	refusal by	نکول از بعین
donation	نقل و انتقال محاباتی	defendant to take oath	
against a small consideration		refusal of	نکول برات (م ۲۲۸ ق ت)
transmitted; scriptural	نقلی	acceptance; refusal of a bill;	
specie; cash money;	نقد (ج - نقد)	dishonouring a bill	
coins; funds; hard cash		QUI	نکول بعد از قبول مسموع نیست
defect; deficiency;	نقصه	APPROBAT NON REPROBAT; he	
shortcoming		who approbates does not reprobate;	
chief; leader	نقیب	i.e., he cannot both accept and reject	
contradictory; contrary;	نقض	the same	
inconsistent		to be dishonored	نکول شدن
contradictory remark	نقضه	to dishonor; to abstain	نکول کردن
or judgment		refusal by	نکول مدعی علیه
marriage; wedding;	نکاح	defendant to take oath	
matrimony		refusal by defendant to take the oath	نکول مدعی علیه از قسم و رد قسم
incest	نکاح با محارم	and rebut the oath of plaintiff	
putative marriage	نکاح با محارم به جهل	keeping; protection;	نگاهداری
permanent marriage	نکاح دائم	maintenance; safe custody	
marriage wherein	نکاح مفوض	crate	نگله
marriage portion is not determined		depository	نگهدارنده (شیئی، سند)
temporary marriage	نکاح متقطع	scripholder	نگهدارنده (اوراق بهادار)

contractual	نماینده گی قراردادی	facing; facade; visible	نما
agency		part; outward appearance	
consular agency	نماینده گی کنسولی	growth; product; accession;	نماء
or representation		appurtenances	
agency of company	نماینده گی شرکت	CAUSA REI;	نمائات (م ۴۵۹ ق م)
represented by;	به نمایندگی	things accessory or appurtenant;	
representing; acting on behalf of		ACCESSIO; accessories; accretions;	
agent; representative	نماینده	accessions; appurtenances; fittings	
accredited	نماینده آکرده	accessions;	نمائات متصله (م ۲۸۷ ق م)
representative		fixtures which are part of the realty	
sole or exclusive	نماینده انحصاری	itself	
agent		separable	نمائات منفصله (م ۲۸۷ ق م)
commercial	نماینده بازرگانی / نماینده تجاری	accretions	
or business agent		daily prayers	نماز
insurance agent	نماینده بیمه	fair; exhibition	نمایشگاه
papal nuncio;	نماینده پاپ	public fair	نمایشگاه عمومی
internuncio; legate; apostolic delegate		representatives;	نمایندگان (ج - نماینده)
commercial	نماینده تجاری / نماینده بازرگانی	agents	
or business agent		state representatives	نمایندگان دولت
registration clerk	نماینده ثبت	or agents	
(for registration of property)		diplomatic body or	نمایندگان سیاسی
representative	نماینده ثبت احوال	corps; diplomatic representatives	
of registration department at the		members of the	نمایندگان شهر
Notary's office		city council	
permanent delegate	نماینده دائمی	agency; representation;	نماینده گی
or representative		delegation; deputyship	
	نماینده دادستان (م ۵۵۱ آد م)	exclusive agency	نماینده گی انحصاری
representative of the public		commercial agency	نماینده گی تجاری
prosecutor		news agency	نماینده گی خبری
officer; official;	نماینده دولت	to depute	نماینده گی دادن
government agent		diplomatic	نماینده گی سیاسی
diplomatic agent or	نماینده سیاسی	representation	
officer		legal representation	نماینده گی قانونی

institution	نهاد	shipping agent	نماینده کشتیرانی
international institution	نهاد بین‌المللی	alternate delegate or representative	نماینده علی‌البدل
institutionalization	نهادی کردن	chief representative	نماینده عمده
plunder; pillage	توب	unpaid representative	نماینده غیرموظف
movement	تهدت	legal representative	نماینده قضائی
	تهدت بین‌المللی اتحاد برادرانه میان نژادها و مردم	judicial representative	نماینده قضائی
International Movement for Fraternal Union Among Races and Peoples		general agent	نماینده کل
World Movement of Mothers	تهدت جهانی مادران	consular agent	نماینده کنسولی
prohibition; negative command	نهی	or officer	
enjoining others not to do what is unlawful	نهی از مکر	ship's husband	نماینده مالک کشتی
to forbid; to prohibit	نهی کردن	member or deputy of the parliament	نمایند مجلس
vice regency; deputyship; succession	نیابت	paid or salaried representative	نماینده موظف
contractual delegation of power	نیابت اختیاری	number	نمره
to assign; to depute	نیابت دادن	serial number	نمره ترتیبی
regency	نیابت سلطنت	graph; chart	نمودار
implied agency	نیابت ضمنی	organizational chart	نمودار سازمانی
representation by operation of law	نیابت قانونی	histogram	نمودار ستونی
contractual delegation of power	نیابت قراردادی	sample; specimen	نمونه
rogatory commission	نیابت قضائی	specimen signature	نمونه امضا
representation by operation of law	نیابت قهری	deputies	نواب (ج. نایب)
to act on behalf of another	نیابت کردن	district governors	نواب حکام / بخشداران
		regions; areas	نواحی (ج. ناحیه)
		littoral regions	نواحی ساحلی
		fluctuation; oscillation; swing; sway	نوسان
		economic fluctuation	نوسان اقتصادی
		seasonal fluctuations	نوسان فصلی
		exchange rate	نوسان نرخ ارز
		fluctuations	
		grandchild	نوه

Nations Emergency Force (UNEF)	نیروی اضطراری سازمان ملل متحد	on behalf of; in the right of	به نیابت / نیابتاً از طرف
manpower	نیروی انسانی	vicarious	نیابتی
multi-national force	نیروی چندملیتی	intention; purpose; object; aim; desire	نیت
United Nations Peace Keeping Force	نیروی حافظ صلح سازمان ملل متحد	good faith	حسن نیت
naval force; navy	نیروی دریائی	bad faith	سوء نیت
land forces; army	نیروی زمینی	deceit; trick; fraud	نیرنگ
drawing force	نیروی محرک	fraude a la loi; legal device	نیرنگ به قانون legal
militia; national resistance force	نیروی مقاومت ملی	tricky or deceitful (person)	نیرنگ ساز
armed force	نیروی مسلح	force; power	نیرو
nuclear power	نیروی هسته‌ای	army of occupation	نیروی اشغالگر
air force	نیروی هوائی	United	نیروی اضطراری سازمان ملل متحد
mezzanine (floor)	نیم طبقه		
semi official	نیمه رسمی		

lawful or legal heir	وارث مشروع / وارث قانونی	Jonit Inspection Unit	واحد مشترک بازرسی
unconditional heir;	وارث مطلق	protest	واخواست
heir apparent		notice of protest	واخواست نامه
heir presumptive	وارث مقدر / وارث درجه دوم	object of protest	واخواسته
sole heir	وارث منحصر به فرد	respondent; party against whom a protest is made	واخوانده
heirless	بی وارث	protester	واخواه
heiress	وارثه	protestation; protesting	واخواهی
imports	واردات	to persuade, oblige or compel a person to do something	وادار کردن
forbidden or prohibited imports	واردات قاچاق		
intervenor	وارد ثالث	procuration; procuring women for lewd purposes	وادار کردن زنان به فحشا (م ۲۱۳ ق م ع)
to import; to enter;	وارد کردن	to intimidate	وادار کردن با تهدید
to register		heir; inheritor; heritor;	وارث
importer	وارد کننده	heiress; devisee	
to settle; to pay;	واریز کردن	heir beneficiary	وارث اختیاری
to deposit		legal heir; immediate	وارث بلائصل
cheque clearing	واریز و وصول چک	heir; next of kin	
and collection		heir testamentary	وارث به وصیت
broker	واسطه / دلال	heir	وارث حاجب دار / وارث درجه دوم
realist	واقع بین	presumptive	
realism	واقع بینی / واقع گرایی	heir apparent	وارث درجه اول / وارث مسلم
event; incident;	واقعه	heir	وارث درجه دوم / وارث مقدر
happening; occurrence; circumstance;		presumptive	
accident		to nominate or appoint	وارث ساختن
legal act	واقعه حقوقی	as one's heir; to legate	
SCRIBA; a scribe (obs)	واقعه نویسی	heir collateral	وارث سببی
BONA FIDE; real; actual;	واقعی	to inherit; to succeed	وارث شدن
true; genuine; factual		lawful or	وارث قانونی / وارث مشروع
actuality; reality;	واقعیت	legal heir; heir-at-law; rightful heir	
truth; fact		heir apparent	وارث مسلم / وارث درجه اول
objective reality;	واقعیت عینی		



to maintenance or alimony		affiliated; affiliate; attached; related; connected; attache; relative; dependent	وابسته
to be necessary; to be incumbent	واجب بودن	commercial attache	وابسته بازرگانی
(Fegh) a duty applying to all members of society but as soon as discharged by one, others are no longer bound to perform it	واجب کفائی	naval attache	وابسته دریایی
single; unique; unit	واحد	attache	وابسته سیاسی
yardstick	واحد اندازه گیری / مقیاس	cultural attache	وابسته فرهنگی
monetary unit	واحد پول	press attache	وابسته مطبوعاتی
controlled entity	واحد تحت کنترل	military attache	وابسته نظامی
unit of temperature	واحد دما	air attache	وابسته هوایی
(Celcius, Fahrenheit; etc)		Vatican; Holy See	واتیکان
measure of length (meter, yard, etc)	واحد طول	SINE QUA NON;	واجب
yard, etc)		indispensable requisite or condition; obligatory; necessary; binding; essential; indispensable	
measure of capacity	واحد ظرفیت	proprietary	واجبات مالی (م ۸۶۹ ق م)
(bushel, barrel, gallon, quart, liter, etc)		charges or duties; financial obligations of a decedent (civil and religious)	
unit cost or price	واحد قیمت	due; owing; payable	واجب الادا
unit of linear measure	واحد مسافت	deserving to be observed or honoured	واجب الرعايه
(mile, kilometer, etc)		deserving death	واجب القتل
unit of weight (ton, kilo, pound, gram, etc)	واحد وزن	one entitled	واجب التفقه (م ۱۲۰۵ ق م)

bond; amount of guarantee	وجه الكفاله	واهب (م ۷۹۵ قم)
amount of bail	وجه امانی	واهبه
trust fund; a deposit	وجه تخلف از شرط (م ۲۳۰ قم)	وتو
default	وجه تنخواه گردان	از حق و تو استفاده کردن
price	وجه نقد	وئقه (م ۴۱۰ قت)
imprest account, fund	وجهی که بابت راهنمایی کشتی دریافت می‌شود	pawn; security;
or cash; working fund; revolving fund	وجهی که بابت گذشتن از املاک خصوصی	security for payment of a debt; bond;
cash money; sum in cash	پرداخت می‌شود	written undertaking; pledge; guaranty;
وجهی که بابت راهنمایی کشتی دریافت می‌شود	وجهی که بابت گذشتن از شاهراهها و معابر	collateral
pilotage	عمومی پرداخت می‌شود	retention (پول)
toll- traverse	وجهی که بابت خرید مدت زندان قابل	(money)
toll thorough	خریداری پرداخت می‌شود	secured debt
ransom	انتقال وجه	وئقه عینی
remittance	در وجه	وئقه‌ای را فک کردن
to the order of; to the account	در وجه اینجانب	to redeem a
of	در وجه حامل	security
to my account	دهنده وجه	pledgee; pawnee
payable in favor of bearer	۲- وجه/ روش	pledger
payer	وجه تولید	money; funds; sums
way; manner; phase	به وجه ملزم	sinking funds
mode of production	وجهه ملی	وجه استهلاکی
in binding form;	وحدت	reserve fund
in an irrevocable manner	وحدت رویه	وجه بربیه (م ۱۳۹ آدم)
popularity; reputation	وحدت ملی	contribution; charities
unity; monism	وحدت وجود	money at
precedent	وحشیانه	call and short notice
national unity		reserve fund
monism; unitism;		public funds
pantheism		۱- وجه/ پول
savagely; wildly;		وجه اجاره/ اجاره بها
		rental; rent
		subscription fee
		وجه التزام (م ۳۳ قم ع)
		an amount of
		money in lieu of the undertaking ;
		deposit ; collateral; sum of money
		stipulated under penalty clause
		وجه الضمان
		caution money; guaranty;

instalment loan	وام اقساطی	physical fact
loan at interest	وام با بهره	۱- واقف/ آگاه
loan on collateral	وام با وثیقه	aware; informed;
loan on overdraft	وام بدون پشتوانه	cognizant
aid in grant	وام بلاعوض	۲- واقف/ وقف کننده
time loan	وام به وعده	bequeather or
interest free loan	وام بی بهره	settler of a pious foundation;
secured loan	وام تضمین شده/ وام با وثیقه	benefactor; donor
production loan	وام تولید	واکشی
house procurement loan	وام تهیه مسکن	واکشی های متقابل دورانی
to ask or request	وام خواستن	interactions
for a loan	وام دادن	to hand over;
to lend; to loan;	وام درازمدت	to transfer; to leave; to assign; to give
to give a loan to	وام دیداری	over; to make over; to turn over
long term loan	وام روز	واگذار کردن مال غیر منقول با وصیت
call loan; demand loan	وام رهنی	واگذار کردن مال منقول با وصیت
day loan	وام شرافتی	واگذار کننده
loan on mortgage	وام ضروری	alienor; transferor;
loan on trust; debt	وام عندالمطالبه/ وام دیداری	assignor; grantor; conveyor
of honor	وام کارگشائی	assignment; grant;
emergency loan	وام کوتاه مدت	conveyance ; alienation ; transfer;
demand loan;	وام گرفتن	turning over
call loan	وام مشارکت	واگذاری اختیاری
workout loan	وام مصرفی	واگذاری غیر قطعی
short term loan	وام مطمئن	transfer
to borrow; to take a loan	وام دهنده	definitive transfer
participation loan	وام گیرنده	والدین
consumption lending;		والدین کش/ والدین کشی
loan for consumption or use		والی
hard loan		وام/ فرض
loaner; lender; loan		loan; debt; lending;
holder; scrivener		borrowing
loanee, borrower		وام اجباری
		compulsory loan
		compassionate loan
		foreign loan
		inland loan
		fiduciary loan
		وام ارفاقی
		وام از خارج
		وام از داخل
		وام اعتباری

Chancellor's Office; (U.S.)	در پشت ورقه	overleaf
Department of Justice	ورود به دعوی	joinder
Ministry of Finance	وزارت دارائی	third
Ministry of National Defense ; (U.S.) Department of Defense	وزارت دفاع ملی	party intervention; joinder by a third party; a third party intervening in lawsuit; introduction of a third party;
Ministry of Roads and Transportation	وزارت راه و ترابری	impleader
Ministry of Arts and Culture	وزارت فرهنگ و هنر	admission fee; entrance fee
Ministry of Labour and Social Affairs	وزارت کار و امور اجتماعی	ministry; (U.S.) وزارت/ وزارتخانه
Ministry of Agriculture; (U.S.) Department of Agriculture	وزارت کشاورزی	department; seat, offices or building of a ministry
Ministry of the Interior; (U.K.) The Home Office; (U.S.) Department of the Interior	وزارت کشور/ وزارت داخله	Ministry of Islamic Guidance
ministers	وزرا (ج. وزیر)	Ministry of Information
minister	وزیر	Ministry of Economic Affairs and Finance
prime minister;	وزیر اعظم/ نخست وزیر	Ministry of Foreign Affairs; (U.K.) Foreign Office; (U.S.) Department of State
premier		Ministry of Health;
Minister of Foreign Affairs ; (U.K.) Foreign Secretary ; (U.S.) Secretary of State	وزیر امور خارجه	(U.S.); Department of Health
Postmaster General	وزیر پست	Ministry of Post , Telegraph and Telephone ; (U.K.) Postmaster General's Office; (U.S.) Post Office Department
Minister of Justice;	وزیر دادگستری	(U.K.) وزارت جنگ/ وزارت دفاع
(U.K.) Lord Chancellor ; (U.S.) Attorney General		Ministry of Defence; (U.S.) Department of Defense
(U.K.) Chancellor of the Exchequer ; (U.S.) Secretary of the Treasury	وزیر دارائی	وزارت داخله/ وزارت کشور
ex- minister	وزیر سابق	the Interior (U.K.) The Home Office; (U.S.) Department of the Interior
Minister of the	وزیر کشور	وزارت دادگستری / وزارت عدلیه
		Ministry of Justice (U.K.) Lord High

bankrupt	ورشکسته به تقلب (م ۵۴۹ ق ت)	barbarously; cruelly
fraudulent bankrupt		revelation; inspiration وحی
card; letter; paper;	ورقه	celestial or divine (م ۲ قاجا)
document; form; sheet; leaf	ورقه اجرائیه	revelation
copy of judgment		gospel truth; inspiration وحی منزل
bearing the executory formula; writ of enforcement or execution		from God
letters patent, (م ۲۴۹ ق م ع)	ورقه اختراع	deposit; contract (م ۶۰۷ ق م)
familiarly termed as "patent"		of deposit
documentary evidence	ورقه استشهاد	bank deposit
signed by witnesses; affidavit		to deposit
declaration form	ورقه اظهارنامه	bank depositor (م ۶۰۷ ق م)
placard; poster; notice	ورقه اعلان	trustee (م ۶۰۷ ق م)
subscription form; (share)	ورقه تمهید سهم (م ۱۲ ق ا ق ت)	heirs
subscription application		collateral heirs
warrant (of (م ۲۲۲ آ ذ ک)	ورقه جلب	forced heirs
arrest)		coheirs
charge sheet	ورقه حاوی مشخصات متهم	coparceners
notice of call;	ورقه دعوت	collateral heirs
invitation card; letter of invitation		inheritance; (م ۸۷۵ ق م)
ballot paper	ورقه رأی (م ۹۱ ق م ع)	succession
official note or letter	ورقه رسمی	heirs
form		heirs of the slain
identity card or	ورقه سبیل / ورقه هویت	or murdered person
paper		to go bankrupt;
share certificate (م ۲۷ ق ا ق ت)	ورقه سهم	to become bankrupt; to be insolvent;
letter of indemnity	ورقه ضمانت	to fail
negotiable (م ۲۵ ق ا ق ت)	ورقه قابل معامله	bankruptcy; insolvency;
instrument		failure
debenture (م ۵۲ ق ا ق ت)	ورقه نرضه	bank failures
identity paper or card	ورقه هویت	fraudulent
		bankruptcy; bankruptcy by fraud
		bankrupt (م ۴۱۸ ق ت)
		culpable or simple

Interior ; (U.K.) Home Secretary ;
(U.S.) Secretary of the Interior
وزیر مختار
Minister Plenipotentiary
وزیر مقیم
resident minister
وساطت/ میانجیگری
mediation
وسایط نقلیه
means of transport; vehicles
وسائل (ج. وسیله)
means; agency;
medium; way; channel
وسائل ارتباطی
means of communication;
communication channels
وسائل مواصلت و ارتباط
means of
dominance and occupation
وصلت
conjugal or matrimonial
union; matrimony; marriage
وصایا (ج. وصیت)
wills; testaments
وصایان عمومی (م ۱۳۹ آدم)
public
bequests
وصایب
administratorship;
executorship; testament
وصایت به انتخاب وصی (م ۱۱۹۰ ق م)
will
authorizing (the administrator) to
nominate another administrator
وصایت بر اشخاص (م ۱۱۸۸ ق م)
will
authorizing the administrator to keep
the ward in his custody
وصایت بر اموال
will authorizing
the administrator to exercise
administration of estate
وصف
description; quality;
attribute; qualification;
characterization
وصول
reception; receipt; collection;
arrival

وصول طلب
collection of debt
وصول کردن
to collect; to recover;
وصول مالیات
to receive
collection of taxes;
وصول مطالبات
tax collection
collection of debts
وصول و ایصال
collection and remittance
وصول وجه حین تحویل کالا
cash on
delivery (COD)
عندالوصول / به محض وصول
on or upon
receipt; upon collection
وصی (م ۸۱۶ ق م)
executor (of
the will); administrator
وصیت (م ۸۲۵ ق م)
testament; will
وصیت به ثلث
will disposing one-
third of estate
وصیت بملیکی (م ۸۲۶ ق م)
possessory
will
وصیت شفاهی
nuncupative will;
وصیت عهدی (م ۸۲۶ ق م)
contractual
will
وصیت کردن
to make one's will
با وصیت واگذار کردن
to bequeath; to
devise; to dispose of by will
بدون وصیت
AB INTESTAT; intestate
وصیت نامه
testament; will
وصیت نامه خود نوشت
holograph will
وصیت نامه رسمی
authentic will;
وصیت نامه سری
ordinary will
mystic, secret or
closed testament
وصیت نامه نظامی
military testament;

possession of
state of affairs;
condition; position
state of martial law
former state
political and
territorial status
ablution before prayer
motherland; fatherland
sexual intercourse;
(Fegh) entry of glans into vagina or
anus
(Fegh) sexual intercourse
under mistaken identity
bestiality; buggery
duties; functions;
obligations
matrimonial duties
obligation;
responsibility; duty; function; task
burden of proof
duty of care
pension; stipend
to give a pension to
pensioner
promise; parole; agreement;
covenant; time; date; a specified date
promise of
marriage; promise to marry
promise of a contract
payable at maturity;
due at a specified date
fulfillment of an
وصیت
executrix
وضاع/ جاعل
۱- وضع/ جعل
۲- وضع
situation; state;
condition; position; manner; status
وضع اجتماعی
social condition
وضع اضطراری / وضع فوق العاده
state of
emergency
وضع بنا
to erect a building
وضع حمل
delivery; childbirth
وضع شرط در سند
proviso
وضع فعلی / وضع کنونی
STATUS QUO;
the existing state of things at any
given date
وضع فوق العاده / حالت اضطراری
state of
emergency
وضع قانون
legislation; enactment;
passing or making of law
وضع کنونی / وضع فعلی / وضع موجود
STATUS QUO
وضع مالیات
levying or imposing of tax
وضع مالی
financial standing
وضع مطلوب / حالت مطلوب
optimum;
most favorable conditions
وضع موجود
STATUS QUO;
the existing state of things at any
given date
وضع موجود قبلی
STATUS QUO
ANTE; the previously existing state of
things
وضع بد
acquisition
وضع بد کردن
to possess; to take

وضعیت

وضعیت حکومت نظامی

وضعیت سابق

وضعیت سیاسی و ارضی

وضو

وطن

وطی (م ۱۳۹ ق ح ق)

وطی به شبهه

وظایف (ج. وظیفه)

وظایف زناتوئی

۱- وظیفه/ تکلیف

وظیفه اثبات

۲- وظیفه/ مستمری

وظیفه دادن

وظیفه خوار/ وظیفه گیر

وعده

وعده ازدواج (م ۱۰۳۵ ق م)

وعده عقد

وعده دار

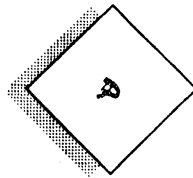
وفای به عهد

lawyer; barrister; attorney (ق م)
 for legal purposes; counselor- at- law;
 an advocate
 attorney- at- law وکیل دعوی
 attorney in a (م ۶۲ آدم) وکیل سازش
 reconciliation
 shyster وکیل شیاد
 assistant public وکیل عمومی / دادیار
 prosecutor; (U.S.) district attorney;
 prosecuting attorney; state attorney
 to appoint as one's deputy; وکیل کردن
 to appoint attorney, advocate or proxy
 authorized attorney; وکیل مجاز
 admitted attorney or lawyer
 Member of Parliament; وکیل مجلس
 Majlis deputy; deputy of the --
 Parliament
 defense counsel; وکیل مدافع
 advocate; (U.K.) barrister at law;
 (U.S.) attorney at law
 consulting lawyer وکیل مدافع کتبی
 or barrister; legal expert; (U.K.)
 solicitor
 full proxy; fully وکیل مطلق
 authorized agent
 attorney empowered to وکیل منفرد
 act individually
 principal and agent وکیل و موکل
 friendship ولاء
 governors- general ولایت
 birth ولادت
 provinces ولایات (ج. ولایت)
 guardianship; ولایت (م ۱۱۸۱ ق م)

another
 به وکالت از طرف متعاملین اقدام کردن
 to represent both parties
 by proxy; on behalf of; وکالتاً
 in the right of another
 power of attorney; وکالت نامه
 letter of attorney; proxy
 attorneys; deputies; وکلا (ج. وکیل)
 Members of Parliament
 attorney; agent; proxy; وکیل
 advocate; lawyer; counsel; (U.K.)
 solicitor; barrister; (U.S.) attorney or
 counselor at law
 practical وکیل پایه دو (معادل تقریبی)
 lawyer
 practical وکیل پایه سه (معادل تقریبی)
 lawyer
 fully authorized attorney وکیل تام الاختیار
 (in criminal وکیل تسخیری / وکیل انتخابی
 cases) court appointed attorney; (in
 civil cases) counsel EX PFFICIO to
 assist a poor person
 وکیل ثابت الوکاله (م ۴۱ ق ۱۱)
 irrevocable attorney
 legal practitioner وکیل حرفه‌ای
 steward وکیل خرج
 attorney وکیل در توکیل (م ۶۷۲ ق م)
 with the right of substitution or
 subdelegation
 وکیل در قبض حق / وکیل در اخذ حق (م)
 an agent empowered to وکیل ۶۴۴ ق م
 receive what is due; collecting agent
 وکیل در محاکمه / وکیل در مرافعه (م ۶۶۴)

attorney or agent
 to have power of attorney وکالت داشتن
 or proxy; to have attorneyship or
 authorization
 agency وکالت در انجام امور
 attorney in a sale وکالت در بیع
 attorney with the وکالت در توکیل
 right of substitution
 MANDAT وکالت در دادگاهها
 AD LITEM; proxy to appear in court
 advocacy وکالت در دعوی
 agent وکالت در قبض ثمن (م ۶۶۵ ق م)
 for the receipt of the purchase price;
 collecting agent
 implied attorneyship وکالت ضمنی
 full power of وکالت عام (م ۶۶۰ ق م)
 attorney
 to be a lawyer or وکالت کردن
 barrister; to go to the bar; to act as
 another's agent or procurator; to act
 as counsel; to practice law
 referred وکالت مسخر / وکالت انتخابی
 brief
 full power of وکالت مطلق / وکالت عام
 attorney
 special وکالت مقید / وکالت خاص
 power of attorney; act of specific
 agency
 به وکالت / به نمایندگی
 PER
 PROCURATION ("per proc", or
 "P.P"), by proxy; on behalf of;
 representing
 to represent به وکالت از غیر اقدام کردن

obligation
 وقف (م ۵۵ ق م) WAGHF; endowment, pious foundation
 وقف بر نفس
 endowment for the benefit of the donor himself
 وقف بر مصالح عامه
 dedication; public endowment
 وقف خاص
 endowment to the private individuals (such as the donor's
 offspring generation after generation)
 وقف عام
 endowment to the public
 وقف کردن
 to endow (for pious purposes); to dedicate
 وقف نامه
 deed of endowment
 وکالت
 attorneyship; proxy;
 agency; contract of agency; lawyer's
 or barrister's profession; procurator
 وکالت انتخابی / وکالت تسخیری
 referred
 brief; a brief referred to a counsel
 EX OFFICIO to assist a poor person
 وکالت انفرادی (م ۶۶۱ ق م)
 individual attorneyship
 وکالت تسخیری / وکالت انتخابی
 referred
 brief
 وکالت تشریعی
 member's (electoral) mandate
 وکالت جمعی (م ۶۷۰ ق م)
 joint or collective attorneyship
 وکالت خاص (م ۶۶۰ ق م)
 special power of attorney; act of special
 agency
 وکالت دادن
 to empower; to give a power of attorney; to appoint as



donation of a debt	هبه ما فی الذمه	joker; humorist;	هازل (م ۲۹ قح ق)
donation of future estate	هبه معدوم	comedian; fool; clown; buffoon; one	
donation against consideration	هبه ممرض (م ۴۸ ق م م)	who habitually makes jokes	
donative	هبه ای	marginal note; postscript;	هامش
donor; donator	هبه دهنده / واهب	footnote; recommendatory note (to	
donatress	هبه دهنده زن / واهبه	urge or back a petition)	
donee	هبه گیرنده	gift INTER VIVOS;	هبه (م ۷۹۵ ق م)
deed of gift or grant	هبه نامه	donation INTER VIVOS; disposition	
asperser (of another's reputation); defamer	هتاک	INTER VIVOS; grant	
aspersion; revilement	هتاک	revocable	هبه قابل رجوع (م ۴۹ ق م م)
to cast aspersions	هتاک کردن	donation	
on a person's reputation; to revile someone		testamentary	هبه بوسیله وصیت تملیکی
outrage; criminal attempt	هتک	donation	
breach of close;	هتک حرز (م ۲۲۶ ق م ع)	donation INTER VIVOS	هبه حقوقی / هبه عادی
house breaking;		donation in disguise	هبه خفی
breaking and entering		donation	هبه در زمان حیات / هبه عادی
defamation	هتک حرمت (م ۲۶۹ ق م ع)	INTER VIVOS	
aspersion (of another's reputation)	هتک شرف	donation in disguise	هبه صوری
violation; immoral	هتک ناموس	donation INTER VIVOS	هبه عادی / هبه حقوقی
		to give; to make a	هبه کردن
		donation of; to bestow; to donate	

guardian; tutor; lord;	ولی	authority; province; state	
master		ولایت اجباری / ولایت به معنی خاص	
special	ولی خاص (م ۱۱۹۴ ق م)	natural or inherent guardianship	
guardian		Imam's authority	ولایت امام
	ولی دم / ولی فصاص (م ۴۷ قح ق)	religious	ولایت امر (م ۱۰۷ قاج)
literally, owner of the blood; heirs of		leadership	
a murdered person (with the		natural	ولایت به معنی خاص / ولایت ذاتی
exception of husband and wife who		or inherent guardianship	
cannot retribute nor pardon the guilty		general guardianship	ولایت عامه
but inherit the blood money)		legal guardianship	ولایت قانونی
natural guardian	ولی قهری	judge's job	ولایت قضا
crown prince	ولیه مهد	natural	ولایت قهری / ولایت ذاتی
to make havoc of	ویران کردن	guardianship	
visa	ویرا / روادید	to cease	از تحت ولایت خارج شدن
courtoisie	ویزای تشریفاتی / ویزای کورتوازی	to be under guardianship	
visa		son; child;	ولد (م ۸۸۴ ق م)
single journey visa	ویزای تک مسافرتی	offspring	
diplomatic visa	ویزای دیپلماتیک	illegitimate child;	ولد زنا
multiple journey visa	ویزای چندین مسافرت	bastard; natural child	
transit visa	ویزای عبور	the child belongs	الولد للفراش
	ویزای کورتوازی / روادید تشریفاتی	to the marriage bed	
courtoisie visa		vagrant; vagabond;	ولگرد
entry visa	ویزای ورود	idle wanderer	
special; net	ویژه	vagrancy; vagabondage	ولگردی

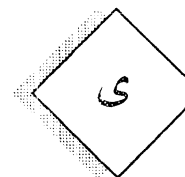
initial expenses; first outlay; initial outlay	هزینه مقدماتی	to involve expenses	هزینه دربرداشتن
custody expenses	هزینه نگهداری	costs and fees for prosecuting the case; costs of a lawsuit	هزینه دعا
child care expenses	هزینه نگهداری طفل	office allowance (م ۶۹۱ آدم)	هزینه دفتر (م ۶۹۱ آدم)
deferred charges	هزینه‌های انتقالی	or expenses	
to debit to expenses	به هزینه بردن	costs and (notary's) fee for drawing up a deed	هزینه دفترخانه
cost allocation	تخصیص هزینه	competition costs	هزینه رقابتی
to incur expenses	متحمل هزینه شدن	mortgage charge	هزینه رهن
loss of life (م ۲۵۳ ق م ع)	هلاک نفس (م ۲۵۳ ق م ع)	expenses for construction work in progress	هزینه ساختمانهای نیمه تمام
Red Crescent	هلال احمر	capital expenditure	هزینه سرمایه‌ای
HOMAFAR; air force technician	هوافر	or expenses	
coordination	هماهنگی	travelling expenses	هزینه سفر
bed fellow or partner	همبستر	conduct- money	هزینه سفر شاهد
correlation	همبستگی	ordinary expenses	هزینه عادی
neighborhood	همجواری	general or sundry	هزینه عمومی
collaborator; aid; accomplice	همدست	charges; sundries	
equal in rank	هم رتبه	deductible (م ۱۲۳ ق م م)	هزینه قابل قبول (م ۱۲۳ ق م م)
coexistence	همزیستی	expense	
peaceful coexistence	همزیستی مسالمت آمیز	costs for issuing a writ	هزینه قرار
neighborhood	همسایگی	labour costs or charges	هزینه کار
spouse (wife or husband)	همسر	expert's fees; (U.S.) consultancy fees	هزینه کارشناسی
monogamy	نک همسری	to spend; to allocate	هزینه کردن
polygamy	چند همسری	funds for; to expend	
cooperation	همکاری	burial expenses	هزینه کفن و دفن
economic cooperation	همکاری اقتصادی	customs duties	هزینه گمرک
friendly relations and cooperation among states	همکاری و روابط دوستانه دولتها	variable costs	هزینه متغیر
Regional	همکاریهای عمران منطقه‌ای	miscellaneous expenses	هزینه متفرقه
Cooperation for Development (RCD)	همگونی (قاعده)	average cost	هزینه متوسط
EJUSDEM		consumption expenditure	هزینه مصرفی

overheads; overhead expenses	هزینه بالاسری	offense; rape	هجرت
bank charges	هزینه بانکی	emigration (of Mohammad SA from Mecca to Medina)	هجری
budgetary expenditure	هزینه بودجه‌ای	HIJRAH; HEGIRA; HEJIRAH	در سال هفتاد هجری
interest charges	هزینه بهره	in the year 70	A.H. (i.e ANNO HEJIRAH)
operating expenses; working expenses; operating costs	هزینه بهره‌برداری	satire; libel; epigram; lampoon (ing)	هجو (م ۲۶۹ ق م ع)
outstanding expenses	هزینه پرداخت نشده	to lampoon; to libel; to satirize	هجو کردن
medical expenses	هزینه پزشکی	epigrammist	هجو گو
entertainment expenses	هزینه پذیرائی	written satire; libel	هجو نامه
postage	هزینه پست	destruction; annihilation; demolition; extinction; obliteration; extirpation; accidental burial	هدم (م ۸۷۳ ق م)
capital outlays	هزینه تأسیساتی	present; offering; dedication	هدیه
costs for attaching relief	هزینه تأمین دلیل	expense(s); expenditure; charge(s); costs; outlays; disbursement	هزینه
costs for securing evidence	هزینه تحقیقات محلی	advertising expenses	هزینه آگهی
costs for local investigations	هزینه تصدیق وصیتنامه	contingent expenses	هزینه احتمالی
probate duty	هزینه تفکیک	administrative expenses; management expenses	هزینه اداری
partition costs	هزینه تعبیر	current	هزینه استاندارد و مورد قبول
stamp duty	هزینه توقیف	standard costs	هزینه انبارداری
expenses of attachment	هزینه ثابت	storage; warehousing	charges
fixed or constant costs	هزینه ثبت	deferred charges	هزینه انتقالی
registration fees	هزینه جاری	initial expenses or outlay; first outlay	هزینه اولیه
current or running expenses	هزینه جزئی	wharfage charges	هزینه باراندازی
petty expenses	هزینه حمل		هزینه بارگیری و باراندازی از کشتی (بوسیله دویه)
shipping charges; freight charges; carriage	هزینه دادخواست	lighterage (charges)	
fee for filing			
an action; cost of lodging a plaint	هزینه دادرسی (م ۴۱ آدم)		
legal expenses; court costs			

Nations	or body	هیئت نمایندگی (م ۲ ق م م)
cabinet (council);	delegation	هیئت وزرا
council of ministers	permanent missions to the United	هیئت نمایندگی‌های دائمی در ملل متحد

board or panel of arbitrators	هیئت داوری	GENERIS; of the same kind, class or nature
council of ministers; cabinet	هیئت دولت	هم‌سلک of the same principles or policy
diplomatic corps	هیئت دیپلماتیک / هیئت سیاسی	هم‌میهن compatriot; countryman
administrative body; executive or managing committee; presiding board; directorate or the managing committee of the meeting of board of directors	هیئت رئیسه	همه‌پرسی / رفراندوم referendum
diplomatic body	هیئت سفرا	هنر art
diplomatic corps	هیئت سیاسی / هیئت دیپلماتیک	هنرهای تجسمی visual arts
scientific mission	هیئت علمی	هنرهای تزئینی decorative arts
Full Bench of the Supreme Court; Supreme Court sitting in banc or bank	هیئت عمومی تمیز	هنرهای زیبا fine arts
fact-finding mission; investigation commission	هیئت کشف حقایق	هوابمایی کشوری Civil Aviation
consular corps	هیئت کنسولی	Organization
board of directors	هیئت مدیره	identity هویت
bar council	هیئت مدبره کانون	board; council; committee; mission; corps هیئت
the legislative body	هیئت مقننه	executive committee هیئت اجرایی
elective body; electorate	هیئت منتخبه	board of examiners هیئت اختیار
jury	هیئت منصفه	board of هیئت اداره (م ۳۷ ق ت)
grand jury	هیئت منصفه دادگاه‌جائی	managers or directors هیئت اعزامی
grand jury	هیئت منصفه عالی	mission; delegation هیئت‌امنا
board of	هیئت نظارت (م ۵۹۸ ق ت)	board of trustees هیئت بدوی (م ۴۳ ق ت)
control; supervisory board	هیئت نظارت بر صلح	preliminary committee هیئت تبلیغی
peace observation commission	هیئت نظارت بر صلح	mission هیئت تجدیدنظر (م ۴۱ ق ت)
diplomatic corps	هیئت نمایندگان سیاسی	revision committee هیئت تحقیق
		investigation commission هیئت تشخیص
		verification committee هیئت تفتیش (م ۳۷ ق ش س)
		board of inspection هیئت حاکمه
		governing body هیئت حل اختلاف (م ۳۴ ق ک)
		board of settlement of disputes

a hundred (obs)	ready units
یونسکو (سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد)	right
UNESCO (United Nations Educational Scientific and Cultural Organization)	oath
یونیسف (صندوق بین‌المللی سازمان ملل برای کودکان در مواقع اضطراری)	declaratory oath
UNICEF (United Nations International Children's Emergency Fund)	promissory oath
	oath taken by claimant
	decisive oath, sworn
	at the demand of the other party, upon which the decision of the court will be based
	centurion; the head of
	یوزباشی



unlawful possession	بد غیرقانونی	menopause	یانسگی
lawful possession	بد قانونی / بد شرعی	menopausal; woman on the wane	یائسه
subsequent possession	بد لاحق	to reach menopause	یائسه شدن
in a series of possessions of a thing		note; memorandum;	یادداشت
to dispossess; to	خلع بد کردن	memoire	
oust; to evict		AIDE- MEMOIRE;	یادداشت سیاسی
to be in a person's	در بد شخص بودن	diplomatic note	
possession		verbal note	یادداشت شفاهی
to possess; to take	وضع بد کردن	formal note	یادداشت رسمی
possession of			یادداشت غیررسمی / یادداشت بدون امضا
vehicle towing a car,	بدک کش	memorandum; memo; note	
boat, barge, etc		insurgent; rebellious;	یاغی
spare; extra	بدکی	mutineer	
EN BLOC; EN MASSE;	یکجا	mutiny; rebellion	یاغیگری
in a lump sum; all together		possession; power;	بد
unilateral	یک جانبه	authority; right	
monogamist	یک زن	possession of	یدامانی
consolidated; in a	یک کاسه	another's property given in trust	
lump sum		possession	یدتصرف
monogamy; monoandry	یک همسری	previous or former	ید سابق
SERIATIM; severally;	یکی یکی	possession in a series of possessions of a thing	
separately; individually; one by one		unlawful possession	یدعادی / یدعدوان
fighting or battle -	یگان‌های رزمی		

This dictionary claims neither to be comprehensive nor free from errors, nor does it incorporate systematic use of rules of lexicography. For instance, while certain difficult verbs have been included with their main entries, others have been left out. Certain entries which rightly belong to an English-Farsi dictionary have come up in this work. Or, a number of non-technical, ordinary words which properly belong to a general dictionary have found their way in it. Likewise, British and American spellings have been used simultaneously (e.g., labour, labor, metre, meter).

Sometimes it is rather difficult to keep the singular or plural number of Farsi words corresponding to same number of its counterpart in English. Thus it is possible that the singular number of a Farsi term may have a plural number in its English equivalent, or vice versa.

Most compound terms have been cross-indexed. If a particular compound term is not found in its place in the sub-entries, it may be located under a different sub or main entry.

Comparison of two legal institutions from two different legal systems, such as trust under Common Law and Vaqf under Iranian law, is by no means easy. Sometimes it is just not possible to render the meaning of a term accurately from one language into another. One can, at best, get close to the meaning or notion thereof in the other language. In such cases either the nearest meanings have been given or the term has been explained in English.

In spite of our best endeavours this work may have left much to be desired which undoubtedly will not escape the scrutiny of scholars who, we hope, will help us improve and update its subsequent edition by commenting on it.

In the compilation of this work frequent use was made of Dr. Jafari Langaroudi's Terminoloji-e Hoghough, Tehran (Second Edition), Black's Law Dictionary, Fifth Edition (1979), the New Th. A. Quemner Legal Dictionary, Paris (1974), Vajeh Nameh Hoghough by Dr. Abdol-Hamid Abdolhamd, Tehran, Third Edition (1977), S. Haim's Persian-English Dictionary, Tehran (1975), Webster's New Twentieth Century Dictionary, Second Edition (1979), the Concise Oxford Dictionary, Seventh Edition (1984) and hundreds of legal documents encountered in our professional life. We acknowledge our indebtedness to the above sources.

We also wish to express our sincere thanks to all our learned friends who in one way or another guided and corrected, inspired and encouraged us from the beginning until the completion of this work. Our special thanks, however, are due to Messrs. A. Abdolhamd, M. Ghaibi, M. Kazazi, J. Niaki and A. Hendizadeh.

The Hague, Holland
March 1993

Masouduzzafar Samimi Kia
B.A., LL.B.

FOREWORD

Lexicography is a difficult and subtle art, especially if it is bilingual. This task is made further difficult if it relates to a dictionary of law dealing with legal systems which are poles apart and spring from two entirely different sources, such as the present one.

Lack of a Farsi-English law dictionary and its urgent need, however, justify our boldness to undertake such a task for which we were so ill-equipped. Nevertheless, someone had to take the first step, howsoever weak or awkward. Subsequent steps will undoubtedly be firmer and surer.

It took us several years to produce the present work which deals with administration, arbitration, banking, commerce, customs, economics, export, Feqh, finance, taxation, insurance, international law, Islamic culture and United Nations terms.

The legal terms of this dictionary provide meanings of and explanations for several thousand general Iranian law terms and Feqh jargon, as expressed from time to time by the Iranian Majlis in, inter alia, the Civil Code of Iran, the Civil Procedure Code of Iran, the Commercial Code of Iran, the Law of Punishments and Retribution, and many more statutes and pieces of legislation. It also contains annotations from the aforesaid sources which could be very useful to law students, scholars, and professionals who wish to do further research in this field.

We hope that students of law, lawyers, business executives, translators, and other users will find it handy and useful despite its shortcomings.

فرهنگ حقوقی

فارسی - انگلیسی

LAW DICTIONARY

Persian - English

تألیف

مسعود الظفر صمیمی کیا
فروز آذر فر (هندی زاده)



تهران - خیابان جمهوری، ساختمان آلمینیم، طبقه پنجم، شماره ۵۲۲

تلفن : ۶۷۵۱۲۱-۶۷۷۴۸۲-۶۷۹۲۶۲

۲۸۴۵۱۰-۲۸۹۷۱۰